

قم نامه

# آثار

کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمیٰ نجفی مریخی مد ظله العالی

(ایران - قشم)

فارسی - شماره ۳

زینب  
بید حسود مریخی



# قم نامه

( مجموعه مقالات و متون در باره قم )

دوئی طباطبائی

\* کتاب : قم نامه

\* نگارش : سید حسین مدرس طباطبائی

\* انتشار : کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی

\* چاپ : چاپخانه خیام - قم

\* سال : ۱۳۶۴ ش ( ۲۰۰۰ عدد )

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این دفتر مرکب است از مقالات و رسائل زیر:

۱ - مقاله‌ای دربارهٔ خاندان صفی امراء مستقل قم در قرن هشتم تا میانهٔ دههٔ دوم قرن نهم هجری. این مقاله صورت مکمل و اصلاح شدهٔ مقاله‌ای است که چند سال قبل در مجلهٔ بررسی‌های تاریخی نشر شده بود.<sup>۱</sup>

۲ - مقاله‌ای دربارهٔ سکه‌های ضرب قم .

۳ - کتابچهٔ طوائف و ایلات دارالایمان قم ، این کتابچه جزء رسائلی است که در دورهٔ ناصری به منظور تدوین مرآت البلدان فراهم آمده و نسخهٔ آن در مجموعه‌ای است که قبلاً به شمارهٔ ۷۲۵ در کتابخانهٔ وزارت دارائی بوده و اکنون در محل کاخ گلستان نگهداری می‌شود.<sup>۲</sup> رساله در حوالی سال ۱۲۹۶ به دستور

---

۱ . مقالهٔ « خاندان علی صفی ، شهریارانی گمنام » در شماره‌های ۱ - ۴ سال هشتم بررسی‌های تاریخی .

۲ . ببینید فرهنگ ایران زمین ۶ : ۸ / راهنمای جغرافیای تاریخی قم : ۱۶ .

میرزا مهدی خان اعتضاد الدوله حکمران قم و کاشان تألیف شده است .

۴ - کتابچه تفصیل حالات و املاک و مستغلات و قنوات و بلوکات دارالایمان قسم ، نوشته شده به سال ۱۲۹۶ به دستور همان حکمران ، که نسخه آن نیز در همان مجموعه یاد شده بالاست . این کتابچه در شیوه ترتیب و مطالب با دو کتابچه دیگری که پیش از این در کتاب «راهنمای جغرافیای تاریخی قم» به چاپ رسیده<sup>۱</sup> مشابه است و هر یک دارای فوایدی اضافی است .

۵- کتابچه اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم، نوشته محمدتقی بیگ ارباب<sup>۲</sup> در سال ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵<sup>۳</sup>، از همان مجموعه .

۶ - کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان، که به دستور اعتضاد الدوله در سال ۱۲۹۶ برای تدوین مرآت البلدان نگاشته شده و نسخه آن نیز در همان مجموعه یاد شده پیش است . کاشان در آن دوره مانند بسیاری ادوار دیگر ضمیمه حکومت قم بوده و کتابچه مزبور به همین مناسبت در پایان مجموعه حاضر به عنوان ضمیمه گذاشته می شود .

۷ - رساله جوابات مسائل رکنیه از میرزا ابوالقاسم قمی ، محقق ، صاحب قوانین که نیز به عنوان ضمیمه ( به آن ملاحظه که اثری از یکی از دانشمندان مشهور قم در دوره قاجار است ) در پایان این مجموعه گذاشته شد .

---

۱ . کتابچه افضل الملك در صفحات ۶۷ - ۱۵۰ آن مجموعه و کتابچه دیگر در صفحات ۱۵۱ - ۲۰۶ .

۲ . برای شرح حال او ببینید کتاب شناسی آثار مربوط به قم : ۷۳ - ۷۸ و مآخذ آن راهنمای جغرافیای تاریخی قم : ۱۴ - ۱۷ و ۱۸ - ۱۵۳ .

۳ . ببینید تاریخ دارالایمان قم او : ۲۹ . او در رساله حاضر، ذیل سخن از قنات ناصری ، از خود به همان گونه که در تاریخ دارالایمان قم : ۱۱۶ دیده می شود یاد نموده است .

این رساله پاسخ پرسش‌های «ملاعلی مازندرانی ملقب به رکن» است و بیشتر پرسش‌ها در مسائل اعتقادی است. مسودهٔ اصل این رساله ضمن مجموعه‌ای از رسائل نویسنده در قم، و دو نسخه‌ای دیگر در دانشگاه<sup>۱</sup> و مدرسهٔ آیه‌الله بروجردی در نجف<sup>۲</sup> است، نائب‌الصدر شیرازی در طرائق الحقائق<sup>۳</sup> بندی از این رساله را - از پرسش و پاسخ دوم - نقل و چند سطر در بارهٔ آن بحث و گفتگو کرده است.

قم - مهرماه ۱۳۵۶  
حسین مدرسی طباطبائی

- 
۱. ضمن شماره ۱۸۲۷/۳ (بینید فهرست دانشگاه ۸ : ۴۲۴).
  ۲. ذریعه ۲۰ : ۳۴۹ - ۳۵۰.
  ۳. جلد اول، ص ۲۱۲ - ۲۱۳ چاپ سنگی (تهران - ۱۳۱۸/۱۹ ق).



- ۱ -

خاندان صفی





پس از درگذشت ابوسعید ایلخانی به سال ۷۳۶ سرزمین ایران به يك بار دستخوش آشوب و اغتشاش و درهم ریختگی و تشتتی بیمانند گردیده و خانخانی و ملوک الطوائفی سراسر کشور را فرا گرفت . سرداران مغول که در ایلات مستقر بودند سرخود مختاری برداشتند و هر يك با تهیه سپاه و لشکرکشی‌ها گوشه‌ای از ایران را مطیع خویش ساختند . از این پس تا پایان قرن هشتم که تیمور بر آن نقاط دست یافت کشورما با این گونه دشواری‌ها و آشفته‌گی‌ها دست به گریبان بود و بر هر قسمت آن یکی از سلسله‌هایی که در این ملوک الطوائفی پدید آمده بودند فرمانروایی می نمود .

در این میان بسیاری از نقاط نیز بود که در قلمرو هیچ يك از سلسله‌های مزبور قرار نداشت و به وسیلهٔ امراء و خاندان‌های مقتدر محلی اداره می گردید . ضمن بررسی تاریخ نیمهٔ دوم قرن مزبور به نام بسیاری از این خاندان‌ها و قدرت‌های محلی برخورد می کنیم . شبانکاره‌ای نام بسیاری از آنان را در پایان کتاب خود یاد نموده است<sup>(۱)</sup> . ابن عربشاه می نویسد که تیمور در سال ۷۸۴ با هفده تن از امراء گیلان و رستم‌دار و عراق که هر يك در منطقهٔ خود با استقلال کامل فرمانروایی

۱ . مجمع الانساب : برگ ۲۹۱ به بعد عکس ش ۳۰۰ دانشگاه .

می‌نمودند مکاتبه کرد<sup>۱)</sup>. قلاشندی نیز در صبح الاعشی از « صفار الملوك المتفردين ببعض البلدان بعد ابوسعید » سخن داشته است<sup>۲)</sup>.

### قم در دوران فتوت :

آگاهی ما از وضع قم پس از حمله مغول تا آخرین سال‌های قرن هشتم چندان وسیع نیست . این را می‌دانیم که قم در سال ۶۲۱ به دست سپاهیان مغول آن چنان ویران و قتل عام شد<sup>۳)</sup> که تا میانه قرن نهم آثار آن برجای بود و هرگز موقع اهمیت پیشین خود را بازیافت<sup>۴)</sup> . در کتاب‌های تاریخ این دوره از قم در چند مورد معدود نام می‌آید که معلوماتی محدود و کوتاه در این باره به دست می‌دهد .

در قرن هشتم وضع روشن‌تر و اطلاعات مسا در این باب بیشتر است . تا چهارمین دهه این قرن قم همچون نقاط دیگر ایران در تصرف امراء ایلخانی بود و پس از برجیده شدن بساط حکومت آنان در شمار مناطقی درآمد که از قلمرو همه سلسله‌های این دوره بیرون و برکنار بود به این ترتیب که یکی از خاندان‌های اصیل و مقتدر محلی اداره امور را به دست گرفت<sup>۵)</sup> . این خاندان تا سال ۷۵۹

۱. عجائب المقدور (به نقل اعیان الشیعه ۱۵ : ۳۷۰ . به بعد چاپ نخست و ۱۵ : ۲۵۴ - ۲۵۹ چاپ دوم) و ترجمه فارسی آن به نام « زندگانی شکفت آوریتمور » : ص ۳۶ .
- ۲ . صبح الاعشی ۷ : ۲۶۵ .
- ۳ . کامل ابن اثیر ۹ : ۳۵۳ / تاریخ مبارک‌غازانی : ۳۵۰ / تاریخ بناکتی : ۳۶۸ / العبرذهی ۵ : ۸۲ / روضة الصفا ۵ : ۹۸ / حبيب السير ۳ : ۳۳ / النجوم الزاهرة ۶ : ۲۵۸ / شذرات الذهب ۵ : ۹۴ .
- ۴ . نزهة القلوب : ۷۴ / آثار العباد : ۴۴۲ / تاریخ جدید یزد : ۲۳۰ دیده شود .
- ۵ . مجمع الانساب : برگ ۲۹۱ همان عکس دانشگاه . نیز تاریخ جعفری : برگ ۱۸۳ ب عکس ش ۵۹۲۸ دانشگاه بتلویخ .

که فصل اخیر مجمع الانساب نگاشته می‌شد - برخلاف دیگر قدرت‌های محلی که هر يك پس از چندی در قلمرو یکی از سلسله‌های آن دوره تحلیل رفته بود - همچنان اداره امور این منطقه را عهده داری می‌نمود<sup>۱</sup> .

در سال ۷۶۴ که اولیاء الله آملی تاریخ رویان خود را به نگارش درآورد باز همچنان قم و مضافات در تصرف قدرت محلی بود<sup>۲</sup> . پس از این حافظ ابرو نیز در وقایع سال ۷۹۳ در شرح ماجرای ورود شاه منصور مظفری به قم از خاندان مقتدر محلی به عنوان « حاکم و صاحب سیاست این منطقه » یاد کرده و می‌نویسد : « مدت‌های مدید و عهده‌های بعید بود که از آن خاندان کسی ظاهراً به ملازمت سلاطین و امراء مکلف نبود اگر چه بر حسب صلاح بسا مجموع جوانب طریقهٔ اخلاص و دولت خواهی مرعی می‌داشته‌اند »<sup>۳</sup> .

حتی در زمان تیمور نیز دست امرای او از این نقطه به دور بود . پیر احمد ساده که در سال ۷۹۰ به حکومت عراق عجم منصوب شد<sup>۴</sup> و خلیل میرزا - فرزند میرزا میران شاه و نوادهٔ تیمور - که از ۸۱۲ تا ۸۱۴ عنوان امیر عراق داشت<sup>۵</sup> هیچ يك بر این منطقه دست نداشتند . ابن شهاب یزدی در شرح

---

۱ . مجمع الانساب : همان جا . پس گفتهٔ کسانی که قم را در این دوره داخل قلمرو چوپانیان ( مرآت البلدان ۴ : ۲۵۵ و مصادر آن ) یا آل مظفر ( تاریخ جعفری : برگ ۱۹۰ ب و ۱۸۰ عکس دانشگاه ) پنداشته‌اند درست نیست .

۲ . تاریخ رویان : ۱۹۶ .

۳ . برگ ۱۸۸ عکس ۲۶۸۹ و برگ ۱۲۸ عکس ۳۷۳۲ دانشگاه .

۴ . حبیب السیر ۳ : ۴۴۲ .

۵ . تذکرهٔ دولت شاه سمرقندی : ۳۹۷ / مطلع السعدین ۲ : ۱۲۴ به بعد / مجمل فصیحی ۳ : ۲۰۷ / نسخ جهان‌آرای : ۲۳۶ .

اوضاع قلمرو تیموری پس از مرگ اوبه سال ۸۰۷ به این موضوع اشاره نموده  
ومی نویسد: «قم و نواحی از قدیم با مردم آن ولایت داشتند»<sup>۱)</sup>.

### خاندان صفی :

خاندان مقتدر و حاکم قم «خاندان صفی» بود که دو قرن - از میانه قرن هفتم  
تا دومین دهه قرن نهم - در این شهر نفوذ و عظمتی داشته و از موقع اجتماعی  
مهمی برخوردار بوده، و افرادی از آن میان سال‌های ۷۳۶-۸۱۵ در قم و مضافات  
آن با اقتدار و به استقلال فرمانروایی داشته‌اند.

از سابقه تاریخی خاندان صفی اطلاعی دقیق در دست نیست جز آن که  
نویسنده جامع التواریخ حسنی در وقایع سال ۸۱۵ ضمن شرح ماجرای  
کشته شدن آخرین امیر آنان به دست اسکندر فرزند عمر شیخ از دولت دویست  
ساله آن خاندان یاد نموده است<sup>۲)</sup>.

قدیم ترین آگاهی ما درباره این خاندان آن است که خواجه اصیل الدین  
فرزند علی صفی نیای بزرگ خاندان، نایب خالصه جات «خواجه علاء الدین  
محمد هندو» وزیر مشهور آن دوره در قم بوده، و هم این را می دانیم که نخستین  
امیر این خاندان «خواجه تاج الدین علی» فرزند او بوده و پس از وی پسر  
عمش «خواجه علی صفی» دوم بر امور دست یافته و فرمانروای این خطه  
گردیده است<sup>۳)</sup>.

۱. جامع التواریخ حسنی: ۳۹۳ ر نسخه کتابخانه ملی.

۲. همان مأخذ: ۳۹۹ ر همان نسخه.

۳. مجمع الانساب: ۲۹۱ عکس ش ۳۰۰ دانشگاه. و از آنجادر: کشاورزی و مناسبات

ارضی در ایران عهد مفلول ۲: ۳۲۲.

پس از خواجه علی صفی چهار تن دیگر از بزرگان این خاندان را می‌شناسیم که یکی پس از دیگر برقم و نوابح آن حکومت نموده‌اند. جزاینان تنی چند از دیگر افراد خاندان نیز شناخته شده‌اند که از بعضی از آنان آثاری برجای مانده است.

\* \* \*

نیای بزرگ این خاندان «علی صفی» (به معنی علی بن صفی الدین) از بزرگان قم در قرن هفتم بوده که چون یکی از نوادگان وی نیز «علی صفی» خوانده می‌شده است از وی - چنان که روش پیشینیان بود - در قرن بعد به «علی صفی الماضی» تعبیر می‌گردید<sup>(۱)</sup>.

از فرزندان او چهارتن می‌شناسیم:

۱- خواجه اصیل الدین (صاحب اعظم اعدل اعلم، اصیل الدولة والدین، جمال الاسلام والمسلمین<sup>(۲)</sup>). او همان کس است که در قم نایب خالصه‌جات خواجه علاء الدین محمد هندو بوده<sup>(۳)</sup> و در بنای مورخ ۷۶۱ باغ گنبد سبز قم مدفون است<sup>(۴)</sup>.

۲- عز الدین اسحاق (صاحب اعظم سعید، عز الحق والدنیا والدین

---

۱. از این شخص در کتیبه‌های دوبنا از آثار این خاندان یاد می‌شود: مقبره خواجه اصیل الدین مورخ ۷۶۱ و مزار احمد بن قاسم مورخ ۷۸۰ باوصف «ماضی» در این مورد دوم نیز در دیباچه ترجمه تاریخ قم.

۲. کتابه بقعة خاکجای او (تربت پاکان ۲: ۵۴).

۳. مجمع الانساب: ۲۹۱ همان عکس دانشگاه.

۴. تربت پاکان ۲: ۵۳ - ۵۴.

۳ - - خواجه صفی الدین<sup>(۲)</sup>

۴ - - خواجه شمس الدین محمد (صاحب سعید مرحوم مغفور ، خواجه

شمس الدولة والدین محمد)<sup>(۳)</sup>

\* - از خواجه اصیل الدین یک فرزند می شناسیم او خواجه تاج الدین

علی نخستین امیرخاندان است. خواجه اصیل الدین قمی ، سومین امیرخاندان

نیز گویا فرزند خواجه تاج الدین علی و نواده اوست .

\* - از عزالدین اسحاق فرزندی می شناسیم به نام قوام الدین علی (الصاحب

الاعظم الاعدل الاعلم ، ملاذ طوایف الامم ، مستعبد ارباب السیف واصحاب

القلم ، صاحب دیوان الممالک ، ملجأ عظماء العالم ، موئل صنایع بنی آدم ،

عمیم المواهب والنعم ، عضد الخواقین ، المنصور بنصرة خیر الناصرین ، قوام

الحق والدنیا والدین ، مغيث الخلائق اجمعین علی . . . عظم الله تعالی جلال

قدره )<sup>(۴)</sup> که پس از محرم سال ۷۸۰ در گذشته و بنای بقعه احمد بن قاسم

- از مزارات قم - به دستور او انجام گردیده است .

\* - خواجه صفی الدین دو فرزند به نامهای خواجه جمال الدین علی

و خواجه عماد الدین محمود داشته است . خواجه جمال الدین علی همان

«خواجه علی صفی» دومین امیرخاندان است که دو فرزند به نامهای غیاث الدین

امیر محمد و امیر جلال الدین داشته است . خواجه عماد الدین محمود سومین

۱ . کتابه بنای مزار احمد بن قاسم قم ( مأخذ پیش ۲ : ۶۷ ) .

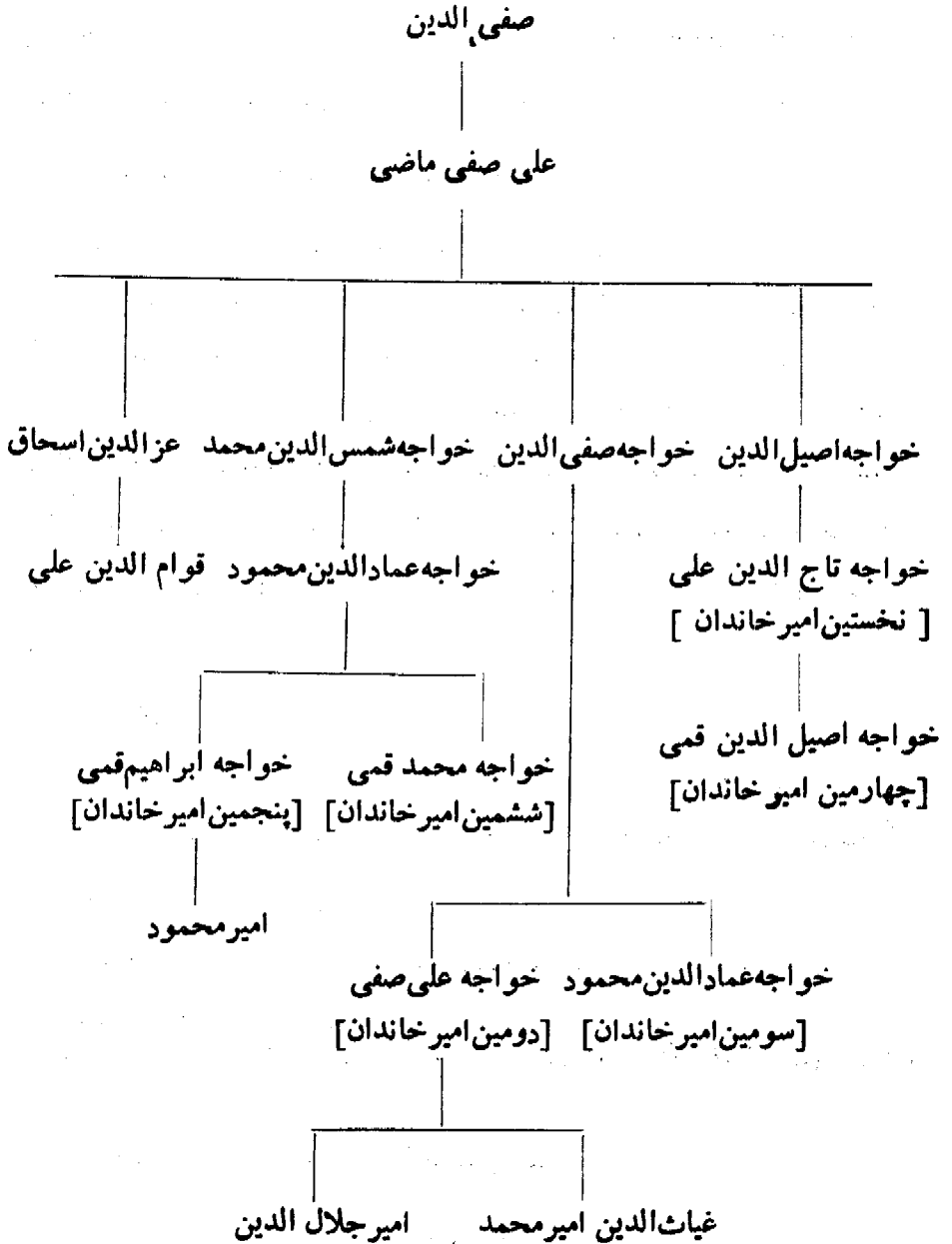
۲ . کتابه بنای مزادسید سر بخش ( مأخذ پیش ۲ : ۶۳ ) و بنای مورخ ۷۹۲ گنبد سبز

قم ( همان مأخذ ۲ : ۵۸ ) .

۳ . دیباچه ترجمه کتاب قم : ص ۳ .

۴ . کتابه بنای مزار احمد بن قاسم قم ( تربت پاکان ۲ : ۶۷ ) .

# مشجره خاندان صفی



امیر خاندان است که پس از برادر عهده دار امور بوده است .

\* - خواجه شمس الدین محمد هم فرزندی به نام خواجه عماد الدین محمود (الصاحب الاعظم السعید المغفور المبرور، مولی الوزراء فی زمانه ، الواصل الی عفو الله وغفرانه ، الخواجه عماد الدین محمود) <sup>۱</sup> داشته ، و او پدر خواجه ابراهیم قمی و خواجه محمد قمی پنجمین و ششمین امیر خاندان است . خواجه ابراهیم قمی نیز فرزندی بنام امیر محمود داشته است .

### چند نکته درباره چگونگی فرمانروایی این خاندان :

گفتیم که در چند مأخذ از مأخذ موثوق قرن هشتم ونهم موضوع استقلال امرای این خاندان در فرمانروایی برهینه قدیم خاگ قم - شهر و توابع آن روز آن - که منطفه ای وسیع بود به تصریح یاد شده است . لیکن باید بر آن افزود که این فرمانروایی در آن روز گاراز نبر و مندترین قدرت های محلی و منطفه ای مرکز ایران بوده که در بیرون این محدوده نیز به عنوان قدرتی معتبر شناخته می شده و گهگاه در منازعات خارج از منطقه عراق نیز مداخله می نموده است چنان که نمونه آن ذیل سرگذشت دومین امیر خاندان دیده خواهد شد . از این رو در میان القاب و عناوین بعضی از امرای خاندان به لقب « سپهسالار عراق » برمی خوریم <sup>۲</sup> .

از القاب دیگر آنان « صاحب قران » <sup>۳</sup> - که از القاب اختصاصی پادشاهان بزرگ بوده است - ، « شهریار علی الاطلاق » <sup>۴</sup> و « خلیفه العرب والعجم » <sup>۵</sup>

۱ . دیباچه ترجمه کتاب قم : ص ۳ .

۲ . تاریخ رویان اولیاء الله : ۱۹۶ / تاریخ طبرستان مرعشی : ۸۱ .

۳ . دیباچه ترجمه کتاب قم : ص ۲ .

۴ . همان مأخذ . نیز کتابه بنای مزار خدیجه خاتون در پنج فرسنگی قم ( تربت پاکان ۲ :

۲۰۴ ) .

۵ . کتابه همین مزار خدیجه خاتون ( مأخذ پیش ، همان جا ) .



جالب توجه و نمایاننده نیرومندی و اقتدار فرمانروایی مستقل قم در آن روزگار است .

روش فرمانروایی امراء این خاندان بر اساس همزیستی مسالمت آمیز با همه قدرت‌های متضاد پیرامون منطقه استوار بوده ، و از این رو با آن کسه دوره حکومت آنان از پر آشوب‌ترین دوران‌های تاریخ ایران و بخصوص برای مناطق مرکزی باقرار گرفتن در میان چند نیروی متخاصم زمینه‌ای مخاطره آمیز بود روش فوق موجب شد که در تمامی این کشمکش‌ها و منازعات .. همچنان که در جامع التواریخ حسنی است - قم و پیرامون آن هرگز سم ستور نبیند<sup>(۱)</sup> . آنان گاه برای دفع حملات نیروهای مهاجم پیرامون منطقه و به مقتضای مصالح وقت با قدرت‌های دور نزدیک می‌شده<sup>(۲)</sup> و به هر حال معمولاً بادیگر نیروهای هم عصر خود به صلح و صفا روزگار می‌گذرانیده‌اند .

امراء این خاندان چنان که از آثار بازمانده و القاب و اوصاف آنان نیز آشکار است مردمانی دانش دوست ، هنرپرور و درویش ، و از این رودر مناطق مجاور نیز از احترامی شایسته برخوردار بوده‌اند . تجدید حیات قم پس از ویران‌گری و قتل عام عظیم و وحشیانه مغول تا حدودی بسیار زیاد مرهون خدمات این خاندان است . آثار خوبی که از آنان تاکنون در گوشه و کنار قم برجای مانده و در پایان بحث بدان اشاره خواهد رفت نمایاننده خدمات شایسته‌ای که دودمان مزبور نسبت به این شهر انجام داده‌اند .

۱ . جامع التواریخ حسنی : ۳۹۹ ر نسخه یاد شده پیش .

۲ . حافظ ابرو : ۱۸۸ عکس ۲۸۶۹ و ۱۲۸ عکس ۳۷۳۲ دانشگاه . سرگذشت سومین امیر خاندان در همین بحث .

## امراء خاندان

### ۱ - خواجه تاج الدین علی اصیل :

فرزند خواجه اصیل الدین و نواده علی صفی ماضی . او نخستین کسی از این خاندان است که بر حکومت قم و مضافات دست یافت . آغاز فرمانروایی او پس از درگذشت ابوسعید ایلخانی به سال ۷۳۶ بوده <sup>(۱)</sup> و از سال پایان آن آگاهی دقیق به دست نیست جز آن که پیش از سال ۷۵۹ در حین عهده‌داری این مقام کشته شده است <sup>(۲)</sup> .

بنای مورخ ۷۶۱ باغ گنبد سبز قم آرامگاه او و پدرش خواجه اصیل الدین است . این بنا را خواجه علی صفی بر قبر عم و پسر عم خویش بنیاد نهاد .

### ۲ - خواجه علی صفی :

خواجه جمال الدین علی <sup>(۳)</sup> فرزند خواجه صفی الدین و نواده علی صفی ماضی . شخصیت سیاسی و اجتماعی عراق عجم در قرن هشتم و دومین امیر خاندان که پس از خواجه علی اصیل فرمانروای قم گردید و آنچه می‌دانیم تا سال ۷۷۴ در این مقام باقی بود .

در تاریخ **رویان** اولیاء الله آملی - که در دوره فرمانروایی او نوشته شده

۱ . مجمع الانساب : ۲۹۱ همان عکس دانشگاه .

۲ . چه در این سال پسر عم او خواجه علی صفی عهده دار فرمانروایی بوده است ( مجمع

الانساب : ۲۹۱ / تاریخ رویان : ۱۹۶ / تاریخ طبرستان : ۸۱ ) . در کتابه مدفن

اوست : « صاحب الشهید المغفور . . » ( تربت پاکان ۲ : ۵۴ ) .

۳ . کتابه مدفن او و مزارات سید سر بخش و خدیجه خاتون ( تربت پاکان ۲ : ۵۸ و ۶۳

و ۲۰۴ ) لیکن در مجمع الانساب : تاج الدین علی . تعدد لقب در روزگاران گذشته

— با عناوین «حاکم و سردار قم، صاحب اعظم، سپهسالار عراق»<sup>۱</sup> و در کتابه‌بناهایی از همین دوره با اوصاف: «المولی المخدوم المطلق المطاع، الشهریار الاعدل الاعلم، خلیفه العرب والعجم، صاحب السیف والقلم، حافظ البلاد ناصر العباد، مدیر امور المملکه و خلاصه ترکیب الماء والطين . . .<sup>۲</sup> اعز الله انصاره وضاعف اقتداره»<sup>۳</sup> از وی یاد می‌شود.

خواجه با فرمانروایی و نفوذ و اقتداری که در عراق عجم داشت، در کشمکش‌ها و منازعات بیرون از این محدوده نیز دخالت می‌نمود که نمونه‌ای از آن را اولیاء الله آملی چهار سال پس از وقوع آن به این ترتیب ثبت نموده است:

«فتح قلعة قوسین به دست ملك جلال الدوله اسکندر.

در تاریخی که ذکر آن خواهد رفت امرای ایغور مثل امیر کبیر پیر احمد و امیرزاده بندک اروم قیا و امیر عبیده و امیر حسن لادی و غیرهم به مخالفت ملوک اعظم — عظم الله قدرهم — با هم اتفاق کردند به نیت آن که قلعه قوسین را به دست فرو گیرند و دست نواب ملوک اعظم — عظم الله جلالهم — از وی و نواحی آن کوتاه گردانند. موبک همایون ملك اعظم جلال الدوله — عزت انصاره — در این وقت به مبارکی به موضع واریان مسکن ساخته بود، از آنجا نهضت نموده در کرج نزول فرمود و جماعت اترک لشکر گران جمع کرده بودند و به حاکم و سردار قم استظهار جسته و از آنجا «عقد مکابا» نام که از رئیس زادگان اصفهان بود و «رکن کرد» که از برنا پیشگان اصفهان بود و در قم

معمول بوده است چنان که نظیر آن در مورد خواجه علی اصیل نیز عیناً دیده می‌شود.

۱. تاریخ رویان: ۱۹۵ — ۱۹۶ / تاریخ طبرستان: ۸۱.

۲. کتابه مزار خدیجه خاتون یاد شده پیش (تربت پاکان ۲: ۲۰۴).

۳. کتابه بنای خاکجای خواجه اصیل الدین (مأخذ پیش ۲: ۵۴).

مصاحب حاکم آنجا گشته و به نوکری او منسوب شده بود و در تمامت عراق نام و آوازه او به اخی گری فاش گشته، بسی کارها از اسفاهی گری و بر ناپیشگی از دست او بر آمده بود، ایشان هر دو با صد سوار قمی و اصفهانی به مدد امر آمده بودند... ملک فخرالدوله شاه غازی... بالشکری اندک از ترك و تازیک به در قلعه قوسین خرامید. امر چون لشکر مستعد داشتند خویشان را در مقام غرور دیدن حالی با لشکری آراسته روی آوردند. ملک معظم فخرالدوله شاه غازی... در آن مصاف ثبات قدم ورزیده به یک طرفه العین ایشان را منهزم گردانید. لشکر از ترك و تازیک در عقبش راندند و شمشیر در آن لشکر کشیدند و خشک و تر نگذاشتند... و «رکن کرد» با صد تن کشته بر آمدند. مجموع اسبان و سلاح و آلات حرب از هر گستوان و جوشن و غیره غارت کرده. و این فتح اول بامداد روز آدینه بود بیست و هفتم ذی الحجه موافق چهاردهم اسفندیار ماه قدیم سنه تسع خمسين و سبعمائنه. و قلعه قوسین که از امهات قلاع ری است مستخلص کرده به امیر کبیر علی پاشا سپرد و اسیران و غنائم و اموال را با کجور نقل کرد.

بعد از مدتی حاکم و سردار قم و صاحب اعظم، سپهسالار عراق خواجه علی صفی قاصدان به بندگی ملک معظم - عزت انصاریه - فرستاد با هدایا و تقدیم عجز و عذر بدانچه گذشته بود و التماس نمود که اسیران را باز فرستد. ملک آن قاصدان را نوازش فرموده، التماس وی مبذول فرموده خلاص نمود و هم اجازت دادند که کالبد «رکن کرد» را به قم نقل کنند»<sup>(۱)</sup>.

خواجه در قم خانقاهی داشته که بیرون دروازه کنکان<sup>(۲)</sup> آنجا بوده است

۱. تاریخ رویان: ۱۹۴ - ۱۹۶ / تاریخ طبرستان: ۸۱.

۲. بینید تربت پاکان ۲: ۲۲ - ۲۴.

وجعفری در تاریخ کبیر و سمرقندی در مطلع السعیدین و رملودرا حسن التواریخ  
از آن یاد نموده اند<sup>۱)</sup>.

جز این خانقاه، از خواجه اثری دیگر نیز در قم باقی است و آن بنایی است  
که در سال ۷۶۱ بر قبر عم و پسر عم خود (خواجه اصیل الدین و خواجه تاج الدین  
علی) بنیاد نهاده است.

او پیش از سال ۷۹۲ در گذشته است. بنای مورخ ۷۹۲ باغ گنبد سبز قم  
آرامگاه اوست. برادرش خواجه عماد الدین محمود و فرزندش امیر جلال  
الدین نیز در کنار او در همین بقعه مدفونند.

از او و فرزند می شناسیم یکی همین امیر جلال الدین و دیگری غیاث الدین  
امیر محمد که آثار هنری ارزنده ای مانند بنای بقعه خدیجه خاتون در پنج فرسنگی  
جنوب قم مورخ ۷۷۰ و بقعه سید سربخش آن شهر مورخ ۷۷۴ به دستور او  
بنیاد گردیده و در کتابه آنها از وی با القابی همچون: «افتخار و نظام ایران،  
عمده اعظم وزراء عالم، غبطه ملوک و سلاطین، صاحب و مولی و مخدوم  
اعظم» یاد شده است.

### ۳ - خواجه محمود قمی :

فرزند دیگر خواجه صفی الدین و برادر خواجه علی صفی که در سال ۷۹۱  
عهده دار امور بوده است. درسکه ای که از او به تاریخ فوق در دست داریم  
وی «السلطان العادل سلطان محمود» خوانده شده و درسکه های دیگر به صورت  
«السلطان محمودخان» از وی نام آمده است. او در همین سال یا اوائل سال ۷۹۲  
در گذشته و در بنای مورخ ۷۹۲ باغ گنبد سبز قم در کنار برادر خویش به خاک  
رفته است.

۱. تاریخ کبیر. وقایع سال ۸۱۵ / مطلع السعیدین ۲ : ۱۴۰ / احسن التواریخ ۱۱ : ۸۸ .

## ۴ - خواجه اصیل الدین قمی :

گویا فرزند خواجه تاج الدین علی و نواده خواجه اصیل الدین بن علی صفی ماضی. چهارمین امیر شناخته شده خاندان که گویا بی فاصله پس از خواجه عماد الدین محمود فرمانروایی این مناطق را عهده دار گردیده باشد.

خواجه اصیل الدین به مقتضای اوضاع و شرایط خاص آخرین دهه قرن هشتم و آشفنگی های منطقه مرکزی ایران در این سالها با شاه منصور - امیر مشهور آل مظفر - روابطی دوستانه و نزدیک داشت. در همین وقت زین العابدین فرزند شاه شجاع که پس از پدر برپاره ای نقاط عراق عجم از جمله اصفهان دست یافته بود در گیر و دار معارضات خود با شاه منصور برای تصاحب و تصرف قم به این شهر لشکر کشید لیکن با مقاومت خواجه و قمیان روبرو شد و سرانجام نیز بر قم دست نیافت و به اصفهان باز گشت.

در اثنای محاصره قم خواجه برای مقابله با زین العابدین از « آغجکی » حاکم عراق مدد خواست. زین العابدین به آغجکی پیام فرستاد که خواجه اصیل باشاه منصور همداستان است و شاه منصور پس از دست یافتن بر من تو را از میان بر خواهد داشت. از این رو آغجکی از کمک به خواجه منصرف شد اندکی بعد در اوائل سال ۷۹۳ شاه منصور به عزم سرکوب کردن زین العابدین و تسخیر عراق رهسپار این سو گردیده و پس از گشودن اصفهان و کاشان به جانب قم آمد.

حافظ ابرو - مورخ مشهور این دوره - می نویسد که وی در راه کاشان به قم نخست به قلعه « ساصر م » رسید که از قلاع محکم آن ولایت است. کوتوال آنجا که از طرف خواجه منصوب بود قلعه را بسپرد و غلات بسیار که در آنجا

مدخر و موجود بود به وجه علوفه بر لشکریان تقسیم شد و بر همین منوال قلعه گیبو و قلاع دیگر میان راه همه تسلیم نمودند. «چون به حوالی قم رسید خواهی اصیل الدین قمی که در آن زمان حاکم و صاحب سیاست آن طرف بود و مدت های مدید و عهده های بعید بود که از آن خاندان کسی ظاهراً به ملازمت سلاطین و امراء مکلف نبود. اگر چه بر حسب صلاح با مجموع جوانب طریقه اخلاص و دولت خواهی مرعی می داشته اند چنانچه قاعده مردم سرحد نشین می باشد - به استقبال آمد .

بعد از شرایط تعظیم شاه منصور به ظاهر قم فرود آمد و والده او (خواجه اصیل) زهرا خاتون که از خیارنساء و کافله مهمات آن ولایت بود شاه منصور را به اندرون شهر به خانه خود به رسم طوی و ضیافت حاضر گردانید . در همین اثنا خبر رسید که زین العابدین که پس از رسیدن شاه منصور به اصفهان از آن شهر گریخته بود در طهران - که آن هنگام از قراء ری بود - درنگ نموده است . چند روز بعد زین العابدین به دست «موسی جوکار» حاکم ری گرفتار و به قم آورده شد . شاه منصور درازاء این خدمت موسی جوکار را مجدداً به حکومت ری برقرار داشته ، در هنگام عزیمت از قم دستور داد زین العابدین را نابینا ساختند و به قلعه سفید فارس فرستادند <sup>۱۱</sup> .

۱ . حافظ ابرو . برگ ۱۸۸ عکس ۲۸۶۹ و برگ ۱۲۸ - ۱۲۹ عکس ۳۷۳۲ دانشگاه .

نیز :

\* تاریخ جعفری . برگ ۱۹۸ الف عکس ۵۹۲۸ دانشگاه .

\* ذیل جامع التواریخ رشیدی : ۲۵۴ .

\* مجمل فصیحی ۳ : ۱۲۹ .

\* حبیب السیر ۳ : ۲۲۲ .

\* تاریخ آل مظفر حسینقلی ستوده ۱ : ۲۳۷ .

## ۵ - خواجه ابراهیم :

خواجه فخرالدین ابراهیم فرزند خواجه عمادالدین محمود فرزند خواجه شمس‌الدین محمد فرزند علی صفی ماضی ، پنجمین امیرشناخته شدهٔ خاندان او. گویا از ۷۹۵ تا ۸۰۶ فرمانروای قم و مضافات بوده و گویا هموست که «ابن عربشاه» او را دلیری دشمن شکار و آمادهٔ هرگونه سختی و پیکار ، و فرمانروای مستقل قم خوانده <sup>(۱)</sup> و به گفتهٔ اوتیموروی را به حضورخواسته است <sup>(۲)</sup> . جز آن که او تاریخ این احضار را سال ۷۸۴ دانسته و آن باید خطا ، و درست ۷۹۵ باشد که تیمور در دومین یورش خود دودمان مظفری را برانداخت . همچنان که مطالبی که دربارهٔ پایان کار او در این مأخذ دیده می‌شود <sup>(۳)</sup> باید تهی از خطا نباشد .

خواجه ابراهیم در سال ۸۰۴ در نبرد تیموربا «ایلدرم بایزید» مانند دیگر امرای مستقل عراق و رستم‌دارو گیلان و جز آن جزء ملازمان تیمور بود <sup>(۴)</sup> . از آثار او ترجمهٔ کتاب قم نوشتهٔ حسن بن محمد بن حسن قمی به سال ۳۷۹ است که بدستور او و «به روزگار همایون» وی در سال‌های ۸۰۵ و ۸۰۶ انجام پذیرفت <sup>(۵)</sup> . در مقدمهٔ این اثر از وی به این صورت یاد می‌بینیم :

حضرت عالی جناب مخدوم علی الاستحقاق شهریار علی الاطلاق ، صاحب قران اعظم اعدل اعلم ، مادهٔ امن و امان خلاصهٔ نوع انسان ، ذخیر

۱ . عجائب المقدور ، ترجمهٔ فارسی : ۵۲ و ۳۶ .

۲ . همان مأخذ و اعیان الشیعه ۱۵ : ۳۷ چاپ نخست و ۱۵ : ۲۵۴ چاپ دوم .

۳ . عجائب المقدور . ترجمهٔ فارسی : ۵۴ .

۴ . تاریخ الفی ، ذیل وقایع نبرد مزبور ( نسخهٔ ش ۱۲۳۴ دانشگاه ) .

۵ . دیباچهٔ ترجمهٔ کتاب قم . ص ۲ سطر ۱۷ .



زمان و كهف اوان ، صاحب الفتوح المشهورة والوقایع المذكورة، نعمة الله على اوليائه السابغة ونقمته فى اعدائه، البالغة ملجأ العجزة والضعفا مربى الائمة والعلماء ، مولى ملوك العجم موئل صناديد الامم ، ذى المناقب والمناصب والمفاخر والمراتب، الموفق بتوفيق الله رب العالمين ، المؤيد بتأييدات خالق السماوات والارضين ، المنصور بنصرة الله خير الناصرين الخواجه فخر الحق والدنيا والدولة والدين، عماد الاسلام والمسلمين ابراهيم . . . . . خلد الله تعالى ظلال عواطفه واشفاقه واحسانه ونور قبور مواضيه واسلافه «<sup>۱</sup>» .

خواجه تا سال ۸۰۶ كه اين ترجمه « به توفيق دولت حضرت مخدمى شهرىارى»<sup>۲</sup> انجام يافت به شهادت همين ديپاچه فرمانروايى داشته ، ليكن در سال ۸۰۷ به هنگام مرگ تيمور برادر او خواجه محمد عهده دار امور اين منطقه بوده است پس او بايد در او اخر سال ۸۰۶ يا اوائل ۸۰۷ در گذشته باشد. خواجه فرزندى به نام « محمود»<sup>۳</sup> داشته كه وصف و سرانجام كار او را پس از اين خواهيم ديد .

## ۶ - خواجه محمد :

فرزند ديگر خواجه عماد الدين محمود فرزند امير شمس الدين محمد فرزند على صفى ماضى . ششمين امير شناخته شده خانندان كه پس از برادر خود در او اخر سال ۸۰۶ يا اوائل ۸۰۷ عهده دار فرمانروايى قم گرديد. او آخرين امير خانندان صفى است كه با كشته شدن او واستيلاى اسكندر فرزند عمر شيخ و پس

۱ . همان مأخذ . ص ۲ - ۳ .

۲ . ايضاً . ص ۳ سطر ۱۵ - ۱۶ .

۳ . تاريخ جعفرى . برگ ۲۱۱ عكس دانشگاه .

از وی شاهرخ بر این منطقه دوران آن دودمان نیز پایان گرفت .

درباره پیشینه خواجه موصوف آنچه می‌دانیم این است که در سال ۷۹۵ فرماندهی برخی قلاع مهم منطقه قم از جمله قلعه «گیو»<sup>(۱)</sup> با او بوده که خود در همین قلعه بوده و گماشتگان او جاهای دیگر را محافظت می‌نموده‌اند<sup>(۲)</sup> . در همین سال او به وسیله عمر شیخ فرزند تیموردستگیر و به حضور تیمور فرستاده شد چه در یورش پنج ساله پس از رسیدن سپاه جغتای به عراق «عمر شیخ» از پدر جدا شده ، با سپاهی به راه آوه روان گردید و تیمور خود از نزدیک ری به بروجرد عزیمت ساخت . شرف الدین علی یزدی در این باره می‌نویسد :

«امیرزاده عمر شیخ از موضع کوشک چوپان عبور نموده به آوه رسید و از آوه گذشته قلعه گیو را مسخر گردانید و محمد قمی را که کوتوال آن قلعه بود بگرفت و شب در میان کرده روز دیگر به موضع «مرون» راند و مظفر پراهانی که گماشته محمد قمی بود استقبال نموده شرف بساط بوس دریافت و از آنجا کوچ کرده به «کرهرود» رسید و اسفندیار از راه عجز و اضطراب بیرون آمد . شاهزاده محمد قمی و اسفندیار را پیش حضرت صاحب قران فرستاد»<sup>(۳)</sup> .

ابن شهاب یزدی در شرح وقایع پس از مرگ تیمور می‌نویسد :

«در تاریخ مذکور که حضرت صاحب قران کشورستان از دار فنا به منزل عقبی تشریف فرمود ممالک ایران و توران را هر جا در ضبط و ایالت پادشاهزادگان کامکار نهاده بود . اول سمرقند امیرزاده خلیل سلطان بود و خراسان و هرات

۱ . از قرا و مضافات پیشین قم ، جزء بخش خلیجستان در غرب شهر . بنگرید به قم در قرن نهم : ۴۷ .

۲ . ظفرنامه ۱ : ۴۲۰ .

۳ . همان مأخذ و همان جا . نیز منتخب التواریخ معینی : ۳۵۳ و روضة الصفا ۶ :

و مازندران به امیرزاده شاهرخ بهادر تفویض فرموده و تبریز و گرجستان و شروان و ولایات با مجموع آذربایجان نامزد امیرزاده میران شاه . . . و بغداد و کوفه و واسط تا ولایت شام با امیرزاده ابابکر بن میران شاه . . . و همدان و نهاوند و نواحی به امیرزاده اسکندر ، فارس و یزد و ابرقوه به امیرزاده پیرمحمد بن عمر شیخ ، و کرمان و مکران به امیرزاده عمر شیخ رجوع فرموده بود ، و قم و نواحی از قدیم با مردم آن ولایت داشتند و در این تاریخ خواجه محمد قمی حاکم بود «<sup>۱</sup> .

همو در شرح آشفته‌گی‌های سال‌های ۸۱۲ و ۸۱۳ می‌نویسد :

«سلطان اویس در کرمان به استقلال بماند و سلطان اسکندر در فارس و عراق

ویزد و ابرقوه و کاشان پادشاه شد و قم خواجه محمد قمی داشت «<sup>۲</sup> .

خواجه محمد تا سال ۸۱۵ در قم به استقلال فرمان راند . و در این سال به

تفصیلی که پس از این می‌بینیم کشته شد .

### پایان کار خاندان :

سرانجام در سال ۸۱۵ فرمانروایی هشتاد ساله خاندان صفی با کشته شدن

خواجه محمد آخرین امیر خاندان پایان گرفت . شرح این واقعه چنین است :

اسکندر فرزند عمر شیخ و نواده تیمور در آشفته‌گی‌های پس از مرگ او

سربرداشته و اندک اندک بر همه نقاط عراق و فارس دست یافت . قسم در این

میان همچنان در تصرف قدرت مستقل محلی بود، و این موجب شد اسکندر به

این منطقه لشکر کشی کرده ، با خواجه محمد به جنگ برخیزد که ابن شهاب

۱ . جامع التواریخ حسنی . برگه ۳۹۲ پ - ۳۹۳ ر .

۲ . همان مأخذ . برگه ۳۹۸ پ .

یزدی که خود شاهد عینی قضایا بوده و در آن سهمی نیز داشته است - خصوصیات آن را به این شرح به دست می‌دهد :

«سلطان اسکندر دو سال متواتر قم را محاصره کرد و به جایی نرسید . در سال سیم چون از ایلغار و روجرد و لرستان مراجعت نمود در آن سال قرايوسف ترکمان سلطان احمد را از میان برداشته پادشاه آذربایجان شده و به نهاوند آمد و سلطان اسکندر در کار و بار و خندق ساختن و روجرد بود و آن را شهری ساخت و قرار چنان بود که روز دیگر جنگ شود و قرايوسف خسته شده و باز گشت و با تبریز رفت و سلطان اسکندر از عقب تا تو درود آورد و تا همدان ایلغار کرد و بعد از آن مراجعت نمود . خبر رسید که خواجه محمد قمی درد مفاصل دارد و صاحب فراش است . و مقسوم ترکمان در سلطانیه دم دوستی می‌زد . خواجه حافظ عرضه داشت سلطان کرد که صلاح آن است که سلطان به سلطانیه فرماید و با مقسوم دیدار کند و عهد و پیمان نمایند که به اتفاق امرا متوجه قم شوند و به صلاح کار آخر شود . بر آن مقرر شد و سلطان به سلطانیه رفت و جماعت امیر عبدالصمد و خواجه حافظ و میریوسف خلیل و عبدالله پروانچی و امیر چولپان شاه بالشکری متوجه قم شدند و خواجه محمد چون صاحب فراش بود در صلح کوفت و چون به ده فرسنگی قم رسیدند ساوری و پیشکش پیش کشید و امرا در دروازه ساوه فرود آمدند اما در دروازه بسته و برقرار ، مردم در بارو ، و «خضر تیرگر» نامی بیرون می‌آمد و گفتگویی آورد و برد می‌کرد و مقصود آن بود که مرض پای خواجه محمد صحت یابد دیگر بنیاد جنگ و محاربه نمایند .

خواجه محمد حافظ این حال معلوم کرد . يك بار این ضعیف را پیش خواجه محمد فرستاد همراه «خضر تیرگر» و سخن آنکه اگر راست می‌گوید و با ما سر صلح دارد خواجه مظفر پراهانی که نایب و صاحب اختیار مهمات است

و تمام مهمات مالی و ملکی قم در دامن او بود او را روانه فرمایند تا قرار معاملات آنچه صلاح طرفین باشد بازدید نماییم . بر آن قرار روز دیگر خواجه «مظفر» را بیرون فرستاد . چون شرف پای بوسی عالی جناب خواجه غیاث الدین محمد حافظ دریافت میبانه ایشان در قدیم حقوق خادم مخدومی بود . بعد از اداء رسالت که در حضور امر ابرض رسانید بعد از آن خواجه حافظ او را به آخر گاه خود برد و فصلی چند بر او خواند و او را سوگند داد به طلاق و مصحف که تا سه روز دیگر قم را بسپارد . و دروازه «بن کوش» بدو متعلق بود . شب سیم خبر کرد و در صبح در دروازه «بن کوش» بگشاد و امرا و لشکر را در شهر برد و خواجه محمد و امیر محمود و مهتر شرف که حاکم و صاحب اختیار قم بود و دیگر سرداران را در قلعه دربند کشیدند و امیر محمود برادرزاده خواجه محمد به غایت خوش شکل و صاحب جمال بود و مقصود سلطان اسکندر از قم او بود و او از خوف بدنامی خود را از بام خانه بیانداخت و هر دو قلم پای او خرد شد و در آن مرض وفات یافت . و قم هرگز تا این تاریخ سم ستور بیگانه ندیده بودند . مال دویست ساله آن خاندان به دست نواب سکندری افتاد چنان که شیخ العارفین حافظ شیرازی فرماید :

دل بسی خون به کف آورد ولی دیده بریخت

الله الله که تلف کرد و که اندوخته بود

و آن حضرت قوی حال شد و بنیاد ظلم نهاد . . .<sup>۱)</sup>

نقل جعفر بن محمد حسینی مورخ دیگر آن دوره نیز بنا بر آنچه در تاریخ او دیده می شود همین گونه است چه در شرح وقایع سال ۸۱۵ و کارهای اسکندر مزبور می نویسد :

« . . . به محاصره قم رفت و خواجه محمد قمی که حاکم قم بود جنگها

۱ . ایضاً . ۳۹۸ پ - ۳۹۹ ر .

کرد و بسیار مردم از طرفین به قتل آمد. عاقبت امیرزاده اسکندر عبدالله پروانچی و خواجه غیاث الدین محمد حافظ و امیر یوسف خلیل را با لشکری جهت محاصره قم بازداشت بعد از روزی چند امیر مظفر فراهانی که امیر و معتمد خواجه محمد بود با بیرونیان یکی شد و دروازه باز کردند و قم به نوکران امیرزاده سپردند و لشکر در قم ریختند و خواجه محمد قمی و امیر محمود پسر خواجه ابراهیم را بگرفتند و مال بی حد از قم بیافتند و عزیمت اصفهان کردند. امیرزاده بفرمود تا هر دورا بکشند . . .»<sup>۱</sup> .

لیکن نقل او در تاریخ کمیو که مبسوط تر است بانوشته ابن شهاب جدایی هایی دارد. این نقل همان است که در مطلع السعدین سمرقندی عیناً آمده و از آنجا به احسن التواریخ روملورفته و آن چنین است :

«میرزا اسکندر چون در ممالک عراق و فارس فرمانروای علی الاطلاق شد قصد تسخیر بلده قم کرد و چند ایلچی به طلب خواجه محمد قمی فرستاد و از مردم خواجه امردی خوش شکل بود او را نیز طلبید<sup>۲</sup> و خواجه به هیچ وجه ملتفت نمی شد . میرزا اسکندر عزم محاصره قم کرد و قلاع و نواحی آن را مسخر فرمود و کوتوال قلعه گیو «علی دمه سر» نام را مقید به در قم برد ، و در قم مردم جنگی بسیار بودند جنگ های سختی کردند و میرزا اسکندر را کاری از پیش نمی رفت . در این حال «نصرالله صحرائی» حاکم ساوه اندیشید که هر گاه قم فتح شود نوبت ساوه خواهد بود و با آن که میان او و محمد قمی نیک نبود عم زاده خود «عماد کور» را با چند سپاه جلد به مدد فرستاد و خواجه

۱. تاریخ جعفری . برگ ۲۱۱ نسخه دانشگاه .

۲. « و از ملازمان خواجه جوانی که در کمال قابلیت و حسن و ملاحظت بود طلب کرد ... »

— روملو ۱۱ : ۸۷ .

محمد را بدان سبب قوت و شوکت زیاده شد. میرزا اسکندر از ظاهر قم برخاسته خواست به اصفهان رود «مظفر فراهانی» که معتمد خواجه محمد بود کتابتی پیش میرزا اسکندر فرستاد و پیغام داد که اگر حکومت مالی قم را به من تفویض کنند و بیه عهد و سوگند مؤکد سازند شهر تسلیم کنم ، و چون عهد و پیمان استحکام یافت آن نمک به حرام آغاز مکر و فریب کرد و با خواجه محمد راست آورد که رعیت قم که اکثر در قلعه بودند به شهر روند تا محافظت شهر نمایند . مردم را در شهر متفرق ساخت و خود با خواص و برادرزاده خواجه محمد « امیر محمود » در شهر به رسم محافظت گشته و در هر جا به هر بهانه ملازمان امیر محمود را می گذاشت چنانچه با امیر محمود بیش از پنج شش کس نماند . از دروازه کنکان بیرون رفته ، امیر محمود را گرفت و فوجی از لشکر میرزا اسکندر که به مشورت مظفر کافر نعمت در خانقاه خواجه علی صفی در بیرون همین دروازه بودند از کمین غدیر بیرون آمده ، در شهر ریختند و امیر محمود را مقید به پای قلعه بردند . خواجه محمد را در قلعه چندان کس نبود که به دفع یاغی قیام تواند کرد . به ضرورت بیرون آمده او را به اصفهان بردند و خواجه محمد را با برادرزاده به قتل آوردند و حکومت قم رجوع به عبدالله پروانچی شد و ضبط مال حسب المعاهده به مظفر مقرر گشت « ۱ ) .

\* \* \*

بدین ترتیب دوران عظمت و فرمانروایی یکی از خاندانهای حکومتگر ایران در قرن هشتم و آغاز نهم پایان گرفت. پس از این از ذلیل و بازمانده دودمان

---

۱ . تاریخ کبیر جعفری . وقایع سال ۸۱۵ / مطلع السعدین ۲ : ۱۳۹ - ۱ / ۱۴۰ احسن التواریخ ۱۱ : ۸۷ - ۸۸ / و باجدایی هایی در مجمل فصیحی ۳ : ۲۱۱ و تاریخ الفی نسخه ش ۱۲۳۴ دانشگاه .

صفی آگاهی درست نداریم . تنی چند از بزرگان قم که درآخذ دو قرن نهم ودهم نام بردارند همچون «امیر سلطان ابراهیم» که روملو در وقایع سال ۸۳۱ از او نام می برد<sup>۱)</sup> و «صاحب اعظم خواجه زین الدین علی» که بهاء الدین حسن کاتب فرزند مترجم کتاب قم نسخه ای از همین کتاب را در سال ۸۳۷ برای او نگاشته است<sup>۲)</sup> و «صدر کبیر خواجه بهاء الدین هبة الله قمی» زنده در سال ۸۴۷<sup>۳)</sup> و خواجه یحیی قمی که در سال ۸۵۷ عهده دار رتق و فتق امور مدافعت و ممانعت این شهر بوده است<sup>۴)</sup> و خواجه حاجی بن خواجه سعادت شاه بن خواجه ابراهیم قمی که در شوال ۹۲۹ و ققی بر آستان شیخ صفی نموده است<sup>۵)</sup> میتواند از بازماندگان یا وابستگان به این دودمان بوده باشند .

### آثار بازمانده :

آثاری که از این دودمان به جای مانده است از سکه ها ، نوشته ها و بناها ، در جای خود به تفصیل شناسانده شده و اینک تکمیل بحث را در اینجا نیز به اجمال اشاره ای می رود :

أ - سکه های خواجه محمود سومین امیر خاندان که در همین مجموعه در بحث « دارالضرب قم » شناسانده شده است .

ب - ترجمه کتاب قم ، نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی در ۳۷۹

- ۱ . احسن التواریخ ۱۱ : ۱۹۴ .
- ۲ . مجله بررسی های تاریخی ، ش ۴ سال هشتم ، مقاله نگارنده : ۶۷ .
- ۳ . قم در قرن نهم : ۱۹۵ .
- ۴ . دیارپگریه : ۱۲۱ عکس دانشگاه . نیز احسن التواریخ ۱۱ : ۳۲۳ و تاریخ جدید یزد . ۲۶۵ .
- ۵ . صریح الملك ۴ : ۸۴ عکس دانشگاه .



که آن را حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی در سال‌های ۸۰۵ - ۸۰۶ به دستور خواجه ابراهیم پنجمین امیرخاندان به فارسی برگردانده است.<sup>(۱)</sup> ج- بناها. از این خاندان هفت بنا در قم و پیرامون آن تاکنون به جای مانده که هر یک از نفایس آثار قدیم ایران، وبخصوص در هنر گچ بری از نمونه‌های بسیار ارزنده فن شمرده می‌شود. توصیف دقیق این بناها همراه متن کتبه‌های آن در کتاب تربت پاگان آمده<sup>(۲)</sup> و در این جا تکمیل بحث را به اجمال تمام از هر یک یاد می‌شود:

۱-۳) آرامگاه‌های امراء خاندان. سه بنای مرتفع با گنبد‌های برجی هرمی در نزدیک یکدیگر، درون باغی در شرق قم نزدیک دروازه کاشان این شهر که آن را در اصطلاح محلی «باغ گنبد سبز» می‌نامند. گنبد هرمی یکی از سه بنا فروریخته و اکنون برجای آن سقفی ضربی بنیاد نهاده‌اند. یکی از این سه تاریخ ندارد.

بنای دیگر مورخ ۷۶۱ آرامگاه خواجه اصیل الدین و فرزندش خواجه علی اصیل نخستین امیرخاندان، که علی بن محمد بن ابوشجاع بنا، آن را به دستور خواجه علی صفی دومین امیرخاندان بنا کرده است. بنای سوم در میان آن دو مورخ ۷۹۲، آرامگاه خواجه علی صفی و فرزندش امیر جلال الدین و برادرش خواجه عماد الدین محمود<sup>(۳)</sup>.

۴) بنای مزار خدیجه خاتون در پنج فرسنگی جنوب قم از غیاث الدین

۱. ترجمه کتاب قم، دیباچه - ص ۲ و ۳.

۲. نیز مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۴ سال هشتم، صفحات ۲۸ - ۶۴/ مجله هنر و مردم، شماره ۱۳۲، صفحات ۳۶ - ۴۷/ مجله وحید، سال پنجم، شماره ۷ - ۹ و جاهایی دیگر با خطاهایی در خواندن متن کتبه‌ها.

۳. وصف بناها در تربت پاگان ۲: ۵۲ - ۶۰.

امیرمحمد فرزند خواجه علی صفی درسال ۱۱۷۷<sup>۱</sup> .

۵) بنای مزارسید سر بخش در قسمت شرقی شهر ، از همان غیث الدین امیرمحمد به سال ۱۱۷۷<sup>۲</sup> .

۶) بنای مزار احمد بن قاسم در قسمت جنوب شرقی ازقوام الدین علی فرزند عزالدین اسحاق فرزند علی صفی ماضی به سال ۱۱۷۸<sup>۳</sup> .

۷) بنای مزار شاهزاده ابراهیم در قسمت شرقی شهر نزدیک دروازه کاشان مورخ ۸۰۵<sup>۴</sup> . به دستور یکی از بانوان این دودمان<sup>۵</sup> ، گویا همسرخواجه ابراهیم که در این سال فرمانروای قم وپیرامون آن بوده است .  
د- آثار دیگر :

۱) رودخانه صفی آباد در شرق شهر قم که در روزگاران بسیار دورمجرای رودخانه قم بوده<sup>۶</sup> وپس از قرن چهارم گویابه منظورجلو گیری از ویرانی هایی که طغیان رودخانه در فصل بهار در بسیاری سالها پدید می آوردآن را به گونه ای مورد استفاده قرار دادند که در هنگام آمدن سیل قسمتی از آب در آن جریان می یافته واز شدت طغیان کاسته می شده است .

این نام در کتاب قم تدوین شده به سال ۳۷۹ نیست ونخست بار در

---

۱ . مأخذ پیش ۲ : ۲۰۲ - ۲۰۶ .

۲ . ایضاً ۲ : ۶۱ - ۶۴ .

۳ . ایضاً ۲ : ۶۵ - ۷۰ .

۴ . ایضاً ۲ : ۷۳ - ۷۵ .

۵ . باتوجه به القاب ذکرشده درکتابه بنا ، به خصوص لقب « صفوة الاسلام والمسلمین » ( تربت پاگان ۲ : ۷۴ ) .

۶ . ترجمه کتاب قم : ۵۰ ( سطر ۱ - ۶ ) .

سندی مورخ ۱۰ صفر ۹۲۹ دیده می‌شود<sup>(۱)</sup>. یکی از نویسندگان متأخر قم در وجه نامگذاری آن نوشته است که این مجرا به دستور خواجه علی صفی دومین امیر خاندان برای این بهره برداری آماده گردید. این گفته هر چند بی مستند است می‌تواند به عنوان احتمالی در مسأله پذیرفته شود.

(۲) در خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی<sup>(۲)</sup> از «میدان صفی آباد» در نزدیک درب اصفهان این شهر یاد می‌شود. درب اصفهان همان دروازه کاشان کنونی بوده که در نزدیک مجرای پیشین رود خانه ق-م - صفی آباد - قرار داشته است<sup>(۳)</sup>.

پس درست در پیرامون همین جا که آرامگاه امرای خاندان است قرار داشته، می‌تواند بود که آن نیز از آثار این خاندان بوده است.

(۳) خانقاه خواجه علی صفی که بیرون دروازه کنکان قم بوده است<sup>(۴)</sup>. این خانقاه نمی‌تواند همان بنای بی تاریخ باغ گنبد سبز بود، چه این یکی بیرون دروازه اصفهان است که نام آن به همین شکل در خلاصه التواریخ آمده<sup>(۵)</sup> و از این بر می‌آید که درب کنکان جز درب اصفهان بوده است<sup>(۶)</sup>.

---

۱. تربت پاکان ۱: ۱۳۷.

۲. عکس ۵۵۶۶ دانشگاه، برگ ۱۲۷ ب (وقایع سال ۹۵۵).

۳. ببینید تربت پاکان ۲: ۲۱.

۴. مأخذی که در پاورقی ص ۲۳ یاد شد.

۵. تربت پاکان ۲: ۲۱.

۶. تفصیل سخن در تربت پاکان ۲: ۲۲ - ۲۴.



- ٢ -

دار الضرب قم



در تاریخ قدیم قم که به سال ۳۷۸ تألیف شده در فصل چهارم از بساب اول، زیر عنوان « ذکر دارالضرب و سراهای والیان و حاکمان و زندان‌ها به شهر قم » آمده است: « بعضی از مشایخ خبر کردند مرا و روایت کرده‌اند از محمد بن احمد صیرفی معروف به دلال که او در وقت صرافى به قم دیناری دید که به قم زده بودند به نام معتز، و حال آنکه دارالضرب به قم نبوده است الا در وقت امیرگردانیدن رکن الدوله ابی‌علی حسن بن بویه الدیلمی ابی‌القاسم علی بن محمد بن حسن الکاتب را در سنه اثنی و خمسين و ثلثمائه هجریه »<sup>۱۱</sup>.

این سخن گویا درست نیست چه هم اکنون در مجموعه‌های اروپایی و امریکایی سکه‌هایی با تواریخ ۱۶۰ و ۲۲۵ و ۲۲۷ و ۲۴۰ و ۲۵۰ و ۲۷۶ و ۲۸۶ و ۳۲۷ به نام خلفاء عباسی، و با تواریخ ۳۲۷ و ۳۲۹ به نام امراء سامانی هست که در شهر قم ضرب شده است<sup>۱۲</sup>. در این مجموعه‌ها همچنین سکه‌هایی دیگر از قم هست با تواریخ ۳۷۴ و ۴۴۵ و ۸۱۶ و ۸۱۹ و ۸۲۸ و ۸۳۰ و ۸۳۳ و ۸۴۲ و ۸۹۹ و ۹۲۸ و ۹۴۰ و ۹۸۴ و ۱۱۳۱ و ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ و ۱۱۷۱ و ۱۲۴۱ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ و ۱۲۶۹ و سکه‌ای از سال‌های ۳۳۷ - ۳۵۶ و دیگری

۱. تاریخ قم حسن بن محمد بن حسن قمی: ۳۹ (چاپ تهران - ۱۳۱۳ ش).

۲. رجوع شود به کتاب.

از سال‌های ۳۶۰ - ۳۶۲ و دیگری از سال‌های ۸۳۶ - ۸۳۹<sup>۱)</sup> .

در مآخذ تاریخی قرن نهم از ضرب سکه در قم به نام چند تن از امراء تیموری و ترکمان یاد می‌شود<sup>۲)</sup> همچنین آمده است که در سال ۹۰۳ آیه سلطان - از امراء بزرگ ترکمان - در قم به نام مراد بیک آق قویونلو سکه زد<sup>۳)</sup> . در دوره صفوی جملی کارری که به سال ۱۱۰۵ به ایران آمده است از ضربخانه قم یاد می‌کند<sup>۴)</sup> . از این پس تا سال ۱۲۸۷ در قم دستگاه منگنه برای سکه زدن وجود داشته است<sup>۵)</sup> . در اسناد قدیم نیز از مسکوکات قم یاد هست که نمونه و تصویر یکی از آن گونه اسناد در این اوراق گذارده می‌شود .

در موزه آستانه قم مجموعه‌ای مرکب از ۹۰ سکه هست که در تواریخ مختلف در قم ضرب شده است .

در برخی مجموعه‌های دولتی و شخصی دیگر نیز مسکوکات مشابهی یافت می‌شود. نمونه‌هایی از «فلوس» های ضرب قم پیش از این در مقاله‌ای از نویسنده سطور معرفی شده است<sup>۶)</sup> . دوسکه طلای ضرب قم هم در مجموعه‌های شخصی در تهران هست<sup>۷)</sup> .

---

۱ . همان مأخذ و همان جا .

۲ . رجوع شود به رساله قم در قرن نهم هجری از نویسنده .

۳ . حبیب السیر ۴ : ۴۴۳ / احسن التواریخ روملو ۱۲ : ۱۷ .

۴ . سفرنامه کارری : ۵۶ .

۵ . گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران : ۱۷۲ .

۶ . مجله هنر و مردم ، شماره ۱۱۷ ( تیرماه ۱۳۵۱ ) .

۷ . یکی از طهماسب اول و دیگری از شاه خدا بنده صفوی .



شماره ۱۰۰

تاریخ ۱۳۰۰

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

محل ثبت

اینک در اینجا با چند سکه نقره از مجموعه آستانه قم یکی دو مجموعه دیگر آشنا می‌شویم<sup>۱</sup> (سکه‌هایی که محل وجود آن مشخص نشده همه از مجموعه موزه آستانه قم است) :

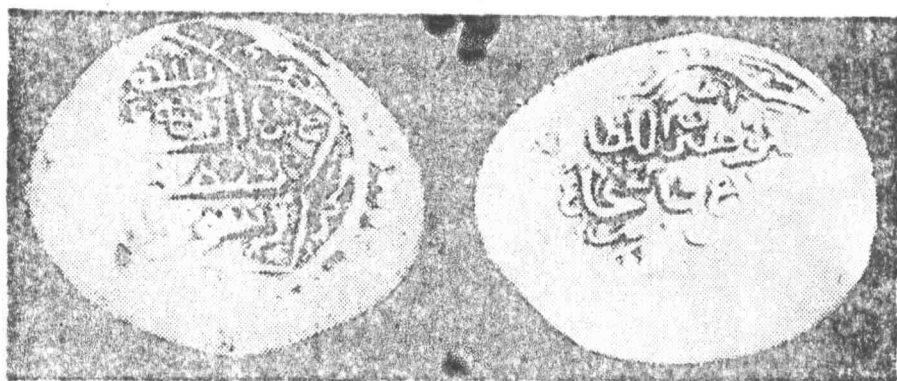
۱ - سکه شاه شجاع مظفری که سه نمونه از آن در دست است :

رو : امیر المؤمنین السلطان المطاع شاه شجاع خلدالله ملکه - ضرب قم

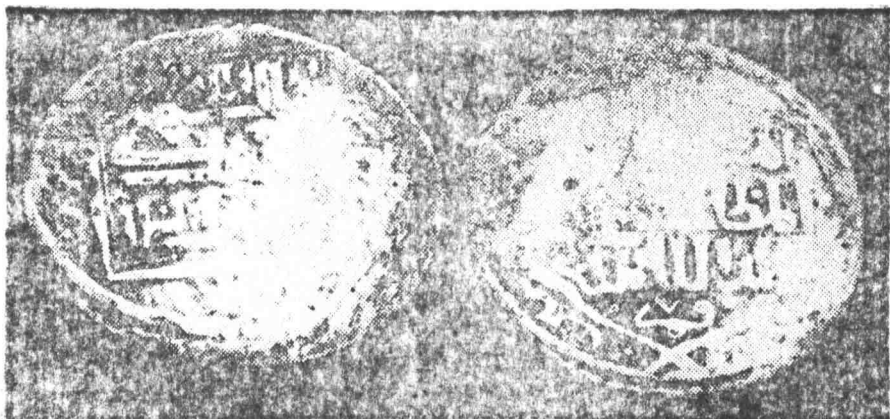
[ حاشیه : ] سنه .. وستین وست مائه

پشت : لاله الاالله محمد رسول الله

[ حاشیه ] ابوبکر عمر عثمان علی

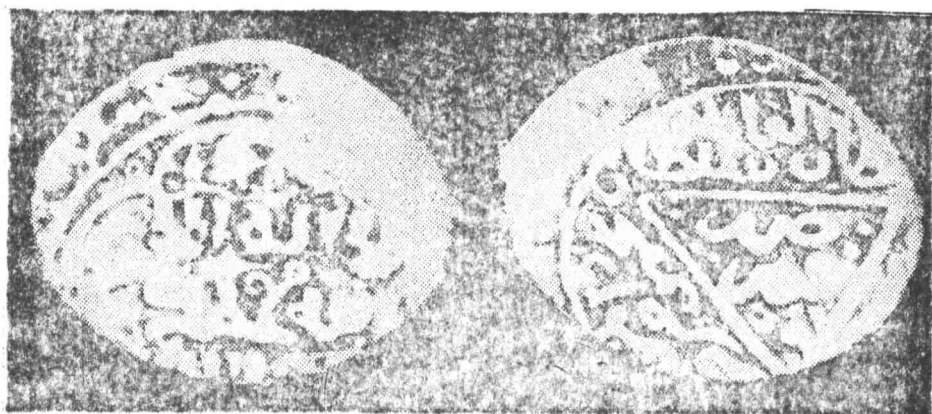


۱ . باسپاسگزاری از آقای سید جمال ترابی طباطبائی که تصویر پنج سکه از این جمله را برای نگارنده فرستادند .

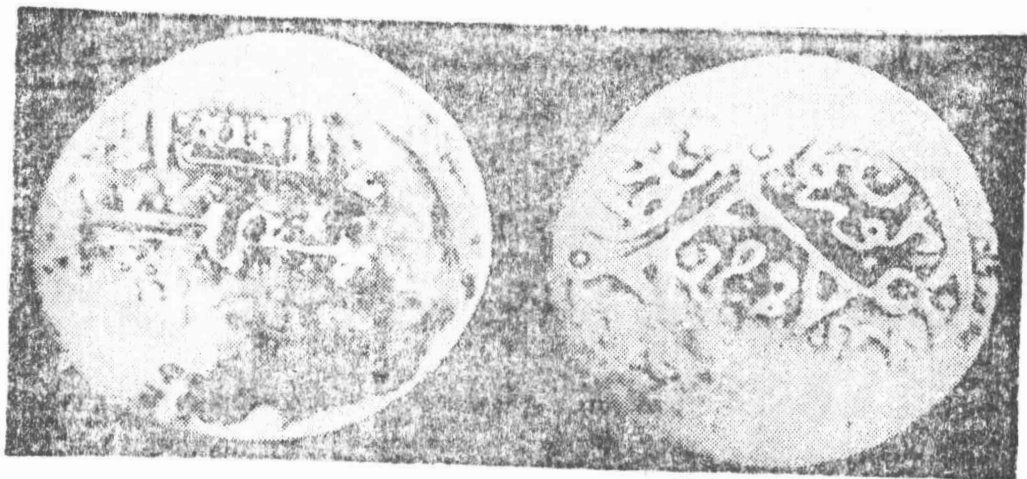


۲ - سکه خواجه محمود قمی امیر خاندان صفی که با تنفیذ امیر تیمور  
بر منطقه قم و توابع آن فرمانروایی داشت ، مورخ ۷۹۱ :

رو : السلطان العادل سلطان محمود - امیر تیمور گورکان - ضرب قم ۷۹۱  
پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله  
[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی



۳ - سکه دیگری از همان امیر خاندان صفی :  
رو : سلطان محمود خان - امیر تیمور گورکان - ضرب قم  
پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله  
[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی

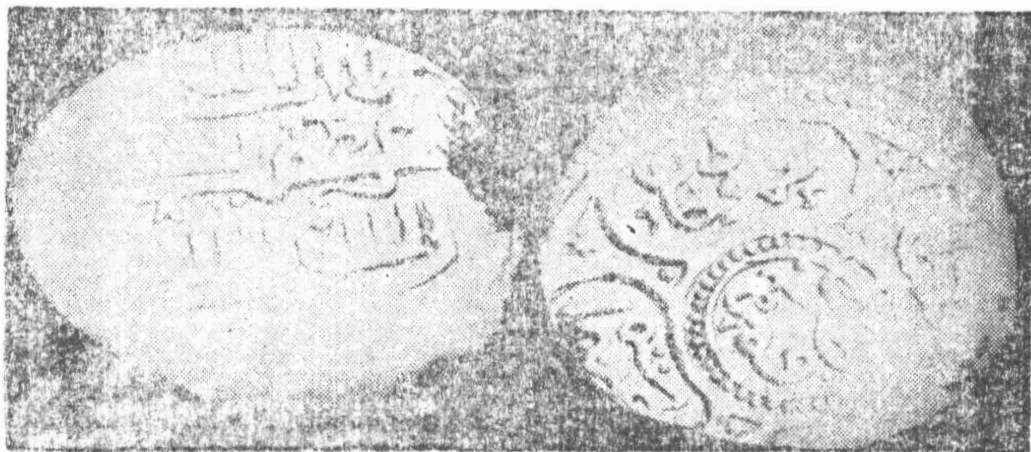


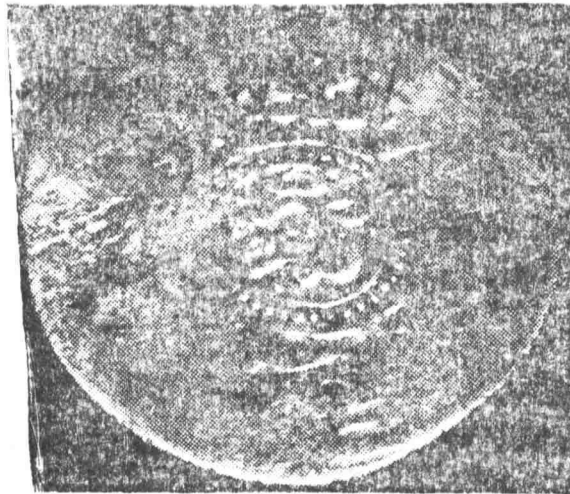
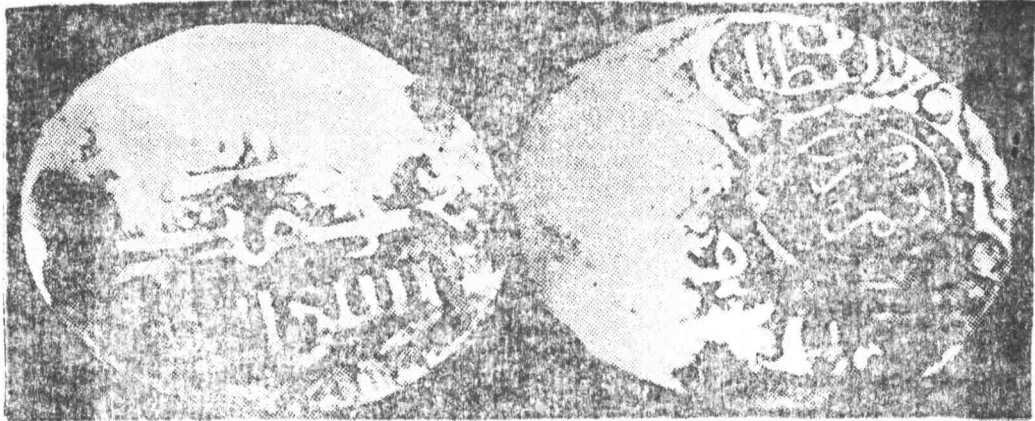
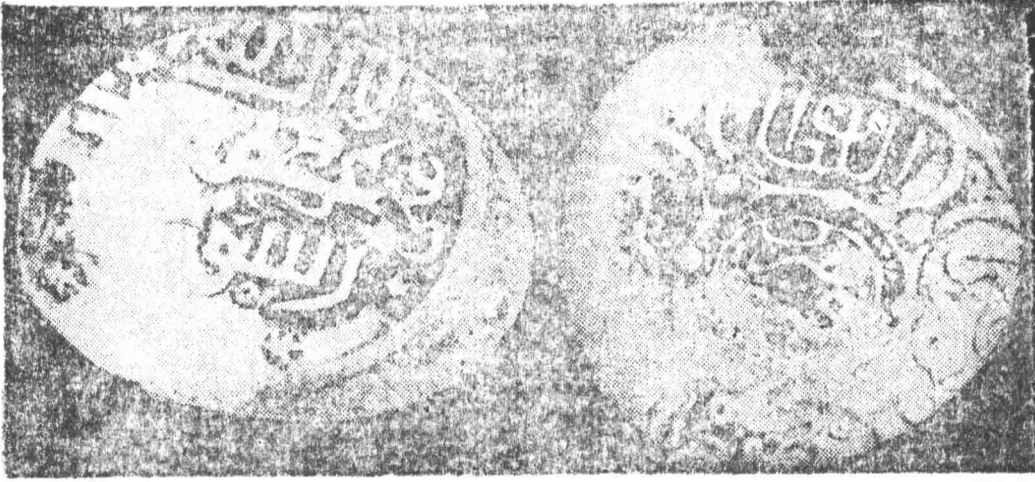
۴ - سکه دیگری از همان امیر که شش نمونه از آن در دست است :

رو : السلطان محمود خان -- امیر تیمر گورکان - ضرب قم

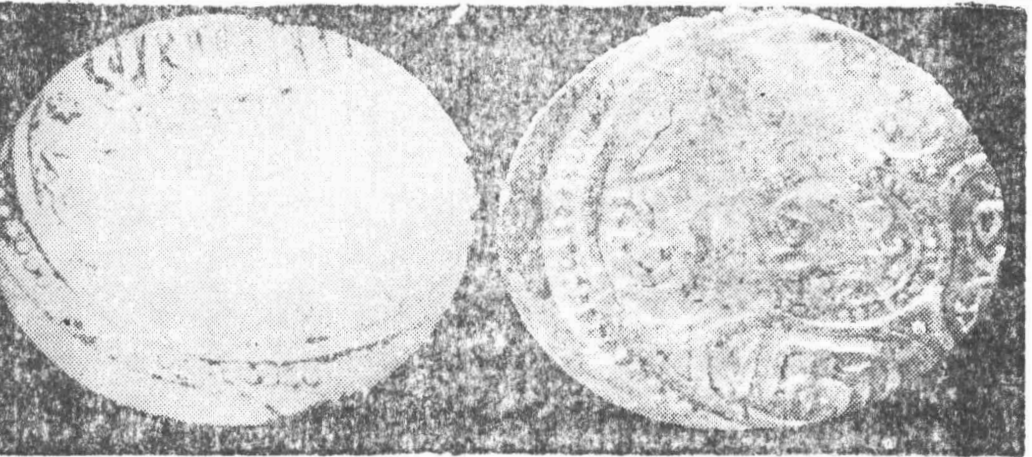
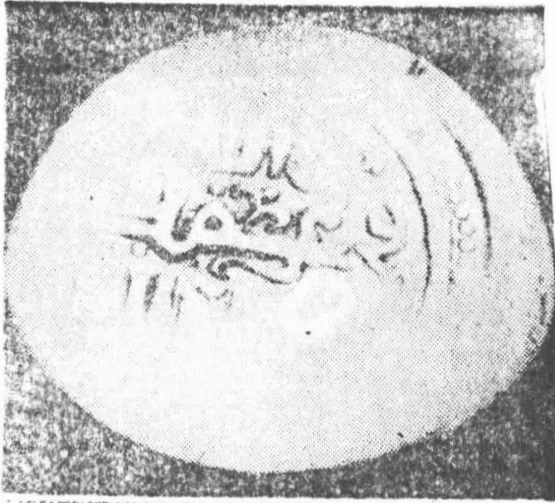
پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی







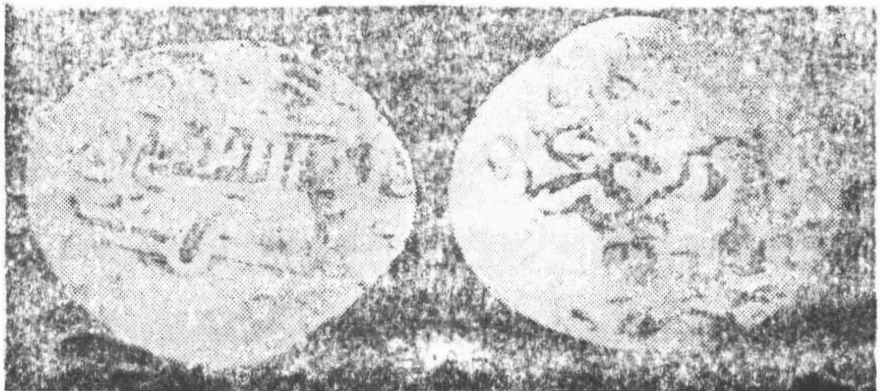
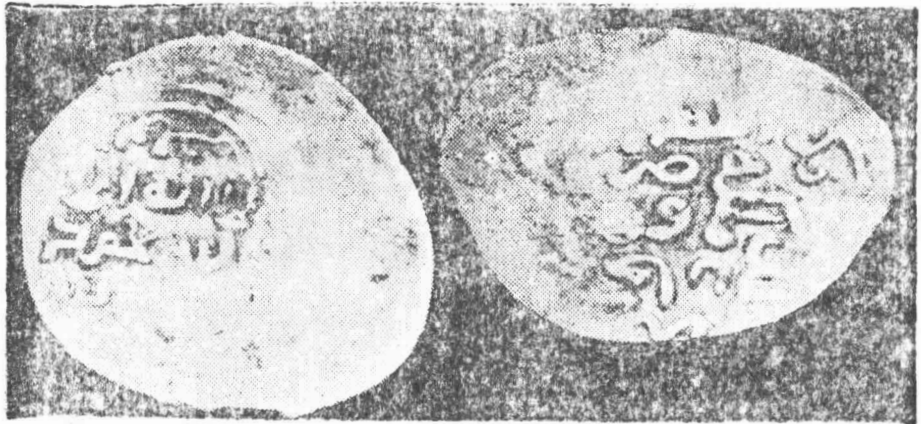
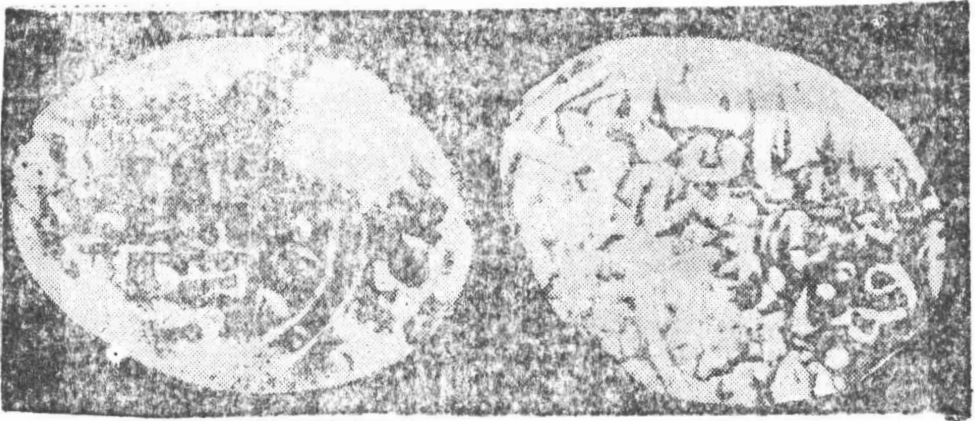


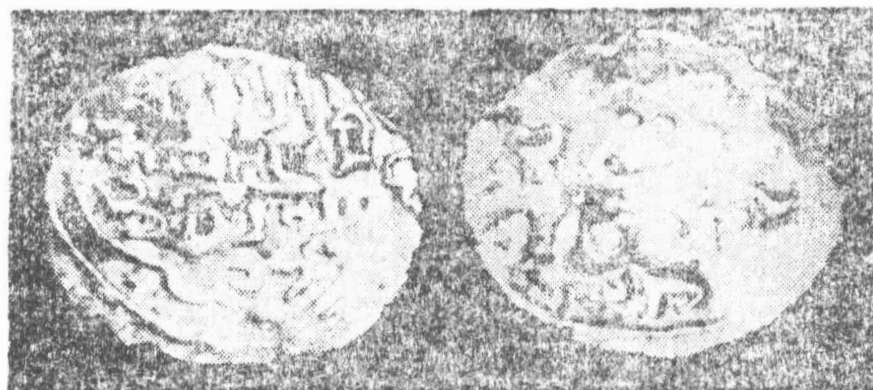
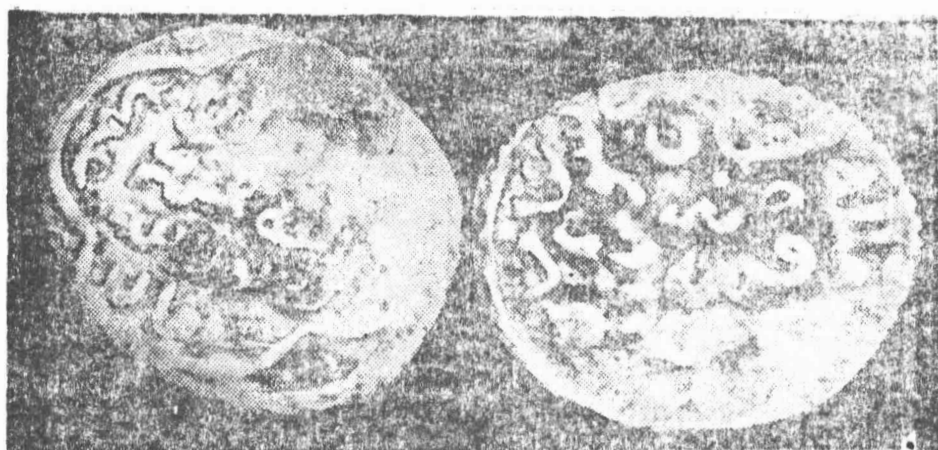
۵ -- سکه‌ای از تیمور گورکان که هشت نمونه از آن در دست است :

رو : السلطان العادل امیر تیمور گورکان خلدالله ملکه -- ضرب قم

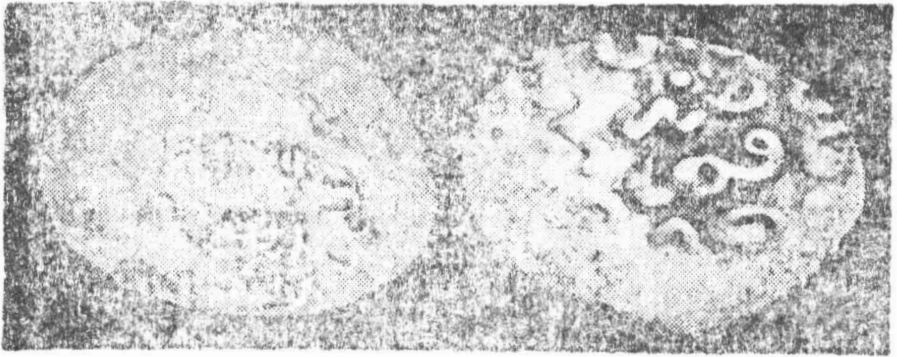
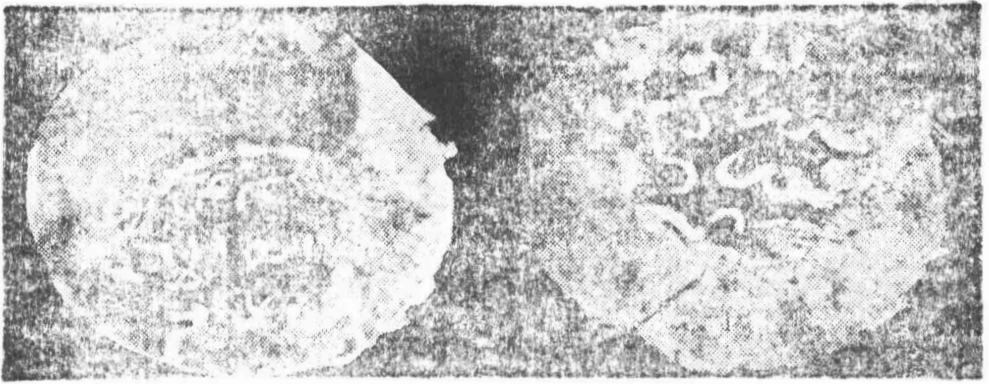
پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی







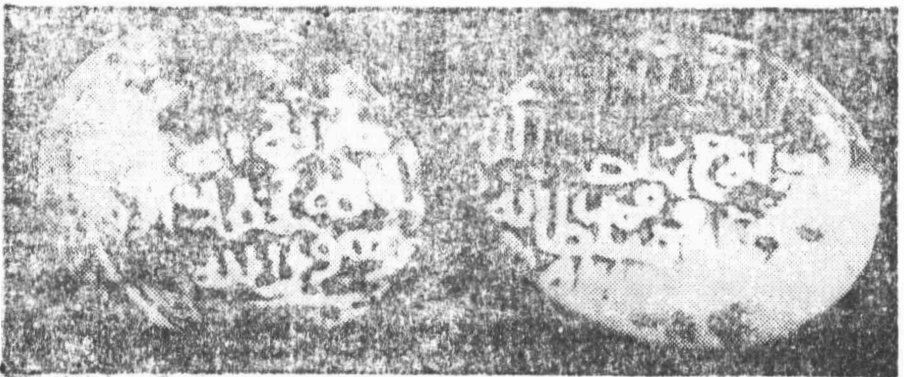


٦ -- سکه‌ای از شاهرخ ، مورخ ٨٢٣ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملكه وسلطانہ -- ضرب قم ٨٢٣

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی



۷ - سکه دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸۳۴ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملكه و سلطانه - ضرب قم ۸۳۴

( عدل سلطان یعقوب کرمان ۸۹۲ )

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر صدیق عمر فاروق

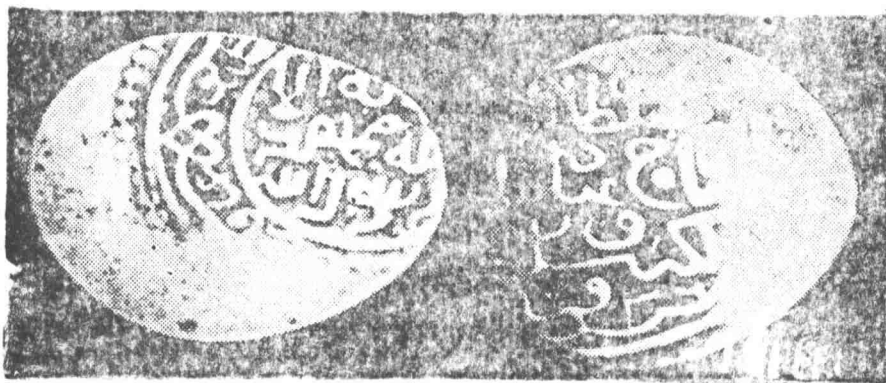


۸ - سکه دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸۳۶ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملكه و سلطانه - ضرب قم ۸۳۶

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر صدیق عمر فاروق



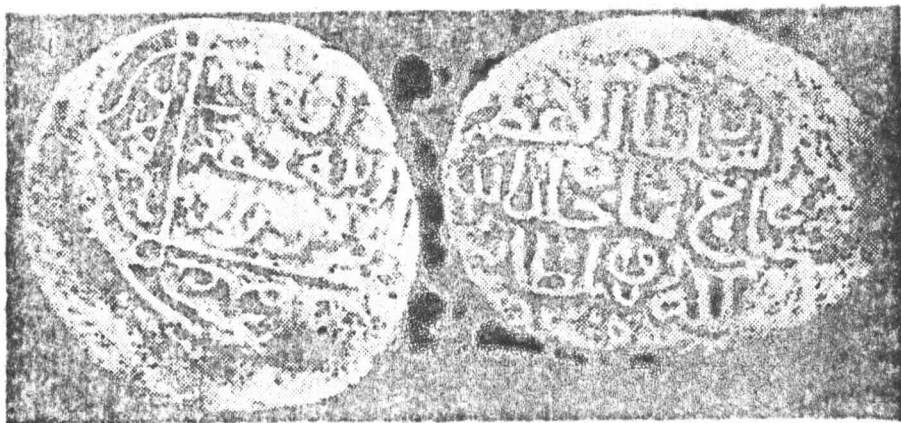
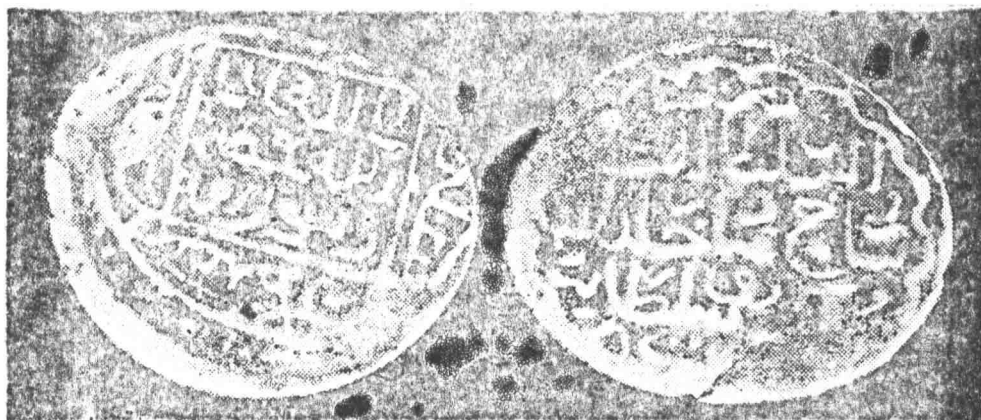
۹ - سکهٔ دیگری از شاهرخ ، از همان سال ۸۳۶ که از آن دو نمونه در

دست است :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و سلطانه - ضرب قم ۸۳۶

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی



۱۰ - سکه دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸۴۲ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانہ - ضرب قم ۸۴۲

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی



۱۱ - سکه دیگری از شاهرخ ، مورخ ۸۴۶ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانہ - ضرب قم ۸۴۶

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر صدیق عمر فاروق عثمان ...

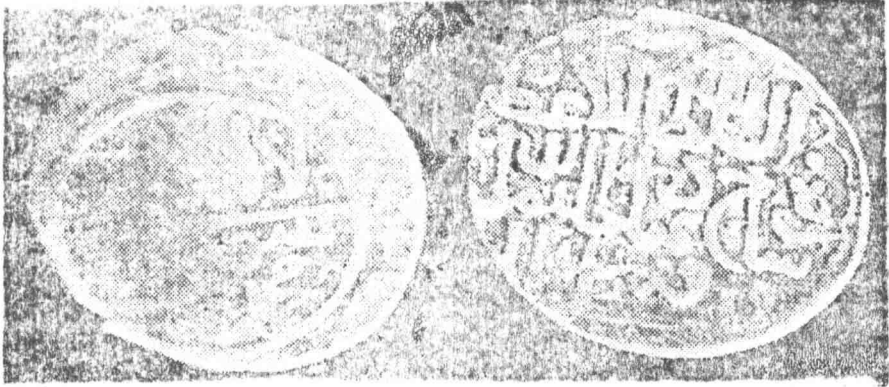


۱۲ - سکه‌ای دیگر از شاهرخ ، بی تاریخ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانہ -- ضرب قم

پشت لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ... عثمان بن عفان علی المرتضی ]

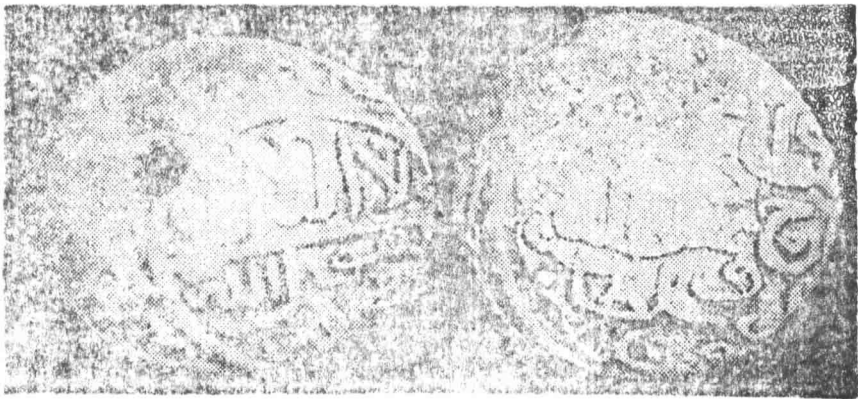


۱۳ - سکه‌ای دیگر از شاهرخ ، بی تاریخ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانہ -- ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ابو بکر عمر ... ]



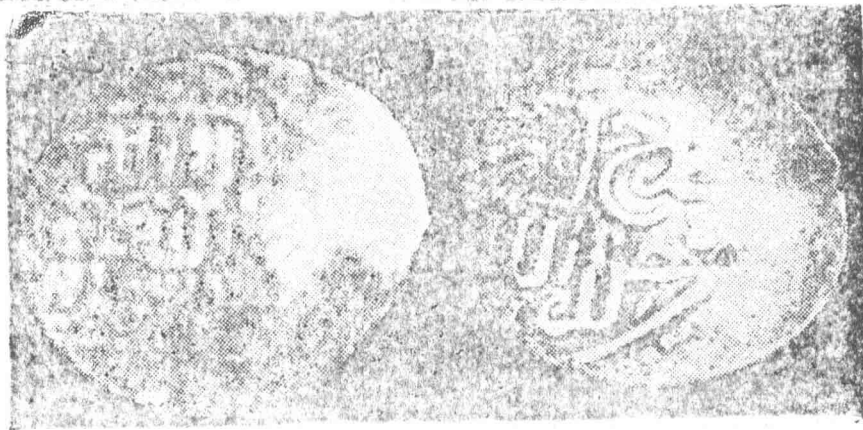
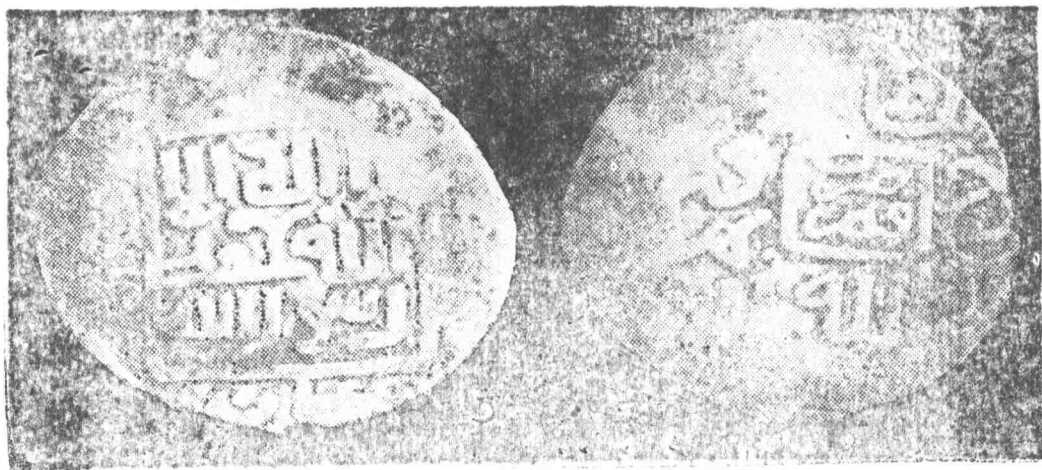
۱۴ - سکه‌ای دیگر از شاهرخ ، بی تاریخ که از آن دو نمونه در دست

است :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانہ -- ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی



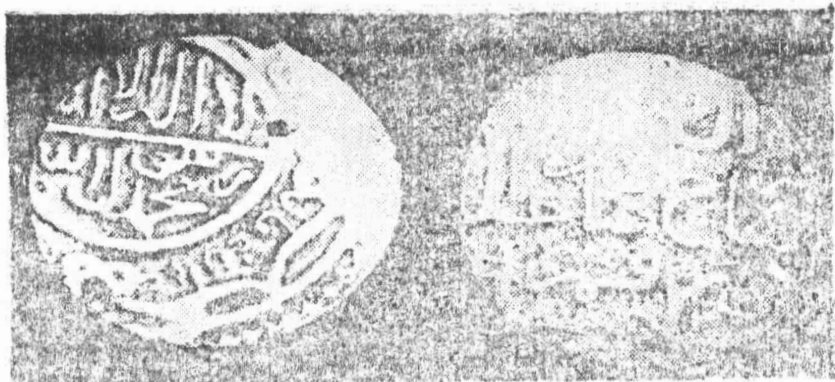
۱۵ - سکه دیگری از شاهرخ ، بی تاریخ :

رو : السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه وسلطانہ -- ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ... عثمان عفان ...



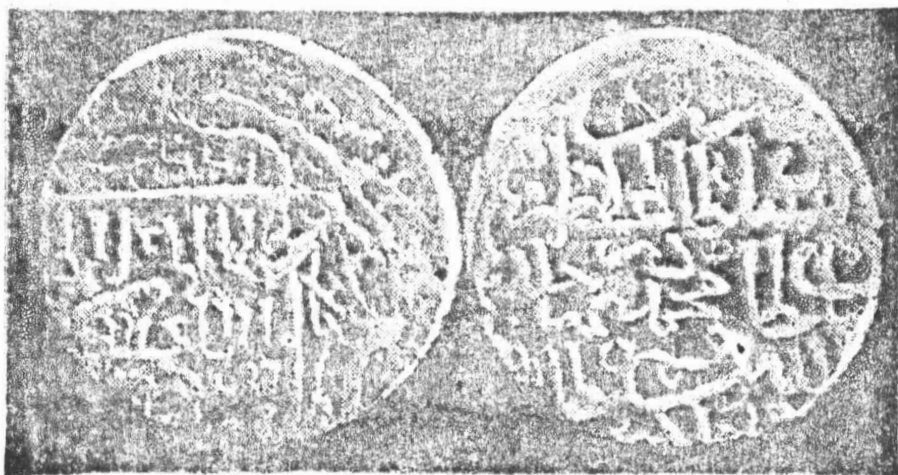


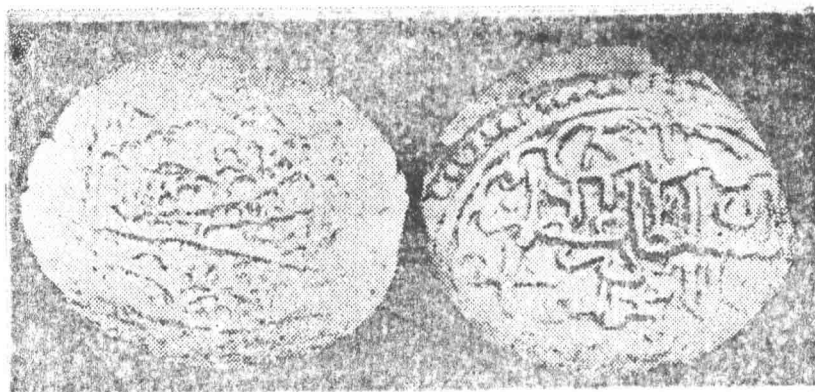
۱۶ - سکهٔ سلطان محمد بهادر ، مورخ ۸۵۱ که از آن دو نمونه در دست  
 است ( موزهٔ قم و مجموعهٔ سید جمال ترابی طباطبائی ) :  
 رو : السلطان الاعظم سلطان محمد بهادر خلدالله ملکه و سلطانه - ضرب

قم ۸۵۱

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی





۱۷ -- سکه ای ضرب قم ، بی تاریخ ، با عدل ابوسعید گورکان



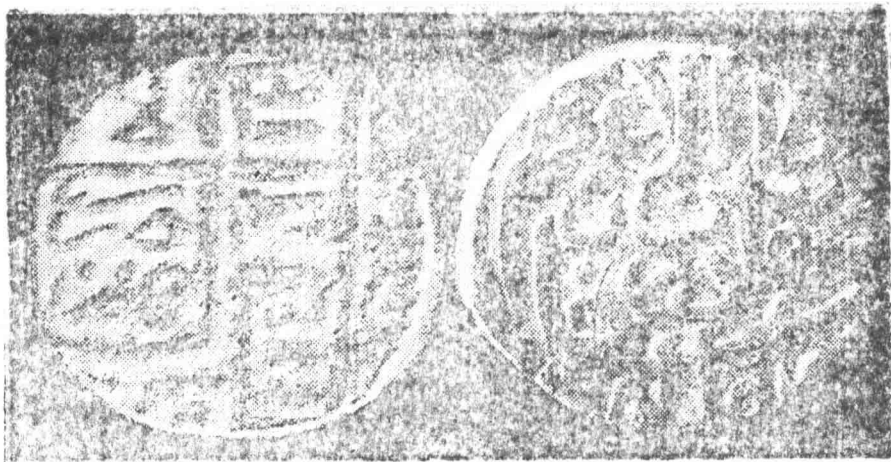
۱۸ -- سکه اوزون حسن ، بی تاریخ ( موزه ایران باستان ) :

رو : السلطان الاعظم حسن بهادر خان خلدالله ملکه ..

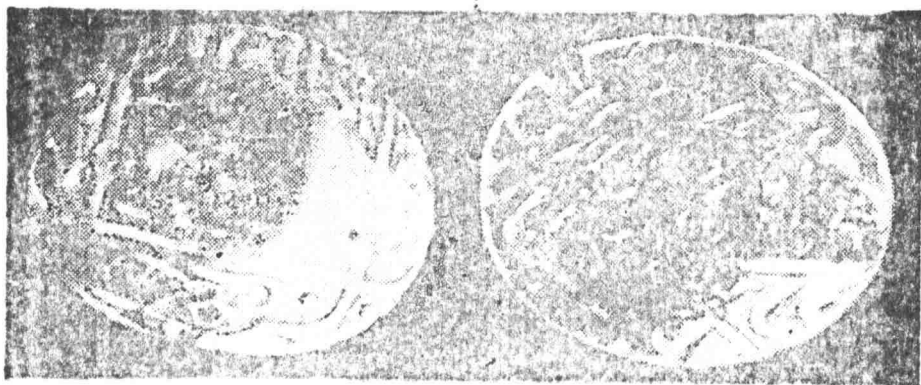
پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله - ضرب قم

[ حاشیه : ] ابوبکر عمر عثمان علی





۱۹ - سکه‌ای از شاهرخ ، عدل قم در ۸۸۷



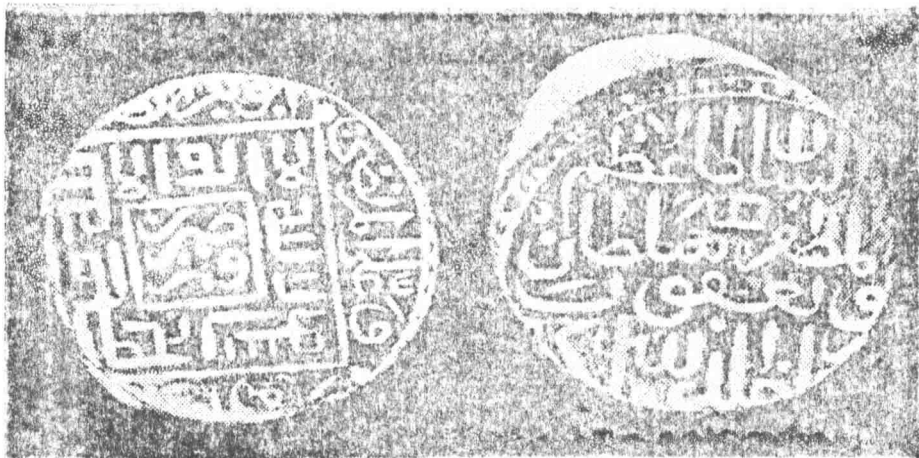
۲۰ - سکهٔ یعقوب آق‌قویونلو، بی تاریخ (از مجموعه‌ای خصوصی درقم):

رو : السلطان الاعظم ابوالمظفر یعقوب سلطان بهادر خلدالله ملکه

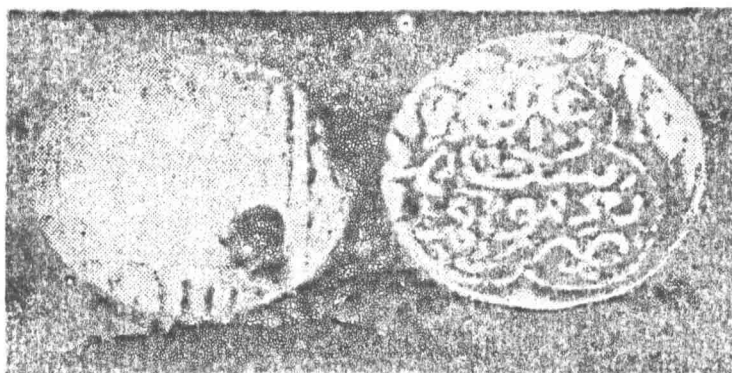
پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله -- ضرب قم

[ حاشیه : ] ابوبکر الصدیق [ ع-ر الفاروق ] عثمان ذوالنورین وعلی

المرتضی

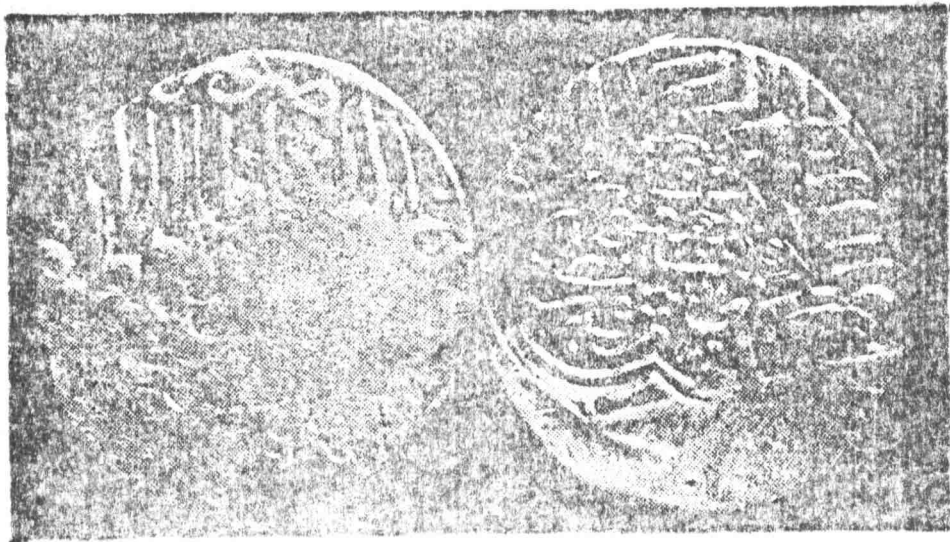


۲۱ -- سکه‌ای با سورشارژ « عدل سلطان یعقوب -- ضرب قم ۸۹۳ »



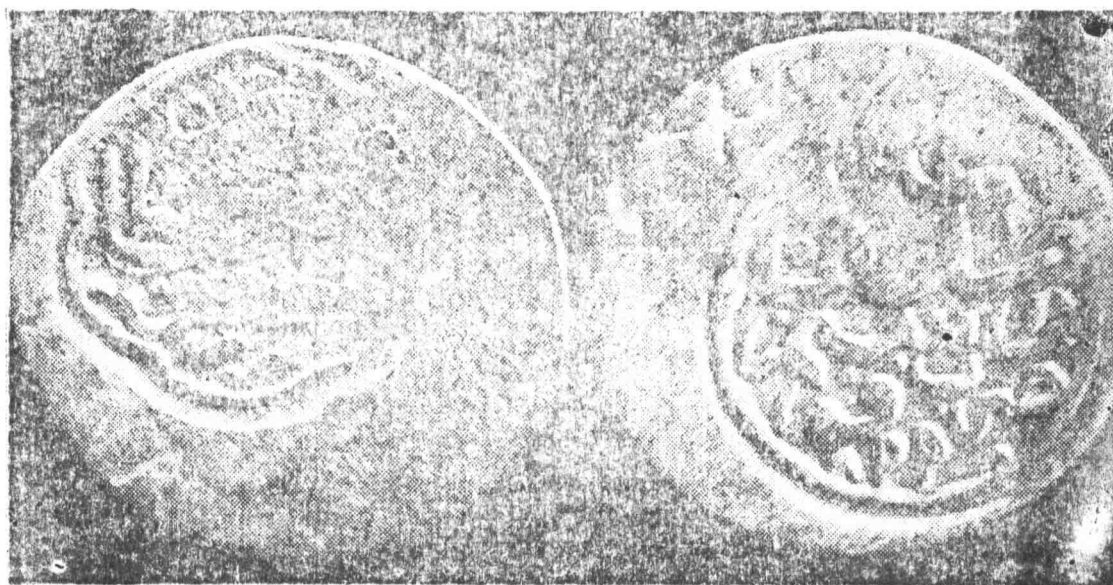
۲۲ -- سکه‌ای دیگر با سورشارژ « عدل سلطان یعقوب -- ضرب قم --  
 ( مجموعه سید جمال ترابی طباطبائی )<sup>(۱)</sup>

۱. رجوع شود به کتاب ایشان با نام «سکه‌های آق‌قونویلو» (چاپ تبریز- ۱۳۵۵) صفحه ۶۵.



۲۳ - دوسکه باسورشارژ « عدل سلطان رستم - ضرب قم ۱۸۹۹ » (موزه

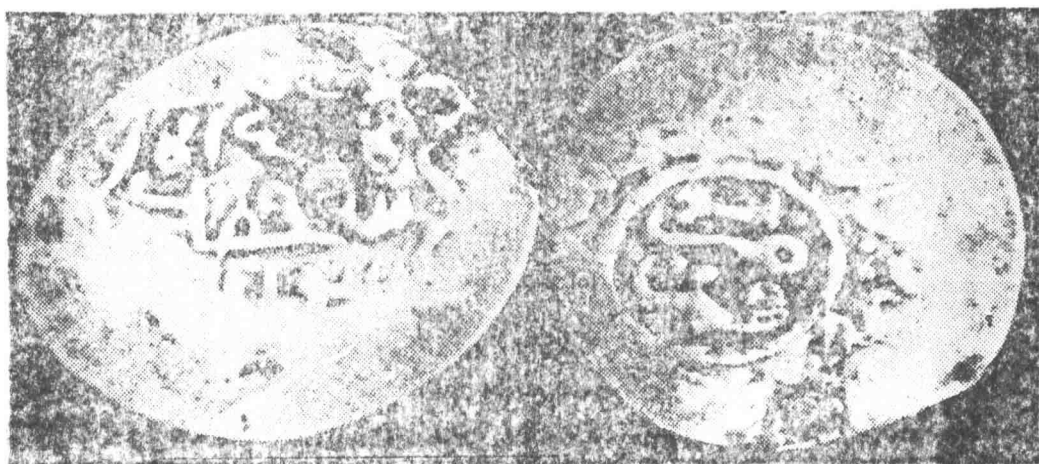
ایران باستان) (۴)



۱ . رجوع شود به کتاب بالا : صفحه ۱۰۰ - ۱۰۱ .



۴ سکه‌های ۲۰ ای از احمد آق قویونلو ( ۹۰۲ - ۹۰۳ ) که تصویر آن در کتاب سکه‌های آق قویونلو : صفحه ۱۳۲ آمده و گویا متعلق به مؤلف آن آقای سید جمال ترابی طباطبائی است .  
 ۲۵- سکه‌ای از قرن نهم ، ضرب قم



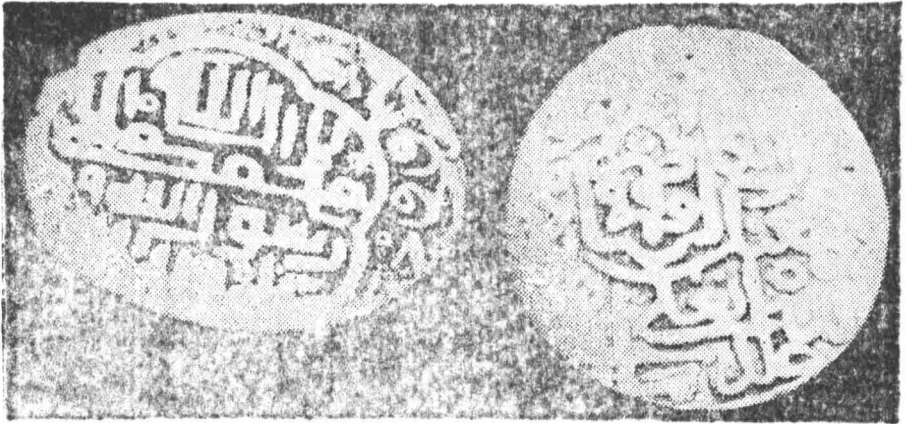
۲۶ - سکه‌ای از شاه اسماعیل صفوی ، مورخ ۹۰۹ :

رو : السلطان العادل الكامل شاه اسماعیل بهادر خان خلدالله تعالی ملکه

وسلطانه - ضرب قم ۹۰۹

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

[ حاشیه : .. فاطمه وحسن وحسین .. ]



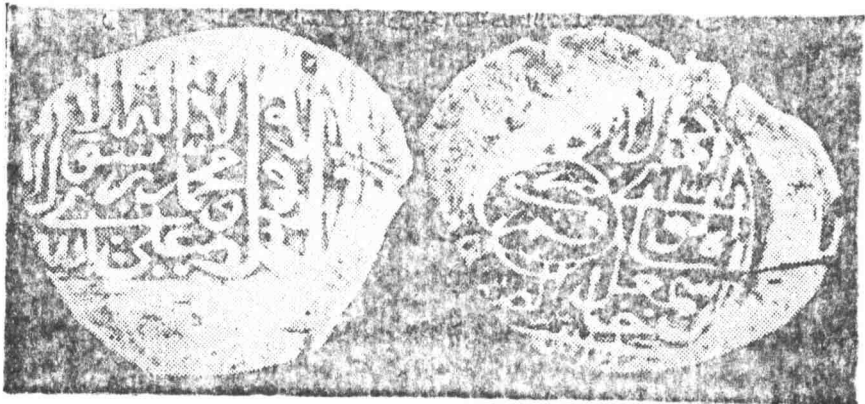
۲۷ - سکه‌ای دیگر از شاه اسماعیل صفوی ، مورخ ۹۲۷ :

رو : [ السلطان ] العادل ابوالمظفر شاه اسمعيل الصفوی الموسوی بهادر

خان خلدالله [ ملکه وسلطانه ] - ضرب قم ۹۲۷

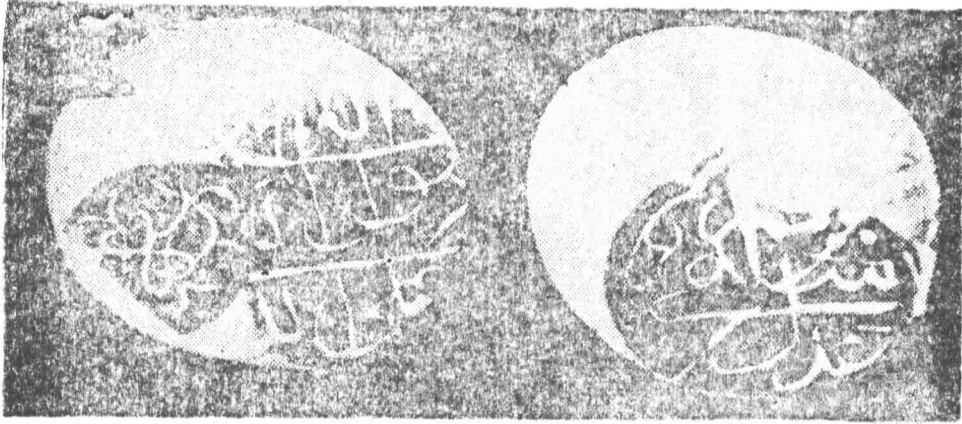
پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

[ حاشیه : ... جعفر موسی ... ]





۲۸ - سکه‌ای دیگر باسورشارژ « عدل شاهی قم ۹۲۴ »



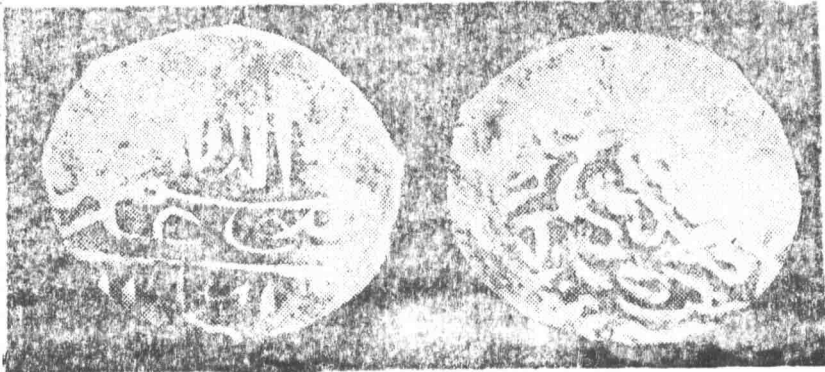
۲۹ - سکه‌ای از طهماسب اول ، مورخ ۹۴۷



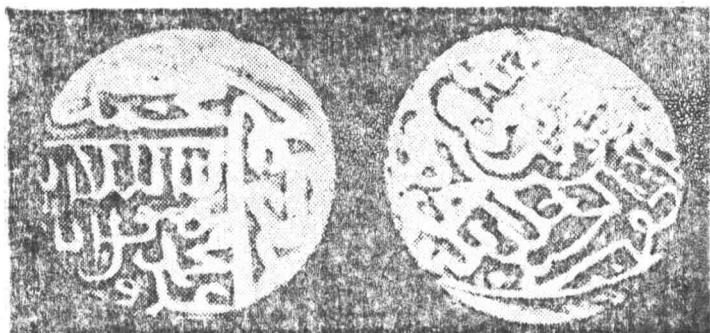
۳۰ - سکه دیگری از طهماسب اول ، مورخ ۹۶۱ :

رو : .. شاه طهماسب بهادر خان خلدالله ملکه - ضرب قم

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله ۹۶۱

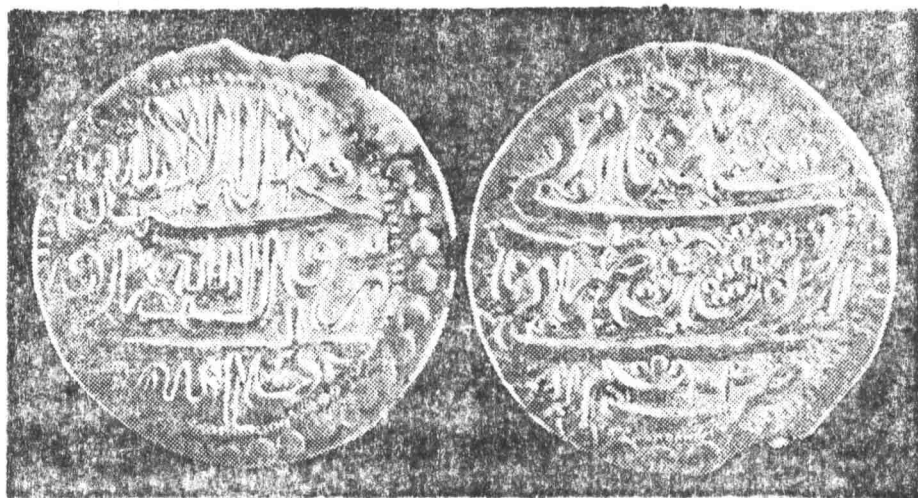


۳۱ - سکه دیگری از طهماسب اول ، مورخ نهصد و شصت و چند :  
 رو : ... الصفوی الحسینی بهادر خان خلدالله ... - ضرب قم - ۹۶  
 پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله  
 [ حاشیه : ] محمد علی ...



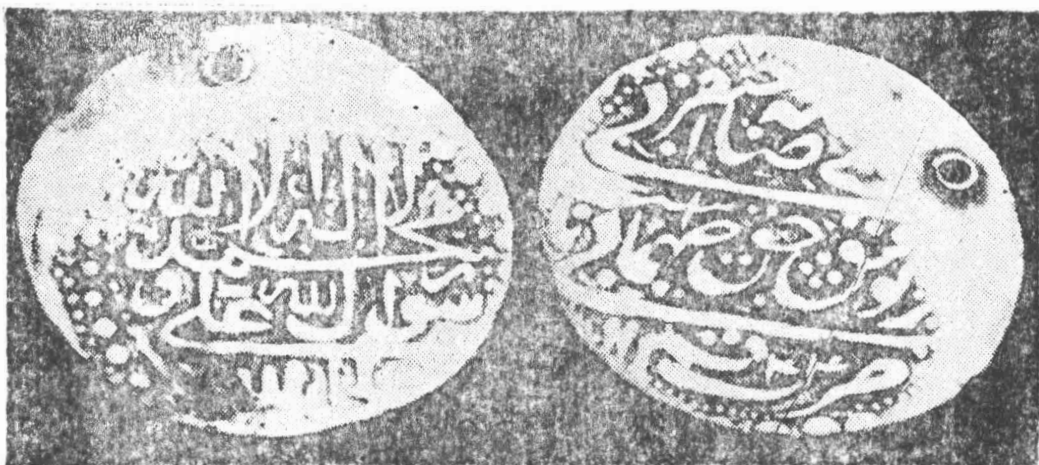
۳۲ - سکه ای از طهماسب دوم ، مورخ ۱۱۴۴ ( مجموعه سید جمال  
 ترابی طباطبائی ) :  
 رو : به گیتی سکه صاحب قرانی زد از توفیق حق طهماسب ثانی  
 ضرب قم - ۱۱۴۴

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله



۳۳ - سکه دیگری از طهماسب دوم ، از همان سال و با همان نوشته‌ها در

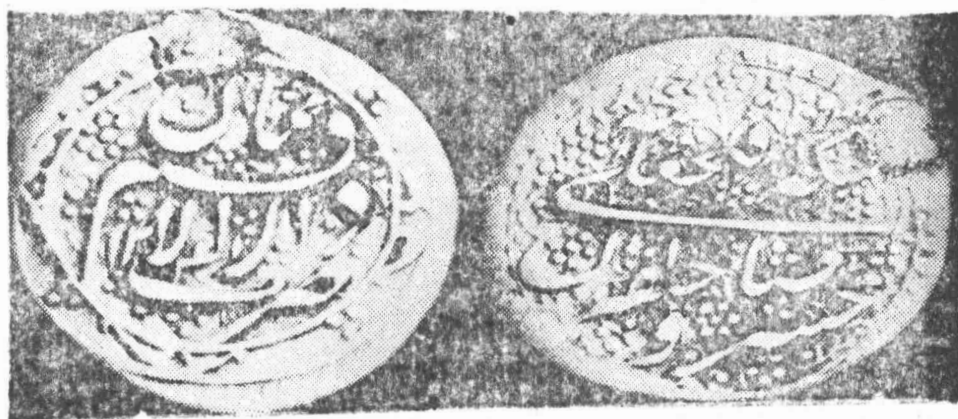
دو سوی



۳۴ - سکه‌ای از فتحعلی شاه قاجار ، مورخ ۱۲۴۱ :

رو : سکه فتحعلی شاه خسرو صاحبقران

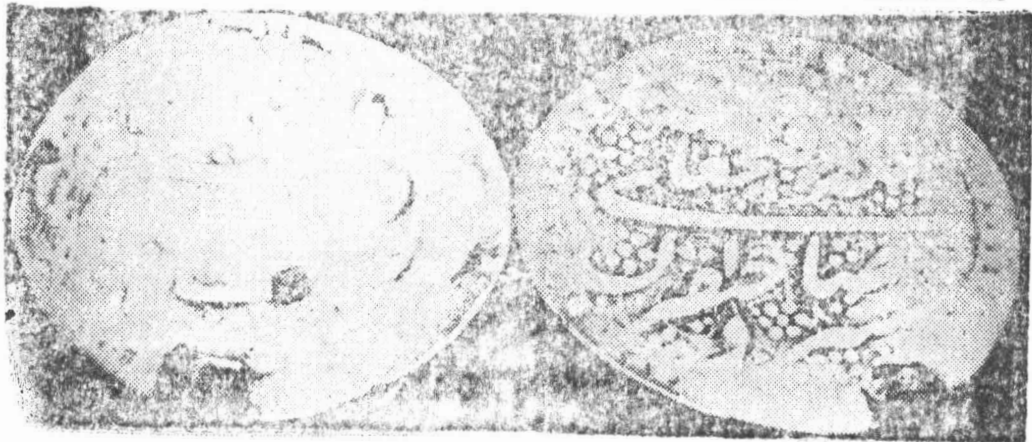
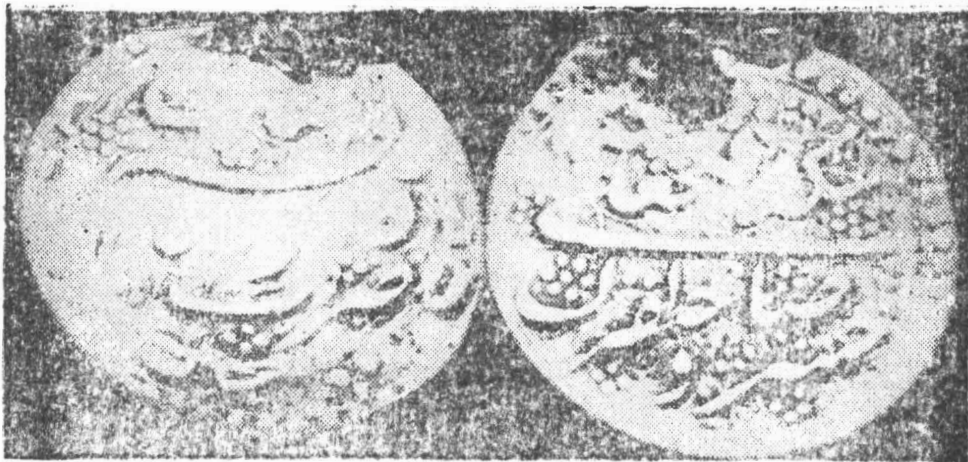
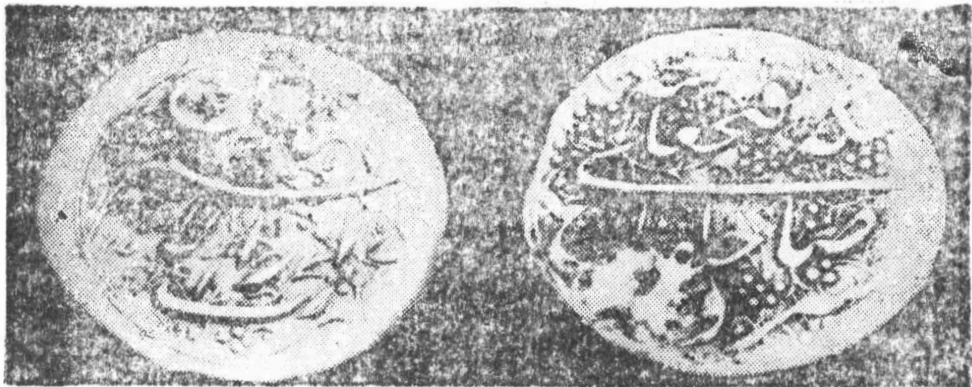
پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲۴۱





۳۵ - سکه دیگری از فتحعلی شاه ، از همان تاریخ و با همان نوشته‌ها بر

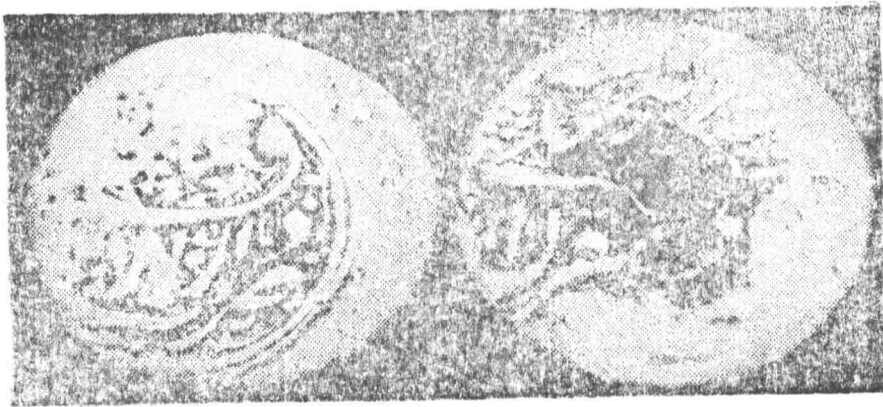
دو سوی که سه نمونه از آن در دست است



۳۶ - سکه دیگری از فتحعلی شاه ، مورخ ۱۲۴۲ :

رو : سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران

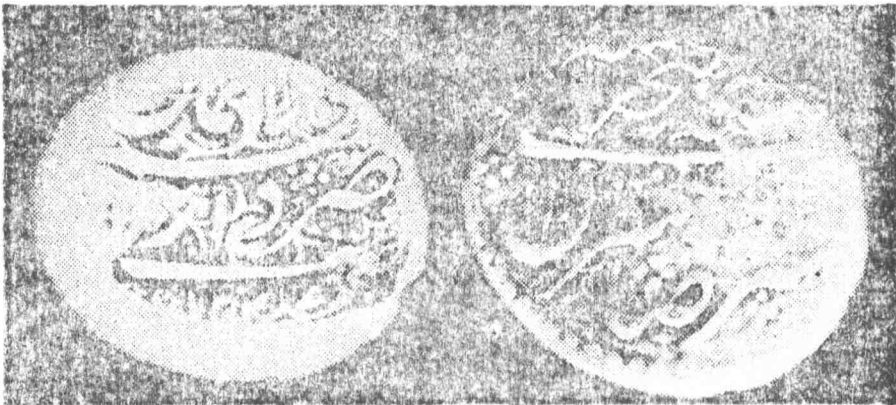
پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲۴۲



۳۷ - سکه دیگری از فتحعلی شاه ، ۱۲۴۴ :

رو : سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران

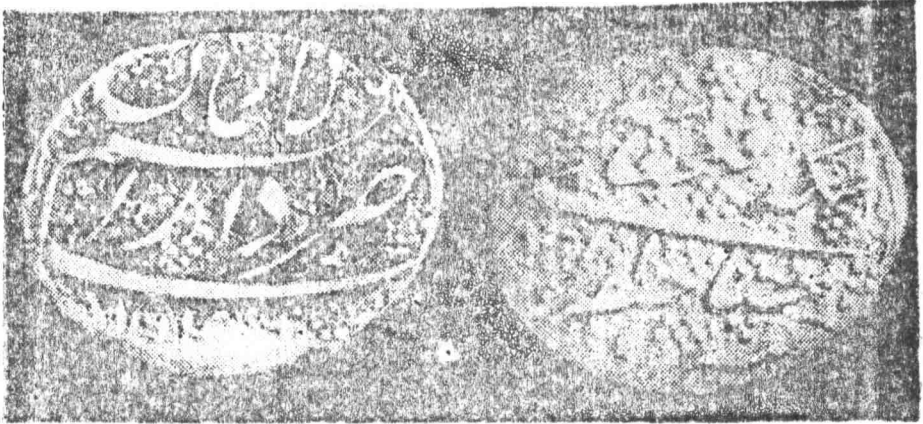
پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲۴۴



۳۸ - سکه دیگری از فتحعلی شاه ، مورخ ۱۲۴۶ :

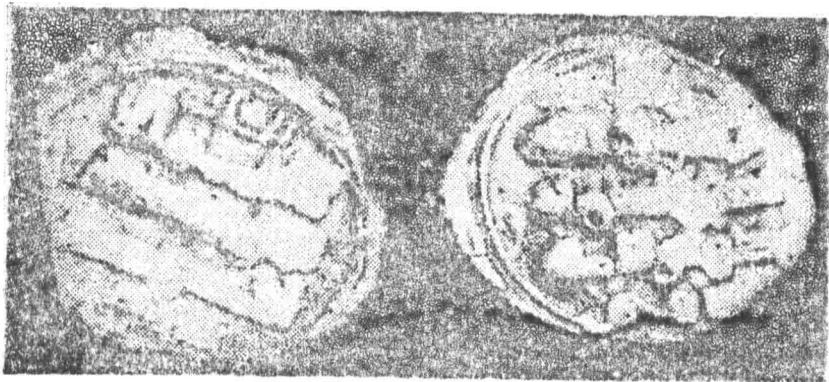
رو : سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران

پشت : ضرب دارالایمان قم ۱۲۴۶



۳۹ - سکه‌ای از قرن‌های نخست با نقش « محمد رسول الله -- ضرب قم »

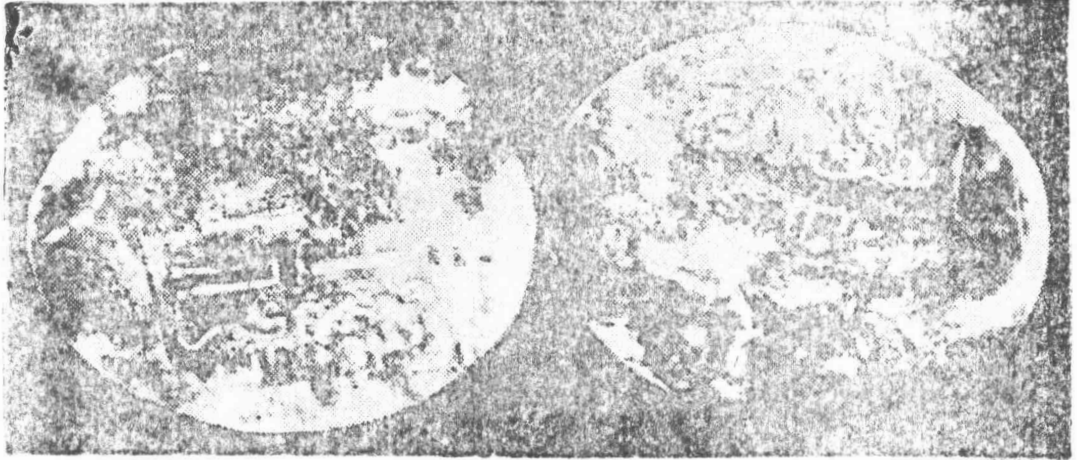
در يك سوی آن



۴۰. سکه‌ای گویا سلجوقی :

رو : السلطان العادل ..

پشت : لا اله الا الله محمد رسول الله ضرب قم



- ۳ -

## کتابچه طوائف و ایلات دارالایمان قم

نوشته شده به سالهای ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶  
( از مجموعه ناصری )



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي برأ الانسان واطلق الستنا بتقديسه بالمعاني  
والبيان بديع السموات والارض الذي تنزهه عن مجانسة الاجناس  
ولا يدرك بالعقول والحواس ليس له شبيهه ولا نظير ولا يحتاج  
الى معين ولا وزير، اعلى شأنه عن مقابلة الاضداد وعن مشاكلة  
الانداد ، والصلاه والسلام على رسوله المصطفى ونبيه المجتبي  
الذي أسرى من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى ورفعته  
الى السموات العلى حتى بلغ قاب قوسين او ادنى واوحى اليه  
ما اوحى ، وعلى آله الابرار المصطفين الاخيار اعلام الهدى  
والعروة الوثقى .

چون به مدلول فرمان قضا توأمان شاهنشاه اسلام پناه اعلى حضرت قدر  
قدرت سکندر حشمت دارا دربان کیوان آستان، السلطان بن السلطان بن السلطان  
والخاقان بن الخاقان ناصر الدين شاه قاجار صاحب قران خلد الله

ملکه و سلطانه حکم محکم ملوکانه برترقیم بدو آبادی دارالایمان قم و تشخیص معارف و عشایر و ایلات آن بلد شرف صدور یافته لهذا عرضه می‌دارد که :

ولایت قم از بلاد محدثه اسلام است . در عهد سلاطین کیان محل اجتماع آب رودخانه‌های و فرقان و انار بار بوده و چراگاه رمة کیقباد در اطراف آن بوده در وقت لشکر کشی کیخسرو به توران بحسب حکم شاهی بیژن پسر گیو بایر قمرود را شکافته و آب را به طرف مسیله جاری ساخته و این اراضی از آب خارج شده ، امغای دولت کیخسرو هر یک نهری و قلعه‌ای برای خود دائر نمودند و به اسم بانی موسوم کردند و تماماً به چهل حصاران مشهور گشت ، تا ظهور دولت اسلام شد . سکنه آنجا مجوس بودند و جزیه می‌دادند . در سنه هشتاد و سه هجری که عبدالملک مروان خلیفه بود و حکومت عراقین را واگذار به حجاج یوسف نمود ، حجاج عبدالرحمن بن محمد اشعث را شصت هزار سوار جرارداده به تسخیر کابل و قندهار فرستاد و به واسطه تقسیم خمس غنائم موافقت آنها بدل به مخالفت شد و عبدالرحمن یاغی شد . اعراب اطاعت او را اختیار کردند . سه کرت در میان لشکر حجاج و عبدالرحمن در اهواز مقاتله اتفاق افتاد و فتح با عبدالرحمن بود . در مقاتله چهارم لشکر عبدالرحمن شکسته شد و خود او مقتول گردید . لشکر او در اطراف عالم متفرق شدند ، از آن جمله قبیله اشعری که جمعی کثیر و جمعی غفیر بودند و سرداران آنها عبدالله و احوص اولاد مالک اشعری بودند به ناحیه قم ساکن شدند و در منازعه گبران باریالمه حمایت مجوسان نمودند و مطبوع طبع گبران شده آنها را مزرعه و محل دادند بعد چندی در میان اعراب و مجوسان مخالفت اتفاق افتاده ، به تفصیلی که در تاریخ قم مسطور است اعراب غالب و مجوسان مغلوب شدند . مشایخ عرب اجتماع آنها را در یک محل صلاح دانسته ، بنای شهر و بساره گذاشته



مساجد و منابر ساختند و از کوفه و توابع خبر استیلای آنها را در عجم شنیدند متوجه آن بلد شده به کلی مجوسان را بی دخل کرده قراء و مزارع را تصرف نمودند . بنای انهار و غرس اشجار گذاشتند و در تقسیم آب رودخانه با اهل کمره و گلپایگان نزاع‌ها کرده، جمع کثیری از طرفین مقتول شدند که الان مزار شهیدها در سه فرسخی قم مشهود و مشهور است ، تا آن که آب را به حسب خواهش عرب تقسیم نموده ، در دادن مالیات جزو اصفهان بودند تا زمان خلافت هارون الرشید از جزو اصفهان خارج شده شهر خود را ولایت مستقلی قرار دادند چنان که تفرش و فراهان و دیار اسحاق که الان دهات خلج خوانده می‌شود جزو جمع قم بوده . در سنه سی صد و هفتاد و سه اسماعیل بن عباد که وزیر فخرالدوله دیلمی بود به واسطه توافقی مذهب که با اشاعره داشت همت بر آبادی شهر قم گماشته رباطات و مساجد و قنوات در آنجا دائر کرده بسیار آبادان گشت، تا آن که به قدر پنجاه و دو طاحونه در قم گردش می‌کرد و جمعیت حالیه نسبت به آن ایام ثلث می‌شود به جهت آن که شانزده طاحونه دارد اغلب ایام خوابیده است .

اعراب اشعری شیعی مذهب و روایت اخبار و مجتهدین اختیار بودند از مخصوصان ائمه اطهار ، و سهم امام خود را خدمت حضرت رضا علیه التحیه و الثناء و اولاد اطهار او تا وکلای حضرت قائم عجل الله فرجه می‌فرستاده‌اند . همیشه وکیل ائمه اطهار در قم بوده، و سادات بنی هاشم در عهد خلفای بنی امیه و بنی عباس در هر جا کار بر آنها تنگ می‌شد قم را محل اقامت خود قرار می‌دادند تا آن که از آنها که قریب به امام بوده‌اند به قدر چهار صد بقعه در قم و نواحی داشته‌اند ، و نسل آنها از قم زیاده‌تر از سایر بلاد است . چنان که حضرت فاطمه بنت موسی علیها و علی آباؤها سلام الله را در وقت عزیمت طوس استقبال

کرده از ساوه به قم آوردند و در وقت وفات آن حضرت موسی بن خزرج اشعری آن حضرت را در باغ بابلان خود مدفون ساخت و آن باغ را وقف مزار مسلمین نمود ، احادیث بسیار در مدح آنها وارد شده مثل حدیث «مرحباً باخواننا من اهل قم» و حدیث «لولا القمیون لضاع الدین» .

این شهر در نهایت اعتبار بود تا در فتنه تاتار و مغول به سعایت اهل ری که تباین مذهب با آنها داشتند لشکر هلاکو خان در قم قتل عام کرده و قصر شوکت آنها را در هم شکست . قنوات و انهار مخروبه ماند بعد از آن فتنه دوباره رو به آبادی آورده ، سلاطین صفویه جوار حضرت معصومه را مضجع خود قرار دادند ، وظایف و مستمریات عنایت نمودند ، سدکنار رودخانه را محکم بستند ، بعد از آن در تسلط افغانه قلیجائی به کلی خراب شد . اثری از قنوات و باغات نماند بشهر ویرانی خاویه علی عروشها . آن قرار داد آب اندازان از میان رفت . تا آن که از یمن دولت همایون این سلطنت قوی شوکت و اهتمام امنای دولت ابد مدت در عهد وزارت مرحوم میرزا تقی خان امیر و مرحوم میرزا آقا خان صدر اعظم فرمان جهان مطاع در تقسیم آب اندازان رودخانه شرف صدور یافت و آن قاعده قدیمه بسر قرار شد . در سنه هزار و دو بیست و هفتاد و پنج حکم محکم ملوکانه که رحمت عالمیان است در اجرای قنات ناصری به جهت شرب آب اهل شهر شد . الحق موهبت عظمی شد و آبی بر روی کار آمد بلکه بهتر از عهد سابق شد .

به جهت تبمن و تبرک اگر چه نمی شود سلسله هاشمی نسب را داخل سایر مردم شمرد تا این صحیفه خالی از ذکر ایشان نباشد مجملی از اشراف و اعیان این طبقه علیه ذکر می شود :

## طایفه بنی هاشم

گر چه بسیارند لیکن حال اطلاق بر آنها می شود که از نسل امیرالمؤمنین و بطن سیده نساء العالمین هستند و پنج طایفه اند :

اول - سادات طباطبائی که نسب آنها به حضرت امام حسن علیه السلام می رسد

دویم - سادات اسماعیلیه که از اولاد اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه

سلام الله هستند

سیم - سادات حسینی

چهارم - سادات موسوی

پنجم - سادات رضوی

اگر چه این چهار طایفه همه سادات حسینی هستند آنچه را قبل از امام موسی منشعب شدند از اولاد اسماعیل اسماعیلی گفتند ، آنچه اولاد امام موسی و از اخوان حضرت رضا علیه السلام جدا شدند موسوی گفتند ، اولاد حضرت رضا را تا امام حسن عسکری رضوی نامیدند، آن چه در این شهر مشهورند طباطبائی و حسینی و موسوی و رضوی هستند ، سادات اسماعیلی را کسی غیر اولاد آقاخان محلاتی مدعی نشده . آنها در سابق در حدود مغرب و مصر لوای سلطنت بر افراخته اند . و اولاد امام حسن مجتبی در خلافت خلفای بنی عباس مقتول و مصلوب گشتند .

سادات حسینی - در این بلد بسیارند چنان که از این چهار طایفه آخری به قدر هشت هزار نفر می شود که بعضی از آنها خدام و الامام فاطمه بنت موسی علیه السلام هستند . متولی باشی از این سلسله است . جسد اعلای ایشان

میوزا سید حسین از اهل جبل عامل بوده از فقهای عصر و فضیلتی دهر . در سلطنت شاه اسماعیل صفوی به عزم زیارت حضرت رضا علیه التحیه و الثناء وارد ایران شدند به اتفاق پنج پسر رشید . در هنگامی که شکست ایرانیان در چالدران اتفاق افتاده بود و با سلطان سلیم قیصر قرارمناظره و مباحثه مذاهب اربعه را با علمای مذهب حق جعفری در اصفهان به حکم دولتین نهاده بودند از طرف مذهب جعفری سید مذکور و شیخ علی کوکی بوده و جمعی از علمای عامه ، بعد از مباحثه بسیار به قاعده « فیهت الذی کفر » و « جاء الحق و زهق الباطل » اهل سنت مغلوب و منکوب گردیدند . بریدون أن یطفؤا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون .

**سادات طباطبائی** - اصلا از ولایت زواره اصفهان بوده اند . جد اعلا

ایشان میو سواج سید بزرگواری بوده و شأن ریاست داشته . میدان میرسراج در قم مشهور و معروف است . سادات میرسراجی کلا عدالت پیشه و باتقوی هستند الا آن که سودائی در مزاج آنها غالب است که گاهی اسباب اغتشاش حواس آنها می شود و در آن حالت از جاده عدالت ... خارج می شوند .

**سادات موسوی** - اصل آنها از سبزوار . سه پشت است در قم مسکن

گرفته اند . پدران ایشان مردم ظاهر الصلاح بودند که مردم نذورات خود را به آنها می دادند و نذر آنها مخالفت نمی کرد . الان هم بعضی از آنها به شیوه اجداد معاش آنها از نذورات می گذرد و بعضی داخل اصناف بازار شده کسب معاش می کنند .

**سادات رضوی** - از اولاد امجاد موسی مبرقع که برادر امام علی النقی

بوده است . در عهد خلافت متوکل عباسی در قم توطن اختیار کرده ، اعراب اشعری او را اعزاز و احترام نموده خانه و مزرعه داده اند . از سادات قدیم قم

اکثر آنها از اهل فضل و تقوی و اصحاب علمای شرعند . برخی داخل اعیان و کدخدایان ولایت بوده اند . کسب آنها زرعت و از ضیاع و عقار خود گذران می نموده اند . اجماع این سادات به واسطه قدمت ایشان بیشتر از دیگران است .

### طایفه بیگدلی

از سکنه شهر قم . صاحب ضیاع و عقارند چنان که قریب ثلث مزروعی و خمس باغات قم ملک ایشان است . اعیان و کدخدایان شهرند بعضی از آنها کار گزار امور حکومتی و بعضی مباشر امور دیوانی هستند و قلیلی خود را در سلك فضلاء کشیده اند . آنچه از نسب آنها معلوم می شود « بیگدلی » یعنی بزرگ زبان ، خود را از اولاد ترك بن یافث بن نوح می دانند و در اردوی امیر تیمور گورکان صاحب مناصب جلیل بودند . اکثر اوقات در حدود روم به سر می برده اند به طریقه مأموریت . بعد از انقراض دولت گورکانیه در اصفهان توطن جسته مناصب ارجمند در دولت صفویه داشته اند . بعد از فتنه افغان از اصفهان خارج شده کاشان را محل مأمن خود قرار دادند . به واسطه زلزله که در کاشان اتفاق افتاد جمعی از آنها هلاک شدند . بعد چندی از آنها که حاجی لطف علی بیک آذر تخلص صاحب تذکره آشکده از آنهاست در دولت کریم خان زند قم را محل مأوای خود ساختند . چون خرابی قسم قریب به فتنه افغان بود درست دایره اثر نشده بود به فکر آبادی و فراهم آوردن ضیاع و عقار افتادند و باحکام شرع انور مواصلت نموده ، اغلب املاک قم را به حیطة تصرف در آوردند . بعضی از اقارب آنها در دهات مزلقان ساوه خانه دارند . بعضی از ایل بیگدلی در اردبیل و خوار و رامین هستند . عدد انساث و ذکور بیگدلی قم از این قرار است :

ذکور : ۶۰ نفر ( بزرگگ : ۳۰ نفر - کوچک : ۳۰ نفر )

اناث : ۵۰ نفر ( بزرگگ : ۲۵ نفر - کوچکگ : ۲۵ نفر )

### طایفه حاجی حسینی

از ایلات محسوب نمی‌شوند چون عشیره زیاد دارند نوشته می‌شود که اینها مردم رعیت پیشه کدخدای منش بوده ، از اعیان شهر شمرده می‌شوند . صاحبان ضیاع و عقارند . از مزارع و باغات و قنوات حومه شهر و مستغلات بازاری املاک معتبر دارند . اجداد اینها از طرف گرجستان و غلامان صفویه بوده‌اند . هر گاه یکی از سلاطین صفویه را در قسم مدفون ساخته‌اند یکی از غلامان را متولی بقعه آن سلطان قرار می‌داده‌اند . جد ایشان متولی یکی از بقاع سلاطین صفویه بوده ، بعد از انقراض دولت صفویه بنای کار را به کاسبی بازار گذاشتند تا ایام حاجی حسین بخت او مساعدت نموده روی به ترقی نهاد . داخل زراعت و اجرای قنوات و ساختن باغات و مستغلات شد . از نزاع‌های بزرگ پروا نداشت تا آن که با اعیان شهر بنای همسری بلکه برتری داشت اولاد ذکور بسیار داشت که این طایفه به اسم او موسوم شدند . آآن اگرچه پیران آنها رفته‌اند جوانانشان صاحبان ضیاع و عقارند و داخل اشراف . عدد ذکور و اناث ایشان از این قرار به قلم آمده است :

ذکور : ۶۶ نفر ( کبیر : ۳۰ نفر - صغیر : ۳۶ نفر )

اناث : ۶۶ نفر ( کبیر : ۳۲ نفر - صغیر : ۳۴ نفر ) .

### طایفه زندیه

از بقیه طایفه کریم خان زند . صاحب حشم بی شمار و قدری ضیاع در دهات جعفر آباد دارند . بزرگان آنها از محترمین ولایت قم هستند . مرتع آنها از

طرف غربی قم در نصرت آباد و کوه یزدان و بیابان دو شاخ که فصیل قم و ساوه می باشد و از طرف جنوب قم هموار و نارنج و کوه سفید و قلعه چم ، ییلاق آنها در طرف فراهان . صاحب مکنت و ثروت هستند . جوانان کساری با جلادت دارند . کاملان آنها با عقل و کفایت . ابتداء ورود آنها به قم بعد از انقراض دولت زندیه و استقرار سلطنت سلسله قاجاریه خاقان شهید آقا محمد خان بزرگان آنها را که از احفاد شیخ علی خان زند بودند مکفوف البصر نموده و به قاعده قدیمه خوانین قاجار در حق آنها مقرری و مسدود معاش مرحمت فرمودند که الی الان برقرار است و آنها را در قم سکنی دادند تبعه آنها دنبال حشم داری رفتند . بعد از زیاد شدن در عهد خاقان خلد آشیان مالیاتی بر آنها وارد آورده مرتع و مربع دادند . تعداد نفوس آنها موافق سیاهه ایل بیکی از این قرار است:

ذکور : ۲۶۷ نفر (کبیر : ۱۳۵ نفر - صغیر : ۱۳۲ نفر)

اناث : ۳۱۵ نفر (کبیر : ۱۵۵ نفر - صغیر : ۱۶۰ نفر)

### طایفه سعدوند

از ایلات فارس بوده اند . در عهد دولت خاقان مغفور ایشان را کوچانیده به قم آورده اند . در قنوات و دهات شرقی شهر قم منزل و مرتع دارند . اغلب حشم آنها شتر است و گوسفند هم دارند . شغل آنها ده نشینی و غالباً رعیتی است . خربزه کاری را خوب می کنند . در قرینه مؤمن آباد و حاجی آباد و نواران متولی باشی رعیتی دارند و چراگاه آنها بیابان نیزار سراج و کاووسی ها است . اکثر آنها صاحب مایه و ثروت هستند . قلیلی از آنها به حشم تنها قناعت دارند . جوانان با جلادت زرننگ دارند و در کار زراعت ممتازند . در حقیقت از حالت ایلیاتی خارج شده ، رعیت منش شده اند که صاحبان دهات آنها را به

منت می‌برند و نگاه می‌دارند . تعداد آنها از این قرار است :

ذکور : ۳۳۱ نفر (کبیر ۱۶۶ نفر - صغیر : ۱۷۵ نفر )

اناث : ۳۸۶ نفر (کبیر ۱۲۰ نفر - صغیر : ۱۶۶ نفر )

### طایفه گائینی

از ایلات فارس بوده‌اند که در عهد خاقان خلدآشیان آنها را به قم آورده‌اند اکابر آنها شهرنشین و در کنار رودخانه قراچائی مزارع دارند و حشم ایشان در حدود کنار رودخانه ساوه و بایر حسین آباد دهک که شمالی شهر قم است مرتع دارند و به واسطه قرب جوار به مرتع شاهسون بغدادی اکثر اوقات با شاهسونها جدال و نزاع دارند . اگر چه به عدت از شاهسون کمترند در جلادت بیشتر و غالبند . بزرگان ایشان در عهد خاقان مغفور جمعدار شتر باری دیوان بودند به اختیار خود از آن کار استعفا نموده ، رعیتی را بسر نوکری اختیار کردند و متوجه حشم و فلاحت شده‌اند . روزگار خوبی دارند . در مایه بهترین ایلات قم هستند . بزرگان آنها شهرنشین و کدخدای منش می‌باشند . تعداد آنها از این قرار است :

ذکور : ۳۶۱ نفر (کبیر : ۱۹۸ نفر - صغیر : ۱۶۳ نفر )

اناث : ۳۱۶ نفر (کبیر : ۱۵۰ نفر - صغیر : ۱۶۶ نفر )

### طایفه کلهر

از ایلات کرمانشاهان . چند نفری از آنها در عهد خاقان خلدآشیان در شهر قم سکنی گرفته‌اند ، شغل خود را نوکری علماء و اعیان شهر قرار داده‌اند تا به دفعات و مرور ایام حشمی پیدا کرده ، در بایرهای اسفل قم مرتع گرفتند .



از آنجا که شیوه کج زبانان است میانۀ علماء به نامی و فتنه انگیزی مشغول شدند تا علماء اعلام اکاذیب آنها را صدق انگاشته ، مریدان مرده به حمایت مراد خود خواستند کار را بر مراد خود فیصل دهند . آشفتند و فرق یکدیگر را کوفتند تا کار جنگ به تفنگ کشید ، جمعی مجروح و چندی مقتول گردیدند کار به عرض دیوان کشید . امنای دولت قاهره به جهت نظم ولایت آنها را تادیب و جریمه نمودند تا آرام گرفتند . حکام بعد از آن جریمه را وجوه هوائی شمرده همه ساله گرفتند تا آن که مستوفیان عظام خبر دار شده ، جزو جمع دیوانی نمودند . در میزی مقرب الخاقان میوزا حبیب الله مالیات به قدر استعداد بر آنها بستند . حشمی دارند . اغلب آنها فراش حکومت هستند و بعضی نوکری اهل ولایت [ می کنند ] . در فراشی استادفراش های هر سنی هستند . تعداد آنها از این قرار است :

ذکور : ۱۲۵ نفر ( کبیر : ۶۵ نفر - صغیر : ۶۰ نفر )

اناث : ۱۱۳ نفر ( کبیر : ۶۳ نفر - صغیر : ۵۰ نفر )

### طایفه لشنی و کوزه بر

این دو طایفه از ایلات کرمانشاهان در قم سکنی گرفته اند . مردمانی آسوده و قلیل العددند مواشی و حشمی چندان ندارند . شغل آنها کاسبی و زراعت است . چند نفر معتبر دارند و قدری چارواکاری می کنند . مالیات آنها به صعوبت وصول می شود . از سکنۀ شهرند . تعداد نفوس آنها از این قرار است :

ذکور : ۶۳ نفر ( کبیر ۳۳ نفر - صغیر : ۳۰ نفر )

اناث : ۶۸ نفر ( کبیر : ۳۷ نفر - صغیر : ۳۱ نفر )

## طایفه عبدالملکی

از ایلات فارس . در عهد خاقان خلد آشیان در قم آمده اند . شهر نشین . ضیاعی ندارند . حشمی به قدر استعداد خود دارند . اغلب آنها چاروا دار و فراشی حکومت دارند . مرتع آنها در جنوبی شهر قم است . دو تیره هستند عبدالملکی و زند شهری ( اینها غیر طایفه زند می باشند ) . تعداد نفوس آنها از این قرار است :

ذکور : ۳۵ نفر

اناث : ۵۰ نفر

## طایفه خلیج شاد قلی

این طایفه از اخراج قم بودند از ، تعدی غفار خان خلیج و محمد حسین خان پسر او ترك وطن مألوف کرده اموال خود را برداشته ، در آبادی شاد قلی که حومه شهر قم است سکنی گرفتند ، در ظل حمایت حکام و بزرگان قم آمدند . حکام سلف از آنها حمایت کردند دست تعدی غفار خان از سر آنها کوتاه شد . شغل آنها هیزم کشی بود و اندک حشمی داشتند تا کار آنها روی به بهبودی نهاد . به رسم تعارف روغنی به حاکم ولایت می دادند عاقبت تعارف آنها مالیات شد . مرتع آنها در کوه یزدان و هموار شاه آباد است . تعداد نفوس آنها از این قرار است :

ذکور : ۱۱۳ نفر

اناث : ۱۱۵ نفر

- ٤ -

کتابچه

تفصیل حالات و املاک و مستغلات و قنوات و بلوکات

دارالایمان قم

نوشته شده به سال ۱۲۹۶

( از مجموعه ناصری )



## کتابچه تفصیل حالات واملاک و مستغلات و قنوات و بیوکات

### دارالایمان قم

در هذه السنة بارس ثیل خیریت تحویل به تاریخ شهر محرم  
الحرام مطابق سنهٔ يك هزار و دو یست و نود و شش هجریه حسب  
الحکم جناب جلالت مآب خداوند گار اعظم آقای اعتضاد  
الدوله دام اقباله العالی قلمی می شود .

از قرار کتب اخبار که در باب بدایت آبادی ولایت قم ثبت است این محل  
شهر و مزارع حومهٔ ولایت در قدیم محل جمع شدن آب های رودخانهٔ ازابار  
بوده و در اطراف آن چراگاه رمه و حشم سلاطین کیان بوده ، تا در عهد سلطنت  
کیخسرو کیانی که به عزم رزم افراسیاب حرکت کرده بود چون به حدود  
قم وارد شد اظهار نمود که اگر این زمین را فرجه ای پیدا شود که از آب خارج  
شود محل کشت و زرع می خواهد شد . بنا بر فرمایش پادشاه ایران بیژن بن گیو  
بن گودرز همت بر آبادی آنجا گماشته ، بایری که فاصلهٔ میان قم و قمرود بود  
شکافته فرجه ای از برای آب پیدا شد ، محل شهر و حومه از آب بیرون آمد و به

حکم پادشاهی چهل نفر از رؤسای لشکر چهل قریه و قلعه در آن اراضی بنا نمودند و آن قریه را به اسم خود موسوم نموده و چهل نهر از روخانه جاری نموده ، به این واسطه مشهور به چهل حصاران شد . آآن اکثری از مزارع به همان اسم فرسی مشهور است . تا آن که در ظهور دولت و رایت اسلام اهالی آنجا جزیه قبول نموده به همین حالت بودند تا در عهد خلافت عبدالملک مروان که حجاج بن یوسف ثقفی را امیر عراقین نمود حجاج عبدالرحمن ابن محمد بن اشعث کندی را امیر جیش شصت هزار سوار عرب نموده ، به تسخیر ولایت کابل و قندهار فرستاد . بعدها به واسطه اسبابی چند که در تواریخ مسطور است مخالفت در میان حجاج و عبدالرحمن افتاده ، جنگ های صعب اتفاق افتاد . در همه جنگ ها نسیم فتح و فیروزی به پرچم و علم عبدالرحمن می وزید تا آن که در کربت آخری جنگی در خوزستان در میان فتنین اتفاق افتاده ، شکستی فاحش به لشکر عبدالرحمن وارد آمد چنانکه تاب مقاومت نیاورده ، خود به طرف کابل و قندهار گریخت و لشکر او در اطراف و اکناف زمین متفرق شدند از آن جمله قبیله اشعری از قبایل یمن بودند که بزرگ آنها اولاد سعد اشعری و احفاد مالک اشعری بودند که موسوم به عبدالله و احوص بودند ، از عراق عرب روگردان شده در حوالی چهل حصاران قشلاق کردند و به مرور دهور به اندک روزگاری بر مجوسان چهل حصاران مسلط شده ، بنای شهر قم را در سنه هشتاد و یک هجری گذاشتند در اراضی مزرعه ای به از مزارع قم که مشهور به کمیدان بود که آآن هم آن مزرعه به آن اسم باقی است . و در حقوق دیوانی تابع و جزو جمع اصفهان بود . به واسطه آن که اعراب اشعری شیعی مذهب و اهل اصفهان سنی بودند همیشه در معاملات دیوانی میان آنها نزاع های کلی اتفاق افتاده ، بر نزاع و لجاج افزودند تا به حکم خلفا دو دفعه اکابر و اشراف

قم را به قتل آوردند . در عهد خلافت هارون الرشید اهل اصفهان از مجاورت  
 و مخالفت اهل قم به تنگ آمده ، قم و نواحی او را از جزو جمع خود خارج  
 نموده ولایت علی حده قرار دادند و مالیاتی موافق ممیزی هارونی بر آنها وارد  
 آوردند . در آن ممیزی نفرش و فراهان و دیار اسحاق که الان خلیج قم مشهور  
 است با کاشان تا حدود ری و اصفهان و همدان داخل قم بود . بعد از تسلط و تغلب  
 تاتار و مغول که در بلاد ایران خرابی کلی وارد آمد در عهد خانیت غازان خان  
 از سلاطین مغول ممیزی جدید شده - چنان که در کتاب و صاف مسطور است  
 - مالیاتی به اندازه استعداد قم و بلوکات که دارد . آن ممیزی برقرار بود تا در  
 فتنه افغان در اواخر دولت صفویه انارالله برهانهم در ممالک محروسه ایران ،  
 اکثر [ شهر ] خراب و از حیز انتفاع افتاده و قنوات انباشته شد و باغات مشجر  
 اراضی بیاض شده بسود . در عهد سلطنت خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار  
**آقا میرزا بابای آشتیانی** را به ممیزی این ولایت مأمور نموده ، جمع جدیدی  
 به طریقه مقاطعه به شهر قم و بلوکات بسته که مبلغ دوازده هزار و چهارده تومان  
 نقد و چهار هزار و پانصد خروار جنس بود . به مرور ایام و سنوات حکام و مباشرین  
 امور دیوانی همه ساله به جهت نفع حکومتی اضافه بر مالیات و جهی از رعیت  
 گرفته ، بعد از اطلاع امنای دولت آن اضافه را به اسم فرع و تفاوت عمل جزو  
 کتابچه دیوانی کردند تا آن که دوازده هزار تومان به مبلغ بیست و پنج هزار  
 تومان معمول و برقرار شد و رعیت لابد و لاعلاج بر معاش خو تنگ گرفته و از  
 عهده مطالبات دیوانی بر می آمدند . تا در سنوات قحط و غلا که در اکثر  
 بلاد ایران بلکه ربع مسکون روی داد و مردم در حسرت نان جان دادند و بنی  
 نوع خویش را چون گاو و گوسفند ذبح نموده و خوردند اکثر دهات بی رعیت  
 و خانه ها خالی از سکنه گشته ، بعضی از مزارع و دهات خراب شده ، حکم

شاهنشاهی بر ممیزی جدید و تعدیل مالیات شد . حسب الامر میرزا حبیب الله گرگانی مأمور به تعدیل شده قراری از نو گذاشت چنان که در دفترخانه مبارکه ثبت است و حالا [سه سال است] <sup>(۱)</sup> از آن قرار معامله ولایتی پرداخته می شود [با وجود آن که شش صد خانه از قم خراب و بی سکنه مانده است] .

بالجمله جغرافیای ولایت قم و حالت حالیه آن از قرار ذیل است :

دارالایمان قم از اقلیم چهارم است . هوای آنجا میل به گرمی دارد چنان که جو در آنجا در اول جوزا به دست می آید و گندم او در هفتم بهار می رسد حاصل کلی آنجا ازشتوی گندم و جو و باقلاست و صیفی کاری جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه و خیار و سبزی آلات بسیار دارد و آب مزروعی باغات حومه شهر از رودخانه انار بار است و از طرف کمره گلپایگان می آید . در سابق میوه باغات قم به غیر انار و انجیر نبوده جهت آن که در کنار رودخانه از نیمور الی سه فرسخی قم انهار و مزارع جدید بسیار احداث شده بود و در تابستان آب شهر قم به کلی قطع می شد ، به این واسطه باغات و مزارع قم بی قدر و منفعت بود که از عهده مالیات دیوانی بر نمی آمدند . تا آن که رعایای قم به دربار معدلت مدار عارض شده ، امنای دولت جاوید آیت موافق فرمان مبارک قراری دادند که در وقت تنگی آب رودخانه شش روز به مزارع و باغات دارالایمان قم بیاید و پنج روز مزارع جدید کنار رودخانه ببرند . به واسطه این حکم باغات قم آباد شد و میوه های بهاره از قبیل گوجه و قیسی و سیب و زردآلو زیاد دارد . عملجات زراعت و باغات حومه شهر همه از سکنه شهرند .

اما قنوات حومه دارالایمان قم به غیر قنات سراج و شمس آباد خالصه کلادر دولت خاقان مغفور و این دولت جاوید آیت جاری شده . از قنوات مخروبه

۱ . جملات میان قلابها در نسخه اساس خط خورده است .



بودند که در فتنه اشرف افغان و محمود قلیجائی خراب شده بود . دو دفعه بسر این قنوات جدید النسق ممیزی شده ، یکی در وزارت میرزا تقی خان فراهانی میرزا زین العابدین تبریزی ممیزی نمود و دفعه دوم در همین چند ساله مقرب الخاقان میرزا حبیب الله تعدیل نمود . وسایر مزارع و باغات قدیم النسق است اگرچه در این ممیزی تعدیل شد ، از قراری که مفصلا هر جا و محل در جای خود معلوم می شود .

## [ مزارع ]

مزارع مشروب از آب رودخانه قدیم النسق است . به هفتاد حصه قسمت می شود و هر حصه سه زوج گاو در او بسته می شود و ده نهر از روخانه به جهت شرب باغات و مزارع جدا می شود ، مالک نه نهر رعیت است و یک نهر خالصه مختص شمس آباد خالصه می باشد . رعیت آنها سکنه شهرند . حاصل آنها از شتوی جسو و گندم و باقلاست و صیفی جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه و کنگد و تنباکو و خیار است که به شهر فروش می رود . از قراری که در جزو مزارع نوشته می شود .

### مزرعة براوستان

مشروب از رودخانه از نهر براوستان . مالیات آنجا به طریقه مقاطعه نقداً جنساً در جزو کتابچه دفتر خانه مبارک ثبت است . از مزارع قدیم النسق است

که به اسم فرسی قدیم مشهور است . قریه او به واسطه بی رحمی مالکین قدیم آن مثل شهرهای لوط عالیها سافلها شده، الان اصل قریه خراب است . محمد علقمی که وزیر مستعصم خلیفه عباسی بوده و اسباب انقراض دولت عباسی شده از اهل این قریه بوده است چنان که تفصیل حالات او در تواریخ بنی عباس مشهور و مسطور است . شیعی مذهب بوده است . چهارده حصه .

مالیات - نقد : ۲۸۰ تومان ، جنس : ۴۳۰ خروار

عمله جات از بزرگک و حصاد و غیره - ۱۵۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

بذر - شتوی : ۳۹۰ خروار ، صیفی : ۴۰ خروار

### مزرعه شهرستان

از مزارع قدیم النسق است . مشروب از نهر شهرستان که از رودخانه منشعب می شود . شش حصه .

مالیات - نقد : ۱۸۰ تومان ، جنس : ۲۶۷ خروار

عمله جات - ۶۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جواست ، صیفی : جوزق و کرچک و غیره

بذر - شتوی : ۲۴۰ خروار ، صیفی : ۲۴ خروار

### مزرعه محمدآباد

مشروب از نهر شهرستان . ملکی علمای اعلام است . از مزارع قدیم النسق است . قلعه و سکنه ندارد . در سفلی شهرقم واقع است . ملکی مرغوب دارد که غله او خوب می شود .

مالیات - نقد : ۶۰ تومان ، جنس : ۸۳ خروار

عمله‌جات - ۴۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو است ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

و غیره

بدر - شتوی : ۶۰ خروار ، صیفی : ۶ خروار

### مزرعة فرا به و دنك

جزء مزرعة براوستان بود ، در این ممیزی جدید موضوع شده . مشروب

از نهر براوستان می‌شود .

مالیات - نقد : ۳۱ تومان و ۶ هزار وده شاهی ، جنس : ۴۶ خروار

عمله‌جات - ۳۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

بدر - شتوی : ۴۰ خروار ، صیفی : ۱۳ خروار

### مزرعة نجيم آباد

از مزارع قدیم بوده مشروب از آب قنات ورودخانه هر دو می‌شود .

عمله‌جات آن از اهل شهرند .

مالیات - نقد : ۳۲ تومان ، جنس : ۳۵ خروار

عمله‌جات - ۳۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

بدر شتوی : ۶ خروار ، صیفی : ۱۲ خروار

### مزرعة صالح آباد

قلعه و سکنه ندارد . ملکی اهالی شهر است . از مزارع قدیم است .

مشروب از نهر شهرستان . دو حصه .

مالیات - نقد : ۵۰ تومان ، جنس : ۶۸ خروار

عمله جات - ۳۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک و غیره

بذر - شتوی : ۶۰ خروار ، صیفی : ۸ خروار

### مزرعة طبشقران

از مزارع قدیم . پشت باره شهر واقع است . مشروب از نهر شهرستان

است .

مالیات - نقد : ۲۰ تومان ، جنس : ۳۰ خروار

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک و غیره

بذر - شتوی : ۳۵ خروار ، صیفی : ۷ خروار

### مزرعة غزوان

تیول مرحمت و غفران مآب میرزا ابوالقاسم قمی اعلی الله مقامه . درسفلای

شهر واقع است . از مزارع قدیم است . الان هم به تیول ورثه آن مرحوم

مقرر است . يك حصه .

مالیات - نقد : ۲۵ تومان و ۵ هزار ، جنس : ۴۶ خروار و ۵۰ من

عمله جات - ۲۵ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک

بذر - شتوی : ۴۰ خروار ، صیفی : ۵ خروار

## مزرعة كرج

از مزارع قدیم است ، تیول علمای بلد است . قلعه و سکنه ندارد . رعیت آنجا اهل شهر است . مشروب از رودخانه از نهر كرج . هندوانه آنجا خوب می شود . ۶۰ حصه .

مالیات - نقد : ۶۸ تومان ، جنس : ۱۳۰ خروار

عمله جات - ۹۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و هندوانه

بذر - شتوی : ۱۵۰ خروار ، صیفی : ۱۵ خروار

## مزرعة ارباب بیجه

وقفی مسجد امام حسن عسکری است . در قدیم مالیات نداشت ، در مستمری جدید جمع بر آنجا بسته شده .

مالیات - نقد : ۴ تومان ، جنس : ۶ خروار

عمله جات - ۱۰ نفر

محصولات : شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و هندوانه

بذر - شتوی : ۱۵ خروار ، صیفی : ۳ خروار و ۳۰ من

## مزرعة جمکران

از مزارع معتبر است . در يك فرسخی قم واقع است . در آنجا دو آبادی است یکی قلعه جمکران که سکنه دارد و یکی آبادی گرگابی که مشهور به هادی و مهدی است . مردم جلادت پیشه و تفنگچی شکاری خوب دارند که رعیت

هستند و ملک آنجا از اربابان شهر است ، مشروب از رودخانه از نهر جمکران می شود . جو و گندم خوب به عمل می آید . دوازده حصه .

مالیات - نقد : ۳۴۳ تومان ، جنس : ۵۰۳ خروار

عمله جات - ۳۰۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو است ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

بذر - شتوی : ۴۳۰ خروار ، صیفی : ۵۰ خروار

### مزرعة زرقان

از مزارع قدیم است . جمع جدید بر آنجا بسته شده است . قلعه و آبادی مختصری است در آنجا که بعضی صاحبان مراعی و مواشی در آنجا منزل دارند حاصل خوب دارد .

مالیات - نقد : ۲ تومان و ۶ هزار و ۱۴ شاهی ، جنس : ۸ خروار

عمله جات - ۸ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک

بذر - شتوی : ۸ خروار ، صیفی : ۳ خروار و ۵۰ من

### مزرعة ابرستجان

از مزارع قدیم است . در آنجا قدری اراضی خالصه قدیم است که در آنجا رعیت زراعت می کند و مالیات می دهد . در آنجا پنج قلعه گبری در قدیم بوده که الان دیوارهای آنها برجاست و يك قلعه آن الان سکنه دارد که ایل زندیه در آنجا در وقت قشلاق منزل دارند . باقی مخروبه است . ۱۰ حصه .

مالیات - نقد : ۳۰۰ تومان ، جنس : ۴۳۰ خروار

عمله جات - ۲۵۰ نفر

محصولات شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

بذر - شتوی : ۳۰۳ خروار ، صیفی : ۴۰ خروار

### مزرعة سواران

جزء مزرعة ابرستجان بوده والان هم از نهر ابرستجان مشروب می شود .  
مزرعة جدا گانه قرار داده اند . ملك اربابان شهری است . قلعة مختصری دارد  
که بعضی از ایلات در آن سکنی دارند . رعیت از اهل بلد دارد .

مالیات - نقد : ۳۰ تومان ، جنس : ۴۲ خروار

عمله جات - ۲۵ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو است ، صیفی : جوزق و کرچک و هندوانه

بذر - شتوی : ۳۵ خروار ، صیفی : ۴ خروار

### مزرعة ابرستجان رعیتی

جزو ابرستجان خالصه بوده ، الان مزرعة جدا گانه شده . مالیات آنجا در  
جزو ابرستان خالصه نوشته شد ثانیاً نوشته نمی شود . مشروب از آب رودخانه  
از نهر ابرستجان است .

عمله جات - ۳۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک

بذر - صیفی و شتوی : ۴۵ خروار



## مزرعة هندیجان

از مزارع قدیم . مشروب از رودخانه از نهر مزدیجان . از همه مزارع قم مرغوب تر است .

مالیات - نقد : ۱۰۶ تومان ، جنس : ۱۳۵ خروار

عمله جات - ۹۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو است ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

بذر - شتوی : ۱۲۰ خروار ، صیفی : ۱۵ خروار

## مزرعة مزدیجان

از مزارع قدیم است . در تاریخ قم مسطور است که در آنجا آتشکده بوده که سی صد سال افروخته بوده و خاموش نشده . مزرعة مرغوب قم است مشروب از رودخانه از نهر مزدیجان است .

مالیات - نقد : ۸۰ تومان ، جنس : ۱۱۵ خروار

عمله جات - ۶۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو است ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه

وهندوانه

بذر - شتوی : ۸۰ خروار ، صیفی : ۱۰ خروار

## مزرعة جفت کاوسر

از مزارع قدیم و قریب به شهر است . مشروب از آب رودخانه از نهر

مزدیجان است. ملکی سادات و خدام آستانه مبارکه [ حضرت معصومه ] علیها سلام الله است. دو حصه .

مالیات - نقد : ۵۰ تومان ، جنس : ۷۶ خروار

عمله جات - ۴۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچك و خربزه

بذر - شتوی : ۵۰ خروار ، صیفی : ۸ خروار

### مزرعه خم آباد و جردکان

از مزارع قدیم و تیول جناب متولی باشی و وارث میرزا حبیب الله است . مشروب از نهر تنه پائین . رعیت آنجا از سکنه شهرند . در کنار رود خانه اناربار واقع در جنب باغات فردوس .

مالیات - نقد : ۲۸ تومان ، جنس : ۴۶ خروار

عمله جات - ۲۵ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچك و تنباکو

بذر - شتوی : ۴۰ خروار ، صیفی : ۶ خروار

### مزرعه فردوس

جزء مزرعه کمیدان است که اراضی آن موضوع شده . اغلب آن به واسطه مجاورت شهر و رودخانه باغات شده . قدری جمع در جزو باغات دارد قدری در جزو مزروعی . زراعت آن جزو باغات می شود .

مالیات - نقد : ۱۷ تومان ، جنس : ۲۵ خروار

عمله جات - ۵۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو است ، صیفی : آبش به باغات می‌رود  
بذر - شتوی : ۳۰ خروار ، صیفی : ندارد

### مزرعه کمیدان

مشروب از نهر کمیدان . از مزارع قدیم است که اولاً اعراب اشعری در  
آنجا یورت گرفتند . بعضی از اراضی آن داخل بیوتات شهر شده ، بعضی به  
حالت مزروعی باقی مانده است .

مالیات - نقد : ۷۸ تومان ، جنس : ۱۱۳ خروار

عمله‌جات - ۶۰ نفر

محصولات شتوی : گندم و جو و باقلا ، صیفی : جوزق و کرچک و غیره  
بذر - شتوی : ۳۵ خروار ، صیفی : ۱۵ خروار

### مزرعه جمرو سعدآباد

جزء کمیدان بوده الان مزرعه علی حده شده است . مشروب از نهر کمیدان  
است . در زیر شهر است .

مالیات - نقد : ۶۷ تومان ، جنس : ۹۶ خروار

عمله‌جات - ۵۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو است ، صیفی : جوزق و کرچک و خربزه  
بذر - شتوی : ۶۵ خروار ، صیفی : ۱۰ خروار

### مزرعه مهرویان و توابع

نهر مهرویان اول نهری است که از رودخانه منشعب شده است و به لغت

فرسی مهرآبیان بوده یعنی آب پخشان ، اگر چه حال از همه نهرها کوچکتر است مزرعه مهرویان و توابع از او مشروب می شود . به قدر دوازده باغ است دو نهر مهرویان و زیادآباد که از آنجا مشروب می شود ، هر يك مالیات علی حده دارند . مزرعه قهیان و قفی سرکار فیض آثار در جنب مهرویان است . قدری آب مهرویان جزو خیرات شده است . قنات مبارکه ناصری از محدثات ذات اقدس شهر یاری است از آن جا جاری شده است .

مالیات - نقد : ۶۰ تومان ، جنس : ۸۳ خروار

عمله جات - ۵۰ نفر

محصولات - شتوی : گندم و جو ، صیفی : جوزق و کرچک و هندوانه

بذر - شتوی : ۷۰ خروار ، صیفی : ۱۰ خروار

### مزرعه جعفرآباد

مزرعه مختصری است نزدیک باره شهر مشروب از نهر تنه پائین است .

مالیات - نقد : ۱۰ تومان و ۲ هزار ، جنس : ۱۵ خروار و ۵۰ من

عمله جات - ۱۰ نفر

محصولات شتوی : گندم و جو ، صیفی : ندارد . آبش به باغات می رود

بذر - شتوی : ۱۵ خروار ، صیفی : ندارد

### مزرعه مسگران و سایر مزارع دیگر

که قابل تفصیل نبود از این جهت ذکر اسامی و مالیات آنها می شود و از

شرح بذر و محصول آنها نوشته نمی شود ، به جهت آن که محصول آنها هم

همان گندم و جو و خربزه و هندوانه و جوزق است و به جهت اختصار رعایای

آنجا چندان قابل تعداد نبود :

مزرعه مسگران واقع در خارج درب قبله - ۱۴ تومان

مزرعه شریفه بیگم در جنب مزرعه مسگران است - ۲۰ تومان

مزرعه عنایت بیک واقع در خارج درب حضرت معصومه - ۱۰ تومان

۶ هزار

مزرعه علی آباد واقع در خارج درب حضرت معصومه - ۱۴ تومان

مزرعه بیست خرواره خارج درب کاشان - نقد : ۱۳ تومان ، جنس :

۱۹ خروار

مزرعه نصح آباد خارج درب کاشان - نقد : ۶ تومان و ۸ هزار ، جنس :

۸ خروار و ۵۰ من

مزرعه جفته در خارج درب حضرت معصومه - نقد : ۷ تومان و ۴ هزار

جنس : ۸ خروار

مزرعه جمالیه واقع در خارج درب کاشان - نقد : ۶ هزار و ده شاهی

جنس : ۳ خروار

مزرعه و محل باغ منده واقع در خارج درب ری - ۱۷ تومان و ۳ هزار

مزرعه اراضی رودخانه صفی آباد که در ابتداء محل رودخانه بوده -

نقد : ۱ تومان و ۸ هزار ، جنس : ۳ خروار و ۵۰ من

مزرعه اسدالله - ۸ تومان و ۵ هزار

مزرعه کهنه ویلمق - در علیای بلد واقع است خارج درب قبله . مالیات

ندارد . بیست خروار بذر کشته می شود .

ورعایای این دوازده مزرعه قریب یک صد و پنجاه نفر می شود هر جایی

موافق استعداد بذر آن .

## [ باغات ]

باغات بلده قم تماماً از آب رودخانه مشروب می شود از همان ده نهر که به جهت مزارع از رودخانه جدا می شود . در قدیم به غیر انار و انجیر میوه دیگر نبوده چنان که فواکه را از بلوک و کاشان به قم می آوردند، حال به واسطه آب اندازان رودخانه همه میوه از بهاره در او به عمل می آید سوای جوز که به واسطه گرمی هوا به عمل نمی آید . درخت چنار در قم نیست . سرو و کاج خوب به عمل می آید لیکن اشجار بهاره به جهت حرارت هوا دوامی ندارد و از آفت کرم زود خشک می شود . چنان که ذکر می شود .

### باغات طرف دروازه معصومه

که در کنار رودخانه واقع است و در غربی شهر قم واقع است :  
باغ آقا حسین- در کنار راه عراق واقع است . در سابق خیلی آبساز بود ، الان اشجار او کم است . انار و انجیر و گوجه و سیب و زرد آلو و به

دارد . مساحت ۴۰ جریب .

**باغ عباسقلی بیگ** - در این دولت و دولت شاهنشاه مبرور آباد شده ، میوه انار و انجیر و بهاره دارد . از همه نوع میوه خوب دارد . مساحت ۵۰ جریب .

**باغ بالای حاجی اصغر خان** - در دولت خاقان خلدآشیان آباد شده . از باغات معتبر است . در کنار رودخانه . اشجار او به قاعده جنات القافاً . درخت زیاد دارد . از همه نوع میوه بهاره و پائیزه دارد خاصه توت آنجا بسیار ممتاز است . مساحت ۸۰ جریب .

**باغ دراز** - چون او را به طریقه طولانی ساخته‌اند به این اسم موسوم شده . از همه نوع میوه دارد از بهاره و پائیزه ، خاصه میوه‌ای که او را خواجگی می‌گویند و از نوع آلو است ، از همه میوه آنجا امتیاز دارد . سابق از این خیلی آباد بود به واسطه بی‌آبی چند ساله گرانی خرابی به هم رسانید ، تا حال به حالت آبادی اول نیامده است . مساحت ۶۵ جریب .

**باغ وزیر** - از باغات قدیم بوده مخروبه شده بود . در این دولت جاوید آیت دوباره آباد شده است . از همه نوع میوه بهاره و پائیزه دارد . باغ خوبی است . مساحت ۴۰ جریب .

**باغ قاسم دباغ** - از باغات قدیم است چند قطعه شده . میوه بهاره او بر انار و انجیر پائیزه امتیاز دارد . آب آنجا به حسب استعداد اراضی او کم‌تر است که به آب ابتیاهی مشروب می‌شود . ۹۰ جریب .

**باغ حماط** - از باغات قدیم است که چند قطعه شده . از اکثر باغات در میوه بهاره و پائیزه بهتر است . مساحت ۶۰ جریب .

**باغ شاهزاده کیکاوس میرزا** در دولت خاقان مغفور احداث شده .

هنوز آبادی آن جا به اتمام نرسیده . الان ملک حاجی سید جواد است . مساحت ۹۰ جریب .

**باغ نیم حصه** جناب متولی باشی - از باغات جدید است که در عهد این دولت آباد شده و چنان هم آباد شده که فوق آن متصور نیست . خارج دروازه معصومه است . از همه نوع میوه دارد خصوصاً آلوچه و زردآلو و سیب و به که بسیار دارد . دو باغ است . مالیات ۶ تومان و ۴ هزار . مساحت ۸۰ جریب

**باغ هارون آباد** - از باغات قدیم است . سابق بسیار آباد بوده ولی حال آبادی متوسط دارد . از همه نوع میوه دارد لیکن غالب اشجار آنجا انار و انجیر می باشد . ملکی عالی جاه میرزا ارسطو پیشکار کرمانشاه می باشد خارج دروازه معصومه واقع است . مالیات ۲۸ تومان . مساحت ۵۰ جریب .

**باغ دو دنگه** حاجی اصغر خان - از باغات قدیم بود ولی مخروبه بود ، حاجی اصغر خان او را در عهد شاه مرحوم آباد نمود . بسیار آباد نمود و همه انواع میوه دارد خصوصاً توت و آلوچه و زردآلو . مالیات ۳۴ تومان . مساحت ۸۰ جریب .

**باغ حاجی ابراهیم تاجر** - آن را در اول حال باغ کرد و عمارتی در جلو آن ساخت . بعد غربا در آنجا منزل می کردند، دید منافع آن بیشتر از باغ است . به اسم باغ است و به رسم کاروانسراست . مالیات مختصری دارد . مالیات ۶ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

**باغ باجک** - ملکی جناب متولی است . داخل حصار شهر است . بسیار آباد است . در قدیم آبادی مختصری داشت اما حال هم بزرگ شده است .<sup>۱۱</sup> از همه نوع میوه دارد خصوصاً آلوچه و انار . مالیات ۶ تومان و ۵ هزار .



مساحت ۶۰ جریب .

باغ پنبه - از باغات قدیم بوده است و بسیار هم باغ بزرگی بوده .  
حال به قدر دوثلث آن بیوتات شهر شده يك ثلث آن دوباغی می باشد که انار  
وانجیر دارد . مالیات ۱۰ تومان ، مساحت ۳۰ جریب .

باغ فخرآباد - جناب متولی باشی - از باغات قدیم است . میوه انار  
وانجیر دارد . مالیات آن از جزو جمع موضوع و تیول جناب ایشان است .  
مساحت ۶۰ جریب .

باغ فخرآباد ورثه حاجی میرزا محمد علی - از باغات قدیم است میوه  
به غیر انار وقلیلی انجیر ندارد . بسیار آب کم دارد به این واسطه آبادی چندانی  
ندارد . مساحت ۳۰ جریب

باغ حاجی علی جان - در سفلی شهر واقع است . میوه انار و انجیر  
دارد . از باغات قدیم است چندان آبادی و اشجاری ندارد . کم آب است .  
مساحت ۲۵ جریب .

باغ شمس آباد - تیول مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی بسوده است که از  
جزو جمع مالیات قدیم موضوع نموده اند . آبادی مختصری دارد . میوه انار  
وانجیر است . مساحت ۳۰ جریب .

باغ گاوچاه در سابق به جهت نبودن آب در آنجا گاوچاهی کنده بودند که  
آب آن را از چاه می کشیدند . الان میوه به غیر انار و انجیر چیزی دیگر ندارد  
مساحت ۲۵ جریب .

باغ نوسروکاج - در خارج شهر داخل شهر کهنه بوده . در سابق عمارت  
عالی در وسط او بوده ، الان خراب شده . میوه به غیر انار و انجیر ندارد .  
مساحت ۲۵ جریب .

## باغات طرف درب کاشان

که شرقی شهر قم است . این باغات به غیر درخت انار و انجیر چیزی دیگر از فواکه ندارد . همه از باغات قدیمه هستند و در اکثر آنها سبزی کاری و فصل کاری می شود که مالیات آنها از آنها پرداخته می شود . چندان آبادی ندارند .

**باغ صاحب آباد** - در دولت خاقان خلد آشیان آباد شده و در ممیزی جدید بر او جمع وارد شده ، میوه انار و انجیر خوب دارد . ملکی علماء شهر است مالیات ۱۲ تومان . مساحت ۱۰۰ جریب .

**باغ حیدری** - از باغات قدیم است . در خارج دروازه کاشان واقع است . آبادی آن چندان قابل نمی باشد . اشجار آن انار و انجیر است . مالیات ۱۴ تومان و ۵ هزار . مساحت ۴۰ جریب .

**باغ زیدان** - از باغات موقوفه است . مزرعه ای هم به این اسم دارد . باغ مختصری می باشد . انار و انجیر بسیار دارد و سایر میوه جات او قابل نیست مالیات ۶ تومان و ۷ هزار . مساحت ۸ جریب .

**باغ محب** - از باغات قدیم است . آبادی متوسط دارد . غالب اشجار آن انار و انجیر است . در طرف دروازه کاشان است . ملکی ورثه آقا حسن است ، چون خود آقا حسن بابی شد وراثت به حکم شرع او را از تصرف منع نمودند . مالیات ۱۸ تومان . مساحت ۵۰ جریب .

**باغ کرباسی** - از باغات قدیم است . آبادی آن به خرابی مبدل شده بود و جزئی انار و انجیر از اشجار او باقی بود . در این سنوات جناب متولی باشی او را خریده ، بسیار آبادی معتبری در آنجا پیدا شده . مالیات ۱۲ تومان .

مساحت ۵۰ جریب .

**باغ خواجه جعفر** - از باغات قدیم است . آبادی متوسط دارد . چند قطعه شده . غالب اشجار او انار و انجیر است . جزئی اشجار دیگر هم دارد . در جنب بقعه حضرت علی بن جعفر واقع است . مالیات ۴۶ تومان . مساحت ۸۰ جریب .

**باغ گنبد سبز** - از باغات قدیم است . میوه انار و انجیر دارد . بقاع مشایخ اشعری در آنجاست ، در نهایت ارتفاع است . مالیات ۱۴ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

**باغ شاه مراد** - باغ مختصری است . اندک انار و انجیر دارد و از باغات قدیم است . مالیات ۶ تومان و ۳ هزار و ۳۰۰ دینار . مساحت ۸ جریب .  
**باغ پشم** - از باغات قدیم است . به غیر انار و انجیر میوه دیگر ندارد . مالیات ۱۶ تومان . مساحت ۲۵ جریب .

**باغچه قاسم** - از باغات قدیم است . اندک درخت دارد از انار و انجیر . سبزی کاری و قصبیل کاری عمده حاصل آنجاست . مالیات ۲۰ تومان . مساحت ۵۰ جریب .

**باغ ارغوان** - از باغات قدیم است . میوه به غیر انار و انجیر ندارد . مالیات ۶ تومان و ۷ هزار . مساحت ۲۵ جریب .

**باغ دراز آقا ابوالقاسم** - در خندق شهر ساخته شده . میوه به غیر انار و انجیر ندارد . مالیات ۶ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

**باغ سلطانم** - از باغات قدیم است . داخل باره شهر است . انار و انجیر بسیار دارد . مالیات ۵۹ تومان و ۶ هزار . مساحت ۱۱۰ جریب .

**باغ قلعه مشرف** - از قلعه های افغانی است . داخل شهر است . میوه انار

وانجیر دارد . مالیات ۴ تومان . مساحت ۱۰ جریب .

**باغ قلعه میرزا جان** - از باغات قدیم . داخل شهر است . میوه انار و انجیر خوب دارد . مساحت ۷۰ جریب .

**باغ قلعه حاجی میرعلی نقی** - از باغات قدیم است . داخل باره شهر است . میوه انار و انجیر خوب دارد . مساحت ۶۰ جریب .

**باغچه نو** - ملك او وقف سرکار فیض آثار است . اشجار او ملكی است میوه بهاره و پائیزه دارد . مالیات ۶ تومان . مساحت ۱۵ جریب .

**باغ نو حضرت** - از باغات قدیم . موقوفه حضرت معصومه . داخل باره شهر است . انار و انجیر دارد . مالیات به جهت وقفی ندارد . مساحت ۱۲۰ جریب .

**باغ کوچه خوزیان** - از باغات قدیم بوده است . شاهزاده کیکاوس میرزا او را ارك خود قرار داد ، عمارات عالیه در او ساخت . الان بیوتات اهل شهر شده است . قدری به حالت باغی باقی مانده است . مساحت باقی مانده ۲۰ جریب .

**باغ دلگشا** - داخل باره شهر است در کنار سد رودخانه . همه نوع میوه دارد . متصل به خانه ها کوچه حرم است . دیوار ارك شاهزاده در وسط آن باغ اتفاق افتاده است . مساحت ۲۵ جریب .

**باغ قاضی** - از باغات قدیم بوده . داخل شهر است . باغ بزرگی بوده بیوتات شهر شده قلیلی باقی است . مساحت باقی مانده ۶ جریب .

**باغ مورچی** - داخل باره شهر است . بیوتات شهر شده . چند باغچه از او باقی مانده است . مالیات ۱۰ تومان . مساحت ۳۰ جریب .

**باغ قهیان** - وقفی سرکار فیض آثار است . در این دولت جاوید آیت

آباد شده است . میوه انار دارد و توت خوب . مساحت ۱۵ جریب .  
باغ حاجی میرزا صفی - از باغات جدید است که در این دولت آباد

شده . میوه انار دارد . مساحت ۶ جریب  
باغ سیدان - از باغات قدیم است . میوه انار و انجیر دارد . باغ مختصری  
است . مساحت ۲۵ جریب .

باغ صفا - باغ معتبری است . سه قطعه شده است . از همه نوع میوه  
بهاره و پائیزه دارد . مساحت ۶۰ جریب .

باغ غیاث آباد - داخل باره شهر است . در این دولت جاوید آیت آباد شده  
است . همه نوع میوه دارد . مالیات ۷ تومان . مساحت ۴۰ جریب .

باغ غیاث آباد حاجی رشید خان و محمد تقی بیگ - داخل باره شهر  
است . درخت ندارد . تازه دست به آبادی اوزده اند . مالیات ۴ تومان . مساحت  
۴۵ جریب .

باغ زنبیل آباد - از باغات قدیم عهد خاقان مغفور است . میوه بهاره  
خوب دارد . مساحت ۷۰ جریب .

باغ ریگ - داخل حصار شهر است . میوه انار و انجیر دارد . مساحت  
۵۰ جریب .

باغ محمد تقی بیگ ارباب - در این دولت جاوید آیت آباد شده است  
از آب مزروعی خود ساخته . مالیات جزء مزروعی است . مساحت ۲۰ جریب .

## مستغلات و بیوتات شهر

مستغلات (باب ۹۵۱) :

خانات و تیمچه‌ها - ۲۷ باب / حمام - ۴۵ باب / دکان سمساری - ۱۱ باب / خیاطی - ۳ باب / بزازی - ۷۰ باب / بقالی - ۷۰ باب / قصابی - ۱۸ باب / کفشدوزی - ۱۴ باب / خراطی - ۷ باب / سراجی - ۱ باب / تنباکو فروشی / ۲۴ باب / حلاجی - ۴۰ باب / خرده‌فروشی - ۱۰ باب / گچ‌پزی - ۱۱ باب / عصاره - ۳ باب / حلب‌سازی - ۷ باب / خرازی - ۷ باب / نجاری - ۱۹ باب / مسگری ۲۷ باب / حلوانی - ۴۹ باب / جوراب دوزی - ۱۳ باب / صفاری - ۱۴ باب / علافی - ۲۷ باب / ارسی دوزی - ۳۰ باب / صرافی - ۷ باب / کلاه دوزی - ۹ باب / بالان دوزی - ۱۱ باب / حدادی - ۱۹ باب / چیلان‌گری - ۶ باب / دباغی - ۱۹ باب / نمدمالی - ۳۰ باب / صباغی - ۲۱ باب / نخودبریزی ۱۴ باب / عطاری - ۵۷ باب / آجرپزی - ۱۰ دستگاه / کوزه فروشی - ۱۹ باب

زرگری - ۷ باب / پاره دوزی - ۲۰ باب / نعل بندی ۸ باب / دوانگری - ۸  
باب / قصاعی و کاشی پزی - ۸ باب / علاقه بندی - ۱۴ باب / کله پزی - ۱۸  
باب / خبازی - ۴۶ باب / نوره فروشی - ۱۲ باب / چایی فروشی - ۵ باب /  
قنادی ۲ باب / طواحین - ۱۷ حجر / یخچال - ۷ باب .

### بیوتات شهر :

۳۷۲۴ باب . در سال گرانی خراب شده وبلا مالک مانده : ۶۰۰ باب

- ۳۱۲۴ باب

بیوتات علماء و سادات : ۴۳۶ باب

عمله جات مزروعی و باغات : ۱۰۰۰ باب

مالکین مزروعی و باغات : ۹۰ باب

اصناف بازار : ۹۰۰ باب

خوش نشین و غرباء : ۳۶۸ باب

## بقاع واماكن متبركه

بقاع مقدسه ( ۳۰ باب ) :

\* روضه مباركه فاطمه بنت موسى بن جعفر عليهما سلام الله

\* بقعه شاه حمزه

\* بقعه شاه ظهير

\* بقعه موسويان

\* بقعه سلطان محمد شريف

\* بقعه احمد بن قاسم

\* بقعه على بن بابويه

\* بقعه احمد بن اسحاق

\* بقعه خاك فرج

\* بقعه شاه ابراهيم

\* بقعه شاه جعفر



\* بقعهٔ سید معصوم <sup>علیه السلام</sup>

\* بقعهٔ امام زاده زید <sup>علیه السلام</sup>

\* بقعهٔ شاه جمال <sup>علیه السلام</sup>

\* بقعهٔ هادی و مهدی <sup>علیهم السلام</sup>

\* بقعهٔ شاه سید علی

\* بقعهٔ شاه ابراهیم

\* بقعهٔ طیب و طاهر

\* بقعهٔ ساریه خاتون

\* بقعهٔ علی بن جعفر

\* ایضاً بقعهٔ شاه ابراهیم

\* ایضاً بقعهٔ شاه جمال

\* بقعهٔ شاه اسماعیل

\* بقعهٔ شاپور علی

\* بقعهٔ معصومهٔ کهک

\* بقعهٔ امام زاده هادی

\* بقعهٔ مشهد اردهال

\* بقعهٔ امام زاده محسن

\* بقعهٔ معصومه در قاسم آباد

\* بقعهٔ جناب میرزا ابوالقاسم قمی

مساجد و مدارس معروفه ( ۱۰ باب ) :

مساجد معروفه به غیر آنچه در محلات شهر است :

\* مسجد جامع

\* مسجد امام حسن ( ع )

\* مسجد جناب حاجی ملاصاڊق

\* مسجد عشقعلی

مدارس :

\* مدرسه فیضیہ آستانہ مقدسه

\* مدرسه مہدی قلبی خان

\* مدرسه جناب حاجی ملاصاڊق

\* مدرسه ناصرہ

\* مدرسه مشہور بہ لکھا

\* مدرسه محمد مؤمن خان

## ایلات دار الایمان قم

اصل آنها از ولایت فارس است . در عهد خاقان شهید انارالله برهانه آنها را کوچانیده ، در قم سکنی دادند . هفت طایفه هستند که بعضی سکنه شهرند و برخی در قلعه جات حومه شهر منزل گرفته اند . اولاً صاحب چشم نبودند تا به مرور دهور صاحب شتر و گوسفند شدند و هر يك در طرفی از شهر مرتج گرفتند . مالیات دیوانی نداشتند . در دولت خاقان خلدآشیان هر طایفه از آنها خود را جزء جلال یکی از علمای بلد نمودند بنای شرارت را گذاشتند تا آن که در میان علماء بلد فتنه حادث شد که چند نفر به قتل آمدند . حسب الامر خاقان مغفور چند نفر به جهت تأدیب آنها مأمور شده ، بانصد تومان به اسم جریمه از آنها گرفتند . حکام دار الایمان قم همه ساله آن وجه را از آنها گرفتند تا آن که ثبت کتابچه و مالیات شد . تا اواخر دولت خاقانی دویست و پنجاه تومان آن را تخفیف گرفتند . بعد به اسم فسرع و پیشکش حکام بر آنها افزودند تا آن که مالیات آنها به مبلغ شش صد و شصت و چهار تومان قرار

گرفت . بعد از ممیزی اواخر که مقرب الخاقان میرزا حبیب‌الله بر تعدیل آنها افزود به يك هزار و يك صد و بیست و پنج تومان قرار گرفت . در آنها جوانان کاری قابل نوکری پیدا می‌شود . اغلب آنها جوانان با جلادت هستند . تعداد نفوس و مالیات آنها در جزو طوایف آنها نوشته می‌شود تا آن که معلوم شود هر قدر از آنها چه قدر هستند .

### طایفه زندیه

از طایفه کریم خان زندند که در دولت خاقان شهیدبزرگان آنها را مکفوف البصر و مستمری از برای آنها قرار دادند . الان ایل معتبر قسم هستند . از آنها با مایه‌تر و با اجماع‌تر در ایلات نیست . سه تیره شده‌اند . یکی از آنها سکنه شهر شدند که به‌زند شهری شهرت گرفتند و تیره آنها مرتع در بیابان شاه آباد دارند . و يك تیره زندیه در نصرت آباد منزل گرفته‌اند که مرتع آنها از نصرت آباد تا کاروانسرای سنگگ که چهار فرسخی قم است می‌باشد . و بعضی از آنها در قلعه چم و بیابان آنجا منزل دارند . مرتع آنها در هموار و ناراج است تا زیر املاک طایقان ، و در تابستان به طرف فراهان می‌روند و به هر جا سکنی گرفتند حق المرتع و صد سه می‌دهند علاوه بر مالیات قم .

مالیات و غیره: ۳۲۲ تومان (مالیات: ۲۹۲ تومان، حق المرتع: ۳۰ تومان)  
تعداد نفوس: ۲۸۵ نفر (ذکور: ۹۵ نفر، اناث: ۸۰ نفر، اطفال: ۱۱۰ نفر)

### طایفه گالینی

از ایلات معتبر قم و بزرگان آنها در قدیم داروغة شترهای دیوانی بودند .

جوانان کاردان و کارکرده دارند . قابل هر نوع خدمت هستند . قشلاق آنها از يك فرسخی قم است تا پل دلاک و رودخانه ساوه ، وییلاق به طرف شاهسون و مزلقان و سامان و یاقان دارند . با ایل شاهسون مجاورت دارند . حق المرتع و صد سه نمی دهند . همان مالیات جزو جمع قم را دارند که به حاکم قم می پردازند .

مالیات و حق المرتع : ۱۸۹ تومان ( مالیات : ۱۳۹ تومان ، حق المرتع : ۵۰ تومان )

تعداد نفوس : ۲۲۵ نفر ( ذکور : ۷۰ نفر ، انساث : ۶۰ نفر ، اطفال : ۹۵ نفر )

#### طایفه سعدوند

در قلعه جات قنوات قم در حومه شهر سکنی دارند . صاحبان شتر و گوسفند هستند . در قنوات رعیتی می کنند . پنبه کاری و خربزه کاری خوب دارند . مرتع آنها در حدود سراج و توابع قم است . زمستان کلش زار شمس آباد خالصه را اجاره کرده ، در آنجا به سر می برند . جوانان کاری قابل نوکری دارند . در قریه مؤمن آباد و حاجی آباد و نواران و رستم آباد خانه گرفته اند .

مالیات و حق المرتع : ۳۰۰ تومان ( مالیات : ۲۹۰ تومان ، حق المرتع : ۱۰ تومان )

تعداد نفوس آنها در جزو قنوات نوشته می شود

#### طایفه عبدالملکی

سکنه شهرند . حشم مختصری دارند . اکثر حشم آنها شتر است . شغل

آنها اغلب فراشی حکومت است . مرتع آنها در هموار و نارج است که در  
قبله شهر قم است .

مالیات و غیره : ۶۵ تومان (مالیات : ۵۵ تومان، حق المرتع : ۱۰ تومان)  
تعداد نفوس آنها جزو شهر است

### طایفه کلهر

از سکنه شهرند . حشم مختصری دارند . جوانان آنها بعضی نوکری  
علماء و اربابان شهری را دارند ، بعضی از کسبه بازاری دارند ، چند نفر هم فراشی  
حکومت را دارند . قلیل حشمی که دارند در بایرهای کفتار کوه که در اسفل  
قم است مرتع دارند . چون شکسته بودند در ممیزی جدید به آنها تخفیف  
داده شد .

مالیات و غیره : ۱۰۰ تومان (مالیات : ۹۰ تومان ، حق المرتع : ۱۰ تومان)  
تعداد نفوس آنها در جزو سکنه شهر است

### طایفه کوزه بو

از سکنه شهرند . حشم گوسفند و شتر ندارند . اغلب کار آن ها مکاری و قاطر  
داری است . قلیلی از آنها صاحبان ملک اطراف هم هستند . جوانان کاری  
دارند که قابل نوکری هستند .

مالیات و غیره : ۸۵ تومان (مالیات : ۷۰ تومان ، حق المرتع : ۱۵ تومان)  
تعداد نفوس : جزو خانه شمار شهر است

## طایفه لشنی

طایفه مختصری است . مردهای آنها تلف شده . سابق مالیات آنها را از زنها و چند نفر مرد که داشتند می گرفتند . در این ممیزی تخفیف به آنها داده شد .

مالیات : ۷ تومان و ۵ هزار

تعداد نفوس : جزو بیوتات شهرند

## جبال و معادن

### جبل گدن کلمز

مشهور به کوه نمک . در غربی شهر قم در اول ملک جعفر آباد ساوه واقع است . تا شهر قم چهار فرسخ است . نمک سفید شفافی دارد به طریقه چشمه سار از درهای آن آب صافی جاری است . قدری که بسته می شود در روی آب جاری آن است . <sup>۱)</sup> نمک قم و عراق و کرمانشاهان و فراهان از آنجاست . طرفه آن که هر کس می آورد نمک بیاورد هر قدر نمک که کند بعد از آن نمک خشک کننده پیدا می شود بر می دارد . تا نمک نکند نمک خشک پیدا نمی شود . مساحت کوه نمک دور او سه فرسخی است از این قرار به طریقه مساحت هزار و هشت صد خروار بذر افشان زیر کسوه نمک است . در سابق یکی از اهل بدعت خواسته بود اجاره از حکومت بر آن بیند تا دو سال چشمه سار نمک به کلی خشک شد تا آن که رفع بدعت آن مرد مقدس بشود . والله العالم . کسی

۱ . کذا فی الاصل .



نمی‌تواند بالای او برود.

### جبل یزدان

در يك فرسخی شهر قم است . سه فرسخ طول و يك فرسخ عرض دارد . هزار و سی صد دره دارد . چشمه‌سار او كوچك است كه از آنها زراعت نمی‌شود هیزم خوب دارد . مرتع ثلث طایفه زندیه در آنجا است . شكار كوهی خوب دارد . كوه یزدان از آن نامیده شد كه در قدیم یزدان فاذا ر رئیس گبرها را مرتع گوسفند بسوده . سنگ‌های تخت به جهت قنات و پوشش از آنجا برخاسته می‌شود . گیاهها دارد كه بعضی از درویش آن نباتات را می‌برند تا به چه كار آید . والله العالم .

### جبل كلاه قاضی

چون به صورت عمامه می‌باشد كلاه قاضی نامیده شده . قنات مباركه خیرات ناصری از محاذی آن جاری است . سنگ گچ و خاك شیرة حلوائی را از آنجا به شهر قم می‌آورند . در طرف قبله يك فرسخی شهر قم واقع است . شكار و هیزم و علفی ندارد . والله العالم .

### جبل نرداغی

پشت سر جبل كلاه قاضی است . تمام آن سنگ آهك سفید است بسیار ممتاز . تا شهر قم يك فرسخ است . سنگ‌های ازاره و دور حوض‌ها را از آن سنگ می‌تراشند . مرتع دامنه او خوب است . گاهی شكار كوهی در آن

پیدا می‌شود . آب و چشمه سار ندارد .

### جبل خضر (ع)

در بالای آن مسجدی ساخته‌اند که در آنجا حضرت خضر را دیده‌اند . گیاه و آب ندارد . در دامنه کوه دهی بوده مشهور به مسگران ، بایرهای قرمز دارد و از آنجا مس به عمل می‌آمده است لیکن به قدر مخارج نبوده است به این جهت کار آنجا را موقوف کرده ، قریه خراب شده است .

### جبل دو برادران

دو کوه است ملاصق یکدیگر . گویا هر دو را به طریقه قریبه بنائی بنساخته کرده‌اند . شکار کوهی دارد .

## قنوات موقوفه

خیرات اهالی شهر که آب آن صرف بیوتات شهر می شود و به محلات

می رود :

### قنات مبارکه ناصری

که محض رأفت و رحمت ملوکانه ، ذات اقدس شهرباری احداث و جاری نموده اند . به تمام محلات شهر می رود و خرج تنقیه و لاروب از دیوان داده می شود . به قدر چهار سنگ مساحی آب دارد . در ممر او دو آسیا به حکم دیوان مقرب الخاقان حاجی میرزا نصرالله مستوفی گرکانی ساخته . تمام شهر از آن آب مشروب می شود و مردم دعا گسوی دوام دولت جاوید آیت هستند .

### قنات میرزا ابوالقاسم اصفهانی

در وقت حکومت خود جاری ساخته . قدری ملك و قدری وقف شهر است . به قدر يك مساحی آب دارد . وقف چهار دانگ ، ملك دو دانگ است .

## [ قراء و توابع ]

قنوات و توابع که در حومه شهر واقع است مسافت هر يك تا شهر از يك فرسخ الی دو فرسخ بیشتر نیست و به غیر سراجه تماماً جدید النسق است که در دولت شاهنشاه مبرور و این دولت جاوید آیت آباد شده . قنوات قدیمه ای بوده که در فتنه افغان خراب شده بود ، در این دولت ها آباد شده و دفعه در او ممیزی شده . يك دفعه میرزا زین العابدین تبریزی و دفعه ای میرزا حبیب الله ممیزی نموده و مالیات بر آنها وارد آورده . باغات ندارد . حاصل آنها غله گندم و جو است و صیفی اغلب جوزق و خربزه کاری است و گرمسیر است .

### قریه کویم آباد

جدید النسق بوده . حاصل آنجا غله خوب نمی شود . جوزق و خربزه در آنجا خوب می شود . قنات او آبش اندکی شوری دارد . رعیت آنجا سکنه همان قلعه می باشند . در عهد شاه مرحوم آباد شده است .

مالیات - نقد : ۱۰ تومان و ۶ هزار و ۵۰۰ دینار ، جنس : ۵ خروار و ۴۰ من  
بذر - شتوی و صیفی : ۳۰ خروار  
محصولات - جوزق و غله کاری و خربزه  
نفوس - ۱۰ خانوار - ۳۵ نفر

### قریه فتح آباد

از قنوات جدید النسق است . قدری شوری دارد . قلعه و سکنه دارد .  
غله آنجا خوب نمی شود . صیفی کاری دارد .  
مالیات - نقد : ۶ تومان ، جنس : ۳ خروار  
بذر شتوی و صیفی : ۳۰ خروار  
محصولات - غله و جوزق  
خانوار - ۱۵ خانوار - ۴۵ نفر

### قریه حصار شنه

از قنوات جدید النسق آبش شوری دارد . قلعه و سکنه دارد . عرب خراسانی  
در آنجاست .  
مالیات - نقد : ۲۰ تومان ، جنس : ۱۰ خروار  
بذر - ۳۵ خروار  
محصولات - غله و جوزق  
خانوار - ۳۰ خانوار - ۱۲۰ نفر

### قریه کرم آباد

در سر راه کاشان است . جدید النسق . آب گوارا دارد . در آنجا بساد

وریگک روان بسیار دارد .

مالیات - نقد : ۱۴ تومان ، جنس : ۶ خروار

بذر - ۲۰ خروار

محصولات - غله و جوزق است

سکنه - ۲۵ خانوار - ۹۵ نفر

### قریه جنت آباد

در سر راه کاشان است . جدید النسق . محل ورود قافله می باشد . آب

شیرین گوارا دارد .

مالیات - ۷ تومان و ۳ هزار و ۶۰۰ دینار ، جنس : ۳ خروار

بذر - ۲۰ خروار

محصولات - غله و جوزق است

سکنه - ۵ خانوار - ۲۵ نفر

### قریه جعفر آباد

الان مخروبه می باشد . سکنه ندارد . قدوری غله کاری از آب رودخانه

می شود .

مالیات - نقد : ۶ تومان ، جنس : ۴ خروار و ۶۰ من

### قریه شورک آباد

مشهور به قنات نو . آب آن شور است . قلعه و سکنه ندارد . اراضی آن

کم استعداد است .

مالیات - نقد : ۴ تومان ، جنس : ۳ خروار

### قریه مبارک آباد

قنات آن قدیم بوده است . در عهد خاقان خلد آشیان آباد شده است . غله  
وصیفی در آنجا خوب به عمل می آید . قلعه و سکنه دارد .

مالیات - نقد : ۳۲ تومان و ۵ هزار ، جنس : ۱۵ خروار

بذر - ۸۵ خروار

محصولات - غله و جوزق و خربزه

سکنه - ۴۰ خانوار - ۱۸۰ نفر

### قریه فروج آباد سنگ تراش ها

قنات مختصری است . آب کمی دارد ، حاصل قلیلی . جدید النسق است .

مالیات - نقد : ۲۲ تومان و ۲ هزار و ۵۰۰ دینار ، جنس : ۳ خروار و ۵۰ من

بذر - ۴ خروار

محصولات - غله و جوزق کمی دارد

سکنه - ۴ خانوار - ۱۴ نفر

### مزرعه رضا آباد

قنات کوچک کمی دارد . جدید النسق است که ممیزی شده است .

مالیات - نقد : ۲ تومان و ۸ هزار ، جنس : ۳ خروار و ۵۰ من

بذر - ۸ خروار

محصولات - غله و جوزق است

سکنه -- ۵ خانوار -- ۲۲ نفر

### مزرعه حسین آباد

ملکی نواب علیه شکوه السلطنه و غیرها . قنات مختصر آب باریکی دارد  
جدید النسق است .

مالیات -- نقد : ۶ تومان و یک هزار و ۵۰۰ دینار ، جنس : ۳ خروار و ۶۰ من  
بذر -- ۸ خروار  
محصولات -- غله و جوزق است  
سکنه -- ۴ خانوار -- ۱۴ نفر

### قریه فوج آباد

ملکی علماء است . دودانگه وقف تعزیه داری جناب سید الشهداء است  
در عهد خاقان آباد شده .

مالیات نقد : ۱۰ تومان ، جنس : ۶ خروار  
بذر -- ۳۰ خروار  
محصولات -- غله و خربزه و جوزق است  
سکنه -- ۱۲ خانوار -- ۴۳ نفر

### قریه حاجی آباد لکها

ربع آن وقف روضه خوانی است . قنات خوبی است . ایل سعدوند در  
آنجا منزل دارند .

مالیات -- نقد : ۱۰ تومان و ۵ هزار ، جنس : ۴ خروار و ۵۰ من



بذر - ۳۰ خروار  
محصولات - غله و خربزه  
سکنه - ۵۰ خانوار - ۱۸۰ نفر

### قریه مؤمن آباد

بزرگ‌ترین قراء حومه می‌باشد . قنات بسیار معتبری دارد چنان‌که سه سنگ آسیاب آب دارد . سکنه آنجا ایلات سعدوند است .

مالیات - نقد : ۱۱۸ تومان ، جنس : ۷۰ خروار

بذر - ۲۰۳ خروار

محصولات - غله و خربزه و جوزق و کرچک

سکنه - ۹۴ خانوار - ۴۰۰ نفر

### مزرعه کول کان

در عهد خاقان خلد آشیان آباد شده . از قنات معتبر است . سکنه آنجا در مؤمن آباد خانه دارند . جوزق خوب دارد . رعیت آنجا هم ایل سعدوند است .

مالیات - نقد : ۱۹ تومان ، جنس : ۶ خروار

بذر - ۳۰ خروار

محصولات - غله و جوزق و کرچک است

### مزرعه عباس آباد

در عهد شاه مرحوم دائر شده است . قنات معتبری است . رعیت آنجا سکنه مؤمن آباد و از طایفه خلج و سعدوند می‌باشند .

مالیات - نقد : ۳۰ تومان ، جنس : ۱۵ خروار

بذر - ۶۰ خروار

محصولات - غله و خربزه و جوزق و کرچك در آنجا خوب می شود. یونجه کاری هم بسیار دارد .

### مزرعه حاجی آباد

مشهور به خلج آباد. قنات پر آب است . آب شور دارد که زراعت نمی دهد در آنجا آسیائی ساخته شده است که سالی يك صدوپنجاه تومان اجاره می رود آب او کشت و زرع ندارد . سکنه هم ندارد .  
مالیات آسیاب او در جمع جدید - ۱۰ تومان

### مزرعه خمارخان

از قنات جدید است که درست دائر نشده است. غله کاری دارد . رعیت آنجا سکنه زعفرانی می باشند . صیفی کاری ندارد . مالیات اراضی آنجا : ۳ خروار و ۴۰ من

### قریه زعفرانی

از قنات قدیمه بوده . جدید النسق است . آب او متوسط است . قلمه و سکنه دارد .

مالیات - نقد : ۱۰ تومان ، جنس : ۴ خروار

بذر - ۲۰ خروار

محصولات - غله و جوزق و خربزه دارد

سکنه - ۱۵ خانوار - ۴۵ نفر

### قویه خماریخان سفلی

از قنوات متوسط است . صیفی کلری آنجا بهتر از غله اومی شود .

مالیات - نقد : ۱۵ تومان ، جنس : ۸ خروار

بذر - ۳۰ خروار

محصولات - غله وجوزق خوب دارد

سکنه - ۱۵ خانوار - ۸۰ نفر

### قویه سراجیه

ام القراء قنوات است . از قدیم آباد بوده است چنان که در تواریخ تعریف

خریزه اوشده . قلعه و سکنه دارد . آب شیرین گوارا دارد .

مالیات - نقد : ۱۷۰ تومان ، جنس : ۷۰ خروار

بذر - ۱۲۰ خروار

محصولات - غله و خریزه است

سکنه - ۶۵ خانوار - ۲۳۰ نفر

### مزرعه علی آباد

قدری وقف سرکار فیض آثار است و قدری ملك . صیفی او بیشتر خریزه

است .

مالیات - نقد : ۷ تومان ، جنس : ۳ خروار

محصولات - غله و خریزه

سکته -- ۲۰ خانوار -- ۸۵ نفر

### قریه رستم آباد

از قنوات قدیمه بوده . تازه آباد شده است . غله و خربزه خوب به عمل می آید .

مالیات -- نقد : ۱۱ تومان ، جنس : ۴ خروار

بذر -- ۴۰ خروار

محصولات -- غله و خربزه و جوزق

سکته -- ۲۰ خانوار -- ۹۵ نفر

### قریه دولت آباد

از قنوات قدیمه بود . آبادی او در عهد خاقان خلد آشیان شده . غله او خوب نمی شود . جوزق کاری خوب دارد . آب اوزیاد و شور است .

مالیات -- نقد : ۳۰ تومان ، جنس : ۱۰ خروار و ۸۰ من

بذر -- ۸۰ خروار

محصولات -- جوزق است

سکته -- ۲۵ خانوار -- ۹۰ نفر

### قریه مروارید

از قنوات قدیمه بوده ، در این دولت آباد شده . غله او خوب نمی شود آب متوسط دارد میل به شوری . جوزق خوب به عمل می آید .

مالیات -- نقد : ۶ تومان ، جنس : ۴ خروار

بذر - ۱۶ خروار

محصولات - خربزه و پنبه دارد

سکنه - ۸ خانوار - ۲۶ نفر

### قریه حاجی آباد

در جنب مبارک آباد آب گوارا دارد . در این عهد و دولت آباد شده است .

عمله جات او اهل شهر است .

مالیات - نقد : ۲ تومان و ۵ هزار ، جنس : ۵۰ من

بذر - ۳۰ خروار

محصولات - غله و خربزه خوب دارد

### قریه نواران

از قنوات قدیمه . در عهد خاقان خلد آشیان آباد شده . غله متوسط دارد .

طاحونه معتبری دارد . سکنه آنجا ایل سمدوند است .

مالیات - نقد : ۱۴ تومان ، جنس : ۵ خروار

بذر - ۷۰ خروار

محصولات - صیفی جوزق و خربزه دارد

سکنه - ۳۱ خانوار - ۱۳۶ نفر

### قریه حسن آباد

از قنوات معتبر . قلعه و آبادی زیاد دارد . غله در آنجا خوب نمی شود .

صیفی جوزق خوب دارد .

مالیات - نقد : ۸ تومان و ۷ هزار و ۱۰۰ شاهی ، جنس : ۵ خروار

بذر - ۵۰ خروار

محصولات - جوزق

سکنه - ۴۰ خانوار - ۱۶۰ نفر

### مزرعه حصیر آباد

آب شور دارد . غله در آنجا درست به عمل نمی آید، قلعه و سکنه ندارد.

مالیات - نقد : ۱ تومان و ۵ هزار ، جنس : ۳ خروار

بذر - ۱۰ خروار

محصولات - جوزق

سکنه در مؤمن آباد است

### مزرعه هاشم آباد

از قنات های جدید النسق است که در این دولت جاوید آیت جاری شده .

غله آنجا ریعی ندارد و اندک جوزق می دهد و خربزه . سکنه ندارد جزو حسن

آباد است .

مالیات - نقد : ۶ تومان ، جنس : ۳ خروار و ۷۰ من

بذر - ۲۴ خروار

محصولات - جو [ زق ] و خربزه و قلیلی غله

### قویه شاه آباد و جزستان

ملکی جنسب جلالت مآب اجل اعظم آقای مستوفی الممالک است . از

قنوات قدیم . غله و صیفی آنجا خوب می شود . يك دانگ آن مالیات دارد ،  
باقی صرف بقعه می شود .

مالیات -- نقد : ۶ تومان ، جنس : ۳ خروار

بذر -- ۷۰ خروار

محصولات -- غله و خربزه و جوزق

سکنه -- ۳۰ خانوار -- ۱۰۰ نفر

### قریه احوص آباد

اول قناتی است که در عهد اعراب اشعری جاری شده . بعد از خرابی در  
عهد خاقان مغفور آباد شده است . غله و صیفی از همه جهت خوب می شود .  
مالیات سهمی جناب متولی باشی -- نقد : ۶ تومان ، جنس : ۳ خروار

و ۵۰ من

بذر -- ۴۵ خروار

محصولات -- غله و خربزه و جوزق خوب دارد

سکنه -- ۱۵ خانوار -- ۳۸ نفر

### قریه بطنی جرد

از قنوات قدیم . وقفی سرکار فیض آثار است . غله متوسطی دارد .  
جوزق آنجا خوب می شود . خربزه جزئی دارد .

مالیات -- به جهت وقفی ندارد

بذر -- ۳۰ خروار

محصولات -- غله و جوزق و خربزه

سکنه - ۳۲ خانوار - ۱۱۵ نفر

### قریة دولت آباد

جناب حاجی سید جواد سلمه الله . در صفحهٔ قمرود واقع است . آب شیرین گوارا و ملک مرغوب دارد . غله و صیفی آنجا در نهایت اعتبار است .

مالیات - نقد : ۱۵ تومان ، جنس : ۵ خروار و ۵۰ من

بذر - ۴۰ خروار

محصولات - غله و جوزق و خربزه و هندوانه

سکنه - ۱۵ خانوار - ۵۰ نفر

### مزرعة شریف آباد

وقفی سرکار فیض آثار است . از قنوات قدیم . آب گوارا و ملک مرغوب دارد . غله و صیفی در آنجا خوب می شود .

مالیات - به جهت وقفی ندارد

بذر - ۳۵ خروار

محصولات - غله و جوزق و خربزه و هندوانه

سکنه - ۱۵ خانوار - ۵۰ نفر

### قریة قاسم آباد

از قنوات قدیم است که بعد از خرابی در این دولت جاوید آیت آباد شده است . در سابق از قراء معتبر بوده ، چند رشته قنات داشته ، حال دو رشته



او جاری است . وقف امام همام جناب امیرالمؤمنین است که باید اجاره او  
صرف طلاب نجف اشرف بشود . حال به رسم اجاره دارند .

مالیات - نقد : ۱۰ تومان ، جنس : ۳ خروار

بذر - ۳۰ خروار

محصولات - جوزق و غله

سکنه - ۸ خانوار - ۲۵ نفر

### مزرعه زالون آباد

جزو قاسم آباد است . غله و جوزق در او متوسط به عمل می آید . آب  
شور دارد . اغلب حاصل آنجا را ریگک روان و باد فاسد می کند . سکنه و رعیت  
او جزء قاسم آباد است .

مالیات .. نقد : ۵ تومان ، جنس : ۳ خروار

بذر - ۱۵ خروار

محصولات .. غله و جوزق است

### قریه نصرت آباد

از قنوت جدید است که در دوات شاهنشاه مبرور مرحوم میرزا نصرالله  
خان صدر الممالک دایر نموده . قلعه و سکنه معتبر دارد . دو حصه ابرستجان  
جزو آنجا زراعت می شود . مالیات آنجا تیول اولاد صدر الممالک است .

مالیات .. نقد : ۲۴۰ تومان ، جنس : ۲۰۳ خروار

بذر - ۱۵۰ خروار

محصولات .. غله و جوزق و خربزه و هندوانه

### قریه نظر آباد

مشهور به فرج آباد . در صفحه مسیله واقع است . آب از رودخانه ساوه برمی دارد و غله کاری دارد و صیفی کاری ندارد و آب آنجا در تابستان مثل نمک آب می شود . ملکی « نفر » های شاهزاده عبدالعظیم است . رعیت او عرب « کله کو » است .

مالیات - نقد : ۲ تومان ، جنس : ۱۰ خروار

بذر - ۳۰ خروار

محصولات - غله دارد

### مزرعه شکراب

در صفحه قمرود است . آب گوارا دارد . بسیار کم است . غله و صیفی در او خوب می شود . رعیت آنجا سکنه قمرود است .

مالیات - ۱۰ تومان

بذر - ۱۰ خروار

محصولات - غله و جوزق و هندوانه

### مزرعه قنبر علی

در صفحه قمرود است . قلیل آب و زراعتی دارد . درست دایر نشده . قابل مالیات نبوده ، مالیاتی ندارد . رعیت آنجا سکنه قمرود هستند . حاصل قلیلی غله ، و صیفی جوزق و کرچک دارد .

## مزرعه فتح آباد

از قنوات قدیم بوده خراب شده ، در این دولت آباد شد . در سر راه طهران است . مرحوم میرزا زین العابدین در آنجا کاروانسرای ساخته ، قلیان فروشی در آنجاست . حال قنات او خرابی دارد . زراعتی در آنجا نمی شود لهذا سکنه ورعیت ندارد .

## مزرعه رحمت آباد

از رودخانه ساوه آب بر می دارد . قلعه دارد . الان نهر او خراب است . ملك مرغوب دارد . در سابق مالیات جزو جدید النسق يك تومان و يك خروار داشت .

## قریه شمس آباد خالصه

از قنوات قدیمه . در تصرف امین الدوله اصفهانی بوده به جهت باقی مالیات آنجا را ضبط دیوان نموده اند . در سابق مالیات آنجا هشت صد تومان بود . همه ساله به يك رسمی بر آنجا افزودند تا به سه هزار و پانصد و پنجاه تومان رسید ، به این واسطه جنس آنجا را به طرحی به رعیت می دادند و همه ساله مالیات او به عمل نمی آمد ، اسباب خرابی رعیت بود تا در ممیزی جدید به آنجا تخفیف داده شد . آب آنجا از قنات و از رودخانه هر دو می باشد . ملك وسیعی دارد . قلعه آنجا خراب شده ، رعیت آنجا سکنه شهر شده اند به این واسطه اذیت بر آنها وارد می آید . تا شهر دو فرسخ است .

مالیات بعد از وضع - ۲۵۰۴ تومان

بذر صیفی وشتوی - ۲۹۰ خروار  
محصولات - غله و جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه

### مردعه شاه آباد خالصه

دراعلای قم واقع است . تیول مقرب الخاقان میرزا مهدی مستوفی است .  
قلعه دارد اما سکنه ندارد . زراعت در آنجا نمی شود . حقایقه از رودخانه دارد  
آب او را به رعیت قم می فروشند و عوض مالیات دریافت می نمایند . ملک  
آنجا مرتع ایلات شده است .

### قریه قمرود

از اعظم قراء توابع قم است . ملک مرغوب حاصل خیز دارد . آب آنجا  
از قنات قبان خانی وفاضل آب رودخانه اناربار است . دو فرسخ در دو فرسخ  
ملک آنجا است . غله و صیفی در آنجا بسیار خوب می شود . در سابق چنان آباد  
بود که هشت صد وسی و شش نفر نفوس در او بود و به قدر هشت صد قاطر و الاغ  
از آنجا بیرون می آمد . در گرانی خراب شده بود .

مالیات - نقد : ۵۱۷ تومان و ۲ هزار ، جنس ( به انضمام کوه سفید ) :

۳۴۰ خروار

بذر - ۱۵۰ خروار

محصولات - غله و صیفی خوب دارد

سکنه - ۹۰ خانوار - ۴۵۰ نفر

## بلوکات

بلوک قم در سابق که اعراب اشعری از اصفهان مجزی نمودند بسیار بوده چنان که قم را داخل چهار شهر گرفته اند که طول و عرض آنها صد در صد بوده چنان که حدود آن از همدان تاری و از اصفهان تا قزوین بوده . در تاریخ قم که املاک قسم را با سمه تعداد داده دهات ساوه و توابع ساوه و کاشان و تفرش و فراهان و دیار اسحاق و دهات اناربار که کنار رودخانه تا سیمره بوده داخل توابع شهر قم بوده . الان به غیر چهار بلوک مختصر از برای قم باقی نمانده است . هیچ ولایتی کمتر از این شهر مضافات ندارد و این چهار بلوک هم زیادتر آنها از دوازده قریه بیشتر نیست و کمتر آنها هفت و شش و دو قریه دارد . و حدود قم الان از هشت فرسخ و چهار فرسخ تجاوز ندارد ، چنان که از طرف ساوه چهار فرسخ و از طرف طهران چهار فرسخ و از طرف کاشان چهار فرسخ و از طرف قبله تا هشت فرسخ می رود .

## قهستان

اکثر این دهات کوهپایه و هوای بیلاقی دارند . حاصل زمینی آنها کم است . اغلب معاش آنها از سر درختی می شود و از ذغال سوزانی گذران می کنند . قبل از گرانی تعداد نفوس آنها به هشت هزار نفر می رسید ، بعد از گرانی اکثر آنها مردند ، الان آن قدر جمعیتی ندارند . اگرچه بعد از گرانی تناسل زیاد کرده اند اما تا حال به ثمر نرسیده اند و به واسطه کمی رعیت ملک آنها درست نسق نمی شود . از قرار تفصیل افراد ودهات :

### قریه ورجان

نزدیک ترین دهات قهستان است به قدم . هوایی معتدل دارد . آب او از قنات است که چندان اعتباری ندارد . دوسه مزرعه مختصر دارد . جو زق در آنجا خوب می شود و غله متوسط دارد . ملک او رشوه خوار است . انجیر آنجا خیلی خوب می شود چنان که تا قوس می رسد . مردمان رعیت پیشه دارند . چهار پنج نفر تفنگچی دارند . شکار کبک و تیهو در اطراف آن یافت می شود . ایل ونوکر دیوانی ندارند . فارسی زبانند .

مالیات - ۱۵۴ تومان و ۸ هزار

نفوس - ۲۵۰ نفر ( ذکور صغیراً کبیراً : ۱۳۵ نفر ، اناث صغیراً کبیراً :

۱۱۵ نفر )

### قریه سیرویه

در اعلائی قریه ورجان واقع است . حاصل آنها اغلب گندم و جو است .

صیفی کاری آنها جوزق و کرچک . باغات کمی دارد که انار و انجیر دارد . آب آنها از چشمه و قنات است . اعتبار آب آنها خوب است شکار کبک و تیهو دارند ایلات و نوکر دیوانی ندارند . مرتع آنها در اطراف قریه می باشد ، مردمان فارسی زبان رعیت پیشه هستند . چون <sup>(۱)</sup> که به قدر کفاف زراعت خود رعیت ندارند رعیت آنها خیلی قرب دارد .

مالیات - ۱۰۴ . تومان و یک هزار و ۱۵۰ دینار

نفوس - ۷۵ نفر ( ذکور صغیراً کبیراً : ۴۰ نفر ، اناث صغیراً کبیراً : ۳۵ نفر )

### قریه کهک

از قراء معتبر قهستان است . در جلگه اتفاق افتاده . قنوات متعدد دارد . چون در وسط قهستان است مرتع و تلال و جبال او کم است . مردم رعیت پیشه و کاسب دارد . فارسی زبان است . ایلات و نوکر دیوانی ندارند . هوای آنجا اعتدال دارد . شتوی آنها گندم و جو است . صیفی کاری جوزق در آنجا خوب به عمل می آید و اهتمام آنها در جوزق کاری است . باغات آنها میوه ییلاقی دارد از جوز و بادام و گوجه و قیسی . قنات های آنها آسمان نگر است . در سال های بی بارشی بسیار آب بر آنها تنگ می شود . در سال گرانی بیشتر آنها تلف شدند . قبل از گرانی هزار و شش صد نفر جمعیت داشتند .

مالیات - ۱۰۷ . تومان و ۱ هزار و ۷۰۰ دینار

نفوس - ۷۳۵ نفر ( ذکور صغیراً کبیراً : ۳۲۰ نفر ، اناث صغیراً کبیراً :

۴۱۵ نفر )

---

۱ . اصل : چنانچه .

## قوبه بید هند

بهترین دهات قهستان است از عذوبت ماء و لطافت هوا . آب آنها از فئات است که از دشت کرمجگان بیرون می آید . باغات جنات الفافا دارد . میوه سیب وزردآلو و امرود و جوز و بادام و همه نوع میوه ییلاقی دارد در نهایت صفا . زراعت زمینی آنها به واسطه کثرت اشجار کم است . کبک و تیهو و شکار کوهی بسیار دارد . چند مزرعه دارد در نهایت سردی ، از آن جمله مزرعه « واسان » است که آسان آب او را در تابستان به يك نفس نمی توان خورد . مردم فارسی زبان رعیت پیشه دارد . چند نفر تفنگچی در آنجا پیدا می شود . ایلات و نوکر دیوانی ندارند . اکثر حاصل زمینی نخود و جو ترشه دارد .

مالیات - ۵۸۷ تومان و ۸ هزار و ۵۰۰ دینار

نفوس - ۳۹۲ نفر ( ذکور صغیراً کبیراً : ۱۱۰ نفر ، اناث صغیراً کبیراً :

۲۸۲ نفر )

## قوبه کرمجگان

ییلاق قهستان است . جبال راسیات بسیار دارد . آب آنجا وفور دارد در سال پر بارانی ، ولی در سال بی بارانی آب آنجا کم می شود . اشجار ییلاقی بسیار دارد . دومزرعه در اعلا ی آنجا واقع است یکی مزرعه « در باغ » و یکی مزرعه « محمد خان » . هوای این دومزرعه به طریقی سرد است که در تابستان در سایه آنجا سردی هوا صدمه می زند . هوایی به غایت ییلاق دارد . شکار کبک و تیهو در آنجا بسیار است . در کوهسار آنجا پلنگ خیلی پیدا می شود . حاصل شتوی آنجا به واسطه ییلاق و سایه درخت کم می باشد . حاصل تابستانی



آنجا لوبیا ونخود و قدری هندوانه وخیار بادرنگ است . جو ترشۀ آنجا خوب می شود . غالب اشجار آنجا درخت جوز و سیب وزردآلو و آلوزرد و آلوچه و آلوسفید وانگور است لیکن انگور آنجا چندان شیرین نمی شود . خانوار آنجا به قدر يك صدخانه می باشد . تفنگچی و جنگل و ایلات و نوکر دیوانی ندارد . تیول مضجع شاه مرحوم می باشد . محاکمات عمده آنجا با حکومت دارالایمان قم . هفت فرسخ تا شهر مسافت دارد .

مالیات موافق تعدیل جدید - ۴۱۳ تومان ۶ هزار و ۵ شاهى

نفوس - ۴۵۰ نفر ( ذکور: ۲۲۲ نفر - مردبزرگ : ۱۱۰ نفر، اطفال ۱۱۲

نفر - اناث صغیر اکبیراً : ۲۲۸ نفر )

### فریه ابرجس

از دهات قدیم قهستان قم است . يك طرف اوکوهسار و طرفی هموار و دو طرف آن محل عبور رودخانه کرمجگان و بید هند است . ده مختصری است . در قدیم به واسطه لجوجی آنها مالیاتی فوق العاده به آنها بسته بودند ، به این واسطه خراب شد ، بعد از عرض و دادخواهی بسیار قدری تخفیف از دیوان به آنها مرحمت شد ولی باز هم فوق طاقت بود ، لیکن در ممیزی جدید مالیاتی فراخور استعداد به آنها بسته شد . الان روزگار آنها خوب است . حاصل شتوی گندم و جو دارند . صیفی کاری آنها قلیلی جوزق و لوبیا ونخود است . آب آنها از قنات است و چشمه سار اشجار آنجا جوز و بادام بیشتر از سایر اشجار دارند لیکن سایر اشجار ییلاقی هم در آنجا بسیار است . جنگل و ایلات و نوکر دیوانی ندارد . کبک و تیهو پیدا می شود در آنجا . خانوار آنها بیست و پنج خانوار است . عدد نفوس و مالیات :

مالیات - ۲۴۰ تومان و ۸ هزار

عدد نفوس - ۹۷ نفر ( ذکور بزرگ و کوچک : ۴۵ نفر ، اناث صغیراً  
کبیراً : ۵۲ نفر )

### قریه فردو

از قراء متوسط قهستان است . هوای او ییلاق است . آب او از قنات  
و چشمه سار . حاصل زمینی آنجا گندم و جو و جو بهاره است ، صیفی لوبیا و نخود  
و جوزق و خیار است . اشجار باغات آنها جوز و بادام و آلو سفید و آلو زرد  
و زرد آلو و آلوچه و فندق و سایر اشجار ییلاقی است . رودخانه مختصری دارد  
که در زمستان و بهار آب دارد . در آنجا اشجار بید و سنجد بسیار است کوهستان  
معتبر مرتفع بسیار دارد . مزارع متعلقه ییلاقی بسیار خوب دارد از آن جمله  
مزرعه « وریج » ملکی جناب متولی است که بسیار خوب است و همچنین  
مزارع « وسف » و « وردید » و « پی مال » است . مرتع معتبری دارند که دخلی  
به مرتع سایر دهات ندارد . شکار آنجا کبک و تیهو و آهوی کوهی می باشد .  
پلنگ هم در کوهسار او بسیار دیده می شود جنگل و ایلات و نو کردیوانی ندارند  
تیول ورثه مرحوم احمد علی میرزا می باشد . عدد خانوار آنها به قدر هشتاد  
خانوار می باشد و عدد نفوس و مالیات آنها موافق تعدیل جدید :

مالیات - نقد : ۴۳۹ تومان و ۳ هزار و ۲۰۰ دینار ، جنس : ۳۰۰ خروار

۶۰ من

عدد نفوس - ۳۶۰ نفر ( ذکور : ۱۷۰ نفر ، اناث صغیراً کبیراً : ۱۹۰ نفر )

## قریه و شنوه

از دهات معتبرهستان است مشتمل بر جبال عظیم. چهار طرف او کوهسار است که سر به آسمان کشیده. چنان کوه بر آنجا احاطه دارد که در وقت هبوب صرصر عاصف در آنجا به قدر نسیم ملایمی می وزد به این واسطه توت آنجا به درخت می ماند تا خشک می شود. هوای آنجا به قدری لطافت دارد که در وقتی که آن قدر باد نیاید که شمع اشک نماید در تابستان بدون بالاپوش نمی شود. آب رودخانه آنجا در گوارایی مشهور است. حاصل شتوی آنجا گندم و جو بهاره و تریاک است که بهترین تریاک های عالم است، و صیفی دیگر ندارد غیر جو ترشه و لوبیا و ماش، چیز دیگر نیست. و اشجار آنجا اغلب فندق و جوز و بادام است و سایر میوه بهاری و تابستانی و بیلاقی دارد. دو قنات دارد و قدری چشمه سار هم دارد و چند مزرعه. قبل از گرانی عدد نفوس آنها یک هزار و سی صد و هشتاد نفر بودند ولی آنها الان .... پنجاه خانوار می باشند و تیول مقرب الخاقان منجم باشی می باشد. این قریه جنگل ندارد و ایلات هم ندارد و نوکر هم ندارد و در تعدیل جدید قدری تخفیف به مالیات آنها داده شده است.

مالیات - ۲۲۸ تومان و ۶ هزار و ۵۰۰ دینار

عدد نفوس - ۲۹۰ نفر ( مرد بزرگ : ۹۰ نفر ، اناث : ۸۵ نفر ، اطفال

اناث و ذکور : ۱۱۵ نفر )

## قریه خاوه و طیره

دوده کوچک است بسیار مختصر. هوای بیلاقی دارند ، اندک باغاتی از

جوزوبادام و سیب وزردآلو و سایر میوه جات ییلاقی . حاصل آنها گندم و جو بهاره است و صیفی آنها نخود و لوبیا و جوزق است . این دو قریه نزدیک به هم است و جمعیت این دو آبادی به قدر سی خانوار می باشند و به قدریک صد و پنجاه نفر اناث و ذکور و کبیر و صغیر آنها می باشد . سه نفر آنها حال قریب یک سال است به صرافت طبع رفته اند در جزو غلام های مقرب الخاقان مصطفی قلی خان عرب وارد شده اند . شکار بز و قوچ کوهی و کبک و تیهو و جنگل و ایلات ندارد و این دو قریه تیول نواب خاقان میرزای هندی می باشد و در جزو تعدیل جدید قدری تخفیف هم به آنها داده اند .

مالیات - ۱۴۵ تومان ( قریه خاوه : ۱۱۲ تومان ، قریه طیره و مزارع : ۳۳ تومان )

نفوس - ۱۵۰ نفر ( قریه خاوه : ۹۵ نفر ، قریه طیره : ۵۵ نفر )

### قریه قبادبزن

ازدهات قهستان است . سه رشته قبات کم آب دارد . هوای آنجا ییلاقی ملک بی اعتباری دارد . بسیار رشوه خوار است . باغات آنجا سیب وزردآلو و جوز و بادام است . شتوی جو و گندم است . صیفی کاری جوزق و ماش و نخود و لوبیا می باشد . مرتع معتبر ندارد . ایل نشین نیست . شکار گاه ندارد . مالک آنجا بیشتر اربابان شهری است . خانوار آنجا پنجاه خانوار است .

مالیات - ۲۱۸ تومان و ۶ هزار

نفوس - ۱۵۵ نفر ( مرد بزرگ : ۵۰ نفر ، زن بزرگ : ۴۵ نفر ، اطفال : ۶۰ نفر )

## قریه میم و دستجرد

دوقریهٔ ملاصق یکدیگر است . از دهسات فهستان است . هوای معتدل دارد نه بیلاقی و نه فشلاقی است . قریهٔ دستجرد سه رشته قنات دارد یکی معتبر و دورشتهٔ کم آب و قریهٔ میم چهار رشته قنات دارد یکی پر آب و سه رشته کم آب حاصل شتوی آنها جو و گندم است صیفی جوزق و ماش و عدس و لوبیا و خیار و هندوانه است . باغات آنها انار و انجیر و زردآلو و آلوچه و جوز و توت و بادام است . خانوار این دوقریه هفتاد خانوار است .

مالیات - ۴۳۳ تومان ( قریهٔ میم : ۲۵۹ تومان ، قریهٔ دستجرد : ۱۷۴ تومان )  
نفوس - ۳۰۷ نفر ( مرد : ۸۳ نفر ، زن : ۷۴ نفر ، اطفال : ۱۵۰ نفر )

## قریه ونارج

از قراء فهستان است ولی در هموار واقع است و هوای گرمسیری دارد و باغات ندارد . آب آنجا از چشمه سار و قنات است شتوی آنجا جو و گندم است صیفی آنجا غالب جوزق کاری است و جوزق آنجا خیلی خوب می شود . مرتع آنها در اطراف قریه است . مرتع معتبری دارد . اکثر منافع رعایای آنجا از گوسفند است . دوخانه ایل ساکن آنجا است . مردم آنجا خلج و ترک می باشند به قدر سی خانوار هستند .

مالیات : ۱۴۴ تومان و چهار هزار

نفوس : ۱۵۰ نفر ( مرد : ۵۰ نفر ، زن : ۴۰ نفر ، اطفال : ۶۰ نفر )

## بلوك واز كرود

این بلوك دوقریه بیشتر ندارد . هوای آنجا برزخ گرمسیر وییلاق است . بسا شهر دوفرسخ مسافت دارد . میوه گرمسیری در آنجا بیشتر از ییلاقی پیدا می شود . آب آنها از قنوات می باشد . در بهار فاضل آب رودخانه کوار به جهت آنها می آید که بیشتر محصول شتوی آنها از آب کوار مشروب می شود .

### قریه صرم

چند مزرعه و قنات دارد . قنات های آنجا آسمان نگر است . در سال های کم بارانی آب آنها بسیار کم می شود به طریقی که بعضی از قنات های آنها خشک می شود به این واسطه اشجار آنها بیشتر انار و انجیر است . انار صرم در غایت لطافت است چنان که انار آنجا ترجیح دارد به انار ساوه . انجیر آنجا هم بسیار خوب می شود . محصول شتوی آنها گندم و جو است . صیفی آنها جوزق و کرچک و هندوانه است . به واسطه بی اعتباری آب قنات های آنها اکثر فقیر و بی بضاعت هستند و هر چند سال يك مرتبه به واسطه شدت سرمای زمستان باغات آنها خشک می شود . در ممیزی جدید قریب سیصد تومان تخفیف گرفته اند . با وجود بازهم آسوده نمی باشند . شکار و جنگل و ایلات و نوکر دیوانی ندارند . قریه در هموار واقع است در طرف شرقی بلد .

مالیات - ۵۳۸ تومان و ۸ هزار

نفوس - ۳۱۵ نفر ( ذکور : ۱۳۰ نفر ، اناث : ۱۱۰ نفر ، اطفال : ۷۵ نفر )

## قریه خورآباد

از دهات معتبر است . خیلی معتبرتر از قریه صرم است . چند رشته قنات دارد و چند مزرعه معتبر . انار و انجیر آنجا بسیار خوب می شود . هوای آنجا در نهایت اعتدال می باشد . اراضی بسیار مرغوب دارد . از مزارع متعلقه آنجا مزرعه لنجرود است که در حقیقت خود آنجا قریه معتبری می باشد . آب لنجرود از قنات و فاضل رودخانه کوار است . توت لنجرود بسیار خوب می شود . اراضی بسیار معتبر و وسیع دارد . گندم وجود آنجا خوب می شود . صیفی آنجا جوزق و هندوانه آنجا بسیار خوب می شود مگر آن که چنان که حالت باغات قم است که در هر دو سه سال يك دفعه به کلی از شدت سرما خشک می شود ، اشجار آنجا هم خشک می شود و بعضی سال ها هم که کم بارانی می شود فاضل رودخانه کوار قطع می شود به محصول شتوی آنها ضرر بسیار وارد می آید . حشم وافر دارند ، مرتع معتبر . ایلات و تلال و جبال و جنگل و نوکر دیوانی ندارند .

مالیات - ۲۹۸ تومان و ۸ هزار و ۶۰۰ دینار

نفوس - ۵۰۰ نفر (مرد : ۱۶۰ نفر ، زن : ۱۳۰ نفر ، اطفال : ۲۲۰ نفر) <sup>۱)</sup>

## بلوک جاسب

در قدیم الایام جای اسب مشهور بوده ، از کثرت استعمال جاسب نامیده شده . هفت قریه دارد . در میان يك دره کوه واقع است و اطراف آنجا را چنان کوه احاطه دارد که گویا حصاری بر آنجا کشیده اند . آب آنجا از کوهسار است

۱ . کذا ( جمع ارقام ۵۱۰ نفر می شود ) .

وقنات هم دارد . در سالهای پر باران فاضل آب‌های آنها از سوراخی که از زیر کوه سوراخ اوست - که مشهور است به سوراخ جاسب - می‌آید به رودخانهٔ انار بار که از پهلوی بلد عبور نموده به مسیله می‌رود . در سال‌های بارانی بسیار کم آب هستند . حاصل شتوی آنها جو و گندم است . صیفی آنها ماش و نخود و عدس و لوبیا و هندوانه و خربزه است . هوای آنجا در غایت سردی است . مرتع آنجا بسیار کم است به قدر کفاف خودشان ندارند . عبور و مرور آنها از دو راه است یکی از بالای قریهٔ راونج است و یکی از دره‌ای است که از بالای قریهٔ کرمجگان معبری است <sup>(۱)</sup> . چون راه سختی است هر دو طرف آنها ، اغلب اوقات قطاع الطريق به آنها دستبرد می‌زنند و خرابی می‌رسانند . و اما سال‌های پر برفی از وسط عقرب الی عید نوروز از شدت برف بسته می‌شود . چون محصول این قراء سبزه و قابه معاش آنها ندارد اغلب آنها در زمستان می‌روند در طهران و قم و کاشان مشغول کسب حلوائی می‌باشند و به این واسطه سر آنها کچل می‌باشد و اغلب آنها سادات می‌باشند و از دیوان مستمری و وظیفه دارند و سادات آنجا همه نجیب و رعیت پیشه‌اند .

### قریهٔ واران

اول قراء سبزهٔ جاسب می‌باشد . اراضی آن سنگلاخ و رشوه خوار است و هوای آنجا بی‌یلاق است . چهار رشته قنات دارد ولی بسیار مختصر و آسمان‌نگر می‌باشند . محصول شتوی آنجا گندم و جو بهاره ، محصول صیفی ماش و نخود و لوبیا و هندوانه و عدس می‌باشد . محصول باغات آنجا جـوز و بادام و انگور دانه دار و سایر میوه‌جات بی‌یلاق است . ایلات و جنگل و نوکر دیوانی ندارد .

۱ . کذا .



مرتع مختصری دارند . گوهسار زیاد دارند . شکار كبك و قدیری آهوی کوهی یافت می شود . خانوار آنها يك صد و پنجاه خانه است . عدد نفوس و مالیات :

مالیات - ۵۶۲ تومان و ۵ هزار و ۲۰۰ دینار

نفوس - ۶۶۰ نفر ( مرد : ۲۰۰ نفر ، زن : ۱۸۰ نفر ، اطفال : ۲۸۰ نفر )

### قریه زر

در طرف غربی قریه واران واقع است و چنان نزدیک یگدیگر می باشند که اراضی و محل زراعت آنها متصل به یکدیگر است . هوای آنجا هم ییلاق است . محصول شتوی گندم و قلیلی جو است . محصول صیفی ماش و عدس و لوبیا و هندوانه است . محصول باغات آنها جوز و بادام و سنجد و انگور و زردآلو و آلوچه و قیسی است . دورشته قنات دارد و چند چشمه . در سال کم بارانی این قریه بسیار کم آب می باشد . ایلات و مرتع ایل ندارد . جنگل و نوکر دیوانی ندارد . مرتع آنها بسیار مختصر است . شکار کوهی یافت می شود . سی خانوار سکنه دارد . عدد نفوس و مالیات :

مالیات - ۳۴۴ تومان و ۵ هزار

نفوس - ۱۴۰ نفر ( مرد : ۴۵ نفر ، زن : ۴۰ نفر ، اطفال : ۵۵ نفر )

### قریه وسقونقان

در سفلی قریه زر واقع است . متصل است اراضی آنجا به اراضی قریه زر . هر نوع محصول که در قریه زر و واران یافت می شود در این قریه هم یافت می شود . آب آنجا از يك رشته قنات است و چند چشمه رودخانه . مختصری از میان اراضی آنجا از فاضل آب بهاری قریه زر عبور می کند که از آنجا عبورش می افتد به قریه وشتکان ، و از آنجا عبور می کند به قریه بیجکان ، و از آنجا

سوراخی است که مشهور است به سوراخ جاسب، این فاضل آب قراء جاسب از آن سوراخ می‌ریزد به رودخانه انار بار قم. و این قریه سادات زیاد دارد. سی خانوار سکنه دارد. جنگل و ایلات و نوکر دیوانی و شکار گاه ندارد. کوه اطراف او بسیار مرتفع است و مرتعشان مختصر.

مالیات - ۲۹۰ تومان

نفوس - ۱۵۰ نفر ( مرد : ۵۰ نفر ، زن : ۴۰ نفر ، اطفال : ۶۰ نفر )

### قریه وشکان

درسفلای و سقونقان واقع است. مختصرترین قراء سبعة جاسب می‌باشد بیشتر آب آنجا از رود آب است. يك رشته قنات هم دارد. محصول آنجا مثل سایر دهات آنجاست ولی اراضی آنجا بسیار نامرغوب و سنگلاخ است و کم وسعت هم می‌باشد و مردم آنجا همه سادات فقیر و پیریشان می‌باشند. جنگل و ایل و نوکر دیوانی ندارند. مرتع بسیار مختصری دارد. شکار كبك یافت می‌شود. در آنجا مراعی و مواشی مختصری دارند. بیست خانوار سکنه می‌باشند.

مالیات - ۱۸۱ تومان و ۱ هزار و ۱۰۰ دینار

نفوس - ۸۵ نفر ( مرد : ۲۵ نفر ، زن : ۲۳ نفر ، اطفال : ۳۷ نفر )

### قریه بیجکان

این قریه از تمام قراء سبعة جاسب از همه جهت معتبرتر است به واسطه آن که اعتبار آب آنجا بیشتر از سایر قراء است و به این واسطه باغات آنها زیاد است. اراضی آنجا هم خیلی نسبت به سایر این قراء حاصلخیزتر است. چهار

رشته قنات دارد . محصول آنها جو و گندم درشتوی کاری است و ماش و عدس و نخود و لوبیا و هندوانه است در صیفی کاری . محصول باغات آنها جوز و بادام و فندق و سنجد و انگور و زردآلو و سایر میوه جات ییلاقی است . اهالی آنجا اکثر علماء و سادات و اهل فضل و کمال می باشند . مرتع آنها هم چندان اعتباری ندارد . جنگل و ایلات و نو کر دیوانی ندارند . شکار كَبَك در آنجا پیدا می شود این قریه يك صد و بیست خانوار سکنه و رعیت دارد . مالیات و عدد نفوس آنها :

مالیات - ۵۵۲ تومان

نفوس - ۵۲۵ نفر ( مرد : ۱۵۰ نفر ، زن : ۱۲۵ نفر ، اطفال اناث و ذکور :

۲۵۰ نفر )

### قریه کروکان

در طرف شرقی قریه واران که ابتدای بلوک جاسب است واقع شده . اهالی آنجا اغلب سادات می باشند . يك رشته قنات دارد و چند چشمه . در سال پر بارانی چشمه سار آنها آب معتبر دارد ولی در سال بی بارانی چون در دامنه کوه واقع است بسیار کم آب می باشند . محصول آنها از بابت شتوی کاری گندم است و قلیلی جو . محصول صیفی ماش و عدس و لوبیا و نخود است . انگور دانه دار هم دارند . میوه جات و محصول باغات آنها جوز و سنجد و بادام و فندق و زردآلو و آلوسفید و سایر میوه جات ییلاقی است . مرتع این قریه نسبت به سایر قراء وسیع تر است . جنگل و ایلات و نو کر دیوانی ندارد . شکار گاه و دیسم زار و اهل رزم ندارد . خانوار بیست و هفت خانوار است . مالیات و عدد نفوس آنها :

مالیات - ۲۸۳ تومان و سه هزار

نفوس - ۱۲۵ نفر ( مرد : ۳۵ نفر ، زن : ۳۲ نفر ، اطفال : ۵۸ نفر )

## قریه هراز جان

درسفلای قریه کروکان واقع است و اهل آنجا همه سادات ذوی الاحترام می باشند و قلبیلی غیر سادات در آن قریه ساکن می باشند . مرحوم شاه صاحب که بسه اعتقاد اکثر مردم صاحب کرامت و تأثیر نفس بود اهل این قریه است و الان هم اولاد و اعقاب او در آنجا مسکن دارند . این قریه دورشته قنات و چند چشمه دارد و محصول شتوی آنجا گندم و جواست و محصول صیفی ماش و عدس و لوبیا و نخود است . باغات آنجا جوز و بادام و سنجد و فندق و سایر میوه جات بیلاقی است . جنگل و ایلات و نوکر دیوانی ندارند . مرتع مختصری دارد . شکار گاه و شکار ندارد مگر آن که قدری کبک و تیهو در دامنه کوه آنجا یافت می شود . سی و چهار خانوار می باشند .

مالیات - ۲۱۸ تومان

نفوس - ۱۵۵ نفر ( مرد : ۵۰ نفر ، زن : ۴۳ نفر ، اطفال : ۶۲ نفر )

## بلوک اردهال

این بلوک ابعد بلوک قم است و از طرفی حد او به بلوک کاشان است و این بلوک به خلاف جاسب که دهانش همه مجتمع و توأم بودند این بلوک دهانش متفرق و دور از یکدیگر است از جهت هر چند قریه که نزدیک بلوک کاشان است گرمسیر است به خلاف آنها که در عقب کوه جاسب است که بیلاق معتبری است و حضرت امام زاده و الامقام سلطان علی فرزند امام همام امام محمد باقر در قریه مشهد که معظم دهات اردهال است مدفون است . محصول این بلوک اغلب

گندم است و قلبیلی جو کاری. محصول صیفی ماش عدس ولوبیا وجوزق وهندوانه  
وخیار است و آب آنجا قدری از رود آب وچشمه ساراست و قدری قنات است  
مردم آنجا خصوصاً قریه مشهد اکثر سادات وخدام حضرت امام زاده می باشند  
و در این دهات موقوفه امام زاده بسیار است .

### قریه مشهد

قریه معتبری است و به این واسطه موسوم به مشهد است که محل شهادت  
و مدفن امام زاده است . بعد از آن که معاندین او را شهید کردند از اهل فین  
کاشان و بعضی توابع کاشان آمده اند و آن جناب را دفن فرموده اند والی زماننا  
هذا اولاد و اعقاب آنها همه سهاله در روز مخصوص که این خدمت را اجداد  
آنها کرده اند در قریه مشهد جمع می شوند و قالی هست که امام زاده را بر  
روی او شهید کرده اند از خزانه بیرون می آورند ، در همان جا که امام زاده  
را غسل داده اند می آورند و قدری آب به او می ریزند و در همان موضع بر  
قله آن حضرت لعن می کنند و دو باره به جای خودش می برند. و هر گاه در  
وقتی که قالی رامی آورند به سر آب ، کسی که نسبت به اجداد آنها ندارد دست  
به آن قالی بگذارد مسلماً کشته خواهد شد .

حالات این قریه این است که مشتمل است بر مزارع متعدده متکاثره که  
این مزارع برخی از چشمه سار آب می خورد و بعضی از قنات . قدری از  
آنها موقوفه حضرت است و اکثر ملک خدام آن حضرت . محصول شتوی  
آنها گندم و جو است و محصول صیفی ماش و عدس ولوبیا وهندوانه وجوزق  
وخیار است . محصول باغات آنها جوز و بادام و فندق و زردآلو و آلوچه و آلو  
سفید و سیب و سایر میوه جات بیلاقی است و هوای این قریه بیلاق است و تلال

و جبال بسیار دارد و مرتع آنها خوب است خصوصاً از برای نوع بز که بسیار خوب است . جنگل و دیم زار و ایلات و نوکر دیوانی ندارند . چند نفری تفنگچی دارند . قبل از گرانی اشخاص صاحب مایه و ملک و حشم زیاد بسیار در این قریه بود ولی از بعد گرانی تا حال آن استعداد از برای آنها میسر نشده است لیکن با وجود این صدمه گرانی و غیره باز هم از سایر مردم امتیاز دارند و در این قریه مزارع موقوفه امام زاده بسیار است . خانوار این قریه از خدام و سادات و رعایا يك صد و چهل و سه خانوار است . مالیات و عدد نفوس آنها :

مالیات - ۴۲۲ تومان و ۷۰۰ دینار

نفوس - ۶۰۸ نفر ( مرد کاری : ۱۷۰ نفر ، زن و اطفال : ۴۳۸ نفر )

### قریه خاوه

پنج دانگ قریه مزبوره وقف حضرت امام زاده است و يك دانگ ملكی است . این قریه نزدیک قریه مشهد واقع است . آب آنجا از چشمه سار است . هوای آنجا بیلاقی است . محصول آنجا گندم و جو است و در صیفی ماش و عدس و لوبیا و نخود و جاورس و جوزق است و خیار و هندوانه هم کشته می شود محصول باغات آنها جوز و بادام و میره جات بیلاقی است . تلال و جبال بسیار دارند . مرتع آنها عیبی ندارد . جنگل و نوکر دیوانی و ایلات ندارند . شکار گاه قابل ندارند ولی كبك و تیهو و شکار کوهی در آنجا یافت می شود . دیم در آنجا چیزی نمی شود . خانسوار آنها از رعایای موقوفه و رعایای ملكی چهل و پنج خانه است . يك صد و پنجاه و يك نفر سر شمار ، چهل و يك نفر مرد و باقی اطفال و زن و دختر و پسر صغیر است .

مالیات - ۳۰ تومان و ۶ هزار

نفوس - ۱۵۱ نفر ( مرد : ۴۱ نفر ، زن واطفال : ۱۱۰ نفر )

### قریه کرهه

بیلاق است و آب او از قنوات است . قدری از آن موقوفه ملکی است . محصول شتوی آنها جو و گندم است و محصول صیفی ماش و نخود و لوبیا و عدس و جوزق است . محصول باغات آنها انگور و جوز و بادام و سایر میوه جات بیلاقی است . مرتع آنها کمتر از مرتع قراء دیگر است . جنگل و دیم و نوکر دیوانی و ایلات ندارد . شکار گاه معتبر ندارد ولی شکار کبک و تیهو و شکار کوهی دارد . خانوار آنها بیست و شش خانوار است .

مالیات - ۱۰۵ تومان

نفوس - ۹۱ نفر ( مرد : ۳۰ نفر ، زن واطفال : ۶۱ نفر )

### قریه کله جار

بیلاق است . سه رشته قنات دارد که محصول آنها را مشروب می کنند . محصول شتوی آنها جو و گندم و صیفی آنها ماش و لوبیا و نخود و عدس و جو ترشه و جوزق است . محصول باغات آنها جوز و بادام و سایر میوه جات بیلاقی است . دیم زار و جنگل و ایلات و نوکر ندارند . مرتع آنها عیبی ندارد . شکار کبک و شکار کوهی دارد و چهل و پنج خانوار است .

مالیات - ۱۸۶ تومان و ۶ هزار و ۷۰۰ دینار

نفوس - ۲۴۰ نفر ( مرد کاری : ۵۵ نفر ، زن واطفال : ۱۸۵ نفر )

## قریه ارمک

ییلاق است . دو رشته قنات دارد ورودخانه مختصری هم دارد که از کوهسار رهق می آید و شتوی آنها بیشتر از آن رود مشروب می شود و محصول شتوی آنها گندم و جو و تریاک است و محصول صیفی آنها نخود و ماش و عدس و لوبیا و جوزق است و محصول باغات آنها جوز و بادام و سنجد و سایر میوه جات ییلاقی است و جنگل و نوکر و ایلات ندارد . مرتع خوب دارد . حشم زیاد دارند . شکار کوهی از قبیل قوچ و تکه و آهو پیدا می شود . خسانه شمار آنها سی و هشت خانوار است .

مالیات - ۲۳۵ تومان و هشت هزار و ۲۰۰ دینار

نفوس - ۲۲۵ نفر ( مرد : ۸۸ نفر ، زن و اطفال : ۱۳۷ نفر )

## قریه سینقان

ییلاق است و چند رشته قنات دارد و چند چشمه هم دارد . هم دشت دارد و هم کوهسار دارد . اراضی آنجا بهتر از سایر قسرا است . محصول شتوی آنجا جو و گندم است و محصول صیفی آنجا جوزق و نخود و ماش و لوبیا و عدس است و اشجار آنها جوز و بادام و سایر میوه جات ییلاقی است . مرتع بسیار معتبر دارند . دیم زار و جنگل و ایلات و نوکر دیوانی ندارند و شکار کوهی و کبک و تیهو دارند . خانوار آنها پنجاه و سه خانوار است و مالیات و عدد نفوس آنها :

مالیات - ۲۴۳ تومان و ۲ هزار و ۵۰۰ دینار

نفوس - ۱۴۶ نفر ( مرد : ۶۳ نفر ، زن و اطفال : ۸۳ نفر )



## قریه شانق

قشلاق و گرمسیر است . مرتع بسیار معتبر دارند . جزئی زراعت دارند . معاش آنها از گوسفند و شتر می گذرد . و برخی هیزم حمل به کاشان می کنند و معاش می کنند . دو رشته قنات مختصر دارد . محصول شتوی جو و گندم است و محصول صیفی هندوانه و خربزه و جوزق است و سکنه آنجا ایل خراسانی است مشهور به عرب خراسانی . باغات ندارند . جنگل و نوکر دیوانی ندارند زراعت دیمی ندارند . سی خانوار این طایفه ساکن آنجا می باشند .

مالیات - ۲۷ تومان و ۵ هزار و ۶۰۰ دینار

نفوس - ۹۲ نفر ( مرد : ۳۸ نفر ، زن و اطفال : ۵۴ نفر )

## قریه مزوش

از قراء اردغال است . آب و ملک این قریه [ وقف ] بر مولای متقیان و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب سلام الله و صلواته علیه می باشد و تولیت آن یعنی تصرف کردن به آن قریه خاص جناب مستطاب حجة الاسلام حاجی ملامحمد کاشی است . دهی است بسیار معمور و معتبر . همه نوع محصول در آنجا بسیار خوب می شود و علاوه بر رعایای لازمه آنجا مردم خوش نشین هم در آنجا بسیارند و همه صاحب مواشی و مراعی می باشند و در تعدیل جدید مالیاتی از بابت وجه صادر و مراعی و مواشی بر آنجا وارد آورده اند اگر چه تا حال محل گفتگو می باشد ولی دخلی به ملک وقف ندارد . مرتع آنها بسیار خوب است . شکار قلیلی یافت می شود . جنگل و نوکر و ایلات ندارند . سی خانوارند .

مالیات صادر و مراعی و مواشی - ۳۸ تومان

نفوس - ۱۳۰ نفر ( مرد : ۵۰ نفر ، زن و اطفال : ۸۰ نفر )

## [ قراء و مزارع کنار رودخانه ]

در حواشی رودخانه انار بار قراء و مزارع بسیار است ولی تفصیل احوال آنها چنان است که بعضی از آنها رعیت و تابع حکومت عراق می باشند و چند قریه و مزرعه آنها جزو «سایر البلوک» است و بعضی از این مزارع جزو حکومت قم است . و باعث بر این که حد و سدی در میان آنها نیست بعضی قراء و مزارع که در چهار فرسخی قم است جزو عراق است و بعضی مزارع که قریب بیست فرسخ تا ولایت قم مسافت دارد جزو قم است . راه این است که در هر وقتی که ممیزی از دیوان مأمور بر آورد و تعدیل ولایتی می شده هر قریه و مزرعه که جمع نداشته ممیز دیوان او را جمع آن ولایت می کرده و یا در عوض کسر محل شکسته او را به دیوان جمع می کرده است . حال هر قدر از آن مزارع که جزو حکومت دارالایمان قم است مشروحاً ثبت و به عرض خواهد رسید که سایر آنها در جزو تفصیل احوال هر ولایتی نوشته شود . و سکنه این قراء و مزارع اغلب ایلات می باشند از قبیل خلیج و بختیاری و عرب خراسانی و الوارزند و غیر هم .

### قریه طایقان

در حاشیه رودخانه واقع است و هوای گرمسیر دارد و آب آنجا از رودخانه انار بار است . و مردم آنجا ترك خلیجی می باشند بسیار با جلادت و هنر و تفتنگچی قابل هستند . محصول صیفی آنها جو و گندم و شبدر خوب می شود و صیفی آنها غالب جوزق است و جوزق آنها بسیار خوب می شود . باغات آنها از کثرت آب

هم میوه ییلاقی دارند وهم میوه گرمسیری . انار وانجیر آنها بسیار خوب است مرتع آنها بسیار وسیع ومعتبر است وجنگل ونوکر دیوانی ندارند . دیم زار ندارند ، بیست و پنج خانوار رعیت دارند .

مالیات - ۲۵۰ تومان

نفوس - ۹۵ نفر ( مرد : ۲۵ نفر ، زن : ۳۰ نفر ، اطفال : ۴۰ نفر )

### قریه چشمه علی

از دهات جدید النسق است که در این دولت مالیات بر آنها بسته شده است ودر آنجا کوهی است در آن کوه سه چشمه است که بدون آن که آب او بیرون بیاید مثل دیگک که آتش در زیر او باشد می جوشد و کف می کند ، لیکن آب اوسرد است . محصول آنجا جو و گندم وجوزق است . مرتع متوسطی دارد . ده خانوار سکنه دارد . چند نفر آنها تفنگچی است .

مالیات - ۱۸ تومان

نفوس - ۳۵ نفر ( مرد : ۱۰ نفر ، زن واطفال : ۲۵ نفر )

### مزارع حواشی رودخانه

مزرعه حسین آباد - مزرعه مختصری است . محصول صیفی ندارد . محصول شتوی آنجا جو و گندم وشبدر است ورعیت آنجا بختیاری وجزو سایر البلو کند .

مزرعه چم عابدین - صیفی کاری ندارد . مالک وزارع آنجا بختیاری وجزو سایر البلوک است . محصول شتوی جو و گندم وشبدر است . چهار نفر رعیت دارد .

مزرعه چم حاجی مواد - بسیار مختصر است . ملك آنجا مال شخص راونجی است . خود او در آنجا زراعت می کند . محصول آنجا جو و گندم می باشد .

مزرعه چم استاد حسین - مزرعه کوچکی است . دو نفر رعیت راونجی دارد . محصول صیفی ندارد . شتوی جو و گندم است .

مزرعه چم صفر علی - قطعه زمینی است زیر نهر دولت آباد خالصه ، در تصرف رعیت قریه دولت آباد . محصول آنجا جو و گندم .

مزرعه چم یحیی آباد - قطعه ای است ملكی سادات دلجانی . رعیت آنجا دو نفر هستند که ساکن قریه دلجان می باشند . محصول صیفی ندارند . محصول شتوی جو و گندم است .

مزرعه چم حسین آباد - زارع آنجا چهار نفر از اهالی محلات می باشند محصول آنجا شتوی کاری جو و گندم و محصول صیفی آنها جوزق و کرچك است مزرعه صید آباد - ملكی سادات دلجانی است و رعیت آنجا اهالی قریه دلجان می باشند . محصول شتوی آنها جو و گندم است و محصول صیفی آنها جوزق .

مزرعه چم توکان - در حوالی نیمور خالصه واقع است . نهر از رودخانه دارد . رعیت آنجا اهالی قریه نیمور می باشند و محصول شتوی آنجا جو و گندم است و محصول صیفی آنجا جوزق و کرچك ، و مالیات آنجا ۲۷ تومان .

مزرعه چم رمضان - مزرعه مختصری است و نهر از رودخانه دارد . رعیت و مالک آنجا اهالی محلات می باشند . محصول آنجا جو و گندم و جوزق است و مالیات آنجا ۷ تومان و ه هزار .

مزرعه چم لاس آباد - ملكی سادات محلاتی است و رعیت آنجا اهالی

محلات می باشند . نهر از رود خازه دارد . محصول آنجا گندم و جو و جوزق و کرچک است . مالیات : ۱۳ تومان و ۱ هزار .

مزرعه چم محسن خان - در بالای سد نیمور خالصه واقع است . نهر از رود خانه دارد . رعیت [ آنجا ] بختیاری است . محصول گندم و جو و جوزق و کرچک . مالیات موافق تعدیل جدید : ۶ تومان .

مزرعه چم نوروز - ملکی حضرات بختیاری است . در فوق محلات واقع است . چهار خانوار رعیت بختیاری دارد . محصول جو و گندم و جوزق مالیات موافق تعدیل جدید : ۱۵ تومان و ۷ هزار و ۲۵۰ دینار

مزرعه چم میوزایی - ملکی حضرات بختیاری می باشد . کسی در آنجا منزل و مسکن ندارد . زراعت آنجا را می کنند و مسکن آنها در محلات و غیره می باشد . مالیات آنها جزو قم است . محصول آنها جو و گندم و شبدر است . [ مالیات : ] ۱۰ تومان و ۲ هزار .

مزرعه جودان - ملکی مردم بختیاری است . چند خانوار بختیاری در آنجا منزل دارند و زراعت می کنند و مسکن درستی در آنجا ندارند . وقت زرع و ضبط در آنجا می باشند و سایر اوقات در آنجا نمی باشند . محصول آنها جو و گندم و جوزق است . مالیات : ۲۱ تومان و ۵ هزار .

مزرعه چم صالحی - مزرعه بسیار مختصری است . صالح حسن آبادی مالک اوست . خود زرع می کند و منزل در قریه نیمور است . محصول جو و گندم است . مالیات موافق تعدیل جدید : ۲ تومان .

مزرعه چم آسیا خوابه - مزرعه مختصری است . قابل مسکن و منزل نمی باشد . یک نفر زارع دارد و او هم در آبادی دیگر منزل دارد . محصول آنجا جو و گندم و مالیات آنجا موافق تعدیل جدید : ۱ تومان و ۵ هزار .

مزرعه چم پل کوچک - قدری اراضی دارد . جنب پلی واقع است که مشهور است به پل کوچک ملکی علی اکبر خان خلج است . نهری از رودخانه دارد . محصول اوجو و گندم و قدری جوزق کاری اگر به او بشود . آبادی ندارد .  
[ مالیات : ] ۱۴ تومان و ه هزار .

مزرعه چم سرخه - بسیار مختصر می باشد . نهری از رودخانه دارد . قطعه زمینی در حاشیه رود خانه ، محصول جو و گندم است . مالیات موافق تعدیل جدید : ۱ تومان و ه هزار .

مزرعه چم های ملا علی - سه قطعه زمین است . که حاشیه رود خانه واقع است . نهر مختصری از رودخانه دارد . در تعدیل جدید مالیات به آنجا بسته شده است : ۸ تومان .

#### قراء حواشی رود خانه

که بعضی از سابق مالیات داشته و بعضی در تعدیل جدید مالیات بسته شده است :

قویه لویجان - آب از رودخانه بر می دارد . قریه معتبری است . هم زراعت دارد و هم باغات دارد . جمعیت زیاد دارد و رعایای اغلب مزارع کنار رود خانه در این قریه منزل و مسکن دارند . در ابتدای این دولت مالیاتی بر آنجا بسته شد ولی در تعدیل جدید مالیات او را علاوه نموده اند . محل با قابلیت و استعداد است . محصول شتوی آنجا جو و گندم است . محصول صیفی آنجا جوزق و کرچک و هندوانه و خربزه است و محصول باغات آنها چون هوای معتدل دارد هم میوه گرمسیری دارد و هم میوه ییلاقی دارد . جنگل و نوکر دیوانی ندارد . ایل بختیاری و رعیت دیگر و سادات در آنجا منزل دارند . سه قدر بیست و پنج خانوارند .

مالیات - ۱۰۰ تومان

**قریه امیرآباد** - آبادی می باشد متوسط . نهری از رود خانه دارد . مالیاتی در ابتدای دولت بر آنجا بسته شد . باغات مختصری دارد . يك دانگ آنجا وقف شاه نجف ( ع ) است . محصول شتوی آنجا جو و گندم است . محصول صیفی جوزق و کرچك و هندوانه است . رعیت آنجا بختیاری است . در کنار رود خانه واقع است . جنگل ونو کز ندارد . مالیات آنجا موافق تعدیل جدید بعد از وضع ملك وقفی شاه نجف : ۱۳ تومان و ۲۰۰ دینار .

**قریه سیاه کوه** - در نزدیکی قریه راونج واقع است . ملکی اهالی قریه راونج است و آب از رودخانه بر می دارد . چند نفر خانوار بختیاری در آنجا منزل دارند که گوسفند وحشم دارند و جزئی زراعتی هم در آنجا می نمایند . مالیات آنجا موافق تعدیل جدید : ۴ تومان .

**قریه زرقان علیا وسفلی** - ملکی جناب حاجی ملا محمد کاشی است . رعیت آنجا قدری بختیاری و قدری نراقی است . محصول آنجا جو و گندم و جوزق و کرچك است . نهر معتبری از رود خانه دارد . مالیات آنجا موافق تعدیل جدید : ۳۰ تومان .

**قریه محمدآباد** - ملکی جناب حاجی ملا محمد است . نهری از رودخانه دارد . رعیت آنجا قدری بختیاری و قدری نراقی است . محصول آنجا جو و گندم و جوزق است . در تعدیل جدید ، مالیات بر آنجا بسته شده است : ۲۰ تومان مؤرعه مزور - ملکی جناب ایضاً می باشد . رعیت آنجا ساکن قریه محمد آباد است . بختیاری می باشند . نهری از رود خانه دارد . محصول آنجا جو و گندم و جوزق و کرچك است . در تعدیل جدید مالیاتی بر آنجا بسته شده است : ۱۰ تومان .

**مزرعة خالقی** - ملكی جناب حاجی ملامحمد است . ملكی بسیار معتبر دارد . نهری بسیار خوب از رودخانه دارد . رعیت آنجا محلاتی و نراقی است محصول گندم و جو و جوزق است . مالیات موافق تعدیل جدید : ۴۰ تومان .  
**قریه چم آسیا** - يك آسیا گردان نهر آنجا آب دارد . سکنه آنجا بختیاری است . محصول آنجا جو و گندم و جوزق و هندوانه است .  
مالیات آنجا : ۲۰ تومان .

**قریه مشهور به مزرعه نو** - ملكی حسین خان مهاجر است . نهری از رودخانه دارد . نزدیک محلات است . رعیت آنجا بختیاری است . محصول آنجا جو و گندم و جوزق و کرچك و خریزه و هندوانه است . مالیات آنجا موافق تعدیل جدید : ۱۰ تومان .

**قریه افشه جرد** - در زیر قریه نخجیروان خالصه است . آب از رودخانه برمی دارد . آبادی بسیار معتبری دارد . در تعدیل جدید مالیات بر آنجا بسته شده است . محصول آنجا جو و گندم و جوزق و بهاره است . قلعه و سکنه دارند .  
[ مالیات : ] ۴۱ تومان و ۷ هزار و ۵۰۰ دینار .

**قریه حسن آباد** - واقع در فوق قریه نخجیروان است . رعیت آنجا بختیاری است . نهری از رودخانه دارد . محصول آنجا جو و گندم و جوزق و کرچك است . در تعدیل جدید مالیاتی بر آنجا بسته شده است : ۲۷ تومان و ۶ هزار .

**قریه حسین آباد** - در وسط افشه جرد و نخجیروان واقع است . آبادی مختصری دارد . سکنه آنجا مردم بختیاری است . محصول آنجا جو و گندم و جوزق و کرچك . نهر از رودخانه دارند . مالیات در تعدیل جدید بسته شده است : ۹ تومان .



چون رعایای حواشی رود خانه اغلب بختیاری است و با آن که ساکنین محلات و نیمور و راونج و نخجیر و ان می باشند مفصلاً به شرح تعداد نفوس آنها نپرداخت و هر جا قلعه و سکنه داشت ذکر قلعه آنها نموده شد. الامر العالی مطاع<sup>۱</sup>.

---

۱ . پس از این در نسخه اساس فهرستی است با عنوان « خلاصه تعداد نفوس بلده و بلوکات و ایلات دارالایمان قم که در جزو محل خود نوشته شده » در پنج صفحه ، عیناً آنچه در ذیل وصف ایلات و توابع شهر یاد شده بود بی هیچ نکته اضافی .



- ۵ -

کتابچه

اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم

نوشته

محمد تقی بیگ ارباب

در ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵







Handwritten text in a grid format, likely a ledger or account book. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is organized into approximately 10 columns and 25 rows. Each entry appears to be a short phrase or record, possibly detailing transactions or administrative matters. The handwriting is dense and fills most of the page.





Handwritten text in a grid format, likely a ledger or account book. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is organized into approximately 10 columns and 25 rows. Each entry appears to consist of a date or time period followed by a description of an event or transaction, and a numerical value. The entries are densely packed and cover the entire page.





Handwritten text in a grid format, likely a ledger or account book. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Urdu. The grid consists of approximately 10 columns and 20 rows. Each cell contains a line of text, often starting with a number or a small symbol, followed by a name or description. The text is densely packed and covers most of the page area.



Handwritten text in a grid format, likely a ledger or account book. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is organized into approximately 10 columns and 25 rows. Each cell contains a line of text, often starting with a number or a specific entry name, followed by a horizontal line and then another line of text. The entries appear to be financial or administrative in nature, with some lines containing numbers and others containing descriptive text. The overall layout is dense and systematic, characteristic of a detailed record-keeping document.













Handwritten text in a grid format, likely a ledger or account book. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Urdu. The grid consists of approximately 10 columns and 25 rows. Each cell contains a few lines of text, often starting with a number or a specific name. The text is densely packed and covers most of the page area.

Handwritten text in a cursive script, organized into approximately 15 vertical columns. The text is densely packed and appears to be a list or a series of entries, possibly names or titles, written in a historical or religious context. The script is consistent throughout the page, with some variations in ink density and line spacing. The columns are roughly parallel to each other, filling most of the page area.



















ص ۱۰۰	ص ۱۰۱	ص ۱۰۲	ص ۱۰۳
ص ۱۰۴	ص ۱۰۵	ص ۱۰۶	ص ۱۰۷
ص ۱۰۸	ص ۱۰۹	ص ۱۱۰	ص ۱۱۱
ص ۱۱۲	ص ۱۱۳	ص ۱۱۴	ص ۱۱۵
ص ۱۱۶	ص ۱۱۷	ص ۱۱۸	ص ۱۱۹
ص ۱۲۰	ص ۱۲۱	ص ۱۲۲	ص ۱۲۳
ص ۱۲۴	ص ۱۲۵	ص ۱۲۶	ص ۱۲۷
ص ۱۲۸	ص ۱۲۹	ص ۱۳۰	ص ۱۳۱
ص ۱۳۲	ص ۱۳۳	ص ۱۳۴	ص ۱۳۵
ص ۱۳۶	ص ۱۳۷	ص ۱۳۸	ص ۱۳۹
ص ۱۴۰	ص ۱۴۱	ص ۱۴۲	ص ۱۴۳
ص ۱۴۴	ص ۱۴۵	ص ۱۴۶	ص ۱۴۷
ص ۱۴۸	ص ۱۴۹	ص ۱۵۰	ص ۱۵۱
ص ۱۵۲	ص ۱۵۳	ص ۱۵۴	ص ۱۵۵
ص ۱۵۶	ص ۱۵۷	ص ۱۵۸	ص ۱۵۹
ص ۱۶۰	ص ۱۶۱	ص ۱۶۲	ص ۱۶۳
ص ۱۶۴	ص ۱۶۵	ص ۱۶۶	ص ۱۶۷
ص ۱۶۸	ص ۱۶۹	ص ۱۷۰	ص ۱۷۱
ص ۱۷۲	ص ۱۷۳	ص ۱۷۴	ص ۱۷۵
ص ۱۷۶	ص ۱۷۷	ص ۱۷۸	ص ۱۷۹
ص ۱۸۰	ص ۱۸۱	ص ۱۸۲	ص ۱۸۳
ص ۱۸۴	ص ۱۸۵	ص ۱۸۶	ص ۱۸۷
ص ۱۸۸	ص ۱۸۹	ص ۱۹۰	ص ۱۹۱
ص ۱۹۲	ص ۱۹۳	ص ۱۹۴	ص ۱۹۵
ص ۱۹۶	ص ۱۹۷	ص ۱۹۸	ص ۱۹۹
ص ۲۰۰	ص ۲۰۱	ص ۲۰۲	ص ۲۰۳







































کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام

کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام

کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام

کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام

کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام

کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام

کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام

کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام  
کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام





دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...

دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...

دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...

دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...

دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...

دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...

دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...

دکھن اہل کے لئے...  
بہت سے...  
اور...









فصل در آرزوی سلام و کرم و مهربانی و دوستی  
و محبت و در بیان خوبی و بدی و در بیان  
نیکوئی و بدی و در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

فصل در...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...

در بیان...





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

الاصحاح الاول

بسم الله

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين







Handwritten text in a grid format, likely a list or index. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is organized into approximately 10 columns and 20 rows. Each entry appears to consist of a main title or name followed by a smaller, possibly descriptive or identifying, text. The entries are densely packed and cover the majority of the page area.





Handwritten musical notation on a page with six staves. The notation consists of rhythmic symbols (vertical lines with flags) and Persian text written in a cursive script. The text is organized into columns, with some words appearing across multiple staves. The script is dense and characteristic of historical Persian manuscripts. A large, stylized flourish or signature is visible at the bottom center of the page.











...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...	...

ان عمل چندی در دارالاسلام واقع است که در این باب در این کتاب مذکور است

سید محمد علی بن... در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...

در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...





سیم در او چو سانی در هر روز این صفت آب بنام آب زلف است که در  
 دارند و در آنجا در نهایت بهداشت است و هر کس که در آنجا  
 صغیر خونی و جویات است در آنجا هر کس که با آب زلف  
 جز زنده بماند و جویات است در آنجا جویات است و جویات است  
 بیست و دو که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 قریب سیصد است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 ملک آب زلف است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 و قریب سیصد است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 عندکمان از قریب است طحونه کباب زار و کباب زار  
 جام کباب فانه شمار آنجا است در آنجا در آنجا  
 معدود نفوس از آنجا

در آنجا

از قریب و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 در وسط صوفانه فرو واقع است و جویات است که در آنجا  
 صغیر خونی و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 این از قریب و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 آب زلف است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 فانه شمار آنجا چهارده فانه نفوس آنجا

در آنجا

بسیار از قریب و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 آب زلف است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 که آب زلف است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 فرزند لایم لایم که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 این از قریب و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 لایم لایم است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 معدود نفوس از آنجا

در آنجا

از قریب و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 در وسط صوفانه فرو واقع است و جویات است که در آنجا  
 صغیر خونی و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 این از قریب و جویات است که در آنجا در آنجا در آنجا  
 آب زلف است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 فانه شمار آنجا چهارده فانه نفوس آنجا

در آنجا



در طب اذیبه و لایحه جسم است که در سینه در د

در سینه

ادکر

سینه

سینه

صدمه است و در وقت استوار از سینه در دانی حاد و بعد از  
بابت و آنرا از فراموشی است بنا بر این که در سینه است  
اینجا تار و کبر است و بسیار خوب شود و چنانکه نهد با مار یا  
و عذر آنجا و گندم است اینست که نماند از آنجا از وقت تا  
است که در وقت است و عوفانه نماند و در وقت آنجا در سینه  
مراغ و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
مقدار و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
تمام و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
سینه و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
نماند و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه

صدمه است و در وقت استوار از سینه در دانی حاد و بعد از  
بابت و آنرا از فراموشی است بنا بر این که در سینه است  
اینجا تار و کبر است و بسیار خوب شود و چنانکه نهد با مار یا  
و عذر آنجا و گندم است اینست که نماند از آنجا از وقت تا  
است که در وقت است و عوفانه نماند و در وقت آنجا در سینه  
مراغ و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
مقدار و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
تمام و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
سینه و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
نماند و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه

ادکر

کلیه خود است و در وقت استوار از سینه در دانی حاد و بعد از  
بابت و آنرا از فراموشی است بنا بر این که در سینه است  
اینجا تار و کبر است و بسیار خوب شود و چنانکه نهد با مار یا  
و عذر آنجا و گندم است اینست که نماند از آنجا از وقت تا  
است که در وقت است و عوفانه نماند و در وقت آنجا در سینه  
مراغ و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
مقدار و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
تمام و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
سینه و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
نماند و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه

ادکر

کلیه خود است و در وقت استوار از سینه در دانی حاد و بعد از  
بابت و آنرا از فراموشی است بنا بر این که در سینه است  
اینجا تار و کبر است و بسیار خوب شود و چنانکه نهد با مار یا  
و عذر آنجا و گندم است اینست که نماند از آنجا از وقت تا  
است که در وقت است و عوفانه نماند و در وقت آنجا در سینه  
مراغ و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
مقدار و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
تمام و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
سینه و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه  
نماند و در وقت سینه و در وقت سینه و در وقت سینه



Handwritten text in the top right section of the page, consisting of several lines of cursive script.

Handwritten text in the top left section of the page, consisting of several lines of cursive script.

Section header for the middle right section, written in a larger, bolder cursive hand.

Main body of handwritten text in the middle right section, continuing the cursive script.

Section header for the middle left section, written in a larger, bolder cursive hand.

Main body of handwritten text in the middle left section, continuing the cursive script.

Final line of handwritten text at the bottom right of the page.

Final line of handwritten text at the bottom left of the page.



کوه در جباله تیرش از فرقه لردی است های تا سرین  
 بزبان اهرکاشان دارند اگر چه فرق است هر دو  
 و آب آنها ز فانت است کاشن زیندگی وجود حق و دستگیر  
 خستند اما با ما کوه رند آنها رسیده است مرغ در کوه  
 رسیده و طرفی در آنند مالت آنها در فرار است  
 و در کوه با ما هم رسیده است طحونه و کاه کوه  
 خانه نشاندند کوه در کوه است خانه لردی  
 کوه

کوه  
 کوه

کوه تا سرین از فرقه لردی است در کوه با ما هم رسیده است  
 مرغ در کوه با ما هم رسیده است طحونه و کاه کوه  
 خانه نشاندند کوه در کوه است خانه لردی  
 کوه

کوه  
 کوه

کوه

کوه

کوه در کوه با ما هم رسیده است طحونه و کاه کوه  
 خانه نشاندند کوه در کوه است خانه لردی  
 کوه

کوه  
 کوه

کوه

کوه در کوه با ما هم رسیده است طحونه و کاه کوه  
 خانه نشاندند کوه در کوه است خانه لردی  
 کوه

کوه  
 کوه



در این کتاب در وصف بیایار ما که هم گشته

۱۵

۱۶

۱۷

محمد بن علی

محمد بن علی

کتاب ذکر

کتاب ذکر

سوره که در کعبه و سایر بلاد است در این کتاب که هر روز در آن  
حقاقت او را در باره الله تعالی ملاحظت کنی در میانه دینت  
در شرف منزلت و شرف بندگان خود هرگز اشتباهی نیست که چنانچه  
مشغول باشی و در آنجا نشانی از او در دست که در این کتاب است که  
الذی مشغول باشی و در آنجا نشانی از او در دست که در این کتاب است که  
ایر شده که هرگز در کتاب خود از این کتاب نشانی از او در دست

کتاب که در این کتاب در وصف بیایار ما که هم گشته  
در این کتاب که در این کتاب در وصف بیایار ما که هم گشته  
سپاس از پروردگار که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

۱۸

۱۹

محمد بن علی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

محمد بن علی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
تا روزی که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
هر روز در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

۲۰

۲۱

۲۲



مردمان را در هر دو رخ نه در پیش کار روهی طوطی است در آن  
مات که گشته شده در طوطی و قندار و دیگر دارد  
ایمانی نماند از آن که در آن است

در آن

مردمان را در هر دو رخ نه در پیش کار روهی طوطی است در آن  
مات که گشته شده در طوطی و قندار و دیگر دارد  
ایمانی نماند از آن که در آن است

در آن

مردمان را در هر دو رخ نه در پیش کار روهی طوطی است در آن  
مات که گشته شده در طوطی و قندار و دیگر دارد  
ایمانی نماند از آن که در آن است

در آن

مردمان را در هر دو رخ نه در پیش کار روهی طوطی است در آن  
مات که گشته شده در طوطی و قندار و دیگر دارد  
ایمانی نماند از آن که در آن است

در آن

مردمان را در هر دو رخ نه در پیش کار روهی طوطی است در آن  
مات که گشته شده در طوطی و قندار و دیگر دارد  
ایمانی نماند از آن که در آن است

در آن

مردمان را در هر دو رخ نه در پیش کار روهی طوطی است در آن  
مات که گشته شده در طوطی و قندار و دیگر دارد  
ایمانی نماند از آن که در آن است

در آن

مردمان را در هر دو رخ نه در پیش کار روهی طوطی است در آن  
مات که گشته شده در طوطی و قندار و دیگر دارد  
ایمانی نماند از آن که در آن است

مفسد است نه الله یا بر او







- ضمیمه ۱ -

کتابچه

حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع

دار المؤمنین کاشان

نوشته شده به سال ۱۲۹۶

( از مجموعه ناصری )



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین  
کاشان که در هذه السنه توشقان ثیل مطابق سنه ۱۲۹۶ هجری  
حسب الامر امنای دولت گردون عدت و فرمایش جناب جلالت  
مآب امیر الامراء العظام آقای اعتضاد الدوله دام اقباله العالی  
مفصلا قلمی می شود :

اولا معروض می دارد که شهر کاشان از ولایات مستحدثه اسلام است که  
در زمان خلافت هارون الرشید خلیفه عباسی به سعی و اهتمام زبیده دختر  
ابوجعفر دو انیقی که حرم هارون بود ساخته شده . از اقلیم چهارم . در میان دار  
السلطنه اصفهان و دار الایمان قم واقع است . از آنجا تا قم پانزده فرسخ و تا  
اصفهان سی فرسخ می باشد . شهری است آراسته و پیراسته چنان که در السنه  
وافواه مشهور به عروس عراق است . اگر چه به حسب طول و عرض کمتر  
از دار الایمان قم است لیکن در آبادی و جمعیت بهتر و بیشتر از قم است چنان  
که نفوس بلده و بلوکات آنجا دو برابر شهر و بلوکات قم می باشد . هوای آنجا

میل به گرمی دارد چنان که غله آنجا را در چهل روز از عید نوروز سلطانی  
حصادت می نمایند .

مضافات معتبر دارد که همه نوع اشجار و فواکه از او به عمل می آید  
خاصه انار زاغه کاشان در نهایت لطافت است . حد جنوبی کاشان دهات و مزارع  
کویر است که هوای گرم و خشک دارد به این واسطه در تابستان مردم آنجا که  
اندک ماده مستعدی دارند دماغشان پریشان می شود . به این جهت اهتمام اهالی  
آن ولایت در صرف کردن میوه های مرطوبی [ است و در آن ] اسراف می کنند  
چنان که ذخیره اهالی قم در زمستان نان خانه می باشد اهل کاشان اندوخته زمستان  
خود را انار و خربزه و هندوانه قرار می دهند ، از این جهت در حدوث گرانی  
و سختی اکثر اواسط الناس و فقراء آنجا متفرق می شوند .

به حسب ظاهر از سایر بلاد حواشی آبادتر و خوش نماتر است . یکی از  
مستحسناات آنجا سرداب است که در زیر زمین می کنند، چنان خاک سخت دارد که  
بدون صرف آجر و گچ زمانی دراز به جا می ماند .

با وجود حدت هوای کاشان در آن سرداب ها بی زحمت نمی توان زیست  
کرد . در حقیقت این موهبت بزرگی است . عقرب و پشه کاشان مشهور است  
به خصوص پشه . گویا استخوان دارد .

اکثر مردم آن ولایت با هوش و ذكاء . در صدر طلبی و عصبيت نهایت  
اهتمام را دارند . در مفاخره شهر و اهالی ولایت خود اغراق کامل دارند که یکی  
از ظرفاء قم به طریقه ظرافت گفته بود که عیب کاشان این است که یخ آنجا به  
سردی یخ قم نیست ، جمعی از عقلاء کاشان گفته بودند که بارها امتحان کرده ایم  
یخ کاشان از جمیع بلاد سرد تر است !



## [ بلده ]

بلده کاشان در قدیم الایام قلعه جاتی در کنار دریاچه ساوه بوده که آلان آثار کهنه آنها باقی است و پیش از آبادی قم مالیات آن قلعه جات جزو اصفهان بود . بعد از ساختن اعراب اشعری دار الایمان قم را در عهد خلافت هارون الرشید که قم را ولایت مستقل قرار داد . از جزو جمع اصفهان موضوع نموده قراء و قلعه جات کاشان حتی نطنز در جزو حکومت قم بوده .

بعد از ساختن زبیده شهر کاشان را اورا ولایت مستقل قرار داده ، بلوکات قدیمه او را جزو مالیات آنجا کرد و از قم موضوع شد . مالیاتی در آنجا قرار داد . به مرور ایام آبادی در تزیید بود تا در فتنه چنگیزی که هلاکو خان به ایران آمده قتل عام و خرابی کرد آن بلده به مجاورت قم ویران شد .

در ایام خانیت و عدالت غازان خان همت در آبادی آنجا گماشته و مالیاتی به اندازه از برای آنجا قرار داد . به این حالت بود تا در فتنه محمود افغان دوباره شهر و توابع کاشان و گرمسیرات خراب شد . در سلطنت وجهانگیری نادرشاه افشار ده سال از بقیة السیف افغان قلم و قدم کوتاه داشته ، همت ملوکانه در آبادی آنجا گماشت . در وقت کشته شدن نادر شاه در خراسان اللهیار خان افغان از اردوی نادری فرار کرده ، به عزم تسخیر کرمان حرکت نمود .

در حدود کاشان در سر مطالبه سورات با اهل ولایت نزاع کرده وغالب آمد ، اکثر دهات حوالی را غارت کرده و خرابی نمود که آثار خرابی او در سن سن و قاسم آباد ظاهر است .

خرابی سوم کاشان و توابع در وقت جهانگیری پادشاه شهید آقا محمدخان بود که در وقت کشور گشایی عزم تسخیر فارس نموده ، در قم و کاشان نجف خان زند از جانب خوانین زندیه حکومت داشته ، در صدد ولایت داری برآمده پادشاه شهید این دوشهر را قهرآ قسراً مفتوح نموده ، نجف خان به اصفهان گریخت ، اهل کاشان را نوید به مدد لشکر فارس و اصفهان داده ، اهل کاشان فی الجمله خود داری کردند . به حکم پادشاهی کلب علی خان خلیج اکثر دهات ییلاقی کاشان را قتل و غارت کرد .

در عهد سلطنت خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه که چهل سال اهالی ایران در مهد امن و امان آسوده بودند اهالی کاشان به قدر وسع و طاقت خود در آبادی کوشیدند . در ممیزی مرحوم میرزا آقا بابای مستوفی آشتیانی ممیزی شده این مالیات مقرر را بر آنها وارد آورد . تا آن که اکثری از طایفه غفاری که رئیس آنها مرحوم فرخ خان امین الدوله بود در سلك چاکران دربار معدلت مدار انتظام یافتند ، از تربیت امناء دولت و رأفت ملو کانه در حق آن جماعت کاشان و توابع رشک روضه رضوان شد . اکثری از ییلاقات و کویر را آباد ساختند و بعضی را تجار در صد آبادی برآمدند که مزارع جدید النسق کاشان از آنهاست و به جهت مالیات جدید النسق از دربار معدلت مدار میرزا هادی مستوفی مأمور به ممیزی شده ، در بین عمل به موت فجأه در گذشت و این عمل به همان مالیات قدیم معمول و برقرار مانده . حالت مستغلات و تعداد نفوس و قراء گرمسیر و ییلاقات و استعداد آنها در تحت دفعات قلمی خواهد شد تا واضح باشد

## [مستغلات]

مستغلات دارالمؤمنین کاشان و پشت مشهد و دهات حومه شهر بسیار بوده . آنچه از تواریخ سالفه کاشان به دست می آید دو صنف در کاشان بسیار معتبر بوده یکی شعر بافی و دیگر مسگری .

در قدیم هزار و هشت صد دستگاه شعر بافی بوده و مسگری هم به شرح ایضاً . چندی بواسطه گرانی و کساد و تصعدی حکام آن دستگاه بهم خورده ، اکثر آنها منقرض شدند تا در این دولت جاوید آیت به خصوص این سنوات حکومت جناب جلالت مآب امیر الامراء العظام آقای اعتضاد الدوله که کار گزاران ایشان در صدد تربیت و ترویج ایشان برآمده ، آنچه لازمه حمایت و مدد سرمایه بود به عمل آورده ، این دو صنف را رواجی تازه پیدا شد .

آنها هم چنان سعی در امتیاز اجناس خود نموده اند که بسیاری از پارچه های ابریشمی ایشان را تجار معتبر از پارچه فرنگ فرق نکرده اند و سایر مردم بعینه جنس فرنگ می دانند و صنف مسگر چنان در کار خود مشهور شده اند که چرخ کار ایشان مسینه آلات را از چرخ صاف و شفاف بیرون می آورند و مفضل کرده که در صفا با نقره فرقی ندارد . در این اوقات سماوری ساخته بودند

در مجلس جناب جلالت مآب آقای اعتضاد الدوله که مجلس روضه خوانی بود علماء بلد واعیان شهر حاضر بودند چند نفر از علماء که به دقت ملاحظه نمودند آن سماور را نقره خیال کردند ، به جهت حرمت صرف اوانی طلا و نقره از مجلس برخاسته رفتند ، بعد از آن که بر آنها معلوم شد که مفضض بوده نه فضه ، عذر حرکت خود را خواستند . وتفصیل مستغلات و حمام های کاشان و چند قریه که ملاصق شهر است از قراری است که در تحت دفعات نوشته می شود .

مساجد - ۷۶ باب / حمام - ۴۷ باب / دکاکین - ۱۱۵۸ باب / خانات - ۲۵ باب / شعر بافی - ۵۰۰ دستگاه

### بلده

مساجد معروفه - ۳۸ باب / حمام - ۲۲ باب / دکاکین - ۷۴۵ باب ( بازار : ۵۲۵ باب ، محلات : ۲۲۰ باب ) / خانات - ۲۸ باب ( بازار : ۱۲ باب ، سایر ۱۶ باب ) / شعر بافی : ۴۴۸ دستگاه

### حومه

مساجد - ۳۳ باب / حمام - ۲۵ باب / دکاکین - ۲۲۳ باب / دستگاه جولایی ۱۶۰ باب / شعر بافی - ۵۸ دستگاه

### قویه پشت مشهد

( جزو شهر است ، در خارج باره اتفاق افتاده جزو حومه شهر نوشته می شود : )  
مسجد - ۴ باب / حمام - ۵ باب / دکاکین - ۳۲ باب

### قویه بیدگل

( مسافت جزئی تا شهر دارد )

مساجد - ۶ باب / حمام - ۸ باب / دکاکین - ۶۰ باب

### قریه آران

مساجد - ۱۲ باب / حمام - ۸ باب / دکاکین - ۷۰ باب

### قریه نوش آباد

مسجد - ۶ باب / حمام - ۶ باب / دکاکین - ۳۴ باب

## بقاع متبر که و مساجد معروفه

### بقاع متبر که

**بقعة حضرت سلطان هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام** - در محله پنجه شاه واقع است از آن جهت به پنجه شاه معروف است که می گویند که در واقعه هایله کربلا که دست های حضرت عباس علیه السلام را از بدن جدا کردند یکی از سرکردگان لشکر دست مقطوع را بر داشته که ببرد به جهت مفاخرت به ولایت خود . بعد از ورود به حوالی کاشان اهالی آن حدود که دوستان اهل بیت رسالت بودند جمع آوری نموده به مجاهده زیاد دست را از او گرفته در آن زمین مدفون ساخته و بقعه خوبی ساخته اند که الان زیارتگاه اهل بلد است .  
والله العالم .

**بقعه جناب امام زاده حسن بن موسی بن جعفر علیه السلام** - مشهور به میونشانه . در گذر سه سوق واقع است و در جنب ضریح مقدس سردابه ای است که در آنجا چاه آبی است و آن موضع را قدمگاه جناب صاحب الامر می دانند . می گویند شخصی در آن موضع آن حضرت را در خواب دیده

که تلاوت قرآن فرموده‌اند . در شب‌های جمعه محل زیارتگاه است و نذورات خود را در آنجا می‌برند . والله العالم .

**بقعه جناب سلطان حبیب بن موسی بن جعفر علیه السلام** - که در پشت مشهد است که همواره طوافگاه اهل روزگار است گنبد و صحن و سرای عالی دارد و محل امان اهل کاشان است که در روزگار سختی بدانجا پناه می‌برند .

**بقعه جناب هلال بن علی بن ابی طالب سلام الله علیه** - در یک فرسخی شهر در میان قریه از آران و بیدگل واقع است . بارگاه و صحن و سرای عالی دارد . در ابتدای بندریگک واقع است .

**بقعه جناب سلطان امیر احمد بن موسی بن جعفر** - در طرف قبله شهر کاشان واقع است و بارگاه خیلی عالی دارد . محل قضاء حاجات و شفای امراض اهل کاشان است و زیارتگاه است .

**بقعه سلطان عطا بخش بن موسی بن جعفر** - در خارج درب اصفهان متصل به تخته پل است و همواره محل زیارات و نذورات مردم است .  
**بقعه شاهزاده جعفر بن امام زین العابدین** - در محله میدان کهنه واقع است . محل ورود زائرین می‌باشد .

**بقعه زید بن امام حسن علیه السلام** - که در گذر قبرستان در باغ است . مشهور است که بسیار وقت دیده شده که در شب‌های جمعه چراغ آنجا خود به خود روشن می‌شود . در آن جنب بقعه می‌گویند سه نفر همشیره آن جناب در آنجا مدفونند .

**بقعه ضیاءالدین بن امام زین العابدین** - که بارگاه رفیع دارد و پایگاه منبع در قرب دروازه عطا واقع است .

بقعه طاهر و منصور و لسان موسی بن جعفر علیهما السلام - که پهلوی  
همدیگر مدفونند . درب ملک آباد بقعه دارند و محله به اسم ایشان مشهور شده  
است .

بقعه ملا محسن فیض صاحب تفسیر صافی - سرائی رفیع دارد . اهل  
کاشان از قبر آن مرحوم کمال احترام را دارند و مقبره محترمین کاشان در آن مکان  
می باشد . مرقد میر عبد الواسع منزوی در جنب شمالی صحن واقع است .

بقعه ابولؤلؤ ملقب به بابا شجاع الدین - در خارج درب فیض واقع  
است . صحن و سرائی عالی دارد و بار گاهی متعالی از کاشی معرق . می گویند  
در وقت کشتن خلیفه ثانی فراراً به کاشان آمده ، در آنجا شیعیان حمایت از او  
کرده بعد از فوت در آنجا مدفون شده اند .

بقعه حاجی میرزا ابوالقاسم مجتهد سرایی وسیع دارد . در قرب گذر  
سه سوق . مقابل مرقد مطهر امام زاده میر نشانه واقع است . املاک موقوفه از  
جهت روشنایی وقاری و خادم دارد . تولیت آن باجناب حاجی سید کاظم سلمه الله  
می باشد .

بقعه بابا افضل - در مقام مرتفعی واقع است در قریه مرق . نزهت گساح  
معتبری است . می گویند آن جناب از جمله ابدال و اوتاد بوده است . الان هم  
مقبره ایشان محل فیض است .

بقعه شیخان - در خارج درب عطاست . و دیگر :

بقعه مرحمت و غفران مآب حاجی سید محمد تقی پشت مشهدی  
است که در حال حیات و ممات پناه و مرجع انام بود . در جنب شمالی سلطان  
حبیب واقع است .



## مدارس و مساجد معروفه

**مدرسه سلطانی** - از بناهای خاقان خلدآشیان است که مقصوده بسیار معتبر دارد و مباشر بنای آن میرزا ابوالقاسم اصفهانی بوده که از جانب نظام الدوله حاجی محمد حسین خان اصفهانی در آن ولایت نیابت داشته . مدرسه مزبوره مشتمل است بر ایوانهای عالی و حجرات ، و صحن بسا صفا که مربع طولانی است در وسط است . نمای با صفا دارد و باغچه‌ها در اطراف آب نما ساخته شده است . چهار ایوان در چهار سمت آن ساخته‌اند و آب انبار خوبی دارد که چهل پله می‌خورد و تمام مدرسه کاشی ملون است فوقانی و تحتانی ، و اسباب حجره و کتاب و کلام الله و مسینه آلات به قدر کفافی در آن جا مهیا نموده‌اند .

**مسجد و مدرسه حاجی محمد تقی خان** مشهور به خانبانی است . به جهت امامت مرحوم حاجی ملا مهدی ملقب به حاجی آقا بزرگ ساخته . مشتمل است بر مقصوده عالی و دو گلدسته محل اذان و مناجات ، با ایوانهای چند و حجرات معتبره با مخارج طلاب مدرسه و خدام مسجد از موقوفات مقرر که همه ساله می‌رسانند .

**مسجد عمادی** - در زمان جهان شاه ، خواجه عماد الدین محمود که از وزرای او بوده وقتی که از زیارت بیت الله مراجعت کرده این مسجد را در مقابل میدان بنا نهاده است . در کمال اعتبار و امتیاز می‌باشد .

**مسجد جامع** - در محله میدان کهنه قرب زیارت پنجه شاه واقع است . مسجدی است عالی . گنبدی بزرگ متعالی دارد . کاشی الوان بسیار در آنجا به

کار رفته است . گلدسته خوبی دارد .

مسجد و مدرسه حاجی محمد حسین توك تبریزی است . در خلف

مدرسه میان چال . کاشی کاری و موقوفات بسیار دارد .

مساجد کوچک محلات بسیار است که قابل شرح نیست . ذکر آنها موجب

تطویل است .

## قنوات موقوفه

خیرات شهر کاشان که محلات و بیوتات شهر از آنها مشروب می شود .  
بعضی تمام وقف و بعضی ملکی دارد . ۹ دهنه .

\* **قنات مرحوم عبد الرزاق خان کاشی** وقف شهر است و از طرف جنوب داخل شهر می شود . این محلات مفصله از آنجا مشروب می شود : پشت مشهد / کوچه رباط / خانه های محمد حسین خانی / خانه های ورثه واقف / مدرسه سلطانی / محله ضرابی ها / محله پای قبان / محله درب زنجیر / دارالحکومه / محله پشت عمارت حکومت / محله سرسنگ / محله سی قند / کوچه در بند / کوچه گاو چشمان

\* **قنات دوم مشهور به قنات محمود آباد** - این قنات هم آبش می افتد بر روی آب قنات عبد الرزاق خان، و محلات مفصله که ذکر شد از آنجا مشروب می شود .

\* **قنات مشهور به صاحبی** - آب او در درب دروازه لتحر آفتابی می شود در حوالی دروازه اصفهان . اغلب آن ملکی است که در خارج و داخل شهر به

باغچه‌های مخصوص صرف می‌شود ، و هر گاه کسی نخواهد به خانه خود برود به طریقه اجاره می‌برند . قدری وقفی دارد که در نوبت وقف بر روی آن دو قنات افتاده ، وارد شهر می‌شود و در محلات مسطوره گردش می‌کند .

\* قنات چهارم **قنات نصر آباد** شهره است . گویند ابو نصر که یکی از بنی اعمام هارون الرشید بود جاری ساخته . آبش از دروازه فین وارد شهر می‌شود در محله سلطان امیر احمد . وقف نصفه جنوبی شهر و پشت مشهد است آسمان نگر است . در سال‌های پربارشی به قدر کفاف آب دارد ، در سال‌های خشک سالی کم آب است .

قنات پنجم **قنات مهذب آباد** مشهور به قنات معظم آباد که قدری وقف و قدری ملکی است و همه وقت فیض آن به شهر می‌رسد . در این سنوات به جهت عدم کفایت جناب حجة الاسلام به مدرسه سلطانی می‌برند .

\* قنات ششم **قنات دولت** است که در حوالی درب فین داخل شهر می‌شود و محلات مفصله را مشروب می‌سازد : محلات درب فین و مسجد آقا بزرگ / محله . . . و زیارت . . . / کوچه کبابی ها / محله پای مسجد . . .

قنات هفتم **قنات میرو باقر** است که از امراء شاه عباس بوده است . این قنات جاری ساخته ، وقف بر بیوتات شمالی کاشان نموده که محلات از آنجا مشروب می‌شود .

\* قنات هشتم و نهم آب **قنات فین** و **قنات صفی آباد** است که قدری وقف شهر است از قرار تفصیل ذیل :

از قنات فین - يك شبانه روز

از قنات صفی آباد - شش طاق و دو سرجه

## تعداد نفوس اهالی کاشان

واسامی بعضی از اشراف واعیان . بلدة کاشان از قرار خانه شماری در هذه السنة توشقان ٹیل چهارهزاروپانصد وسی و هفت خانه دارد وتعداد نفوس آنها بیست ویک هزار وشش صد ونودونه نفر است . به قدر ربع آنها علماء وسادات هستند که بعضی از آنها سمت تحصیل ودرس وبحث دارند وبرخی داخل تجاروکسبه بازار هستند .

رئیس علماء، اولاد امجاد مرحمت وغفران مآب ملامهدی نراقی اعلی الله مقامه می باشند که نخبه آن طایفه جناب مستطاب حجة الاسلام حاجی ملامحمد است با آقازادگان و اخوان و برادرزادگان و بنی اعمام، جمعی کثیر و جمعی غفیرند که اغلب آنها جالس سریر قضاوت و مروج قانون شریعت می باشند . و دیگر اولاد و سلسله مرحوم ملامحسن فیض اند صاحب کتاب تفسیر صافی وغیره که جناب میرزا احمد نایب الصدر و جناب آقا میرزا آقا بزرگ رئیس آنهاست . دیگر از طایفه مجتهدین کاشان سادات و فضلاء پشت مشهد می باشند که

نسب به آقا سید جداعلای خود که از اولاد امام همام امام زین العابدین علیه السلام [ است ] دارند که نسلا بعد نسل همه از حکام شرع مبین بوده اند و الان هم باز ماندگان ایشان به شیوه مرضیه پدران خود هستند که جناب مستطاب میرزا ابوالقاسم و آقا سید حسین و آقا سید محمد مجتهد و جناب آقا سید اسماعیل مجتهد از این سلسله جلیله هستند و سایرین آنها به قدریک صد نفر می باشند .

و دیگر از علماء اعلام اولاد مرحمت مآب میرزا ابوالقاسم است که در عصر خود فرید دهر بوده ، جناب میرزا محمود و جناب میرزا ابوالقاسم امام جماعت مسجد جامع از آنهاست و این سلسله قریب به یک صد نفر سادات می باشند .

و دیگر از طبقات مشایخ کاشان که امامت جماعت دارند جناب آقا میرزا نصرالله امام جمعه است که از زمان امامت جداعلای خود که شیخ منصور بوده امامت مسجد عمادی را داشته و دارند . بعضی از این طایفه درسک فضلاء و بعضی در سلک ارباب صنایع می باشند . و دیگر از علماء کاشان طایفه سادات نطنزی است که جناب آقا میرزا محمد و حاجی ملاحسن که از جمله عرفاء هستند [ از آنها می باشند ] . اگر بنا شود هر یک از سادات و علماء نوشته شود کتاب انساب سمعانی خواهد شد .

و از اعیان کاشان سلسله غفاری است که نسب آنها به ابوذر غفاری می رسد اکثر آنها چاکران دربار معونات مدار شاهنشاهی می باشند که از اولاد مرحوم فرخ خان امین الدوله هستند .

و دیگر خود جناب میرزا محمد خان امین خلوت و سایر خوانین این طایفه هستند . دیگر طایفه میرزا تقی لسان الملک که از نتایج میرزا محمد رضای عضدالدوله اصفهانی می باشند که از چاکران دربار شاهنشاهی است . و دیگر از اعیان کاشان طایفه محمد حسین خانی است که اصل آنها از طایفه بنی شیبان

می‌باشند در کاشان اقامت گزیده ، در قدیم اجداد ایشان مصدر خدمات بزرگ دیوانی بوده‌اند و الان بعضی از آنها در کاشان معزز و محترم و بعضی در دارالخلافة از چاکر اند. و طایفه دیگر اولاد عبدالرزاق خان است که مرحوم میرزا محمد علی خان که در عهد خاقان خلد آشیان وزیر دارالخلافة بود قنات خیرات او در طهران مشهور است . و از جمله نجبای کاشان طایفه مشهور به وزیری هستند که از اولاد آقا محمد و زبیرند که مصدر خدمات دیوانی بوده و الان میرزا محمد و میرزا فضل الله خان که در سلک چاکران حضرت والا امیر کبیر آقای نایب السلطنه می‌باشند .

طایفه دیگر از بزرگان کاشان طایفه ضرابی‌ها هستند که مرحوم میرزا فتح‌ملی خان ملک الشعراء از آنهاست و الان میرزا عبدالرحیم منشی متخلص به سهیل است ، در قید حیات است و در کاشان مشهور به وکیل الرعایایی هستند .





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم خاتم النبيين  
مؤتمرون بهم ولو كان  
بينهم وبين ربهم  
أرضاء

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

Handwritten text in Urdu script, organized into approximately 12 horizontal lines. The text is written in a cursive style and appears to be a list or a series of entries. Some lines contain multiple entries separated by horizontal lines. The text is somewhat faded and difficult to read in detail, but it seems to contain names and possibly dates or descriptions. The overall appearance is that of a handwritten document or ledger.

Handwritten musical notation on a page with 14 staves. The notation is written in a cursive style, likely representing a musical score. The page is oriented vertically, with the staves running from top to bottom. The handwriting is dense and fills most of the page, with some larger, more prominent notes and symbols. The paper appears aged and slightly textured.

Handwritten musical notation on a page with ten staves. The notation is written in a cursive style, likely representing a musical score. The page is oriented vertically and shows signs of age and wear.

Handwritten musical notation on a page with ten systems of staves. Each system consists of two staves joined by a brace on the left. The notation is in Arabic script, likely representing a form of musical notation such as *Alf Lavan*. The text is arranged in two columns, with the right column being the primary notation and the left column containing smaller, possibly explanatory or auxiliary text. The handwriting is cursive and characteristic of the Ottoman or Persian manuscript tradition. The page is aged and shows some wear and discoloration.

Handwritten musical notation on a page with ten staves. The notation is written in a cursive style, likely representing a form of musical notation such as tablature or a specific dialect of musical notation. The text is arranged in two columns, with the right column containing the primary notation and the left column containing smaller, possibly supplementary or explanatory text. The notation consists of horizontal lines with various symbols, including what appear to be letters and numbers, placed above and below the lines. The overall appearance is that of a manuscript page from an older text.

Handwritten text at the bottom left of the page, possibly a signature or a reference mark.

1870		1871	
Jan 1	100	Jan 1	100
Feb 1	100	Feb 1	100
Mar 1	100	Mar 1	100
Apr 1	100	Apr 1	100
May 1	100	May 1	100
Jun 1	100	Jun 1	100
Jul 1	100	Jul 1	100
Aug 1	100	Aug 1	100
Sep 1	100	Sep 1	100
Oct 1	100	Oct 1	100
Nov 1	100	Nov 1	100
Dec 1	100	Dec 1	100
Jan 1	100	Jan 1	100
Feb 1	100	Feb 1	100
Mar 1	100	Mar 1	100
Apr 1	100	Apr 1	100
May 1	100	May 1	100
Jun 1	100	Jun 1	100
Jul 1	100	Jul 1	100
Aug 1	100	Aug 1	100
Sep 1	100	Sep 1	100
Oct 1	100	Oct 1	100
Nov 1	100	Nov 1	100
Dec 1	100	Dec 1	100
Jan 1	100	Jan 1	100
Feb 1	100	Feb 1	100
Mar 1	100	Mar 1	100
Apr 1	100	Apr 1	100
May 1	100	May 1	100
Jun 1	100	Jun 1	100
Jul 1	100	Jul 1	100
Aug 1	100	Aug 1	100
Sep 1	100	Sep 1	100
Oct 1	100	Oct 1	100
Nov 1	100	Nov 1	100
Dec 1	100	Dec 1	100

## معادن کاشان

**معادن زاج سفید** - در حدود قریه ابوزید آباد است . ملکی ورثه مرحوم امین الدوله و ورثه مرحوم آقا سید مهدی پشت مشهدی . رعایای آنجا اجاره کرده به عمل می آورند . خاکی است سفید رنگ ، حمل کرده به کاشان و سایر بلاد می برند . در عمل صباغی و ارسی دوزی به کار می رود .

**معادن لاجورد** - در حدود قریه قمصر . ملکی سادات لاجوردی است . مشهور است که جد اعلا سادات در دامنه آن کوه گذشته ، از همت سیادت خواسته که ای کاش این کوه طلا می شد ، فی الفور از کرم بی انتهای خداوندی آن کوه طلا شده . سید تنگ سینه چون دید گفت کاش کور شود چشمی که چیز کم از خداوند کریم خواسته ( چون کوه در جنب کرم خداوندی کاهی بسود ) . چشم سید کور شد ! بعد از کوری گفت ای کوه ! کاش بسوزی که چشم من به واسطه تو کور شد ، همان ساعت کوه آتش گرفته سوخت و سنگ او حالت لاجورد پیدا کرد . اولاد آن سید تصرف در آن کوه دارند و به سادات لاجوردی



مشهورند . اول سنگ را از کوه کنده صلابه نمایند و آن سنگ صلابه کرده را در ظرف پر آبی کرده ، خرخره کرده ، سنگ ته نشیند و لاجورد مخلوط به آب شود. آب را ساعتی در ظرف دیگر کنند، لاجورد ته نشیند و آب صاف شود . آب را ریخته لاجورد را گلوله کنند و به ولایات برده بفروشند. به کار نقاشان می خورد و ظروف را از او نقاشی می کنند .

**معدن الماس ناقص** - در بین قریه قمصر و قریه قهرود است . در میان چند کوه بزرگ بیرون می آید . اصل آن از تپه خاکی است مانند ریواس می روید شاخه شاخه به قدر بند انگشت . چهار ترک دارد و هشت ترک . به اصفهان می برند از قرار شش هزار می فروشند . اسباب یراق اسب است و بسیار از سر قلیانها را مطلق کرده از او به کار می برند . شفاف و براق است . در ظاهر الماس نماست . به کار شیشه بریدن می خورد . خطی به شیشه می کشد .

**معدن سنگ هومو** - بلا مالک در میان بیابان جوشقان و فرح آباد امین الدوله واقع است . سنگ های يك ذرع طول و عرض در آنجا یافت می شود که سفید و صاف است .

## بلوکات و توابع

### قویه لتحر

در طرف اعلاى شهر واقع است از طرفى كه به قمصر مى رود . آب آن از كوهسار رود خانه قمصر است كه از سه كوه بزرگ دامنه دار مى آيد . آبهاى كوهسار كه جمع مى شود وارد رودخانه مى شود ، در آنجا تقسيم شده نصف رود خانه حقايق قمصر است نصف مال قريه لتحر است . در جلو آن سلطان [ جلال ] الدين خوارزمشاهى درمیان دره كوه بندى ساخته است كه ته بند چهل و پنج ذرع عرض دره مى باشد و هر چه بالا مى آيد وسيع تر مى شود تا آن كه بالای بند به هفتاد ذرع مى رسد . در زمستان و بهار آبها در پشت بند جمع شده ، در وقت حاجت سوراخ ها داشته كه يك يك را باز نموده به قدر كفاف مى آورده اند . به مرور دهور آن سد خراب شده بود و محل انبار آب به كلى از میان رفته بود . در سالهاى پربارشى به قدر كفاف آب از چشمه سار مى آمد ، در سالهاى كم بارشى مزارع و دهات لتحر خشك مى شد كه از عهده ماليات ديوانى بر

نمی آمدند . مالکین لتحریره قدر پنج هزار تومان خرج کرده ، به قدر ده ذرع سد را بالا آورده اند . قدری از برای آنها وسعت پیدا شده است و به قدر پانزده ذرع آن باقی است که بی مدد دیوان ساخته نمی شود . هر گاه مرحمتی شود مالیات لتحرر دو برابر می شود . در بین راه مرور آب هفت طاحونه ساخته اند که از آن آب دایر است و مدار گردش آب آنها چهارده شبانه روز است که هر شبانه روزی يك صد و پنجاه سرجه قسمت می شود که جمع آن دو هزار و يك صد سرجه باشد و هرده سرجه را يك طاق نامیده اند که هر ساعتی شش سرجه می شود الا خمس ، و هر دو ساعت ربع کم را يك طاق قرار داده اند که کل آب آنجا دو یست و ده طاق می شود . خالصه و اربابی دارد .

خالصه دیوانی - ۹ طاق

اربابی - ۲۰۱ طاق

حاصل آنجا ازشتوی گندم و جو و باقلا ، صیفی خربزه و هندوانه وخیار و بادنجان . باغات آنجا از میوه های بهاره همه نوع دارد . سبزی آلات خوب می شود . به واسطه قرب به شهر خوب به فروش می رود .

مالیات دیوانی - نقد: هزار و پانصد و چهارده تومان و ۳ هزار و ۲۰۰ دینار

جنس : حبه ۱۲۰ خروار و ۱۰ من ، گاه يك خروار و ۳۰ من

نفوس - ۴۵ خانه - ۱۸۵ نفر ( ذکور: ۶۲ نفر ، اناث : ۷۱ نفر ، اطفال:

۵۲ نفر )

### مزرعه صفی آباد

از مزارع حومه شهر . اراضی آنجا کم وسعت و رشوه خوار است . هر زمینی را سالی دوبار زراعت می کنند و هر دفعه شخم زده خاشاک می ریزند آب

آن از رودخانه قهرود است . شاه صفی صفوی در آنجا بندی بسته است که دهنه آن سی و شش ذرع و ارتفاع آن بیست و یک ذرع است . در زمستان و بهار آب در آنجا جمع شده در وقت حاجت به قدر کفاف می آید . حاصل آنجا گندم و جو و باقلا و خربزه و خیار و تنباکو و سایر سبزی آلات خوب دارد .

مالیات - ۲۱۴۲ تومان و ۳ هزار و ۳۴۵ دینار

نفوس - جزو سکنه پشت مشهد نوشته شده

### مزرعه درب فین

از مزارع حومه شهر . آب اواز چشمه سلیمانی فین از جمله شصت و هشت طاق که سهمی این مزرعه و مزرعه ناجی آباد است . اراضی آنجا رشوه خوار و کم وسعت است که سالی دو بار کشته می شود . حاصل گندم و جو و باقلا ، صیفی اغلب پنبه و تنباکو و ترباک است . خربزه و هندوانه و خیار دارند .

مالیات - نقد : ۵۶۴ تومان و ۲ هزار و ۷۵۷ دینار ، جنس : حبه ۸۵ خروار

کاه ۶۰ خروار و ۷۰ من

نفوس - جزو سکنه شهر کاشان است

### مزرعه حسن آباد

مشروب از شصت طاق آب چشمه فین علیا . اراضی آن رشوه خوار که سالی دو حاصل بر می دارند . محصولات گندم و جو و باقلا و لوبیا و کرچک و تنباکو دارد . جوزق و هندوانه در آنجا خوب می شود . آبادی آنجا از جمیع ملزومات دارد از خانه و حمام و مسجد و باغات .

مالیات - نقد : ۱۳۰۱ تومان و ۶ هزار و ۶۴۰ دینار ، جنس : حبه ۱۸۶

خروار ۹۵ و من / کاه ۱۶۵ خروار

نفوس - ۶۵ خانه - ۲۹۶ نفر ( ذکور : ۸۲ نفر ، اناث : ۹۱ نفر ، اطفال  
۱۲۳ نفر )

### مزرعه آب شاه

درحوالی خیابان درب دروازه دولت . محل زراعت مشهور به چهارباغ  
مشروب از آب يك رشته قنات خود درممرنهر آن باغی باروح و صفا و بزرگ  
ساخته شده مشتمل برعمارات عالیه ، وحوضخانه وسیع دارد . ملکی حاجی  
آقا محمد تاجراست درحوالی برج و باره شهر . کشت می شود مثل حسن آباد .

مالیات - ۶۱۴ تومان

نفوس - از سکنه شهر کاشان می باشند

### مزرعه ناجی آباد

مشروب از آب سهمی فین علیا که به جهت درب فین می آید . اراضی  
رشوه خوار دارد . حاصل گندم و جو و باقلا و جوزق و کرچک و هندوانه  
و خربز و خیار و تنباکو دارد .

مالیات - نقد : ۳۱۵ تومان و ۱ هزار و ۵۲۵ دینار ، جنس : جبه ۱۸۶ خروار

و ۳۴ من / کاه ۶۸ خروار و ۸۵ من

نفوس - از سکنه شهر کاشان می باشند

### مزرعه فیض آباد ( حکیم شهره )

مشروب از آب قنات خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم و جو  
و باقلا و جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه و غیره دارد .

مالیات - ۱۶ تومان و ۶ هزار و ۷۱۰ دینار  
نفوس - از سکنه شهر کاشان رعیت دارد

### مزرعه زیدی

مشروب قنات خود . اراضی رشوه خوار دارد . در حومه شهر واقع است  
حاصل گندم و جو و باقلا و صیفی خربزه و هندوانه و تنباکو و جوزق و کرچک است  
مالیات - ۱۹۲ تومان و ۷ هزار و ۳۳۶ دینار  
نفوس - از سکنه پشت مشهد می باشند

### مزرعه جمال آباد

مشروب از يك رشته قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد .  
حاصل گندم و جو است . صیفی خربزه و هندوانه و خیار است . جوزق و کرچک  
خوب دارد .  
مالیات - ۱۵۹ تومان و ۹ هزار و ۵۴۰ دینار  
نفوس - اهالی پشت مشهد می باشند

### مزرعه صالح آباد

مشروب از يك رشته قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد .  
حاصل گندم و جو و باقلا ، صیفی جوزق و کرچک و تنباکو و خیار . کرم ابریشم  
و درخت توت در آنجا دارد و خوب به عمل می آید .  
مالیات - ۴۹۸ تومان و ۸۱۰ دینار  
نفوس - از سکنه پشت مشهد می باشند

## مزرعه عیسی آباد

مشروب از يك رشته قنات خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم و جو است . صیفی جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه خوب دارد .

مالیات - ۲۶۶ تومان و ۶ هزار ۲۶۶ دینار

نفوس - از سکنه پشت مشهد می باشند

## مزرعه مرادآباد

مشروب از آب قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم و جو و باقلاست . صیفی جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه می باشد .

مالیات - نقد : ۱۴۴ تومان و ۷ هزار ۲۶۰ دینار ، جنس : حبه ۲۰ خروار

و ۴۰ من / کاه ۱۸ خروار

نفوس -- از سکنه پشت مشهد می باشند

## مزرعه یحیی آباد

از مزارع حومه شهر . مشروب از قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم و جو و باقلا دارد . صیفی جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه دارد .

مالیات -- ۱۳۳ تومان و ۴ هزار ۶۰ دینار

نفوس -- از سکنه پشت مشهد می باشند

## مزرعه محمدآباد

مشروب از آب قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل آنجا گندم وجو و باقلا . صیفی کاری جوزق و کرچک و تنباکو و خربزه و هندوانه وخیار دارند .

مالیات -- ۳۰ تومان

نفوس -- سکنه پشت مشهد می باشند

## مزرعه غیاث آباد

مشروب از آب قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار . حاصل آنجا گندم وجو و باقلاست و صیفی خربزه و هندوانه و جوزق و کرچک .

مالیات -- ۲۲۰ تومان و ۳ هزار و ۳۶۳ دینار

نفوس -- از سکنه پشت مشهد است

## مزرعه ملا حبیب

مشروب از آب قنات مخصوص خود . اراضی رشوه خوار . حاصل آنجا مثل سایر مزارع است .

مالیات -- ۱۶۲ تومان و ۳ هزار و ۳۹۹ دینار

نفوس -- از سکنه پشت مشهد می باشند

## قریه فین

دوقریه می باشد که از چشمه فین مشروب می شود و این چشمه و قریه از



مشاهیر قراء است . در حقیقت اگر فین در کاشان نبود محل نزهتگاهی در آنجا نبود . فین در کاشان نظیر سغد سمرقند و غوطه دمشق است . و آن واقع در دامنه کوهی يك فرسخی کاشان مشهور به کوه دندان هفت کتل . در بنای عمارات و چشمه آنجا خلاف کرده اند بعضی اورا قنات می دانند ، بعضی چشمه دانسته اند اگر چه چند پشته از آن کنده اند معلوم نیست قنات باشد . به قدر ده سنگ مساحی آب دارد . در جلو آن عمارات عالیه ساخته اند که مستغنی از توصیف است . اگر شرح عمارات و باغات آنجا مفصلاً داده شود اسباب تطویل می شود . مختصراً در آنجا دو آب نماست یکی از برای مردان و یکی از برای زنان . سلاطین صفویه در آنجا عمارات دلگشا و باغات با صفا ساخته اند و در کنار باغ آنجا خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه فاجار عمارتی سلطانی بنا کرده است که خیلی تعریف دارد و از برای مخارج تعمیرات او خرجی از مالیات کاشان مقرر داشته که به قدر کفاف تعمیرات آنجا نیست و روی به انهدام آورده است . اگر چه در سنه ماضیه جناب جلالت مآب آقای **اعتضاد الدوله** در تعمیرات آنجا سعی بلیغ فرمودند و علاوه بر مخارج مقرر از خود در آنجا مبلغی خرج کردند لیکن تماماً تعمیر نشده .

در اصل بنا و جریان این چشمه [ را ] از بناهای گشتاسب می دانند که در وقت سفر رزم با ارجاسب خاقان چین همت بر آبادی آنجا گماشته . از این قرار دخلی به توابع کاشان ندارد به جهت آن که کاشان در خلافت هارون الرشید احداث شده و فین قدیم بوده است . و از آن دو قریه است فین علیا و فین سفلی ، و عمارات سلطانی در فین علیا واقع است و فین سفلی عمارات و آبادی بزرگ معظم دارد و از آن آب احداث گشته ، و علاوه از آن دو قریه بر لنجر و حسن آباد و ناجی آباد که از مزارع حومه شهر ندمی رود و از حوضخانه ها که بیرون می رود

دونهر می شود یکی از پشت دیوار باغ شاه گذشته ، وارد باغ و آسیای کلانتر می شود و از آنجا به باغات طواحين جنوبی تقسیم می شود و نهر دیگر دارد که از حوضخانه که بیرون می آید که حوضخانه زنانه است به شتر گلوی باغ شاه گردش کرده ، داخل آسیای خونی می شود و از آنجا گذشته ، به فاصله کمی آن دونهر به هم متصل می گردد و از باغات و عمارات عبور کرده تا موضع مقسم به ده جوب و نیم منقسم می شود و آبی در آنجا به قدر نیم جوب از چشمه دنبلی بیرون می آید که زیاده برده جوی منقسم می شود. و این قسمت از قدیم الایام برقرار بوده و به قراء و مزارع تقسیم می شود . و این آب نصف خالصه دیوانی و نصف اربابی است . و نصاب قسمت آن را سیصد و هشت طاق قرار داده اند هر طاقی يك روز و هر روزی هفتاد و پنج سرجه می گویند ( سرجه جامی است که ته او سوراخ کوچکی دارد که آب را به او پیمایش می کنند و هر شش سرجه يك ساعت نجومی می شود ) . از این قرار است :

### ۳۰۸ طاق

فین علیا - ۳۵ طاق / فین سفلی ۹۸ طاق / حسن آباد - ۶۰ طاق / مزرعه درب فین - ۶۷ طاق / وقف شهر - ۸ طاق / مزرعه لتحر - ۴۰ طاق  
 و تقریباً از این آب و ملک ده هزار نفس از مالک و رعیت و مستأجر گذران می کنند . حاصل آنجا از باغات همه نوع درختی خوب و برومند می شود و غالب اشجار انار زاغه و شاه پسند و شیرین پروانه و پوست نازک دارد . انگور عکسری بی دانه و صاحبی و شیرازی خوب دارد . آلوچه و قیسی و زردآلو و هلو و شلیل زرد و سرخ و شفتالو و گلابی و آلوبالو و انجیر بی دانه و انواع توت خوراکی دارد . حاصل زمینی گندم و جو و جوزق و کرچک و سایر حبوبات دارد .

مالیات - نقد : ۳۲۵۴ تومان و ۱ هزار و ۷۵۴ دینار ، جنس : جبه ۳۹۵ خروار و ۳۰ من / کاه ۱۷۵ خروار و ۸۰ من  
 [ فین علیا - نقد : ۹۷۹ تومان و ۴ هزار ، جنس : جبه ۹۲ خروار و ۳۰ من / کاه ۸۱ خروار و ۷۲ من  
 فین سفلی - ۲۲۷۴ تومان و ۷ هزار و ۷۵۴ دینار ، جنس : جبه ۳۰۳ خروار کاه ۹۳ خروار و ۳۰ من ]<sup>۱)</sup>  
 نفوس - ۲۱۴ خانه - ۲۱۷۵ نفر ( ذکور : ۵۴۰ نفر ، اناث : ۵۸۸ نفر ، اطفال : ۱۰۴۷ نفر )

### قریة راوند

از پنج رشته قنات دایر است که یکی از آنها چشمه بوده و محل ظهور آن آبها مزرعه نابر بزرگ است، اگر چه الحال چند چاه برای آن خو کرده اند. آبش روشن و با صفاست بعینها آب چشمه فین در طعم و مزه . در سالهای کم بارشی کسرو نقصان ندارد . راوند از بناهای راوند ضحاک است و عمده آب او از چشمه نابر بزرگ است که هشت فرسنگ از میانه دره عبور کرده ، وارد جلگه می شود. ده حجر طاحونه که در ممر آب ساخته اند گردش کرده، به ترتیب که در معبر نهر است . در کنار هر طاحونه باغ و اشجار است . چون وارد دشت راوند می شود هر کس مطابق سهم سرجه پیمایی سهم خود را به جهت زراعت می برند . باغات آنجا زیاد است . جزو عمده اشجار آنجا انار است و درخت توت ابریشم . حاصل زمینی گندم و جو و خربزه و هندوانه و جوزق و کرچک و تنباکو . بعضی سالها در آنجا سن خواری می شود . کم گندم می کارند .

مالیات - ۱۲۳۷ تومان و ۷ هزار و ۲۱۷ دینار

۱ . در مورد کاه ۶ من اختلاف حساب میان دو رقم سیاقی مالیات دو قریة فین علیا و سفلی با جمع بالا وجود دارد .

نفوس - ۹۷۵ نفر (ذکور: ۲۶۳ نفر، اناث: ۲۸۲ نفر، اطفال ۴۳۰ نفر)

### قریه طاهر آباد

که کاشی‌ها طهر آباد می‌نامند . مشروب از يك رشته قنات مخصوص خود . آبادی بزرگ پر رعیت دارد . باغات و عمارات باروح وصفا دارد . چهارطاحونه به ترتیب در آنجا گردش می‌کند . اغلب میوه انار و انجیر است . چون هوای گرمسیر دارد اشجار بیلاقی خوب ندارد . اراضی رشوه خوار دارد . مزرعه نیق که از مزارع مشهور است جزو آنجاست . حاصل زمینی گندم وجو و باقلا و جوزق و کرچک و تنباکو و خربزه و هندوانه دارد .

مالیات - ۹۷۴ تومان و ۹ هزار و ۶۱۴ دینار

نفوس - ۲۱۴ خانه - ۱۱۲۸ نفر (ذکور: ۲۹۳ نفر ، اناث: ۳۲۸ نفر ،

اطفال : ۵۰۷ نفر )

### قریه خزاق

مشروب از دورشته قنات که یکی از آنها مشهور به قنات شب قول است یعنی شبکور، هر کس سه نوبت از آن بیاشامد شبکور می‌شود . در ظاهر باصفا و در باطن مزه روغن چراغ دارد . مهوع است . تا يك روز طعم آن در دهان می‌ماند و هرگز فراموش نمی‌شود . قنات دیگر او آب شیرین دارد . چسبون مخلوط به یکدیگر شود هر دو ضایع شود . آب خوراکی آنها از قریه خلف آباد است . و این قریه قریب به دو کوه است در دو سمت جنوب و شمال . و این دو چشمه از پایان کوه جاری است . به قدر يك سنگ آسیا آب دارد .

بانی او سیدی از قبیله خزائل ساخته است<sup>(۱)</sup>. اراضی ریگ بوم دارد درغایت رشوه خواری. حاصل اغلب جو وقلیلی گندم وجوزق وکرچک وسایر میوه هاست.

مالیات - ۸۴۸ تومان و ۵ هزار و ۳۲۵ دینار

نفوس - ۹۵ خانه - ۱۱۲۸ نفر ( ذکور : ۲۲۲ نفر ، اناث : ۲۳۵ نفر ، ۳۶۴ نفر )<sup>(۲)</sup>

### قریه یزدل

از قراء گرمسیر است . مشروب از سه رشته قنات مخصوص خود . از دهات معتبر آباد است . اراضی رشوه خوار دارد . حاصل گندم وجو وکرچک وخرزبه وهندوانه وتنباکو دارد .

مالیات - ۲۹۳ تومان و ۵ هزار و ۳۲۰ دینار

نفوس - ۲۴۴ خانه - ۱۱۲۸ نفر ( ذکور : ۳۱۰ نفر ، اناث : ۴۰۸ نفر ، اطفال : ۴۱۰ نفر )

### قریه مشکان

از قراء بسیار گرمسیر است . عقرب های بزرگ سیاه دارد . مشروب از چهار رشته قنات . حاصل گندم وجو وکرچک وتنباکوی خوب دارد .

مالیات - ۳۰۸ تومان و ۳۴ دینار

۱ . کذا .

۲ . کذا ، مجموع این سه رقم ۸۲۱ می شود پس رقم ۱۱۲۸ درجمع بالا سهوالقلم است وتکرار رقم نفوس قریه پیشین به خطا .

نفوس - ۴۵ خانه - ۲۶۷ نفر ( ذکور : ۶۷ نفر ، اناث : ۸۸ نفر ، اطفال :

۱۱۲ نفر )

### قریه ساروق

از دهات گرمسیر است در نهایت گرمی . مشروب از يك رشته قنات . حاصل آنجا گندم و جو و جوزق و کرچک و تنباکوست . در این قریه تخم تنباکو می کارند و به سایر دهات برده می کارند بهتر از دهات دیگر می شود و خوب به فروش می رود و حاصل تخم تنباکودر هر شهری اسمی دارد ، در کاشان چقر می گویند و در قم نشاء گویند و در کمره و گلپایگان تولک می نامند .

مالیات - نقد : ۳۶۵ تومان و ۴ هزار و ۷۵۰ دینار ، جنس : حبه ۲۵ خروار

و ۳۸ من / کاه ۲۰ خروار و ۴۰ من

نفوس - ۳۵ خانه - ۱۵۸ نفر

توابع آنجا - مزرعه دنباله / مزرعه ملک آباد / مزرعه عبدالله آباد

### قریه نصرآباد خربزه

چون مزارع نصرآباد در حدود کاشان بسیار است لهذا این را نصرآباد خربزه نامیده اند . از يك رشته قنات خالصه دایر است . هوای آنجا گرمسیر است . حاصل آنجا گندم و جو و صیفی اغلب خربزه و هندوانه و جوزق و کرچک خربزه کاری را در آنجا بسیار خوب می کنند که همه بلاد حول و حوش می برند خربزه تخم قند آنجا مشهور و معروف است . خیلی تعریف دارد .

مالیات - نقد : ۹۳۲ تومان و ۳ هزار و ۷۸۲ دینار ، جنس : حبه ۱۴ خروار

و ۱۵ من / کاه ۱۰ خروار

نفوس - ۱۲۰ خانه - ۵۹۲ نفر ( ذکور : ۱۳۵ نفر ، اناث : ۱۵۸ نفر ،  
اطفال : ۲۹۹ نفر )

## مزارع کبیر

چون مزارع مختصری است به شرح فرداً فرد اوپرداخت . همه گرمسیر  
است . حاصل جو و گندم و جوزق و کرچک دارد . خربزه کاری و تنباکو کاری  
دارند . بعضی قدیم النسق است که مالیات قدیم دارد و بعضی جدید النسق  
که در این دولت جاوید آیت آباد شده و مالیات بر آنها وارد آورده اند . مالیات  
آنها نموده می شود تا استعداد هر يك از قرینه مالیات معلوم شود که چه قدر  
بذر و برداشت دارد :

## قدیم النسق

مزرعة حاجی آباد - ۴۸ تومان و ۴ هزار و ۸۵۴ دینار  
مزرعة شهاب آباد - ۱۶۴ تومان و ۵ هزار و ۶۱۴ دینار  
مزرعة محمد آباد - ۶۰ تومان و ۵ هزار و ۳۱۵ دینار  
مزرعة سلیم آباد - ۶۰ تومان و ۵ هزار و ۱۵۵ دینار  
مزرعة ابراهیم آباد - ۴ تومان و ۳۹۰ دینار  
مزرعة بطرید آباد بیزدل - ۳۴ تومان و ۵ هزار و ۷۵۹ دینار  
مزرعة جعفر آباد بزرگ - ۳۵ تومان و ۶ هزار و ۷۳۷ دینار  
مزرعة جیلان - ۴۰ تومان و ۵ هزار  
مزرعة دولت آباد حاجی اشرف - ۶ تومان و ۲ هزار و ۳۳۰ دینار  
مزرعة دولت آباد حاجی ابوالحسن - ۱۰۰ تومان و ۹ هزار و ۶۲۵ دینار

مزرعه محمودآباد - ۱۸ تومان و ۸ هزار و ۵۶ دینار  
 مزرعه نیق - ۶ تومان و ۲ هزار و ۱۹۴ دینار  
 مزرعه رضاآباد - نقد : ۱۰ تومان ، جنس : حبه ۳ خروار / کاه ۳ خروار  
 مزرعه حسکویه - ۱۰ تومان و ۹ هزار و ۲۳۷ دینار  
 مزرعه دانه جرد - ۷۶ تومان و ۷ هزار و ۷۲۶ دینار  
 مزرعه قوامآباد - ۱۲ تومان و ۲ هزار و ۹۹۴ دینار  
 مزرعه کهکهنویه <sup>(۱)</sup> - ۶۴ تومان و ۶ هزار و ۲۴۵ دینار  
 مزرعه صاحبآباد - ۲۰ تومان و ۱ هزار و ۹۵۲ دینار  
 مزرعه یحیی آباد بزرگ - ۲۰ تومان و ۵۷ هزار  
 مزرعه یحیی آباد کوچک - ۸ تومان و ۷۸۰ دینار  
 مزرعه چاله - ۲۴ تومان و ۲ هزار و ۳۴۲ دینار  
 مزرعه ظهیرآباد - ۱۰ تومان و ۶ هزار و ۶۳۵ دینار  
 مزرعه بطریدآباد آب شیرین - ۲۱۴ تومان و ۶ هزار و ۵۴۰ دینار  
 مزرعه سن سن - ۲۲۷ تومان و ۳ هزار و ۲۲۰ دینار  
 مزرعه سعدآباد کبیر - ۷۲ تومان و ۳ هزار و ۱۲۴ دینار  
 مزرعه چیم <sup>(۲)</sup> - ۱۴ تومان و ۱ هزار و ۲۰۰ دینار  
 مزرعه شمس آباد بزرگ - ۸۴ تومان و ۶ هزار و ۱۹۶ دینار  
 مزرعه شمس آباد کوچک - ۲۰ تومان و ۱ هزار و ۹۵۲ دینار  
 مزرعه خوابق - ۴۰ تومان و ۲ هزار و ۷۰۰ دینار  
 مزرعه کدیش محمدآباد - ۴ تومان و ۸ هزار و ۹۶۰ دینار

۱ . کذا . در تاریخ کاشان ضرابی : ۱۳۹ « کهنویه » آمده است .

۲ . کذا ، در تاریخ کاشان ضرابی : ۱۴۱ « خیم » ضبط شده است .



- مزرعة طميجان - ٦ تومان و ٩ هزار و ٧٥٠ دينار  
 مزرعة درم -- ٤٦ تومان و ٧ هزار و ١٨٥ دينار  
 مزرعة يونس آباد - ٦ تومان و ٥٩٣ دينار  
 مزرعة اكبر آباد - ٦ تومان و ٨ هزار و ٣٦٠ دينار  
 مزرعة كريم آباد - ١٠ تومان و ٤ هزار و ٦٠٠ دينار  
 مزرعة مهدي آباد - ١ تومان و ٣ هزار و ٧٦٤ دينار  
 مزرعة نجف آباد - ٤ هزار و ٥٦٠ دينار  
 مزرعة ابراهيم آباد - ٢٧ تومان و ٥ هزار و ٣٨٨ دينار  
 مزرعة جعفر آباد كوچك -- ٤ تومان و ٣ هزار و ٤٦ دينار  
 مزرعة بديع آباد وغيره - ٦٤ تومان و ٩ هزار و ٨٥٠ دينار ( بديع آباد :  
 ١٩ تومان و ٩ هزار و ٨٥٠ دينار ، احمد آباد خالصه : ٤٥ تومان )

### مزارع جديد النسق

- مزرعة فيض آباد - ٢٤ تومان  
 مزرعة رحمت آباد - ١٠ تومان  
 مزرعة هاشم آباد - ٦ تومان  
 مزرعة در بيجه - ٦ تومان  
 مزرعة امين آباد - ١٠ تومان  
 مزرعة شوراب - ٦ تومان  
 مزرعة حسين آباد - ١٠ تومان  
 مزرعة قاسم آباد - ١٠ تومان  
 مزرعة مهدي آباد - ٦ تومان

- مزرعة ملك آباد -- ٦ تومان
- مزرعة حسين آباد . . . . -- ٢ تومان
- مزرعة فيروز آباد -- يك تومان
- مزرعة شوكت آباد -- يك تومان
- مزرعة محمد آباد -- ٨ تومان
- مزرعة قلولو -- ٦ تومان
- مزرعة فيض آباد -- ١٣ تومان
- مزرعة منصور آباد -- ١٨ تومان و ٧ هزار
- مزرعة مندل آباد -- ٥ هزار
- مزرعة مبارك آباد -- ١٤ تومان
- مزرعة امير آباد -- ٤ تومان
- مزرعة موسى آباد -- ٤ تومان
- مزرعة رحيم آباد -- ١٦ تومان
- مزرعة محمد آباد آران -- ١٥ تومان
- مزرعة عابدين آباد -- ٨ تومان
- مزرعة قاسم آباد -- ٢ تومان
- مزرعة عالي آباد -- ٤ تومان
- مزرعة خير آباد سن سن -- ١٥ تومان
- مزرعة قوام ويگك -- ٦ تومان
- مزرعة نو ابوزيد آباد -- ١٠ تومان
- مزرعة خواجه نور الدين -- ٢ تومان
- مزرعة سعد آباد -- ١٥ تومان

مزرعہ نوذرآباد وغیرہ -- ۱۳ تومان ( نوذرآباد : ۶ تومان ، خیرآبادآران

۷ تومان )

مزرعہ علی آبادآران -- يك تومان

مزرعہ حسین آباد بیدگل -- ۲۰ تومان

مزرعہ ملا محمود -- ۴ تومان

مزرعہ اللہ آباد -- ۶ تومان

مزرعہ شهر یاری -- ۴ تومان

مزرعہ حسین آباد مبلغ آباد -- ۲ تومان

مزرعہ شمس آباد -- يك تومان

مزرعہ محمد آباد -- ۲ تومان

مزرعہ زنگنه -- ۲ تومان

مزرعہ فرح آباد -- ۶ تومان

مزرعہ نصف راہ -- ۵ هزار

مزرعہ مرزن آباد -- ۱۲ تومان

مزرعہ برز آباد -- ۶ تومان

مزرعہ ابوالعباس -- ۲۵ تومان

مزرعہ حاجی عبدالغنی -- ۵ هزار

مزرعہ شیر آباد -- ۳۵ تومان

مزرعہ شورابہ -- ۶ تومان

مزرعہ تاجر گان -- ۶ تومان و ۳ هزار

مزرعہ حاجی ملا احمد -- ۶ تومان

مزرعہ قاسم آباد آقا محمد -- ۴ تومان

- مزرعه حسن آباد - ۲ تومان
- مزرعه مصطفی آباد - ۴ تومان
- مزرعه کوبر آباد - ۶ تومان
- مزرعه ورسوی سار - ۴ تومان
- مزرعه یحیی آباد سفلی - یک تومان و ۵ هزار
- مزرعه آدم آباد کوچک - ۲ تومان
- مزرعه بدیع آباد مشهد - یک تومان
- مزرعه رباط جه - ۲ هزار و ۵۰۰ دینار
- مزرعه بحر - ۶ تومان
- مزرعه جعفر آباد - ۱۰ تومان
- مزرعه پریان - ۴ تومان
- مزرعه وزیر - ۱۰ تومان
- مزرعه یوسف آباد - ۱۵ تومان

### مزرعه جعفر آباد

ملکی حاجی سید جعفر طباطبائی تاجر . داخل مزارع جدید النسق است چون در آنجا زحمت زیاد کشیده و خرج زیاد نموده مجملاً ذکر می شود که این مزرعه در دوفرسخی کاشان است در دامنه سنگلاخ که اراضی او را به کمال صعوبت آباد کرده اند و قناتی جاری ساخته ، در دهنه قنات به قدر دو خروار زمین را باغی ساخته در نهایت صفا و اشجار جنات القافاً از همه نوع میوه و درخت ، و در زیر باغ خانه‌ای ساخته مشتمل بر عمارات عالیه ، و در وسط آن عمارات حوضی است که ثلث آب وارد حوض می شود و دو ثلث از

دو طرف می‌رود از کنار اشجار صنوبر و سفیدار و چنار، و از آنجا وارد استخری می‌شود که سی و پنج ذرع عرض و چهل و پنج ذرع طول و دو ذرع و نیم عمق دارد و در کنار آن از چهار طرف اشجار است. خیلی جای با روح و صفائی و در کنار آن باغات و عمارات است. اغلب حاصل اشجار آنجا نوت ابریشم است. آب آن قنات آنچه در نزدیکی آن قنات است مشروب می‌سازد و آنچه در دور دست است به خودی خود نمی‌رسد، در سنگلاخ فرو می‌رود. آن استخر را ساخته‌اند که يك شبانه روز آب در آنجا بسته می‌شود و بعد باز کرده به سر اشجار و باغات می‌برند. در آن مزرعه غله به قدر کفاف رعیت عاید نمی‌شود، باید از جای دیگر بیاورند. لیکن حاصل درختی دارند. خاشاک در آنجا باری پانصد دینار داده می‌شود که از شهر کاشان می‌آورند. با وجود این مخارج جای با روح و صفا ساخته که نزهتگاه خوبی و هوای معتدلی دارد اکثر مردم خوش مشرب در آنجا در تابستانها می‌روند. والسلام.

### قریه علی آباد و مدآباد

از قراء گرمسیر است. اگر چه اراضی او خاك بوم است وای رشوه خوار است. مشروب از آب دورشته قنات مخصوص خود است. حاصل شتوی گندم و جو و باقلا دارد و صیفی جـوزق و کرچک و تنباکو و هندوانه و خربزه لطیف شیرین دارد که ممتاز است.

مالیات - ۵۵۸ تومان و ۸ هزار و ۱۳۳ دینار

نفوس - ۱۸۵ خانه - ۸۴۴ نفر ( ذکور : ۲۴۲ نفر ، انساٲ : ۲۷۵ نفر ،

اطفال : ۳۲۷ نفر )

مزارع تابعه آنجا :

مزرعه منصورآباد/مزرعه محمدآباد/مزرعه سلیم آباد/مزرعه شفیع آباد  
مزرعه شاه علی آباد

### قریه نوشا باد

از قراء معتبر بزرگ است که چهارمسجد وشش حمام وچهل ویک دکان کاسبی دارد ودر جلو بند ریگک واقع است . اگر چه اراضی رشوه خوار دارد رعیت آنجا با سلیقه زراعت می کنند وپنبه کاری خوب دارند . باغات انار و انجیر دارد . مشروب از دورشته قنات مخصوص خود است . حاصل جو و گندم و جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه دارد و کرم ابریشم در آنجا بسیار است .

مالیات - نقد : ۲۲۵۲ تومان و ۹ هزار و ۳۷۰ دینار ، جنس : حبسه ۱۰ خروار و ۶۵ من / کاه ۹ خروار و ۴ من

نفوس - ۲۷۶ خانه - ۳۶۵۴ نفر ( ذکور : ۱۱۲۸ نفر ، اناث : ۱۱۹۷ نفر  
اطفال : ۱۳۲۹ نفر )  
مزارع تابعه آنجا :

مزرعه معین آباد/مزرعه محمد آباد/مزرعه نصرآباد/مزرعه علاقه آباد/  
مزرعه تاج آباد/مزرعه نور آباد/مزرعه عبدل آباد/مزرعه جلال آباد/مزرعه  
اسحاق آباد/مزرعه مستوفی و غیاث آباد

### قریه آران

از مستحدثات آران بن سام بن نوح است . قریه ای است به غایت بزرگ که در توابع کاشان از او بزرگ تر نیست . مشروب از دورشته قنات . حمام و مساجد و کاروانسرا و دکاکین زیاده دارد . در جمعیت شهر کوچکی است .

اراضی و صحرای ریگ روان دارد چنان که در زمستان از گل ولای در آنجا عبور مشکل است و در تابستان هـ. ر وقت بادهای عاصف حرکت کند ریگ روان شود مانند سیلاب ، و تپه و ماهورها احداث کند . زراعت و باغات آنجا نقلی ندارد . مردم آنجا کاسب و اهل صنایع می باشند . زنها ریسمان های خوب به عمل آورده ، جولاهای خوب دارند . ابره قبای آران مشهور است و آنچه ریسمانی خوب در آنجا می بافند به جهت شلووار و ارخالق رعیتی به فروش می رود . اگر چه در سال های گرانی خیلی خانه ها بی ساکن مانده است الان روی به آبادی آورده است که از قرار مالیات و تعداد نفوس معلوم می شود :

مالیات - نقد : ۵۶۸۶ و ۳۰۰ دینار ، جنس : جبه ۳۴ خروار و ۲۷ من /

گاه ۳۲ خروار و ۲۰ من

نفوس - ۵۱۲ خانه - ۴۳۷۷ ( ذکور : ۱۲۲۵ ، انات : ۱۴۱۸ ، اطفال :

۲۲۳۴ )<sup>۱)</sup>

مزارع تابعه آنجا :

مزرعه گلچین آباد / مزرعه نصر آبادجه / مزرعه منصور آباد / مزرعه شیر آباد  
 مزرعه ابراهیم آباد / مزرعه خرم آباد / مزرعه حسین آباد / مزرعه ظفر آهنگ /  
 مزرعه سعادت آباد / مزرعه شعیب آباد / مزرعه فتح آباد / مزرعه فوح آباد / مزرعه  
 نور آباد / مزرعه آران دشت / مزرعه وشاد / مزرعه ملا قطب / مزرعه مبارکه /  
 مزرعه مین آباد / مزرعه عبدل آباد / مزرعه دولت آباد / مزرعه غیاث آباد بزرگ /  
 مزرعه استاد زاده / مزرعه محمود آباد / مزرعه شمش آباد / مزرعه معین آباد /  
 مزرعه غیاث آباد کوچک / مزرعه نجف آباد / مزرعه کریم آباد / مزرعه احمد آباد /  
 مزرعه مهدی آباد / مزرعه علی آباد / مزرعه خواجه الدین / مزرعه محمد آباد قدیم

۱ . جمع این ارقام ۴۸۷۷ است که با جمع بالا اختلاف دارد .

مزرعه خیر آباد / مزرعه عابدین آباد / مزرعه ملامحمود شهره / مزرعه شور آباد  
/ مزرعه محمد آباد جدید و خواجه شاه محمود

### قریه بیدگل

از قراء معتبر . در برابر قریه آران است . در آب و اراضی و رعیتی و کاسبی  
مثل هم می باشند الا آن که اهل آران مردمان کودن صادقی هستند <sup>۱)</sup> و اهل بیدگل  
باهوش و ذکاء هستند . شعراء مشهور از آنجا برخاسته اند از قبیل صباحی و هاتف  
در جلوبند ریگ واقع است و تاکاشان یک فرسخ مسافت دارد . هوای آنجا  
گرمسیر است . در سالهای گرانی به قدر هزار خانه آنجا بی صاحب مانده  
و خراب شده است . الان اندک روی به آبادی آورده است .

مالیات - نقد : ۳۲۵۸ تومان و ۳۰۰ دینار ، جنس : حبه ۹۳ خروار / گاه

۶۶ خروار و ۴۰ من

نفوس - ۴۳۵ خانہ - ۳۴۹۵ نفر ( ذکور : ۹۲۵ ، اناث : ۱۱۲۸ نفر ،

اطفال : ۱۴۵۲ نفر )

مزارع تابعه آنجا :

مزرعه محمود آباد / مزرعه خلیل آباد / مزرعه صابر آباد / مزرعه حسن آباد /

مزرعه فیض آباد / مزرعه ایوب آباد / مزرعه دولاب / مزرعه معین آباد / مزرعه

محمد آباد / مزرعه معظم آباد / مزرعه مهر آباد

### قریه ابوزید آباد

از قراء بیلاقی بزرگ معتبر است و تاکاشان شش فرسخ راه است . اراضی

۱ . این گفته البته نظر شخصی نویسنده کتابچه است که در او اخر قرن سیزدهم می زیسته و حجت

نیست .



رشوه خوار دارد . حاصل زمینی آنجا گندم و جو و جوزق و کرچک است .  
باغات آنجا اشجار بیلاقی دارد و هوای معتدل .

مالیات - ۱۲۱۷ تومان و ۵ هزار و ۶۹۳ دینار

نفوس - ۱۳۸ خانه - ۲۲۲ نفر ( ذکور : ۲۲۵ نفر ، اناث : ۲۴۸ نفر ، اطفال  
۳۳۳ نفر )

مزارع تابعه آنجا :

مزرعه گز / مزرعه فخره / مزرعه نور / مزرعه شهر یاری / مزرعه ویجن / مزرعه  
قاسم آباد / مزرعه حسین آباد / مزرعه ابوزید آباد

### قریه نصر آباد جیرویه

مشروب از یک رشته قنات مخصوص خود . در سه فرسخی شهر کاشان  
در سر راه اصفهان واقع است . اراضی بی معنی رشوه خوار دارد که کفاف  
نان خانه آنها را ندارد . قریه کوچکی است . سنگلاخ که به عسرت می کارند .

مالیات - ۱۱۴ تومان و ۵ هزار

نفوس - ۳۰ خانه - ۸۹ نفر ( ذکور : ۲۸ نفر ، اناث : ۳۰ نفر ، اطفال :  
۳۱ نفر )

مزارع تابعه آنجا :

مزرعه شهریان / مزرعه استیف<sup>(۱)</sup> / مزرعه نواب شهره / مزرعه رباطچه /  
مزرعه شورابه

۱ . در تاریخ کاشان ضرابی : ۱۳۷ « اشکفت » آمده است .

## قریه خرم دشت

قریه مختصری است لیکن بسیار باروح و صفا. در سه فرسخی شهر کاشان واقع است . اراضی سنگلاخ رشوه خوار دارد و هوائی معتدل . تا شهر کاشان سه فرسخ است . حاصل باغات آنها ممتاز است .

مالیات - ۹۶ تومان و ۶ هزار و ۷۵۲ دینار

نفوس - ۱۸ خانه - ۸۳ نفر ( ذکور : ۲۲ نفر ، اناث : ۲۶ نفر ، اطفال :

۳۵ نفر )

## قریه فراهان

قریه ای است به غایت کوچک . بیلاق خوبی است . تا شهر کاشان هفت فرسخ است . در وسط سه کوه واقع است . حاصل زمینی او کم که به قدر نان خودشان ندارند و باغات آنها نسبت به حال خود زیاد است . از همه نوع میوه دارد .

مالیات - ۴۸ تومان و ۲ هزار

نفوس - ۴۱ خانه - ۲۹۵ نفر ( ذکور : ۷۲ نفر ، اناث : ۸۸ نفر ، اطفال

۱۳۵ نفر )

مزارع :

مزرعه کبود دره / مزرعه حسن کان / مزرعه بونکری / مزرعه لاسفید / مزرعه

کرجار

## قریه قمصر

بهتر و خوب تر بیلاق کاشان است از بابت آب و هوا و روح و صفا . فصل

گل وریاحین آنجا به صفای گلستان ارم. گلاب قمصر دره‌مه بلاد ایران مشهور و معروف است که در حقیقت بهترین عطرهاى دنیا است. حاصل زمینى آنها کم است و باغات بسیار دارند. مشروب از شش رشته قنات است و نصف آب دره‌ای که به قریه لئجر می‌رود. تا شهر کاشان شش فرسخ است. اثمار لطیف پر آب دارد و آبهای گوارا مثل ماء معین.

مالیات - نقد : ۱۴۳۲ تومان و ۳ هزار و ۳۶۰ دینار ، جنس : حبه ۳ خروار و ۳۰ من / کاه ۳ خروار و ۳۰ من

نفوس - ۴۷۳ خانه - ۱۲۸۴ نفر ( ذکور : ۴۲۵ نفر ، اناث : ۴۷۲ نفر ، اطفال : ۳۸۷ نفر )

مزارع متعلقه به آنجا :

مزرعه درب گله / مزرعه درلا / مزرعه مازکول / مزرعه جزاوند

### قریه خنّب

قریه کوچکی است مشروب از يك رشته قنات و چند چشمه . اراضی سنگلاخ دارد و اشجار مرغوب . حاصل زمینى آنها کم است . آب و هوای خوب ملایم دارد و با صفاست .

مالیات -- ۲۲۴ تومان و ۲ هزار و ۶۳۰ دینار

نفوس - ۹۳ خانه - ۲۱۵ نفر ( ذکور : ۵۲ نفر ، اناث : ۶۷ نفر ، اطفال

۹۶ نفر )

### قریه دره

قریه کوچکی است مشروب از دو رشته قنات آسمان نگر که در سالهای

بی بارشی خشک می شود و اهل آنجا متفرق می شوند . اراضی سنگلاخ رشوه طلب دارد و باغات به قدر کفاف .

مالیات - ۱۳۸ تومان و ۵ هزار و ۳۸۷ دینار

نفوس - ۴۷ خانه - ۱۹۲ نفر ( ذکور : ۵۵ نفر ، اناث : ۶۲ نفر ، اطفال ۷۵ نفر )

### قریه جزه

قریه مختصری است مشروب از یک رشته قنات . هوای خوبی دارد و اشجار مرغوب . حاصل زمینی آنها به قدر کفاف نیست . بیلاق است .

مالیات - ۱۳۰ تومان و ۶ هزار و ۷۳۲ دینار

نفوس - ۲۲ خانه - ۹۸ نفر ( ذکور : ۳۱ نفر ، اناث : ۳۸ نفر ، اطفال ۲۹ نفر )

### قریه بوزک

از قراء بوزک با روح و صفاست . آب زیاد و اراضی کم دارد . از ابتداء تا انتهای آن یک فرسخ راه است . مشروب از یک قنات و دو چشمه که هر یک سه سنگ مساحی آب دارد . باغات زیاد دارد . فاضل آب اومی رود در مزرعه نابر که محل چشمه قریه راوند است .

مالیات - ۱۲۱۴ تومان

نفوس - ۲۱۵ خانه - ۷۴۴ نفر ( ذکور : ۲۴۴ نفر ، اناث : ۲۷۵ نفر ، اطفال : ۲۲۵ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه نابر / مزرعه چاله باقر / مزرعه کاه روز / مزرعه قاصوره / مزرعه ورمال  
/ مزرعه بزم چه / مزرعه شبک / مزرعه رزه / مزرعه بیشه

### قریه ویدوج

مشروب از يك رشته قنات مخصوص خود است . حاصل زمینی آن گندم  
وجو وجوزق و کرچک است. اراضی شوره زار دارد که در زمستانها باید آب  
به اراضی آن بسته شیرین نمایند و زراعت کنند. در آنجا شلتوک کاری هم می کنند.  
برنج آن لطیف می شود و خوب .

مالیات - ۲۹۰ تومان و ۸ هزار و ۷۳۰ دینار

نفوس - ۵۲ خانه - ۳۱۲ نفر ( ذکور : ۵۸ نفر، اناث : ۶۲ نفر، اطفال:

۱۹۲ نفر )

### قریه وندجای سه ده

از آب قنات مخصوص خود زراعت می شود. اراضی شوره و چمن زار  
دارد. در وقت آمدن بارش در حوالی آن شکار گاه خوبی است . زراعت آنجا  
غله و صیفی زیاد دارد علاوه از خود که به دهات حوالی می برند .

مالیات - ۴۱۵ تومان و ۸ هزار

نفوس - ۴۶ خانه - ۲۴۵ نفر ( ذکور : ۵۲ نفر، اناث : ۶۸ نفر، اطفال:

۱۲۵ نفر )

مزارع :

مزرعه مسیله گرد / مزرعه ساق آباد / مزرعه محمود آباد / مزرعه قاسم آباد /

مزرعه جهانگیر (؟)

## قریه قالهر

از قراء بیلاقی است . قدری وقف و قدری ملک است . به جهت بعضی حوادث روبه خرابی آورده بود الان روی به آبادی کرده است . اغلب معاش آنها از گوسفند است .

مالیات - ۳۳ تومان

نفوس - ۳۹ خانه - ۱۵۸ نفر ( ذکور : ۴۰ نفر ، اناث : ۶۶ نفر ، اطفال :

۷۲ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه همایونه (؟) / مزرعه حاجی آباد / مزرعه بر گسین (؟) / مزرعه کوچه

تستر (؟) / مزرعه لنگرود / مزرعه کریم آباد / مزرعه محمد آباد / مزرعه هسمنجان

(؟) / مزرعه کندنان

## قریه درب چوقا

مشروب از سه رشته قنات مختصر . در دامنه کوه اتفاق افتاده . در سالهای کم بارشی آب آنجا خشک می شود و اهلس متفرق می شوند . اگر زراعتی در آنجا می شود از مردمان متفرقه می شود و هر چه زراعت می شود روزی کبک و تیهو است که در آنجا بسیار است .

مالیات - ۱۰۸ تومان و ۹ هزار و ۷۰۰ دینار

نفوس - ۸ خانه - ۲۲ نفر ( ذکور : ۸ نفر ، اناث : ۶ نفر ، اطفال : ۸ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه گلوبند علیا / مزرعه گلوبند سفلی / مزرعه زنگنه / مزرعه چهار باغ /

### قریه نشلج

از قراء معتبر خوش آب وهواست . از دهات ییلاقی . مشروب از آب يك رشته قنات ورود آب ، وتا ولایت کاشان هفت فرسخ است. در میان دو کوه بزرگ واقع است . در مقدمه آن مزرعه ای است مشتمل برغات زیاد موسوم به سر سراد ، وچون از مزرعه بگذرد به دربند کوهی رسد به قدر دروازه که از دو طرف کوهسار چون برج وباره احاطه کرده که عبور از آنجا از سواره وپیاده ممکن نیست . آن کوهسار از طرف یسار جنوب متصل است به نیاسر که آن کوه را شیر آئین می گویند واز طرف یمین کوهی است به خط منحنی کشیده می شود الی شمال کرمهه اردهال قم . چنان کوه احاطه دارد که هر گاه چهار نفر تفنگچی در آن دربند بایستند هیچ لشکری به غلبه نتواند وارد شود. از طرف اعلی این قریه منتهی می شود به کوهسار بختیاری و کمره و گلپایگان. در آنجا هم هر جا ممکن العبور است قلعه ها ساخته اند که حفظ قریه خود را بکنند . باغات زیاد در دامنه کوه و کنار رودخانه دارند و محل زراعت به قدر کفایت ندارند. شغل آنها مردهاتخت گیوه می کشند و زنها روی اورا می چینند زیاد درشت و کلفت .

مالیات - ۴۳۵ تومان و ۵ هزار و ۲۳۲ دینار

نفوس - ۱۴۴ خانسه - ۵۶۷ نفر ( ذکور : ۱۸۷ نفر ، اناث : ۱۵۲ نفر ،

اطفال : ۲۲۸ نفر )

### قریه نیاسر

از بناهای اسکندر فیلقوسی است که به علم کشف الاسرار که از دانیال به

او رسیده بود عبورش در وقت غلبه به دارا و تصرف در ایران به آن موضع افتاده ، دانست که دردل سنگگ آب است. حجار طلب کرده ، در يك شبانه روز کوه را شکافته ، چشمه نیاسر جاری شد . آن موضع است که الان به باغ تالار مشهور است. جایی با روح و صفاست. اطراف آن چشمه جلگه و چشم انداز زیاد دارد . در اطراف آن چشمه باغات با نظام از جدول و خیابانها ساخته اند از آن بلندی که آب سرازیر می شود به قدر يك ذرع آب به شکل عمودی می ریزد مانند مناره ای از بلور که از دوفرسخی نمایان است . می گویند اردشیر بابکان در وقت سلطنت خود که اهل اصفهان یاغی شده بودند بعد از فتح آن ولایت بزرگان آنها را مغلولاً در آنجا آورده ، گردن زده ، به این جهت آنجا را نیاسر نامیدند به زبان فرس قدیم . در سمت غربی چشمه چهار طاق آتشکده ای است از سنگ تراشیده ، دوازده ذرع در دوازده ذرع ، الان موجود است. قدری از سقف او خراب شده و مابقی برجاست . معروف به آتشکده اردشیر است و آن چشمه موسوم به چشمه اسکندر است. همانا در عراق سه چشمه معروف است چشمه فین و چشمه محلات و چشمه نیاسر . سوای این چشمه چهار رشته قنات و شش چشمه کوچک در آنجاست که شرب قریه نیاسر از آنهاست . باغات با روح و صفا ، فواکه بسیار ، از همه نوع میوه در کمال امتیاز دارد . هوایی در اعتدال ارم ذات العماد . بیابان آنجا بالاله و ریاحین که گویا در بهاران چادرهای الوان کشیده اند و علاوه بر آن قریه سی و سه مزرعه دارد که تابع آنجاست . اهالی کاشان به جهت ییلاق خود در آن مزارع عمارات عالیه ساخته اند که در تابستان به آنجا می روند . زیاد با صفا و روح است .

مالیات - ۱۴۳۹ تومان و ۵ هزار و ۶۶۳ دینار

نفوس - ۱۲۸ خانه - ۱۶۷۳ نفر ( ذکور ۴۹۲ نفر ، اناث : ۵۳۲ نفر ،



اطفال : ۶۴۹ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه سيف آباد/مزرعه خاتون/مزرعه رزبنده /مزرعه كرقان سفلى /  
مزرعه كرقان عليا/مزرعه دولت آباد/مزرعه اتابكى /مزرعه ده زيرين /مزرعه  
پا چنار / مزرعه سلخ نو /مزرعه در سور /مزرعه ابرونك /مزرعه سور آباد /  
مزرعه حسن آباد /مزرعه سنجده /مزرعه سلمان آباد /مزرعه بيشه /مزرعه خوانچه  
مزرعه وارونق /مزرعه سرنج /مزرعه خومله /مزرعه جعفر آباد /مزرعه نجرگان  
مزرعه على آباد /مزرعه لنگان /مزرعه بديع آباد /مزرعه زال آباد /مزرعه پيربچه  
مزرعه در دار /مزرعه بيدآباد /مزرعه شكر چه /مزرعه دوک / مزرعه آدم آباد  
عليا /مزرعه آدم آباد سفلى /مزرعه سلوك آباد /مزرعه غياث آباد

### قريه اسحاق آباد

قريه كوچكى است . مشروب از دو رشته قنات مخصوص خود است .  
اراضى سنگلاخ رشوه خوار دارد كه حاصل شتوى آنها وفا به مخارج اهل  
آبادى ندارد، غله از خارج به آنجا مى برند. هواى ملايم خوب دارد بااعتدال .  
باغات خوب مرغوب و اشجار ييلاقى از همه نوع دارد خاصه بادام بسيار در  
آنجاست و گذران رعيت از باغات مى شود و قليلى از زراعت كه به زور به عمل  
مى آورند .

ماليات - ۳۰۸ تومان و ۸ هزار و ۲۲۵ دينار

نفوس - ۵۸ خانه - ۲۸۹ نفر (ذكور : ۶۶ نفر ، اناث : ۷۵ نفر ، اطفال

۱۴۸ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه رود کله / مزرعه زره / مزرعه بلالا / مزرعه یحیی آباد جدید

### قریه مرق

قریه ای است بسیار خوش آب و هوا و آباد . مشروب از قنات مخصوص خود و آب چشمه سار رودخانه . باغات پر میوه با سلیقه دارد . زراعت زمینی آنها جو و گندم و نخود و لوبیاست . جوزق و کرچک کاری دارند . بعضی سالها تریاک می کارند . سیب و هلوی آنها تعریف دارد که ممتاز است . گردو و بادام بسیار دارد . نسبت به سایر دهات آباد و خوش نماتراست . مردمان رعیت پیشه کاسب دارند .

مالیات - ۱۴۵۶ تومان و

نفوس - ۱۱۰ خانه - ۴۹۷ نفر ( ذکور : ۱۳۲ نفر ، اناث : ۱۵۷ نفر ،

اطفال : ۲۸۰ نفر )<sup>۱)</sup>

مزارع تابعه :

مزرعه چشمه قاضی / مزرعه کش خرابه / مزرعه باقر آباد

### قریه سادیان

قریه کوچکی است و تاشهر کاشان پنج فرسخ است . مشروب از یک رشته قنات مخصوص خود . یک میدان زیر مرق اتفاق افتاده . هوایی برزخ ییلاق و گرمسیر دارد در نهایت ملایمی . اراضی سنگلاخ رشوه طلب . حاصل شتوی گندم و جو دارد نه به قدر کفاف . باغات خوب و فواکه مرغوب دارد که در

۱ . کذا ، مجموع ارقام ۵۶۷ است نه ۴۹۷ چنان که در جمع بالا ذکر شده است .

شهر به فروش می رود و نان خانه آنها از آنجاست .

مالیات - ۱۱۹ تومان و ۵ هزار و ۳۶۳ دینار

نفوس -- ۱۸ خانه -- ۴۶ نفر ( ذکور : ۱۸ نفر ، اناث : ۱۳ نفر ، اطفال :

۱۵ نفر )

### قریه استرك

برزخ ییلاق و گرمسیری است . رعیت آنجا در امر زراعت از همه دهات کاشان بهتر و بانظم و نسق ترند . پاکیزه زراعت می کنند . حاصل آنجا ازشتوی گندم و جو و باقلاست . صیفی کاری اغلب جوزق کاری است که خیلی خوب به عمل می آورند . چون اراضی آنجا متصل به جوشقان است در جوزق کاری بسیار اهتمام دارند . باغات به قدر کفاف دارند .

مالیات - ۱۴۷۴ تومان و ۷۲۲ دینار

نفوس - ۹۶ خانه - ۴۹۹ نفر (ذکور : ۱۱۲ نفر ، اناث : ۱۲۸ نفر ، اطفال

۲۵۹ نفر )

### قریه جوشقان

از قراء معتبر کاشان . از آنجا تا شهر چهار فرسخ است . از آب چشمه بزرگ و کوچک و قنات مشهور به حسین آباد دایر است . زراعت آنجا شتوی جو و گندم است و باغات آنجا انار و انجیر سرخ . صیفی کاری جوزق و کرچک خوب دارد . اگر چه اراضی آن رشوه خوار است لیکن نوعی پنبه کاری می کنند که يك من بذر آن يك خروار جوزق می دهد . عمده صیفی کاری آنها جوزق است . اگر چه سایر چیزها کشته می شود به قدر کفاف گذران خودشان

دارند . مال فروشی همان جوزق است .

مالیات - ۲۲۹۸ تومان و ۵ هزار و ۷۷۰ دینار

نفوس - ۱۷۶ خانه - ۵۵۶ نفر ( ذکور : ۱۹۷ نفر ، اناث : ۲۱۵ نفر ،

اطفال : ۱۴۴ نفر )

مزارع و معادن تابعه :

مزرعه فتح آباد/مزرعه مختص آباد/مزرعه اشان/مزرعه مالکانه/مزرعه

سویانه/مزرعه قاسم آباد

معدن سنگ مرمر مشهور ما بین این قریه جوشقان و استرک و فرح آباد مرحوم

امین الدوله می باشد که سنگ های سفید صاف به قدر دو ذرع عرض و دو ذرع طول

دارد . بلا مالک است .

### قریه حسن رود

قریه ای است به غایت معمور . مشروب از آب قنات مخصوص خود .

اراضی رشوه خوار دارد و هوای معتدل . حاصل شتوی گندم و جو و باقلاست .

صیفی جوزق و کرچک و هندوانه و خربزه و تنباکو و ترباک است . باغات به

اندازه گذران خود دارند از همه نوع میوه گرمسیر و بیلاق .

مالیات - ۵۲۰ تومان و ۳ هزار و ۹۵۰ دینار

نفوس - ۷۲ خانه - ۲۵۹ نفر ( ذکور : ۸۵ نفر ، اناث : ۷۸ نفر ، اطفال

۹۶ نفر )

مزارع تابعه

مزرعه خیار / مزرعه جز آباد / مزرعه گلستانه

### قریه علوی

از یک رشته قنات مخصوص خود دایر است . هوای با اعتدال دارد و حاصل

معروف . مثل سایر دهات اراضی رشوه‌خوار . مشهد شاهزاده محمود بن امام  
 محمد باقر در آنجاست که زیارتگاه مردم است .  
 مالیات - ۲۳۰ تومان و ۷ هزار و ۲۵۰ دینار  
 نفوس - ۲۷ خانه -- ۸۵ نفر (ذکور : ۳۷ نفر ، اناث : ۳۴ نفر ، اطفال :  
 ۱۴ نفر )

### قریه باریکوسف

مشروب از آب يك رشنه قنات مخصوص خود . از دهات ییلاقی است .  
 در آنجا قلعه کهنه‌ای است خرابه که قلعه زرین کفش مشهور است که آن مخدول  
 قاتل جناب سلطان علی بن امام محمدباقر علیهما السلام است که در مشهدقالی  
 شوران اردهال مدفون است . اراضی رشوه خوار دارد و باغات ییلاقی . سا  
 کاشان هفت فرسخ است . حاصل زمینی آنها گندم و جو و نخود و لوبیا و جوزق  
 و کرچک است .

مالیات - ۱۷۵ تومان و ۹ هزار و ۲۸۴ دینار  
 نفوس - ۲۹ خانه -- ۱۲۸ نفر (ذکور : ۳۷ نفر ، اناث : ۳۷ نفر ، اطفال :  
 ۵۴ نفر )

### قریه کله

از جمله قراء ییلاقی است . بسیار خوش آب و هوا، اگرچه درسنه ماضیه  
 يك هزار و دوویست و نودوپنج در آنجا تگرگی بارید به اندازه جوزی، وسیل  
 در کوهسارآمده اکثر باغات و زراعت آنها را خراب کرد. در حوالی آن کوهی  
 است مشهور به قده‌گاہ . گویند شخصی جناب امیر را در آن کوه در خواب

دیده درحالت عطش ، از آن حضرت آب خواسته آن حضرت به عصای خود اشاره به سقف کوه کرده و فرموده بنوش که شفای امراض است، و بعد فرمودند این مکان مبارک است. بعد عصای خود را در کنار آن فرو برده، درخت سبزی شده . در آنجا سوراخی است مشهور به آقا باجی کهره که از سقف کوه قطره قطره آب می چکد . الان شفای امراض است و آب چشمه آقا باجی کهره غیر این است ، به قدر لوله آفتاب آب دارد. هر گاه کسی وارد شود و سردر سوراخ کند و فر باد کند که « آباجی کهره بمده <sup>۱</sup> ، مهمان عزیزت رسید » آب چشمه سه مساوی شود ، به قدر دقیقه ای آید و بعد به فرار سابق شود .

مالیات - ۲۷۰ تومان و ۵ هزار و ۲۴۴ دینار

نفوس - ۷۶ خانه - ۳۱۷ نفر ( ذکور : ۹۶ نفر ، اناث : ۸۷ نفر ،

اطفال : ۱۳۴ نفر )

مزارع تابعه کله :

مزرعه فرح آباد / مزرعه مبرز آباد / مزرعه علی آباد

### قریه ازناوه رود

مشروب از يك رشته قنات مخصوص خود . اراضی سنگلاخ ریز بوم رشوه خوار دارد . حاصل آنجا گندم و جو و تریاک . اشجار بادام و زرد آلو و انگور و غیره دارد. هوای آنجا به غایت سرد است . تا شهر کاشان هفت فرسخ و نیم است .

مالیات - ۱۷۴ تومان و ۶ هزار و ۲۹۰ دینار

نفوس - ۲۵ خانه - ۱۵۰ نفر ( ذکور : ۳۵ نفر ، اناث ، ۴۵ نفر ، اطفال :

۱ . یعنی آب به من بده .

۷۰ نفر)

مزارع تابعه :

مزرعه از ناوه رود/مزرعه حسین آباد/مزرعه جوق رود/مزرعه بیشه/مزرعه  
درگز/مزرعه سنجاب/مزرعه ذره/مزرعه علی آباد/مزرعه خیر آباد/مزرعه  
صالح آباد

### قویه رهق

از قراء بیلاقی است . تا شهر کاشان هشت فرسخ است . مشروب از يك  
رشته قنات و چند چشمه می باشد . حاصل آنجا گندم و جو و لوبیا و جوزق و باغات  
آنها اشجار بیلاقی دارد . هوای سرد با طراوت و آبهای گوارا دارد .

مالیات - ۴۱۸ تومان و ۶ هزار و ۷۱۰ دینار

نفوس -- ۷۹ خانه - ۳۲۸ نفر ( ذکور : ۸۲ نفر ، اناث : ۹۱ نفر ، اطفال :

۱۵۵ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه زیر رود/مزرعه پریان/مزرعه خواهان علیا/مزرعه خواهان سفلی  
مزرعه بردره/مزرعه هشتاد/مزرعه بیجاره /مزرعه شهاب آباد/مزرعه وچان علیا  
مزرعه وچان سفلی

### مزرعه ون

از قراء بیلاقی کاشان است . بسیار بسا روح و صفا ، خوش آب و هوا که  
در زمان سابقه که ناخوشی و با به جهت عفونت هوا در دهات حادث می شود<sup>۱)</sup>

۱ . کذا در اصل .

هرگز در آن قریه بروز نکرده هر کس از خارج به آن قریه رفته از ناخوشی محفوظ بوده است و این آخرین دهات کاشان است که منتهی می شود به گردنگاه الیاس که جنب کوه قوقواست که نقطه کوهسار قم و کاشان است . هر گاه در سر کوه روند تمام دشت قم و کاشان نمودار است . تا شهر کاشان دوازده فرسخ است . مردمان دیندار با امانت دارد .

مالیات - ۱۴۹ تومان و ۵ هزار و ۶۸۷ دینار

نفوس - ۳۴ خانه - ۱۱۴ نفر ( ذکور : ۴۳ نفر ، اناث : ۳۶ نفر ، اطفال :

۳۲ نفر )

### قریه وادقان

در زیر قریه ون اتفاق افتاده . اصل خانه رعیتی در سر سنگ است که آب جاری و حوض ندارند . آب خود را باید از ته رودخانه بیاورند . هوای ییلاقی دارد . باغات آنها در کنار رودخانه می باشد زراعت زمینی آنها بسیار کم است . اغلب معاش آنها از گوسفند است و باغات انگور و جوز و بادام .

مالیات - ۴۴۳ تومان و ۳ هزار و ۳۱۴ دینار

نفوس - ۴۸ خانه - ۱۹۴ نفر ( ذکور : ۵۲ نفر ، اناث : ۶۱ نفر ، اطفال

۸۱ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه یحیی آباد / مزرعه خسرو آباد / مزرعه سلخه / مزرعه ده زه

### قریه سار

از قراء ییلاقی کاشان . در تحت اراضی و باغات اتفاق افتاده . آب او از



سه رشته قنات مختصری است که از کنار رودخانه و کوهسار جاری نموده‌اند خانه‌های آنها در دامنه کوه ، و باغات در کنار رودخانه و دامن کوه است . حاصل زمینی خیلی کم دارند . باغات ایشان اشجار جوز و انگور و بادام و زردآلو و آلبالو دارد . آبهای آنها سرد و گواراست .

مالیات - ۲۲۲ تومان و ۲ هزار و ۳۲۵ دینار

نفوس - ۴۹ خانه - ۲۱۰ نفر ( ذکور : ۵۶ نفر ، اناث : ۶۸ نفر ، اطفال :

۸۶ نفر )

مزارع تابعه :

مزرعه جمال آباد / مزرعه لاسون پا / مزرعه همزر

### قریه قه

اهل کاشان اورا «که» می‌نامند . میانه آن قریه و گرمسیرات کاشان يك کوه فاصله است که در يك طرف کوه گرمسیرات و طرف دیگر بیلاق است . حاصل آنجا جو و گندم و صیفی جوزق و کرچک و ترباک است . در پایان قریه سار اتفاق افتاده . مشروب از قنات بالا رود و چند چشمه می‌شود . اراضی کوهسار و شوه خوار دارد . باغات بیلاق . اشجار جوز و بادام و سایر فواکه کوهساری است در پهلوی آن قریه کوهی است مشهور به کوه دختران . کویند در زمان خلفای جور بنی امیه یا بنی عباس که اولاد اطهار در بلاد بعیده متواری بوده‌اند ، چند نفر از امام زادگان عیال و همشیره‌های خود را به مزرعه ورم که از مزارع قریه « قه » است آورده ، تبعه حکام جور آن ولایت به طلب آنها برخاسته ، امام زادگان با عورات فرار کرده ، سه تن مردان آنها در بین جهاد به شرف شهادت

فایز گردیدند . هر يك در موضعی كه الان مرقد آنهاست گنبد و بار گاهی دارند عورات كود به كوه فرار كرده تا به قریهٔ قه رسیدند . روز دیگر كه لشكر به طلب آنها آمدند بر سر آن كوه كه مشرف بر قریهٔ قه است شدند . عورات از ملاحظهٔ آنها فرار [ كرده ] چهار نفر از آنها به مغاره رسیدند غسایب شدند و دو نفر از دختران كه به حد رشد و فرار رسیده بودند عقب مانده ، متعاقب دو نفر نزدیک رسیدند . آن دودختر از روی ترس گفتند آیا به جهت اسیری ما می آید ؟ آن دو ظالم فی الفور سنگ سیاه شده اند . الان در آن كوه دو هیكل آدمی از سنگ نمایان است كه بر پای ایستاده اند و مردم قریهٔ قه و سایر دهات در آن موضع به جهت زیارت می روند و نذورات به جهت مطالب خود می آورند و غیر از زنها کسی در آن مغاره داخل نمی شود و زنهای آبستن هم نمی روند و آن كوه به كوه دختران بكر مشهور است .

مالیات - ۵۳۷ تومان و ۴ هزار و ۹۷۲ دینار

نفوس - ۴۶ خانه - ۲۶۵ نفر ( ذكور : ۵۶ نفر ، اناث : ۶۲ نفر ، اطفال :

۱۳۷ نفر )<sup>۱)</sup>

مزارع تابعهٔ آنجا :

مزرعهٔ شرف آباد / مزرعهٔ نصر آباد جه / مزرعهٔ گلابه / مزرعهٔ پاداروی علوی

و سفلی ( دو عدد )

\* \* \*

حسب الحکم بندگان جناب جلالت مآب امیر الامراء العظام آقای  
اعتضاد الدوله دام اقباله العالی کتاب احوالات کاشان قلمی گردید . امید به

۱ . کذا دراصل . مجموع این سه رقم ۲۵۵ نفر است و نه ۲۶۵ چنان که در جمع بالا آمده است .

نظر مرحمت ملاحظه نموده ، چشم از اغلاط فاسده او ببوشند . وكان ذلك بتاريخ بيست ونوم شهر رمضان المبارك هذه السنة توشقان نيل خيريت دليل مطابق سنة يك هزار و دو بيست ونود و شش هجرى على هاجرها آلاف التحية والثناء . (سنة ١٢٩٦) .



- ضمیمه ۲ -

جوابات مسائل رکنیه

از

محقق ، میرزا ابوالقاسم قمی

( صاحب قوانین )

در گذشته ۱۲۳۲



میرزای قمی، ابوالقاسم بن حسن گیلانی فقیه و عالم بزرگ شیعه در آغاز قرن سیزدهم مشهورتر از آن است که نیازی به آوردن سرگذشت وی در این یادداشت شتاب زده باشد. شرح زندگی و فهرست بسیاری از آثار و وصف سبک و مشی علمی خاص و دقیق او - که در تحولات و پیشرفت‌های بعدی اصول فقه اسلامی تأثیری مهم داشته است - به تفصیل و اجمال در بسیاری از مآخذ دو قرن اخیر<sup>(۱)</sup> و از همه کامل‌تر و جامع‌تر در **روضات** آمده و سزاوار است که

۱. از باب نمونه به ذکر چند مأخذ متداول مبادرت می‌رود :

- \* الروضة البهية في الطرق الشيعية : ۲۵ - ۲۹ .
- \* روضات الجنات ۵ : ۳۶۹ - ۳۸۰ ( چاپ جدید قم ) .
- \* قصص العلماء : ۱۸۰ - ۱۸۳ ( چاپ علمیة اسلامیه ) .
- \* نجوم السماء : ۳۴۰ .
- \* رياض الرضا : روضة ۲۲ ( ۲۱۸ - ۲۱۹ نسخه اصل مخطوط ) .
- \* مرآت البلدان ۴ : ۱۹ - ۲۰ .
- \* حدائق السياحه شيروانی : ۳۷۴ .
- \* مآثر المعاصرین (مجلد اخیر صحایف العلوم و صفایح العالم فروغ الدین اصفهانی)

مجموعه‌ای خاص در سرگذشت و شناساندن آثار او تدوین گردد .

به اجمال فقهی بزرگ و مورد توجه همگان با فنون مختلف اسلامی آشنا و موفق و پرکار بوده و به نقل روایات بیش از هزار کتاب و رساله در موضوعات گوناگون به رشته تحریر کشیده که مشهورترین آنها «قوانین الاصول» است و آن مشتمل بر يك دوره کامل اصول فقه و محتوی آراء و انظار دقیق او در این علم است . پدر میرزا: حسن بن نظر علی کیخی رشتی نگارنده کأس السائلین ( ش ۸۸۳ کتابخانه ملک تهران که نسخه اصل است جز در برگ آغاز - فهرست نسخ عربی آنجا : ۵۷۹ ) در سال ۱۱۴۰ در سن سی سالگی وزنده در سه شنبه ۲۰ ذح - ۱۱۸۳ ( یادداشت کناره یکی از برگ‌های همان نسخه در باره فرزندان مؤلف در این تاریخ ) مردی دانشمند بوده و از گیلان به جاپلق

---

صحیفه دوم ( سه برگ به پایان نسخه کتابخانه مسجد اعظم قم ) .

\* البدر التمام : ۱۳ - ۱۵ .

\* مستدرک ، خاتمه : ۳۹۹ .

\* تحفة الالباء فی تذکرة الاولیاء والشرفاء : ۱۵ ( ش ۲۵۱۳ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ) .

\* الکنی واللقاب : ۱ : ۱۴۲ .

\* سفینه البحار : ۲ : ۴۳۰ - ۴۳۱ .

\* هدیه الاحباب : ۳۶ .

\* تبصرة المسافرین : ۲۲ - ۲۳ ( ش ۱۴ ب مخطوطات کتابخانه دانشکده ادبیات تهران ) .

\* منتخب التواریخ خراسانی : ۴۹۶ چاپ علمیة اسلامیة .

\* اعیان الشیعه : ۸ : ۱۳۹ - ۱۴۸ .

\* ریحانة الادب : ۴ : ۱۲۵ - ۱۲۷ .

\* طبقات اعلام الشیعه - قرن سیزدهم : ۱ : ۵۲ - ۵۴ .



بروجرد رفته و میرزا در همان جا زاده شده و چندی در اصفهان درس خوانده و از آن پس به نجف اشرف عزیمت نموده و پس از رسیدن به مقام رفیع علمی به ایران باز گشته و سرانجام در قم اقامت گزیده و سالیانی دراز در این شهر بوده و در ۱۲۳۲ در همان جا به درودزندگی گفته است .

از آثار او « قوانین » که در حوزه‌های قدیم مذهبی متن درسی است ، « غنائم » و « مناهج » در فقه ، رساله‌ای در اصول دین ، منظومه‌ای در تجوید ، جامع الشتات ، جامع الرسائل ( مجموعه بیست رساله در پایان غنائم ) و چندین

- 
- \* مصفی المقال : ۳۵ - ۳۶ .
  - \* معجم المؤلفین ۸ : ۱۱۶ .
  - \* اعلام زرکلی ۶ : ۱۸ .
  - \* لغت نامه دهخدا ، حرف الف : ۷۶۵ .
  - \* انوار المشعشعین ۳ : ۴۰۶ - ۴۲۷ ( عکس کتابخانه آقای مرعشی قم ) .
  - \* معجم المطبوعات : ۷۲۶ - ۷۲۷ .
  - \* بروکلن ۲ : ۵۸۱ .
  - \* راهنمای دانشوران ۱ : ۱۸۹ .
  - \* دائرة المعارف جواهر کلام ، حرف ج : ۳ - ۵ .
  - \* مختار البلاد ( تاریخ قم ناصر الشریعه ) : ۲۱۷ - ۲۲۱ چاپ دوم .
  - \* مؤلفین کتب چاپی مشار ۱ : ۲۸۰ .
  - \* تاریخ علما و شعرای گیلان : ۴۵ - ۴۷ .
  - \* شرح حال وحید بهبهانی : ۲۵۷ - ۲۶۵ .
  - \* رجال قم : ۸۶ - ۸۷ .
  - \* مکارم آلائار ۳ : ۹۱۱ - ۹۱۹ .
  - \* مقالات « زندگانی میرزای قمی » در مجله راه حق که در سال‌های ۱۳۳۶ - ۱۳۳۸ در رشت چاپ می‌شد .
  - \* ذریعه در بسیاری جاها و فهارس مخطوطات کتابخانه‌های داخل و خارج و دیگر مآخذ .

رساله ضمن مجموعهٔ جامع الشتات به چاپ رسیده است . متن نامه‌ای از او به فتحعلی شاه نیز توسط نویسندهٔ سطور در شماره‌های ۱۲ دورهٔ یازدهم و ۱۱ دورهٔ ۱۲ مجلهٔ وحید<sup>۱)</sup> و قسمتی از آغاز رد پادری او در شمارهٔ ۱۱ دورهٔ دهم همان مجله نشر یافته است . جز اینها متن کامل چهارده صفحه‌ای اجازهٔ روایت او به سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی مورخ شب عید فطر ۱۲۱۵ در پایان مجلد اول فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان کلیشه و چاپ شده، و نمونه‌ای دیگر از خط و دست نویس او نیز در ریحانة الادب ۴ : ۱۲۶ گراور گردید است .

---

۱ . این متن گویا پیش تر هم در یکی از نشریات قدیم تهران چاپ شده بوده است ( ذریعه

۲۲ : ۱۵۹ ) .

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ، والصلوة والسلام لاهلهما

اما بعد فهذه جواب <sup>۱</sup> المسائل الركنية التي سئلهامولى العالم الزكي  
الذكي مولانا علي المازندراني الملقب بالركن ، المكتوبة على سبيل العجال  
فى اضيق الاحوال :

## المسألة الاولى

چه مى فرمائيد در باب محبى الدين وبا يزيد وعطار وملای روم وامثال  
آنها؟ بعضی آنها را از اولياء و عرفاء مى دانند و از مرتبة شيخ مفيد وسيد  
مرتضى و علامه حلى وملا احمد اردبيلی رحمهم الله بالاتر مى دانند وبعضی  
آنها را واجب اللعن مى شمارند .

---

۱ . کذا وباید « جوابات » باشد .

## الجواب :

عزیز من ، انسان فقیر که مانند خر بار کش متحمل بار تکلیف شده که آسمان وزمین و کوهها از تحمل آن عاجز است به غیر آنکه دائم سر در زیر داشته باشد و به زمین نگاه کند که به گودالی نیافتد دیگر التفات به جائی دیگر باید نداشته باشد ، و تمام هم او باید بردن آن بسار گران باشد . اگر مقتضای تکلیف را بدانیم و دوری راه را در نظر بیاریم و گرانی بار را متذکر شویم هر گز به فکر این و آن نمی افتمیم و هر گز از جست و جوی معایب خود و معالجه امراض باطنیه خود فارغ نمی شویم که به دیگران بپردازیم . این کارهای بیکار است . از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت شده که درد چشمی عارض او شده بود و بسیار طول کشید . به او گفتند : چرا معالجه نمی کنی ؟ گفت : شغل اهم از این دارم - یعنی از امور دین - ، گفتند : پس چرا دعا نمی کنی که خدا شفا بدهد ؟ گفت : اهم از این دارم که از برای آن دعا کنم . ملای روم در مثنوی مثلی گفته مناسب مقام است :

آن یکی زد سیلی مر زید را	حمله کرد او هم برای کید را
گفت سیلی زن سؤالت می کنم	تو جوابم گوی آنکه می زنم
بر قفای تو زدم آمد طراق	یک سؤالی دارم آنجا در وفاق
این طراق از دست من بوده است یا	از قفا گاه تو ای فخر کیما
گفت از درد این فراغت نیستم	که در این فکر و تفکر بایستم
تو که بی دردی همی اندیش از این	نیست صاحب درد را این فکر هین

غرضم نه این است که من صاحب دردم ، و از برای من فراغتی که مشغول دیگران بشوم نیست ، بلکه خودم از همه کس بی دردم ترم ، لیکن در مثال

مناقشه نمی‌باشد . به هر حال گویا از باب خرق عادت چنان وسعتی در اوقات شما حاصل شده که از جمیع تکلیفات اخرویة خود فارغ و از تحصیل معیشت دنیویه هم بی احتیاج شده به جهت تفرج خاطر و تفریح دماغ در تماشاگاه خانقاه محیی الدین و بسا یزید می‌چرخید و در صدد تفحص احوال ایشان بسر آمده‌اید که آیا ایشان از نیکانند یا بدان . اگر چهل نفر مؤمن را که در آخر شب به جهت آنها می‌خواهی استغفار کنی نداری - من از برایت هزار نفر بنویسم و اگر می‌خواهی در مسائل فروع دین تقلید عالمی بکنی - بر فرض تقدیری که تقلید میت جایز باشد - تقلید فضلالی شیعه کسه بالیقین شیعه و عادل و فقیه و دانا به مسائل مذهب امامیه بوده‌اند و به اجماع و اتفاق صوفی و قشری در فقه سر آمد بر اینها بوده‌اند - مثل شیخ مفید و شیخ طوسی و سید مرتضی و محقق حلی و علامه و امثال اینها و کتابهای بسیار از اینها در میان است - چه عیب دارد که می‌خواهید تقلید با یزید و محیی الدین و امثال اینها بکنید که تشیع ایشان معلوم نیست بلکه تسنن آنها ظاهر است ، و از ایشان کتابی در فروع نیست و معلوم نیست که ربطی به فروع هم داشته باشند . و اگر می‌خواهی گاهی که متوجه نفرین و لعن بر دشمنان خدا و رسول و اولاد اطهار او - صلوات الله علیهم باشی [ . . . ] همه آنها را در تسبیح در آورده‌ای که معطل اینها شده‌ای ؟ ! و اگر غرض متابعت ایشان باشد در اصول دین و عقائد ، پس باید دانست که در اصول دین تقلید جایز نیست و هر که باید خود عقل خود را حاکم کرده از پی تحقیق حق بر آید ، و قدری که یقیناً کفایت می‌کند بحمد الله از اختیار متابعت ظاهر شریعت مقدسه در دست دارید ، و صوفی و حکیم و کافر همگی متفق‌اند بر این که هر که به آن عمل کند هالک نیست ، و اهل شرع و دین متفق‌اند بر این که غیر ایشان هالک است . هر گاه ما را قوه

و استعداد تمام کردن مقصد و تحقیق ظاهر و باطن نباشد به همین ظاهر اکتفا کنیم به یقین هلاکی در او متصور نیست . نهایت امر این است که حکیم و صوفی ما را نادان و قشری و کم مایه خوانند . تحمل این کنایه و تعرض آسان تر است از این که کسی مغلذ در آتش باشد ، و این طور سخن که می گویم از خواص من نیست ، این کلامی است که ائمه معصومین باز ناده می گفتند . پس معلوم است که این راهی است از برای اکتفای ما به آنچه در آن هستیم ، چنان که حضرت صادق به ابن ابی العوجاء فرمود و حضرت ابوالحسن علیه السلام به زندیقی دیگر فرمود :

روی محمد بن عبدالله الخراسانی خادم الرضا علیه السلام  
 قال : دخل رجل من الزنادقة علی ابی الحسن علیه السلام  
 وعنده جماعة ، فقال ابو الحسن علیه السلام : ایها الرجل ارأیت  
 ان كان القول قولکم و لیس هو کما تقولون السنا و ایاکم شرعاً  
 سواء ، لانصرنا ماصلينا و صمنا و زکینا و اقررنا ؟ فسکت الرجل  
 ثم قال ابو الحسن علیه السلام : وان كان القول قولنا و هو قولنا  
 الستم قد هلکتُم و نجونا ؟ فقال : اکمل الله . . . الحديث ١ .

پس هر گاه یقین کردیم به اینکه احدی مخالف شرع و دینی است که به ما رسیده است ، و انکار آنها می کند - مثل این که ما خدا را منزله از مکان و اتحاد در ماخلق و حلول در خلق می دانیم و عالم را حادث می دانیم و معاد را جسمانی می دانیم و او بر خلاف اومی گوید - بر ما لازم است که از او کناره کنیم ، و هر گاه آن شخص بر او اتمام حجت شده و از آن راه به در رفته مستحق لعنت هم خواهد بود ، هر گاه بر ما امر او مشتبه باشد او را به حال خود وا می گذاریم

١ . اصول کافی ، ج ١ ص ٧٨ ( چاپ مکتبه الصدوق ) .

تا معلوم شود و لعن کردن بر اولازم نیست بلکه جایز هم نیست ، چنان که در حدیث وارد شده که هر گاه به کسی لعن کنی و او اهل آن نباشد لعن به شما بر می گردد .

الحاصل هر گاه امر محیی الدین و با یزید و ملای روم بر شما مشتبه باشد نقصی به دین و دنیای شما وارد نمی شود ، چنان که در آیات قرآنی و احادیث خاندان رسالت محکم و متشابه می باشد و مارانهی کرده اند از متابعت متشابهات در میانه علما هم محکم و متشابه می باشد . متابعت متشابه شیوه آنانی است که در دل آنان مرضی باشد . آنرا که رستگاری منظور است دست از محکومات بر نمی دارد که به متشابه بپردازد .

مجملی از احوال ایشان این است که هر يك از اینها قبل از پانصد سال و بیشتر و کمتر بوده اند و ما آنها را ندیده ایم و هر گاه رجوع به جرح و تعدیلی که از علما به ما رسیده بکنیم - چنان که در سایر رجال - پس علمای محکم در آن نیز اختلاف دارند و معدلین آنها مشتبه الحال و جارحین بلا شبهه بر سمت عدالت متصف ، لکن چون بعضی از معدلین نیز بر سمت عدالت به معنی اعم متصف هستند و در اعمال جوارح عادل و در عقاید مشتبه ، پس شبهه به هم می رسد در بعضی از اینها .

و اما کلماتی که از ایشان مانده و سخن هایی که متواتر از آنها رسیده ، اگر مراد ایشان همان ظاهر کلام ایشان باشد به یقین کافرنند و با وجود اتمام حجت بر ایشان و تخلف از حق هم مستحق لعن هستند . مثل این که محیی الدین در اول فتوحات گفته : « سبحان من اظهر الاشياء وهو عینها » ، و شیخ علاء الدوله سمنانی با کمال ارادت او به محی الدین در حاشیه فتوحات بر این عبارت نوشته : « ان الله لا يستحیی من الحق ، ایها الشیخ لو سمعت من احد انه یقول

فضله الشيخ عين وجود الشيخ لاتسامحه البتة بل تغضب عليه فكيف يسوغ لك ان تنسب هذه الهذيانات الى الملك الديان ؟ . تب الى الله توبة نصوحاً لتنجون من هذه الورطة الوغرة التي تستكف منها الدهريون والطبيعيون واليونانيون والسلام على من اتبع الهدى » . وايضاً از فصوص وفتوحات او منقول است که می گویند : « هر که بت پرستید به همان خدا را پرستیده باشد . و چون سامری گوساله ساخت و مردم را به عبادت آن خواند حق تعالی یساری نکرد . هارون را بر سامری ، از برای آن که می خواست که در هر صورتی پرستیده شود . حق تعالی نصاری را تکفیر نموده به سبب آن که به الوهیت عیسی قائل شده اند ، بلکه به سبب آن که خدا را منحصر در عیسی دانسته اند چنان که فرموده :

« لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ... »<sup>۱</sup>

و خود را خاتم الاولیا دانسته و گفته که ختم ولایت به او شده و پیغمبران نزد او حاضر شدند به جهت تهنیت و مبارک باد ختم ولایت او ، وهم گفته که جمیع انبیا اقتباس علم می کنند از خانم اولیا ، و گفته که خانم اولیا افضل است از خاتم انبیا در ولایت ، چنان که خاتم انبیا افضل است از سایر انبیا در رسالت و نیز گفته که : اهل آتش در دوزخ تنعم می کنند و به آتش راحت می نمایند و لذت می برند ، و عذاب کفار منقطع خواهد شد ، و « عذاب » مشتق است از « عذب » به معنی شیرینی . و قیصوری در « شرح فصوص » در این مقام به جهت تمثیل گفته که : لذت اهل آتش از آتش و تنفرشان از نعیم بهشت چنان است که جعل از بوی قاذورات و نجاسات لذت می برد و از بوهای خوش نفرت می نماید . و نیز محیی الدین مذهب جبر را نسبت به جمیع عرفاداده . این کلمات مذکوره

۱ . سورة مائده ، آیه ۱۷ و ۷۲ .



بعضی از سخن‌های این شیخ است . و همچنین سخن‌های منصور وانا الحق گفتن او و سایر آنچه از او مشهور و معروف ، و آنچه از با یزید نقل کرده‌اند ، چنان‌که ملای روم در حکایت او گفته :

با مریدان آن فقیر محتشم      با یزید آمد که نک یزدان منم  
گفت مستانه عیان آن‌ذو فنون      لا اله الا هاها فاعبدون  
و بعد از چندی باز گفته :

عقل را سیل تحیر در ربود      زان قوی‌تر گفت کاول گفته بود  
نیست اندر جبهام الا خدا      چند جوئی بر زمین و بر سما  
و همچنین او گفته :

« سبحانی ما اعظم شأنی »

و اما ملای روم پس قطع نظر از این‌که از اول تا به آخر مثنوی او به غیر تسنن چیزی از او معلوم نمی‌شود ، اعتقاد او به امثال آنچه از محیی الدین و با یزید ظاهر می‌شود هم ظاهر است ، و در بسیار جا کلام او صریح در وحدت موجود هست و در حکایت ابن ملجم کلام او صریح در جبر است . در اول داستان می‌گوید که آن حضرت به او فرمود :

هیچ نقصی نیست بر جانم ز تو      زانکه این رامن نمی‌دانم ز تو  
آلت حقی تو فاعل دست حق      چون ز منم بر آلت حق طعن و دق

و در اواخر داستان می‌گوید که آن حضرت به ابن ملجم فرمود :

لیک بی غم شو شفیع تو منم      خواجسته روحم نه مملوک تنم

و اگر کسی گوید که از آن جای مثنوی که گفتگوی جبر و قدری می‌کند - در اواخر سفر پنجم - معلوم می‌شود که او جبر را باطل می‌داند - و آن داستان طولانی است - جواب آن گوئیم که در آخر داستان سخنی می‌گوید که همه را

پایمال کرده ، آنجا که می گوید :

زین سخن ها گفتنی تر هست مان	که بدان فهم توبه یابد نشان
اندکی گفتیم زان بحث عقل	ز اندکی پیدا بود قانون کـل
همچنین بحث است تا حشر بشر	در میان جبری و اهل قدر
گرفروماندی زدفع خصم خویش	مذهب ایشان بر افتادی زپیش
چون برون شو شان نبودی در جواب	پس رمیدندی از آن راه تباب
چون که مقضی بد دوام این روش	می دهد شان از دلایل پرورش
تا نگردد ملزم از اشکال خصم	تا شود محجوب از اقبال خصم
تا که این هفتاد و دو ملت مدام	این چنین باشد الی یوم القیام

وامثال این کلمات که البته در کتاب ها خوانده اید و دیده اید دیگر احتیاج به تکرار و نوشتن نیست. غرض ما در اینجا چیز دیگر است و آن این است که اگر این جماعت مراد ایشان از این کلمات همان ظاهر آن است که می فهمیم پس آنها بی اشکال کافر و ملعون اند، و اگر مراد ایشان چیزی است که ما نمی فهمیم چنان که هواداران و محبان ایشان می گویند و تأویلات می کنند - پس گوئیم که اینها فاسق و بدکردارند به جهت آنکه اظهار کلام کفر می کنند و خود را مستحق مؤاخذة و لعن و لعن مردم و مورد عتاب و عقاب الهی نیز می کنند. به جهت آنکه چنان که اعتقاد کفر حرام است تلفظ به کلمة کفر هم حرام است و احکام شرع مقدس مبتنی بر ظاهر است . چنانکه بسیار اوقات در مرافعات ، صاحب حق محروم و آنکه بر باطل است صاحب حق می شود، و بسا هست که قصاص می شود کسی که کسی را نکشته است، به سبب آن اقرار دروغ بکند بر قتل. یا شهود خوش ظاهر شهادت بدهند و در باطن دروغ گو و فاسق باشند. پس هر گاه کسی این طایفه را لعن کند به سبب آنچه از ایشان ظاهر شده معاقب نخواهد بود، هر چند آنها در

باطن کافر نباشند . و در کافی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که :

« لو ان رجلا احب رجلا لله لاثابه الله على حبه اياه وان كان المحبوب في علم الله من اهل النار ، ولو ان رجلا ابغض رجلا لله لاثابه الله على بغضه اياه وان كان المبغض في علم الله من اهل الجنة » .<sup>۱</sup>

ولیکن باید اجتهاد و سعی بکنند در این که آن شخص مرد خدا است یا نه ، و بعد از آن که یافت مرد خدا است او را دوست دارد . و اگر کوتاهی کند یا از راه عصبیت و حمیت او را خوب داند باید از محبت او بترسد ، به جهت آن که مبادا بد باشد و آخر با او محشور شود . چنان که در حدیث است که هر گاه کسی سنگی را دوست دارد با او محشور می شود .

بلکه اگر معلوم ماسم بشود که آنها در باطن مسلمانند باز [ حکم ] به فسق آنها می کنیم که چرا این حرف را گفتند . و بعضی از هوا داران ایشان توجیه کلام های ایشان را می کنند و می گویند که این سخن ها در حال مستی عشق الهی و در وقت بیخودی از آنها سر زده . چنان که ملا در مثنوی يك صفحه کتاب را در شأن بایزید و گفتن آن کلمات را از سر مستی و بیخودی نوشته و ذکر آنها طول می کشد . و این توجیه نیز بی وجه است و صاحب این سخن ها به این توجیه ها راضی نیست ، و هر فرصتی که چنین باشد چرا دیگران این را در جمله مدایح آنها بنویسند که مورث بدفهمی علمای ظاهر بشود . با وجود آن که کلمات ایشان در سایر مقامات فریاد می کند که چنین نیست ، چنان که شیخ شبستری گفته :

روا باشد انا الحق از درختی چرا نبود روا از نیک بختی

۱ . اصول کافی : ج ۲ - ص ۱۲۷ .

به جهت آن که مقابله نيك بخت با درخت که مراد شجره کوه طور است افاده کمال هشیاری می کند نه مستی . و اگر غرض اویان اولویت در مظهریت تجلی یا حلول یا اتحاد باشد هم رسوائی آن بیشتر است ، و در این صورتها همه جا ندای انا الحق از خدای تعالی خواهد بود نه از منصور ، پس دیگر چه معنی دارد این که منصور این را از راه مستی گفت . و قطع نظر از اینها همه کرده ، جمعی کثیر از معتمدین علمای شیعه - که مدار دین شیعه بر اعتماد بر ایشان است در نقل احکام الهیه از ائمه ایشان - در شأن حلاج حکایتها نقل کرده اند و توقیع لعن او را از امام زمان نقل کرده اند و همه او را از جمله کذابین شمرده اند ، و از شیخ مفید ذکر کرده اند کتابی در خصوص بطلان طریقه تابعان حلاج تألیف کرده ، و شیخ طوسی در کتاب اقتصاد گفته که اوساخر بود و همچنین در کتاب «غیبت» دروغ گوئی و مکر او را نقل کرده (و در حدیث است که ساحر کافر است . صاحب تبصرة العوام نقل کرده است که اوشاگرد عبدالله کوفی بود و اوشاگرد ابو خالد کابلی و ابو خالد شاگرد زرقا و زرقا از شاگردان سجاح بود ، و سجاح زنی بود که دعوی پیغمبری می کرد در زمان مسیلمه کذاب که او هم دعوی پیغمبری می کرد و دعوی خدائی می کرد و مردمان را به سحر فریب می داد و حکایت هائی دیگر هم از او نقل کرده است که طولی دارد ) و همچنین اسماعیل بن علی نوبختی که از اعظم علمای شیعه است و ابن بابویه قمی در کتاب اعتقادات و صاحب احتجاج و غیر ایشان از علمای عظام ، و نقل حکایتها و تفصیل اینها طولی دارد که مناسب مقام نیست .

در یکی از کتابهای شیعه دیده ام که به فتوی حسین بن روح - که یکی از نواب صاحب الامر است و بر شیعه لازم است انقیاد و اطاعت امر او - او را کشتند و همچنین ابن خلکان ابن مطلب را در تاریخ خود آورده . و هر گاه حال او

معلوم شد ظاهر این است که تابعان او همه حال او را داشته باشند ، مگر این که بگوئیم که به جهت غیر تصوف از ساحری و دروغ گوئی و غیر آن مورد لعن شد نه از این راه . و اگر لعن از همین راه باشد بر همه این بحث وارد می آید به جهت آن که شبستری و ملا و غیر اینها همه معتقد حلاج می باشند . . . و به هر تقدیر این جماعت در ظاهر حال از اولیاء و عرفای اهل سنت اند و چون ایشان را داعیه مقابله با ائمه ما باعث شده که بلکه توانند اطلاق نور الهی کنند این اساس را در مقابل چیدند و این جماعت همان رؤسای ایشانند و هیچ يك اینها معلوم نیست که مذهب شیعه داشته باشند . و این که بعضی از مریدان ایشان ادعای تشیع اینها می کنند ، و می گویند که اینها در زمان تقیه بوده اند و به اعتبار تقیه اظهار تسنن می کرده اند ، بسیار دور است به جهت آن که امثال این فضلاهر گاه از رؤسای شیعه بوده اند و از کمال تقیه اهل سنت آنها را بزرگ شمردند پس بایست این معنی بر علمای شیعه مخفی نماند و در میان شیعه مشهورتر باشند ، و حال آنکه هیچ يك از علمای رجال ما ذکر احدی [ از ] آنها را نکرده مگر بعضی را به بدی مثل حلاج و غیر آن . و این که بعضی علمای ما فریب این طریقه را خورده باشند و خواسته باشند که آنها را از مورد طعن و لعن در آورند نباید آنها را شیعه کنند و بعضی کلمات غیر واضحه الدلاله را به جهت تشیع ایشان نقل کنند ، با وجودی که کتابهای اینها از اول تا به آخر فریاد از تسنن می زند .

خلاصه این که اول باید تشیع را ثابت کرد و بعد از آن اظهار تسنن را حمل بر تقیه کرد و بعد از آن توجیحات کلماتی که ظاهر آنها کفر است کرد ، و هیچ يك اینها را دلیلی و بینه و وجه صحیحی ظاهر نیست . اگر صوفی های ما به سبب آن بعض کلمات تشیع را فهمیده اند پس به آنها می توان گفت که همه

کلمات و کتاب‌ها اولی است به دلالت، و همچنان که در آنها احتمال تفسیر داده‌اند با وجود کمال بعد، در اینها هم احتمال معنی دیگر هست و دلالت آنها بر تشیع ظاهر نیست. و این مقام گنجایش ذکر کلمات طرفین و بیان دلالت و عدم دلالت آنها را ندارد مثل آن که از بعضی اینها نقل کرده‌اند این شعر را که گفته است که :

آن زمان که عشق می‌پیمود درد بو حنیفه شافعی بوئی نبرد  
و این را شاهد تشیع شاعر گرفته‌اند و آن هیچ دلالت ندارد، به سبب آن که ابوحنیفه و شافعی از جمله فقها و علمای ظاهر بودند و طعن اصحاب ذوق بر علمای ظاهر مخصوص مذهبی دون مذهبی نیست، طعن از آن راه است نه از راه تسنن. و همچنین در حکایت محیی الدین عربی در اوخر فتوحات در باب سیصد و شصت و ششم - که می‌گوید کلامی که دلالت دارد بر خلافت و امامت جناب صاحب الامر صلوات الله علیه - هم دلالتی واضح بر تشیع او ندارد و آن کلام این است :

«ان لله خلیفة یخرج من عتره رسول الله صلی الله علیه وآله و ولد فاطمة، یواطی اسمہ اسم رسول الله صلی الله علیه وآله، جده الحسین بن علی بن ابی طالب یتابع بین الرکن والمقام، یشبه رسول الله فی الخلق بفتح الخاء وینزل عنه فی الخلق بضم الخاء، اسعد الناس به اهل الکوفة، یعیش خمساً اوسبعاً اوتسعاً یضع الحرمة ویدعو الی الله بالسیف ویرفع المذاهب عن الارض ولا یبقی الا الدین الخالص، اعداؤه مقلدة العلماء اهل الاجتهاد لما یرونه من الحکم بخلاف ما ذهب الیه ائمتهم . . . الی آخر ما ذکره»

به جهت آن که اهل سنت منکر صاحب الامر صلوات الله علیه نیستند و اخبار بسیار از رسول خدا صلی الله علیه وآله در آمدن او نقل می‌کنند. بیش

از این نیست که می گویند هنوز نیامده است ، و آن که محیی الدین گفته دشمن اوفقهای زمان اویند وجه این کلام همان است که مذکور شد یعنی هر که فقیه و از علمای ظاهر است با رفتار فطرب موافقت ندارد ، نه این که مراد از فقها ، فقهای اهل سنت باشد از راه سنی بودن یا دلالت کند بر تشیع او ، و همچنین دلالت واضح بر وجود قائم ندارد به جهت آن که « یخرج » محتمل است که از خروج مراد خروج مصطلح باشد یعنی اظهار شوکت می کند ، و محتمل است که مراد بیرون آمدن و متولد شدن از عترت باشد بلکه این اظهر است .

به هر حال من اصراری ندارم در اثبات تسنن محیی الدین یا وجوب لعن او یا حکم به معذب بودن او در قیامت ، بلکه غرضم این است که خوب بودن هم ثابت نیست . پس او و امثال او مثل ملای روم و غیره از متشابهات علما هستند و از آنها ساکت باید بود نه مدح و نه لعن .

### المسألة الثانية

بعضی متمسک می شوند در عدم جواز لعن به امثال محیی الدین و با یزید و امثال ایشان به حدیثی که در علل روایت شده :

قال الصدوق - ره - حدثنا ابي رحمه الله عن حمران  
 باسناده قال سمعت ابا جعفر عليه السلام : اذا كان الرجل على  
 يمينك على رأي ثم تحول على يسارك فلا تقل الاخيراً ولا تبرء  
 منه حتى تسمع منه ما سمعت وهو على يمينك فان القلوب  
 بين اصبعين من اصابع الله يقلبها كيف يشاء ، ساعة كذا وساعة  
 كذا وان العبد ربما وفق للخير .

مراد از این روایت چه چیز است و به آن می توان استدلال کرد برای مطلب

یا نه ؟ .

## الجواب :

این روایت خبر واحدی است و حال سند او معلوم نیست و در عداد احادیث ضعیفه محسوب است و بر فرض صحت سند ، ظاهر آن معارض به اجماع و اخبار بلکه ضروری دین است به جهت آن که اجماعی همه مسلمانان است که واجب است دوستی دوستان خدا و واجب است دشمنی دشمنان خدا ، و اگر بنا بر این باشد که در هر لمحهای و هر آنی ممکن است که دشمن دوست شود و دوست دشمن پس این تکلیف به عمل نخواهد آمد مگر در کمال ندرت و دوستی و دشمنی از جمله ملکات نفسانیه و حالات راسخه است و این معنی ندارد که در همان آن که کلمه کفر از شخصی شنیدم دشمن او باشم و از او تبری بکنم و همین که لمحهای فاصل شد باید سلب دشمنی بکنم و از او تبری نکنم . و دیگر معنی دوستی دوستان خدا و دشمنی دشمنان خدا این است که در افراد انسان هر دو قسم هست ، اینها را دوست دارد آنها را دشمن ، و هر گاه نتوان تعیین کرد دوست و دشمن را - به جهت آن که در هر لمح احتمال تبدیل رأی و توفیق به غیر حال هست - پس همچو مادهای وقوع نخواهد داشت ، پس باید معنی همه احادیث که وارد شده است در بغض فی الله حمل کرد به همان لمح که از حال آن شخص یقین به بدی داری و حال آن که همه احادیث باطلاقیها دلالت دارد بر خلاف آن . و دیگر اینکه این سخن درباره نیکان هم وارد می آید که دل همه کس ما بین دو انگشت قدرت خدا است پس گناه است که دوست خدا دشمن خدا شده باشد . و این خود بی معنی است که مراد از همه احادیث این باشد که دشمن دارند این نوع را - به این معنی که هر که در علم خدا دشمن است تو آن را دشمن دار - به جهت آن که دوستی کردن و دشمنی



کردن آثار چند دارد که مترتب نمی شود الا در اعیان موجوده نه در ماهیات صرفه  
 و همچنین آیاتی که دلالت دارد بر لعن جماعتی مثل قاطع رحم و ناقض عهد  
 و غیر آن . پس ملاحظه کن حدیثی که کلینی در باب مجالست اهل معاصی ذکر  
 کرده و بین که تبری از اهل معصیت ضرور است یا ضرور نیست ، و به مجرد  
 احتمال تغییر رأی نباید تبری کرد با وجود آن که کلینی در کافی روایت کرده  
 در سند صحیح از داود بن سرحان از حضرت صادق علیه السلام ، قال :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اذا رأيتم اهل الريب  
 والبدع من بعدى فاطهروا والبراءة منهم واكثروا من سيهم والقول  
 فيهم والوقية وباهتوا لهم كيلا يطمعوا في الفساد في الاسلام  
 ويحذرهم الناس ولا يتعلمون من بدعهم يكتب الله لهم بذلك  
 الحسنات ويرفع لكم به الدرجات في الآخرة <sup>١</sup> .

وعن الصادق عليه السلام ايضاً :

وسئل عن ايمان من يلزمنه حقه واخوته كيف هو وبما يثبت  
 وبما يبطل؟ فقال : ان الايمان قد يتخذ على وجهين : اما احدهما  
 فهو الذى يظهر لك من صاحبك فاذا ظهر لك منه مثل الذى  
 تقول به انت ، حقت ولايته واخوته الا ان يجيء منه نقض  
 للذى وصف من نفسه واظهره لك ، فان جاء منه ما تستدل به  
 على نقض الذى اظهر لك خرج عندك مما وصفت لك واظهر  
 وكان لما اظهر لك ناقضاً . الا ان يدعى انه انما عمل ذلك  
 تقية ، ومع ذلك ينظر فيه فان كان ليس مما يمكن ان تكون  
 التقية فى مثله لم يقبل منه ذلك ، لان للتقية مواضع ، من ازالها

١ . اصول کافی ، ج ٢ ، ص ٣٧٥ .

عن مواضعها لم تستقم له . . الحديث <sup>١</sup> .

فان قوله عليه السلام « وكان لما اظهر لك ناقضاً الا ان يدعى . . » يفيد انه خرج عن اخوة الايمان بسبب ذلك الاظهار ، وسواء مر عليه شهر او عام او ازيد ، الا ان يدعى التقيّة وكان ممكناً في حقه .

وفى الحسن عن ابن ابي عمير عن محمد بن حكيم وحماد بن عثمان عن ابي مسروق قال : سألت ابا عبد الله عليه السلام عن اهل البصرة : ما هم ؟ فقلت : مرجئة وقدرية وحرورية . فقال لعن الله تلك الملل الكافرة المشركة التي لاتعبد الله على شيء <sup>٢</sup> .

فان الظاهر ان مراده لعن الموجودين في البصرة ، مع احتمال تجسد آرائهم عند اللعن .

لا يقال : ان الامام لعله يعلم انهم باقون على احوالهم ويموتون على هذا الحال .

لان الاصل عدمه، مع كمال بعد ذلك، مضافاً الى منافاته لسؤاله عن ملتهم الى غير ذلك من الاخبار .

هذا ، مع ان الاخبار الصحيحة المستفيضة القائلة بعدم جواز نقض اليقين بالشك وعدم جواز نقضه الا بيقين مثله يثبت استصحاب التبري واستحقاق اللعن الى أن يثبت المخرج .

هذا ، مضافاً الى عدم قبول توبة المرتد الفطري كما دل عليه صحيحة محمد ابن مسلم عن الباقر عليه السلام قال :

من رغب عن الاسلام وكفر بما انزل على محمد - صلى

الله عليه وآله - بعد اسلامه فلا توبة له ، وقد وجب قتله وبانت

١ . ايضاً ، ج ٢ ، ص ١٦٨ .

٢ . ايضاً ، ج ٢ ، ص ٤٠٩ .

منه امرأته ويقسم ما ترك علي ولده<sup>۱</sup>

فاذا حكم ببقائه علي تلك الحال مع التوبة فمع عدمها او عدم معلوميتها فأولى بذلك .

مع انه يمكن ان يوجه رواية العلل بأن المراد انه اذا ظهر من مسلم رأي علي معصية ونية وقصد عليها وذهب ساعة من ذلك احتمال تجدد رأيه وندامتة فلا تبرأ منه ولا تحكم بفسقه ، لاحتمال تجدد رأيه وندامتة ، فان قال ثانياً بما قال اولاً واطهر قصده فانه حينئذ يصير مصرراً علي الصغيرة علي وجه وثبت فسقه . وبالجملة هذا خبر ضعيف في مقابل الاخبار الصحيحة المتواترة بالمعنى واجماع المسلمين بل ضرورة الدين ، فلا التفات اليه الا ان من المثل السائر ان الغريق يتشبث بكل حشيش .

وايضاً بنا بر استدلال آن شخص به اين حديث لازم می آيد که بر هيچ يك از كفار و منافقين سلف لعن نتوان کرد به جهت آن که احتمال دارد که در حال رفتن توبه کرده باشند .

والحاصل مدعای حقير رد بر استدلال اين شخص است که مقتضى او آن است که هر گاه کسی به سبب کلامی مستحق لعن و تبری شد به مجرد احتمال رجوع از آن اعتقاد نبايد از او تبری کرد، نه اين که مدعايم اين باشد که بعض اشخاص مذکوره هر گاه حال ايشان متشابه باشد به سبب اختلاف کلامهای ايشان ، باز بايد ايشان را لعن کرد و تبری کرد به سبب آن کلمه نا شايسته . به جهت آن که پيش گفتيم و به جهت آن که فرموده اند :

ادروا الحدود بالشبهات

پس هر يك از آنها که معلوم شد که بر کفر بوده اند و رافعی معلوم نشد يا

۱ . وسائل الشيعه ، ج ۱۸ ، ص ۵۴۴ .

آن که امام زمان او را لعن کرد در آن اشکالی نیست ، و هر کدام که امر او مشتبه است پس در شأن او « علیه ماعلیه » می گوئیم . پس ملای رومی مثلاً هر گاه اعتقاد وحدت موجود داشته - چنان که ظاهر اکثر کلمات اوست - یا معتقد جبر بوده - چنان که بسیاری از اشعار مثنوی دلالت دارد - یا معتقد جبت و طاغوت و اتباع ایشان است - چنان که اول تا آخر مثنوی شاهد آن است - پس ما را لازم است تبری از او ، و اگر معلوم شود که از راه تقیه این سخن ها را گفته تبری نباید کرد . و چون به سبب بعضی اشعار که از خارج مثنوی از او نقل کرده اند که دلالت بر خلاف آن دارد - هر چند ثابت نیست - امر او مشتبه است الحال ما او را « علیه ما علیه » می گوئیم . و احتمال تقیه همچنان که در اظهار اعتقاد به جبت و طاغوت هست در اعتقاد به جبر و وحدت موجود نیز هست - چنان که طریقه مشایخ مخالفین است - لیکن تقیه با این اصرار بسیار بعید است . و ان لکل حق حقیقه و لکل صواب نوراً ' از کوزه برون همان تراود که در اوست .

\* \* \*

این گفتگوها که تا به اینجا کردیم جواب است از این که سؤال شده بوده که آیا محیی الدین و حلاج و امثال اینها به سبب کلمات کفر آمیز ایشان مورد لعن و تبری هستند یا نه ؟ و بر فرضی که آن کلمات باعث این معنی شد آیا جواب از آن حدیث چه خواهد [ بود ] و مقتضی آن حدیث آن است که شاید آنها قبل از مردن از مقتضی آن سخن ها توبه کرده باشند .

اما باید دانست که آن شخص هواداری که به این حدیث استدلال کرده است یا بی وقوف است و خبر از مذهب آن اشخاص ندارد و گمان می کند که

---

۱ . اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۶۹ .

آنها مراد دیگر دارند و این کلمات از ایشان به غلط سر زده و خدا آنها را عفو می کند، یا آن که با وقوف است و خواسته است دفع سخن های بی وقوف های ملاحظاتی ظاهر را از ایشان بکند که چون چنین حدیثی وارد شده شما به آنها سخن مگوئید و آنها را بد ندانید . و اما سایر محبان و هوا داران ایشان که از جمله علما و دانشمندان و با وقوفانند نسبت غلط به آنها نمی دهند و به همچو حدیث ها متمسک نمی شوند ، بلکه می گویند که آنچه این اشخاص گفته اند - که شما کفر می دانید - از اسرار ائمه معصومین است ، و ائمه ما علیهم السلام آنها را به بعضی خواص خود مثل کمیل بن زیاد و ابیسی قرنی و جابر جعفی تعلیم کرده اند ، و استشهد می کنند بر این مطلب به حدیث :

او علم ابوذر ما فی قلب سلمان لقتله - اول کفره -

و به احادیثی که دلالت می کند بر اینکه احادیث ما صعب است و تاب آن نمی آورد مگر ملک مقربی یا نبی مرسلی یا مؤمنی که خدا امتحان کرده است دل او را برای ایمان ، و به حکایت کمیل بن زیاد که در نهج البلاغه مذکور است آن جایی که می فرماید :

ها ان هی هنا لعلماً جمأ - مشیراً الی صدره - لو اصبت له  
 حملة ، بلی اصبت لقنا غیر مأمون علیه ، مستعملاً آله الدین للدنیا  
 مستظهِراً بنعم الله علی عباده ، وبحججه علی اولیائه ، او منقاداً  
 لحملة الحق ، لا بصیرة له فی احنائه ، ینقدح الشک فی قلبه لاول  
 عارض من شبهة ، ألا لا ذاً ولا ذاک ، او منهوماً باللذة سلس القیاد  
 للشهوة ، او مغرماً بالجمع والادخار ، لیساً من رعاة الدین  
 فی شیء ، اقرب شیء شبهاً بهما الانعام السائمة . كذلك  
 يموت العلم بموت حاملیه .

اللهم بلى لاتخلو الارض من قائم لله بحجة . اما ظاهراً

مشهوراً وواخفاً مغموراً - الى آخر ما ذكره عليه السلام .<sup>۱</sup>

واینها هیچ يك دليل نمی شود بر این که مراد ائمه طاهرين ورسول رب العالمين صلی الله عليهم اجمعين از آن اسرار اینها باشد که این جماعت می گویند باید این را اثبات کنند . و دیگر این که هر گاه بر فرض تقدیر که اسرار همینها باشد پس از کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله معلوم شد که آن سر را نباید گفت، و هر که بگوید آن را قتل و لازم می شود بر کسی که آن را فهمد، و حرجی هم بر قاتل نخواهد بود به جهت آن که شکمی در بزرگی و عظمت و جلالت هیچ يك از سلمان و اباذر نیست - بلکه در احادیث هر دورا از اهل بیت شمرده اند پس هر گاه سلمان آن سر را فاش می کرد و اباذر می شنید بر اباذر لازم می شد که او را بکشد و اباذر از مرتبه بزرگی خود بیرون نمی رفت - بلکه اطاعت و بندگی او ظاهر تر می شد - اما سلمان از مرتبه سلیمانیت در می رفت و معصیت بر او لازم می شد که خود را به کشتن داد ، و همچنین تکفیر کردن اباذر او را به جا می بود و بر او چیزی نبوده، و سلمان مخالفت شرع مقدس کرده بود و خود را در موضع تهمت در آورده بود ، پس شما اگر می دانید که این اسرار همان اسرار است پس چرا دائم در کتابها می نویسید و در مجامع و مدارس از برای هر ناعق و ناهق می خوانید - و با وجودی که بزرگان شما می گویند این به غیر کشف از راه ریاضت و مجاهده حاصل نمی شود ، و نه اکثر علمای شما اهل آن هستند و نه کافه متعلمین - پس این حدیث شریف اثبات کفر این جماعت یافسق آنها را می کند به جهت آن که اگر این سر آن سر نیست پس کافرند و اگر همان است پس بایست کتمان کنند و چون نکردند مخالفت پیغمبر - صلی الله

۱ . نهج البلاغه ، ص ۵۹۴ - ۵۹۵ ( باب المختار من حکم امیر المؤمنین - ۱۴۷ ) .

علیه وآله - کرده‌اند و فاسق شده‌اند .

ومعاذالله از آنچه در این عصرها مشاهده می‌کنیم . . هر که ابجد خوان شد و در محافل این فرقه نشست بی‌حجاب و پرده در کمال بی‌شرمی و بی‌پروایی تصریح به این عقائد می‌کند ، و هر گاه از پی آنها دو قدم بر وی که معنی آن کلمات که می‌گویی بیان کن هیچ نمی‌تواند گفت . با وجود این که می‌توانیم گفت که سلمان را شأن رفیع و مقدار عظیم از علم بود ( و شاید اسم اعظم را هم می‌دانسته و به برکت آن اطلاع بر بعض امور به هم می‌رسانیده که سایر عقول قبول آن نمی‌کرده ، یا آن که از فضائل جناب امیرالمؤمنین چیزهایی دانسته از اموری که خارج از طور انسانی بوده - که دیگران طاقت آن نمی‌آورده‌اند چنان که در خطبه‌ای که - شیخ طبرسی در احتجاج از او نقل کرده که گفته است فلو حدثتکم بکل ما اعلم من فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام لقال طائفة منکم : هو مجنون ، وقال طائفة اخرى : اللهم اغفر قاتل سلمان )<sup>۱</sup> .

و اما صعوبت فهم احادیث ایشان که از اخبار معلوم می‌شود پس معلوم نیست که مراد از آنها این اسرار مخصوصه باشد که اینها مدعی‌اند ، به جهت آن که پر معلوم است که همه احادیث ایشان صعب نیست - هر گاه بنا را بر ظاهر بگذاریم چنان که مقتضی عقل و عرف و عادت است - و صعوبت پاره‌ای از آنها هم یقینی است مثل اخبار ارزشقه و حکایات معراج جسمانی و حکایت خلق ارواح قبل از ابدان به چهار هزار سال و خلقت نور پیدمیر صلی الله علیه وآله و ائمه طاهرين قبل از همه و میثاق گرفتن از انبیا و ملائکه به جهت ایشان و غرائب و عجائبی که در شأن امیرالمؤمنین و سایر ائمه فرموده‌اند که از ایشان سر زده و سؤال قبر و فشار قبر و امثال اینها که بر ظاهر افهام بسیار صعب است

۱ . احتجاج ، ج ۱ ، ص ۱۵۱ .

فهمیدن آنها و قبول کردن آنها ، حتی این جماعتی که اصحاب اسرارند از حقیقت باز مانده همه را تاویل کرده اند و بر خیالات فاسده خود حمل کرده اند پس از کجا معلوم شد که باید معنی احادیث صعبهٔ ایشان این باشد که حق تعالی عین همه اشیاء است یا حلول می کند در اجسام ، یا در هر لمحّه ای به شکلی متشکل می شود و موجودات ، مراتب ترقی و تنزل اویند ، و او مثل دریا است و سایر مخلوقات مثل موج و امثال این سخن هائی که به غیر مثال و تشبیه به هیچ نوع تفسیر از آن نمی توانند کرد ، و ظاهر این سخن ها همه کفر و زندقه است . تعالی الله عما یقولون .

و اما حکایت کمیل ابن زیاد پس آن نیز بسه هیچ وجه دلالتی ندارد . غایت امر آن است که دلالت می کند بر این که بعضی علوم در نزد آن حضرت بوده که همه کس اهل آن نبوده ، و معلوم نیست که اینها باشد که ایشان مدعی آنند . با وجود آن که آن حضرت در باب نیافتن حامل علوم می فرماید اینکه : بعضی مردم کم فهم و اهل تقلید و قدم ثبات در فهم مسائل و ضبط و حفظ علوم ندارند و به اندک شبهه از دین دست برمی دارند و چنین شخصی طاقت تحمل دین و القای علوم ندارد ، و بعضی از مردم که زیرک و چیز فهمند مأمون نیستند و محل امانت این علوم نیستند به جهت آن که استعمال می کنند آت دین را در دنیا - یعنی علم را پایهٔ تحصیل دنیای خود می کنند و به آن طلب سروری می کنند و جلب منافع دنیوی می کنند - و چنین کسی لایق آن نیست که کسی علم را به او بیاموزد ، و آموختن علم به چنین کسی هم اعانت بر معصیت است . و بر صاحب فهم و دانش مخفی نیست که این گفتار دلیل است بر این که این علم اسرار اهل تصوف نیست به دو جهت :

جهت اول این که ایشان می گویند که ادراک این علوم ممکن نیست مگر



به ریاضت و مجاهده و مخالفت نفس و پساك كردن نفس از اخلاق ذمیه كه سر كرده آنها محبت دنیاست . پس چگونه این علوم منكشف می شود بر دنیا پرست متصف به این صفات ذمیه كه آن حضرت فرموده كه : بلی می یابم اهل ادراك آن علوم را ، اما این مانع را دارد كه دنیا پرستند .

**دوم** این كه استعمال آلت دین - كه مراد علم است به احكام آن - در دنیا بالعیان مشاهد است كه در اسرار صوفیه نیست ، به جهت این كه ریاست دنیا بیشتر به ارادت و نیروی عوام الناس می شود و اسرار صوفیه نه به فهم آنها می رسد كه به سبب آن عالم به آن را تعظیم كنند و پیروی كنند و نه هم مقبول طبع ایشان است . اگر خواهی مشاهده كن و شهرت بده كه فلان كس صوفی است ، بین اغلب مردم از او نفرت می كنند تا به حدی كه او به درد گرسنگی و برهنگی گرفتار می شود یا این كه همه به او رومی كنند و دنیاى او را رونق می دهند ؟ و این كه می بینی كه بعضی از این جماعت در میان مردم شهرت می كنند و مردم ارادت به آنها هم می رسانند به جهت همان است كه خود را به اهل شرع می چسبانند و دم از حلال و حرام می زنند و ذكر محامد اخلاق می كنند و مردم را از اخلاق ناشایسته منسع می كنند ، و چون طلبه و محصلین كه در دور آنها جمع می شوند وصف فضیلت و ملائى او را هم می كنند و عوام هم از خود او بعضی آثار شریعت را می بینند بر دور او جمع شده دنیاى او رونق می یابد . پس حقیقه آلت دینی كه آلت دنیاى او شده علوم ظاهریه است نه علوم باطنیه و محض عالم و فاضل بودن است نه عالم بودن به اسرار تصوف .

اگر بگویی كه پس این علم بسیار - كه امیرالمؤمنین ( علیه السلام ) می فرمود در سینه من است و اهلی از برای آن نمی یابم - مسائل حیض و نفاس است یا مسائل تیراندازی و اسب دوانی كه در كتابهای فقه نوشته اند ؟

پس می گویم ۱۹۱: چون استخفاف کردی به مسائل حیض و نفاس که از شرائط صحت نماز است که ستون دین و تالی معرفت الله است [ از ] باطن شریعت مقدسه [ طلب ] امداد کرده می گویم : بلی مسائل حیض و نفاس است اگر می خواهی از برای تو شاهی بیارم که آن صحیحۀ خلف بن حماد است و حاصل مضمون آن این است که : شخصی از حضرت کاظم ( علیه السلام ) سؤال کرد در باب زنی که خون بکارت او به خون حیض مشتبّه شود . فرمود پنبه بخود بر دارد و زمانی صبر کند و هموار بیرون بیاورد ، هر گاه خون بر پنبه طوق زده است معلوم است که از بکارت است و اگر پنبه را فرو گرفته خون حیض است . و در آن حدیث مذکور است که آن حضرت نگاه کردند در میان خیمه به جانب چپ و راست - از ترس آن که کسی کلام آن حضرت را بشنود پس فرمود :

یا خلف ! سرالله فلا تذبعوه ولا تعلموا هذا الخلق اصول

دین الله بل ارضوا بمارضی الله لهم من ضلال<sup>۱</sup>

و احادیث بسیاری که وارد شده است در منع فاش کردن اخبار و احادیث ائمه ، اکثر آنها محمول است بر همین معنی یا بر تقیه و پنهان داشتن دین . پس ملاحظه کن کتاب محمد بن یعقوب کلینی را ، فروی فی الحسن عن یونس عن محمد الخزاز عن الصادق علیه السلام قال :

من اذاع علينا حدیثنا فهو بمنزلة من جحدنا حقنا<sup>۲</sup>

قال : وقال للمعلی بن خنیس :

المدبغ حدیثنا کالجاحد له<sup>۲</sup>

وفی الصحیح عن ابن ابی یعفور قال : قال ابو عبد الله علیه السلام :

۱ . وسائل ، ج ۲ ، ص ۵۳۶ .

۲ . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۷۰ .

من اذاع علينا حديثنا سلبه الله الايمان<sup>١</sup>  
 وعن يونس عن يونس بن يعقوب عن بعض اصحابه عنه عليه السلام قال:  
 ما قتلنا من اذاع حديثنا قتل خطأ ولكن قتلنا قتل عمداً<sup>١</sup>  
 وفي القوى عن ابي بصير عنه عليه السلام يقول في قول الله عز وجل: «وتقتلون  
 الانبياء بغير الحق» فقال :

اما والله ما قتلوهم بأسيا فهم ولكن اذاعوا سرهم وافشوا عليهم فقتلوا<sup>٢</sup>  
 الى غير ذلك من الاخبار . . .

پس اگر بگوییم که این توجیهاات در زمان سایر ائمه خوب است ، اما در  
 کلام امیر المؤمنین نمی تواند شد که مراد ابقای مخالفین باشد بر جهالت یا از  
 راه تقیه باشد ، چون آن حضرت امام مستقل بود در زمان خلافت خود نزد  
 شیعه و سنی .

جواب می گویم: اولاً این که معلوم نیست که این مکالمه با کمیل در حالت  
 استقلال بوده باشد . وثانیاً این که مگر نشنیده و ندیده ای احادیثی را که آن  
 حضرت گاهی ملجأ می شد به و گذاشتن مردم در بدعت های خلفای سابق  
 بر خود و نتوانست تغییر بدهد بدعت هارا ، به جهت آن که محبت خلفای سابق  
 در خلق رسوخ کرده بود . ملاحظه کن احادیثی که در نهی از نماز تراویح  
 وارد شده . فروی الشیخ فی الموثق عن عمار عن الصادق علیه السلام قال :

سألته عن الصلاة فی رمضان فی المساجد جماعة . فقال :

لما قدم امیر المؤمنین علیه السلام بالكوفة امر الحسن بن علي  
 ان ینادي فی الناس « لاصلاة فی شهر رمضان فی المساجد

١ . اصول کافی ، ج ٢ ، ص ٣٧١ .

٢ . ایضاً ، ص ٣٧١ .

جماعة» ، فنادى فى الناس الحسن بن علي بما امره به امير المؤمنين ، فلما سمع الناس مقالة الحسن بن علي صاحوا : واعمره ! واعمره ! فلما رجع الحسن الى امير المؤمنين عليه السلام قال له : ما هذا الصوت ؟ قال : يا امير المؤمنين ، الناس يصيحون واعمره واعمره ، فقال امير المؤمنين عليه السلام :  
 قل لهم صلوا ١ .

وروى الكليني فى الحسن عن حماد بن عيسى عن ابراهيم بن عثمان عن سليم بن قيس الهلالي قال :

خطب امير المؤمنين عليه السلام فحمد الله واثنى عليه - الى ان قال - قال :  
 قد عملت الولاة قبلى اعمالا خالفوا فيها رسول الله صلى الله عليه وآله متعمدين لخلافه ، ناقضين لعهد ، مغيرين سنته ، ولو حملت الناس على تركها لتفرق عني جندى حتى ابقى وحدى او قليل من شيعة  
 - الى ان قال : -

والله لقد امرت الناس ان لا يجتمعوا فى شهر رمضان الا فى فريضة ، واعلمتهم ان اجتماعهم فى النوافل بدعة ، فننادى بعض اهل عسكرى ممن يقاتل معى : « يا اهل الاسلام غيرت سنة عمر ! ينهانا عن الصلاة فى شهر رمضان تطوعاً » ، ولقد خفت أن يثوروا فى ناحية جانب عسكرى - الحديث ٢ .  
 ويؤدى مؤدى ذلك او اشد منه مارواه ابن ادريس فى آخر السرائر ٣ .  
 ومعلوم است كه آن حضرت را محبان وشيعيان خواص بود واين شكوه

١ . تهذيب ، ج ١ ، ص ٢٦٧ .

٢ . روضة كافي ، ص ١٥٦ .

٣ . سرائر ، ص ٢٨٤ .

و شکایت به جهت عدم قابلیت اکثر اهل زمان خود است ، نه این که مطلقاً حامل علم نداشته باشند .

اگر گویی که پس این استثناء آخر که می فرماید :

« اللهم بلی لاتخلوالارض من قائم لله بحجة »

دلالت می کند بر این که آن علوم و اسرار ، مخصوص آن حضرت و امثال

او از معصومین است و این کافی است در مطلب .

جواب می گویم که اول سخن را فراموش کردی که حضرت فرمودند که

نگفتن علوم به جهت عدم قابلیت است یا از راه بی دینی مردم و اهل دنیا بودن

یا از راه کم فهمی و نادانی و یا از راه بی اعتنائی به جهت حرص به جمع مال

و متابعت شهوات و لذات ، و آنها مناسب این نیست که این علوم مخصوص

معصومین باشد . و بر فرضی که چنین باشد چه نفعی به شما دارد ؟ مگر این که

بگویند که هر يك از مشایخ ایشان مثل هر يك از معصومین است ، چنان که

می گویند و به این اشاره کرده است ملا در مثنوی که می گوید :

پس امام حی ناطق آن ولی است خواه از نسل عمر خواه از علی است

و گویا مراد او رد بسر شیعه باشد در وجود صاحب الامر . و چون شیعه

می گویند که امام ما صاحب زمان از نسل علی است او می گوید امام زمان

آن است که ولی است ، می خواهد از نسل عمر باشد می خواهد از نسل علی .

و دیگر این که آن استثناء از آن کلام آخر است که حضرت می فرماید :

كذلك يموت العلم بموت اهليه .

یعنی : هر گاه زمان چنین شد که مردم يك پاره چنان باشند و يك پاره

چنین - از اقسامی که ذکر فرموده اند - پس حامل علم بر طرف می شود ،

و آهسته آهسته به جایی می رسد که حاملی نماند و چون علم عرضی است که بی

محل نمی‌تواند بود پس می‌میرد علم به سبب موت اهل آن . خداوندا بلی ، چون هیچ زمانی خالی از امام قائمی نیست - یا ظاهر مشهور و یا ساکت ترسان پنهان - پس حامل علم فی الجمله هرگز نمی‌میرد .

و گمان می‌کنم که سخن که به اینجا رسید دانشمندان به این نادان بحث می‌کنند که ای جاهل غافل ! ایشان به این کلام ها استدلال نمی‌کنند بر اسرار خود که تو رد کنی ، بلکه می‌گویند که اینها دلیل آن است که سری می‌باشد و علم باطنی هست که همه کس نمی‌داند ، بر رد آن کسی که می‌گوید که علم همین علم ظاهر است . نه این که مراد اینها این باشد که این حدیث ها دلالت می‌کند که آنچه ایشان می‌گویند اسرار ائمه معصومین باشد .

پس می‌گویم که بلی ای دانا ! اما فهمیدیم مراد استدلال را ، امامی گویم که اسرار نهانی بسیار چیزها می‌تواند بود ، و ما هم قبول داریم که بسیاری از علوم را همه کس نمی‌داند اما چه نفعی به حال تو دارد ؟ با وجود آن که در بسیاری از آن کلمات محامل دیگر هست که اشاره به بعضی آنها کردیم . بلکه احادیث در بسیاری از مواضع ظاهر بلکه صریح در این است که اینها نیست و از جمله احادیثی که می‌توان استدلال بر کذب این طایفه کرد این است که اغلب آنها از علم شریعت عاری و بی بهره اند و مسائل حلال و حرام را نمی‌دانند و کلینی به سند صحیح از معاویه بن وهب روایت کرده قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول :

ان آية الكذاب أن يخبرك خبر السماء والارض والمشرق  
والمغرب ، فاذا سألته عن حرام الله وحلاله لم يكن عنده  
شيء .<sup>۱</sup>

۱ . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۴۰ .

## المسألة الثالثة :

کتاب حدیقة الشیعه از ملا احمد اردبیلی رحمه الله است یا نه ؟

## الجواب :

بلی به استفاضه و نقل ثقات ثابت شده که از آخوند ملا احمد اردبیلی علیه الرحمه است و از جمله کسانی که تصریح کرده اند به آن ، ملا محمد طاهر قمی ( ره ) است در کتاب ملاذالاحیاء و غیره و شیخ حر عاملی در کتاب رجال خود - و ایشان معاصر یا مقارب العصر بوده اند - و انکار این معنی می تواند شد که از بعضی جهال صوفیه باشد که چون فضیلت و خوبی آخوند مرحوم را انکار نمی توانند کرد متمسک می شوند به انکار استناد کتاب به ایشان ، زیرا که در آنجا مبالغه بسیار در مذمت و انکار صوفیه شده است و این به آن می ماند که میرزا مخدوم سنی در نواقض الروافض استبصار را به ابن مطهر حلی نسبت داده .

## المسألة الرابعة :

آخوند ملا محسن در سفینه النجاة می گوید که آیه شریفه  
« ومن لم يحکم بما انزل الله فأولئك هم الکافرون »<sup>۱</sup>  
در شأن مجتهدین است ، پس حال او چون خواهد بود ؟

۱ . سورة مائده ، آیه ۴۴ .

## الجواب :

هر چند کتاب سفينة النجاة الحال در نزد حقیر حاضر نیست، نهایت این قدر می دانم که این سؤال در عداد سؤال های دیگر نیست و طعن آخوند ملا محسن به مجتهدین از راه اعتقادات و مذهب نیست، به جهت آن که آخوند بر فرضی که صوفی باشد صوفیه علمای ظاهر را کافر نمی دانند، هر چند علمای ظاهر ایشان را تکفیر کنند آنها علمای ظاهر را تکفیر نمی کنند، هر چند از علمای ظاهر هم خوش نمی آیدشان، اما آخوند ملا محسن کتایه به مجتهدین مکرر می گویند و این سخن به سخن های او می ماند. و وجه آن این است که آخوند را گمان این است که مجتهدین امامیه به قیاس و استحسان عمل می کنند در مسائل فروع - چنان که طریقه اهل سنت است - و به این سبب گفته که ایشان حکم به غیر ما انزل الله می کنند، و در شأن کسی که حکم به غیر ما انزل الله بکند این آیه نازل شده است. و امثال این عبارات بسیار دارد چنان که در اول مفاتیح آن همه تعریضات و کنایاتی که گفته است مراد او عیب جوئی طریقه مجتهدین است، و همچنین در مسأله متنجس و غیر آنها. و حق این است که این اسناد به علمای ما غلط است و ایشان هیچ يك عمل به قیاس اهل سنت و به اصول مبتدعه ایشان نمی کنند به غیر نادری از قدمای اصحاب مثل ابن جنید - که به جهت شبهه ای که از برای او عارض شده بوده یا به جهت شدت تقیه در زمان او گاهی عمل به قیاس می کرده و سایر علمای ما از قیاس و عامل به آن تبری می کنند.

آخوند در اغلب اوقات در فهم مطلب مجتهدین اشتباه کرده است و دلالت تنبیه را که از مدلولات کلام شارع است قیاس انگاشته، یا اگر غفلتی از برای مجتهدی در استفاده دلالت رو داده باشد آن را معتقد آن دانسته، ایشان را ملامت



می‌کند. ولیکن. چون آن نوع گفتار که در اول مفاتیح و سایر کتاب‌های اصول خود می‌کند نسبت به مجتهدین، و دعوی‌های بزرگ می‌کند - که من آن چه می‌گویم از نور و الهام الهی است و آن چه آنها می‌گویند از تقلید و قیاس و اصول مبتدعه است - لایق بزرگان خصوصاً مدعیان حال و ذوق و صفای باطن نیست، باطن مجتهدین و علمای امامیه او را مبتلا به این کرده است که در اغلب مواضع مفاتیح کارها کرده است که هیچ مجتهدی نکرده، و به قیاس و قواعد چند عمل کرده که بعضی اهل سنت هم از آن استنکاف می‌کنند، و حاصل آن که در تألیف مفاتیح زلات و غفلات او از حد و نهایت بیرون است که اینجا مقام ذکر آنها نیست. هر که فی الجمله اطلاعی از فقه و طریقهٔ مذهب شیعه دارد می‌داند که او بیشتر بی دلیل فتوی داده و به قیاس عمل کرده تا فقها و مجتهدین. به هر تقدیر این گفتارهایی که ما بین اصولی و اخباری و مجتهد و غیر مجتهد است، نقلی به دین و ملت و کفر و اسلام ندارد.

### المسألة الخامسة :

آخوند ملامحسن در عین الیقین گفته که کفار اگر چه مخلد می‌باشند لکن عذاب ایشان منقطع می‌شود. آیا او را «علیه الرحمه» می‌توان گفت یا العنش باید کرد یا ساکت باشیم و «علیه ما علیه» بگوئیم؟

### الجواب :

هر چند عین الیقین نزد حقیر نیست اما قبل از این که گاهی مطالعه آن می‌کردم در خاطر هست که دیده باشم و لکن تفصیل عبارت او در خاطر من نیست پس می‌گویم که اگر مراد او همان است که محیی الدین گفته پس آن مخالف

قرآن واحادیث واجماع مسلمین است، و خلافی ندارند در این که کفار و منافقینی که حجت به آنها تمام شده و بر کفر خود باقی مانده اند مخلدند در آتش، و در عذاب و محنت و شدت می باشند و عذاب از ایشان سبک نمی شود چنان که صریح آیات قرآنی است . و بودن در آتش و لذت بردن از آن عذاب نیست بلکه راحت است به جهت ایشان . و مؤید بطلان این مدعی است آیه شریفه که در شأن گوساله پرستان نازل شده :

« وقالوا ان تمسنا النار الا اياماً معدودة قل اتخذتم عند الله عهداً فلن يخلف الله عهدہ ام تقولون علی الله مالا تعلمون . بلی من کسب سیئة و احاطت به خطیئته فأولئك اصحاب النار هم فیها خالدون »<sup>۱</sup> .

که ترجمه شریفه آن این است که گفتند یهودان که مدت عذابی که ما را به آن عذاب می کنند چند روزی است که می توان شمرد - و آن ایامی است که در آن گوساله پرستیدیم - و آن منقضی می شود و بعد آن به بهشت می رویم . (حق تعالی می فرماید که : ) بگوا ای محمد آیا گرفته اید از نزد خدا عهدی که عذاب شما بر کفر شما منقطع می شود و دائمی نیست ؟ پس هرگز خدا خلاف عهد خود نمی کند ، بلکه دروغ می گوئید در این دعوی و افترا می گوئید به خدا . و نیست عذاب شما مگر عذاب دائمی . و کسی که بکند گناهی و فرو گیرد او را گناه او - به معنی این که او را از دین خدا دربرد - پس آن گروهی که چنین گناهی کنند اصحاب آتش اند و همیشه در آتش خواهند بود .

و پر معلوم است که تشویش کفار و وعید خداوند قهار و ترسانیدن از آتش نمی تواند بود که آتشی باشد که ملایم طبع ایشان باشد مانند قاذورات از برای

۱ . سورة بقره ، آیه ۸۰ .

جمل ، بلکه این نویدی است برای ایشان . و دیگر فرق یهودان ما بین ایام  
معدوده و خلود در آتش نیست مگر به جهت فرق ایام عذاب و ایام راحت ،  
و در صورت موافقت طبع غذایی نخواهد بود . و از این جهت است که مرحوم  
**قاضی نورالله شوشتری** که شیوة اوشیعه تراشی است و اکثر علماء صوفیة  
اهل سنت را به مجرد استدلال ضعیفی از بعض کلمات ایشان شیعه دانسته به  
جهت مصاحبتی که در این معنی در نظر داشته و همچنین خود را از جمله قائلین  
به وحدت وجود دانسته و مذاهب صوفیه همه را به همین بر گردانیده - کلام  
محیی الدین را در این که « عذاب » اهل نار مبدل به « عذب » می شود و گوارا  
می شود توجیهات کرده که مفاات با شریعت مقدسه نداشته باشد . از جمله این  
که می گوید مراد محیی الدین از اهل نار - که ممتع می باشد در نار - محتمل  
است که ملائکه موکله باشند نه اشخاص معذبه ، و احتمال بعید دیگر هم ذکر  
کرده که به جهت کمال بعد ذکر نکردم .

و اگر عقل ما وفا نکند به این که چگونه می شود که درازای معصیت ایام  
معدوده و روزگار قلیلی از عمر دنیا ، عذاب به آن سختی بکشد و هرگز از او  
سبک نشود نباید انکار آیات و احادیث و اجماع مسلمین کنیم ، با وجود آن که  
عقل هر گاه تأمل کند در بزرگی خالق و حقارت مخلوق و این که با وجودی که  
جمیع اعضا و جوارح و قوای او همه از لطف و انعام خالق است و همه نعمت ها  
را در دنیا براو تمام کرده و راه نجات را به او نموده و فیض ابدی را از برای  
او مهیا کرده و اتمام حجت کرده و از برای او سه هیچ نحو بهانه نگذاشته  
با خالق خود راه ستیزه ببیماید و تمام عمر در عداوت و دشمنی او به سر بیارد ،  
می تواند یافت که چنین شخصی مستحق سوختن است ابدالابد . چنان که در دنیا  
مشاهده می کنیم که هر گاه بزرگی به یکی از ملازمان خود انحاء احسان

وملاطفت کند و همه جوهره ملاطفت را از او دریغ ندارد ، بی سبب و جهت آن ملازم به آقای خود جنایت بزرگی بکند - مثل آن که درصدد قتل او برآید یا به حریم او اراده خیانت کند - اگر آن آقا مطلع شود و خود را محافظت کند نهایت بعد از آن انتقام از آن ملازم بکشد و باز او را در خانه بگذارد و انواع مهربانی بکند ، اگر آن ملازم اندک فهمی دارد از خجالت می میرد و هزار بار آرزو می کند که آقا از او انتقام کشیده باشد و راضی نمی شود به این که از او انتقام نکشد .

اما این است که اقسام کفر و انواع اصناف مختلفند ، بلکه گاه است که از برای بعضی از کفار جهنم ابدی هست ولیکن تخفیف در عذاب او می شود چنان که از بعضی احادیث مستفاد می شود - اما این که همه کفار عذاب ایشان بر داشته می شود و عذاب به شیرینی مبدل می شود پس این از دین اسلام نیست .

اما چون مراد آخوند ملامحسن معلوم نیست و تشیع و محبت و پیروی او به خاندان نبوت و تبری او از جبهت و طاغوت و اتباع ایشان ظاهر است ، بی ادبی به خدمت ایشان نمی کنیم و امید از خداوند رحیم رحمان داریم که او از جمله برگزیدگان و ناجیان ورستگاران باشد ، و آنچه از بعضی از کلمات او ظاهر می شود مراد او از آن معنی صحیح باشد ، و ما هرگز او را لعن نمی کنیم .  
غفر الله له و لنا .

### المسألة السادسة :

آخوند ملاصدرا در شرح اصول قائل به عقول عشره شده ، و آخوند ملا

محمد باقر مجلسی (ره) می‌فرماید که هر که قائل به عقول عشره باشد منکر ضروری دین است .

### الجواب :

این که آخوند ملا محمد باقر مجلسی گفته است که منکر ضروری دین شده است مراد آخوند ملا محمد باقر گویا این باشد که هر که قائل شود به عقول عشره ، لازم قول او است که منکر ضروری دین شود به جهت آن که از جمله ضروریات دین این است که حق تعالی قادر است و فاعل موجب نیست و این که عالم حادث است - به معنی این که ما سوای خدا همگی مسبوق می‌باشد به عدم ، و وقتی بوده است که خدا بوده است و هیچ چیز موجود نبوده - و این که حق تعالی موجودات را به خودی خود خلق کرده و امثال اینها ، و کسی که قائل شد به عقول عشره قدیمه - چنان که فلاسفه قائل اند - همه آنها را قدیم می‌دانند و می‌گویند حق تعالی خلق نکرد مگر عقل اول را و عقل عاشر را « عقل فعال » می‌گویند و مؤثر در موجودات می‌دانند ، و اینها همه برخلاف صریح آیات و احادیث بلکه خلاف ضروری دین است . ولیکن در فهم ضروری دین و مرتب کردن آثار بر آن و حکم کردن به کفر منکر آن افراط و تفریطی شده است، و حتی این که در میان علماء اختلاف در ضروریات دین هم هست و حاصل معیار و مناط حکم در آن ، آن است که :

هر گاه بر کسی یقین شود که امری از جمله اشیائی است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از او خبر داده ، و یقین داشته باشد که حکم او است ، و انکار آن کند - یعنی آنچه را واجب کرده بگوید واجب نیست و آنچه را حرام کرده بگوید حرام نیست بلکه حلال است، مثل این که الحال جمیع مسلمین از عالم

و جاهل وزن و مرد و بزرگ و کوچک می‌دانند که نماز پنج‌گانه در دین پیغمبر  
 آخر الزمان واجب است و ترك آن جایز نیست ، اگر کسی بگوید که ترك آنها  
 جایز است و ضرر ندارد - آن منکر دین پیغمبر شده و او را دروغ گو دانسته  
 پس اعتقاد به پیغمبری او ندارد و هر که اعتقاد به پیغمبری او ندارد کافر است .  
 و همچنین وجوب زکوة و روزه ماه رمضان و حج بیت الله .... و نجاست  
 بول و عایط و امثل آنها ، پس هر گاه کسی ممکن باشد در حق او که علم برای  
 او حاصل نشده باشد به وجوب زکوة - مثل این که طفلی را از بلاد مسلمین  
 اسیر کرده به بلاد کفر برده باشند و در آنجا بزرگ شود و بر گردد به بلاد  
 مسلمین و مسلمان باشد ، و نهایت هنوز آن قدر ممارست احوال مسلمین را  
 نکرده است که یقین کند که زکوة از جمله واجبات دین پیغمبر است هر گاه  
 انکار آن کند کافر نمی‌شود ، و بالجمله هر کس که در حق او امکان شبهه باشد  
 حکم به کفر او نمی‌توانیم کرد .

و بدان که همچنان که گاهی از برای عوام ممکن است که شبهه در بعضی  
 امور حاصل شود به سبب قلت اطلاع و کمی تتبع ، گاه است که شبهه از برای  
 خواص حاصل می‌شود به سبب عدم اعتنای به افهام عامه و ادراك علمای کمتر  
 از خود ، و به جهت مغرور شدن به ادراك کامل خود ، و اغلب اوقات این است  
 منشأ زلات علما . و توضیح این مطلب محتاج است به بسطی در کلام ، و حاصل  
 و خلاصه این است که :

فرق است ما بین ضروری دین و حدیث متواتر ، به اعتبار آن که در خبر  
 متواتر شرط است که علم از برای آدمی به سبب کثرت خبر باشد در هر طبقه  
 به حدی که عقل حکم کند به محال بودن اجتماع آنها بر دروغ ، اما بدیهی دین  
 گاه است به **تظافر و تسامع** و قراین یقین حاصل می‌شود . مثلاً هر گاه از خارج

کسی ببیند که جمع کثیری از تابعان صاحب دینی مجتمع شوند بر چیزی از امور دینیه ، از برای او یقین حاصل می شود به آن که مذهب آن صاحب دین همان است . و این گاه است نظری است و بیه سرحد بداهت نرسیده است آن را **اجماع** می گویند ، و هر گاه بیه سرحد بداهت رسید آن را **ضوری** می گویند . و اینها هیچ يك موقوف نیست بر نقل کردن آن مذهب از صاحب آن دین ، مثلاً هر گاه کسی از غیر دین اسلام از بلاد کفر بیاید به شهر مسلمانان و ببیند که همه آنها در شبانه روزی پنج وقت نماز می کنند ، یقین می کند که این امر که از امور عادیة دنیویه نیست از جمله وظایف پیغمبر ایشان است ، هر چند ایشان خبر ندهند به آن کافر که پیغمبر ما گفته است که در پنج وقت نماز واجب است .

هر گاه این را دانستی بدان که امور دینیه يك پاره آنها از جمله افعال و اعمال است و حلال و حرام و طهارت و نجاست ، و يك پاره از جمله اعتقادات است که باید اذعان کنیم به آنها و معتقد آنها باشیم - مثل بعضی از افعال الهی که پیغمبر خبر از آن دهد که عقل ما به آن احاطه نکند مثل ابتداء خلق عالم یا مثل اخبار از انبیاء سابق یا اخبار از سکرات موت و حساب و سؤال و فشار قبر و حشر و نشر و جنت و نار جسمانیه و کیفیت حصول آنها - و چنان که از اجتماع اهل این دین بر آن امور حسیه و افعال بدنیه یقین حاصل می شود به این که آن طریق را از پیغمبر خود دارند ، و احتمال آن نمی دهیم که بلکه مراد از احادیثی که در نماز و روزه وارد شده امور باطنیه عقلیه باشد ، و مراد از آنها اسرار چند باشد ، مثل این که بگوئیم مراد از امر به نماز خود را بنده دانستن است . و مراد از امر به قیام پایداری و استقامت در بندگی است . و مراد از امر به رکوع تواضع و فروتنی و کوچک شمردن و خم شدن و متحمل شدن از برای هرالمی

ومصیبتی که از قضای الهی به تو برسد . و مراد از سجود خاکساری و اظهار آن که : مرا از خاک برداشتی و خلعت وجود پوشانیدی و لایق بندگی خود کردی . و امثال این تأویلات در هر يك از عبادات می توان کرد ، چنان که در حدیث وارد شده : افتتاح و اختتام کند به ملح ( یعنی نمک ) که هفتاد و دو آزار را رفع می کند ، پس مستحب شده که در اول طعام و آخر آن نمک تناول کنند و باز وارد شده که « ملح » کنایه است از محمد و علی و حسنین - که هر حرفی از آن اشاره است به یکی از این بزرگان - که هر گاه اول و آخر امر شما به متابعت ایشان باشد از ناخوشی هفتاد و دو ملت باطله فارغ و رستگار شده ، به طریقه حقه مستقیم خواهید بود .

پس در هر يك از افعال و اعمال بدنیه که در شرع مقدس وارد شده انواع تأویلات می توان کرد ، و بگوییم که ظاهر آنها مراد نیست . پس یقین که به هم رساندیم که این ظاهرها همه مراد است ، نیست الا به سبب عمل امت و تداول آنها در هر عصر و فهم حاملان اخبار و دانایان که آن احادیثی که در این عبادات وارد شده چنین فهمیده اند که در دست ما است ، و دست به دست از آن جناب به ما رسیده . و بسا هست که در مسأله ای حدیث کمتر است و به سبب تداول و عمل عام و خاص یقین می کنیم که از دین است ، و در مسأله دیگر حدیث بیشتر است و یقین نمی کنیم . پس معلوم شد که آن به سبب فهم حاملان اخبار است آن معنی متداول را ، و تعلیم کردن ایشان عوام را بلکه فرا گرفتن عوام آن معنی را از پیغمبر خود به سبب قراین و تظافر و تسامع ، و رفته رفته به جایی رسید که بدیهی شد .

پس هر گاه افعال و اعمال بدیهی تواند شد - با وجود آن که احادیث موجوده در آن قابل تأویل باشد - همچنین عقائد و تصدیقاتی که نسبت به آن



پیغمبر می دهند آن نیز می تواند یقینی و بدیهی شد ، هر چند احادیثی که در آن باب در میان هست بسیار کم باشد و قابل تأویل باشد . پس نه کمی اخبار ضرر دارد به بدیهی شدن - چنان که اشاره کردیم در فرق ما بین متواتر و ضروری - و نه قابل تأویل بودن حدیث ضرر دارد به آن ، مثلاً ما در هر عصری و در هر شهری و از زبان هر مسلمانی می شنویم که نکیر و منکر در قبر می آیند ، و حق تعالی مرده را زنده می کند و از او سؤال می کنند ، و هر که مؤمن است دری از بهشت برو باز می کنند و هر که کافر باشد عمودی از آتش بر فرق او می زنند که قبر او پر از آتش می شود و دری از جهنم بر روی او می گشایند ، ما یقین می کنیم که دین پیغمبر ما همین است ، هر چند احادیثی که در کتابهای ما وارد شده به حد تواتر نیستند .

پس این که بعضی از حکمای اسلام و صوفیه این احادیث را تأویل می کنند غلط است ، و مخالف بدیهی دین اسلام است . و هر گاه به ایشان اعتراض می کنیم که چرا تأویل می کنید؟ آنها بر ما رد می کنند که حجت شما چه چیز است ، و این که شما می گوئید اگر از راه این است که عوام و علمای ظاهر چنین فهمیده اند احادیث سؤال قبر را ، پس این دین پیغمبر خواهد بود ، پس جواب آن این است که فهم عوام حجت نیست ، و فهم علمای ظاهر معارض است به فهم حکما و صوفیه که جمع کثیرند از ارباب فهم و عقل ، و ایشان حدیث را چنین فهمیده اند که تأویل آن است نه مقتضای ظاهر آن .

و جواب از آن این است که ما فهم عوام را حجت نمی دانیم از این جهت که حدیث فهمیده اند ، بلکه می گوئیم که سابقین عوام که مخاطبین معصومین بودند اهل زبان بودند ، و حاملان اخبار هم اکثر ایشان فضلا و علما بودند ، و شکی نیست در این که حکیم هر گاه با کسی حرف زند به سخنی که از ظاهر آن

چیزی بفهمند و قرینه برخلاف آن نگذارند و وقت احتیاج به فهم الخطاب هم باشد ، و خلاف ظاهر آن را خواهد قبیح است و اغراء به جهل ، و مردم را به جهل مرکب و ا داشتن است . و همان چه علمائی که حامل اخبار بودند وهم صحبت معصومین بوده‌اند و مواجهه از ایشان شنیده‌اند به عوام القا کرده‌اند و دست به دست به ما رسیده است ، و شکی و شبه ای نیست که اکثر فضلائى که از اصحاب ائمه بودند افضل بودند از بسیاری از این اشخاصی که مدعی قابلیت و استعدادند . پس نمی‌توان گفت که امام با آنها در خور استعداد آنها سخن می‌گفت و به مقتضای :

رب حامل فقه الی من هو افقه منه

هر چند حامل اخبار آنها بودند اما آنها خوب نمی‌فهمیدند ، ما معنی آنها را خوب فهمیدیم . با وجود آن که این رافهم معنی نگویند ، بلکه اگر خواهند حرفی بگویند باید بگویند : ما چون فهمیده‌ایم به دلیل‌های عقلی و ذوقی که در نفس الامر سؤال و حساب و حشر و نشر مثلاً جسمانی نیست ، بلکه امور روحانیه است - چنان که مشائین می‌گویند - یا ارباب خواب و خیال و عالم مثال است - چنان که اشراقیین می‌گویند - و این احادیث هر چند ظاهر آنها جسمانیت است اما این را از برای عوام و ملامهای ظاهر بین به آن عبارات گفتند تا به شوق حور و قصور و میوه طاعتی بکنند . چون ایشان را مرتبه فهم و ادراک لذات روحانیه نیست ، و این اغراء به جهل ضرر ندارد چون عاقبت به خیر است . و تو خود می‌دانی که این تأویل است و بر گردانیدن کلام شارع بر آنچه از دلیل‌های ناقص خود فهمیده‌اند ، و هیچ دلیلی بر محال بودن مقتضای ظاهر اخبار اقامه نکرده‌اند که اینها را تأویل می‌کنند .

و الحاصل بالیقین طریقه ایشان با طریقه اسلام مباین است ، و ایشان بعد از

آن که از اصول وقواعد خود چیزی فهمیده و بنای خود را بر آن گذاشته‌اند از خوف تکفیر و طعن اهل اسلام خود را به شرع می‌چسبانند و این تاویلات را می‌کنند و این نه معنی اسلام است و نه متابعت شرع است. با وجود این که هیچ يك از قواعد ایشان با طریقهٔ اسلام موافقت نمی‌کند، نه معراج جسمانی با استحالهٔ خرق و التیام افلاك می‌سازد، و نه سواری ملائکه به اسبان ابلق و به کمک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جنگگ کردن با اسلحه و عمامه‌هایی که به طریق خاصی بسته‌اند و تحت الحنک آنها به نوع خاصی است، و جبریل به صورت دحیهٔ کلبی آمدن و دوزانو در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نشستن با روحانیت بلکه تجرد جمیع ملائکه و جبرئیل کنایه از عقل فعال بودن و وحی الهی عبارت از اتصال نفس پیغمبر به عقل عاشر و دانشمند شدن می‌سازد، و نه حدوث عالم و مسبوق بودن ما سوی الله به عدم در وقت خاصی با قدم عقول و افلاك می‌سازد، و نه خبر از انعدام همهٔ اشیاء و فانی شدن آسمان‌ها با قاعدهٔ « ما ثبت قدمه امتنع عدمه » .

شنیدم بعضی از منتحلان شریعت را از این طایفه می‌گفته : ما کجا مخالفت حدیث و آیه کرده‌ایم ؟ بیش از این نیست که از حدیث و آیه حدوث عالم می‌رسد اما از کجا معلوم که مراد از حدوث « حدوث زمانی » باشد ؟ چرا مراد « حدوث ذاتی » نباشد - به این معنی که خدا در مرتبهٔ علیت مقدم است بر ما سوا - ؟ و این هم حدوث است . و این معنی را ملاحظه نمی‌کنند که حق تعالی فرموده :

وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه<sup>۱</sup>

کجا قوم عرب از حدوث این معنی را فهمیده ، و کجا از :

۱ . سورهٔ ابراهیم ، آیهٔ ۴ .

## كان الله ولم يكن معه شيء

ایسن را می فهمند و کجا از لفظ «خلق» و «اوجد» این را به ذهن در می آورند؟ به هر حال معتبر در فهم احادیث و اخبار همان است که حاملان اخبار فهمیده اند که راویان احادیث اند و بعد از آن صاحبان تصنیف های احادیث مثل محمد بن یعقوب کلینی و ابن بابویه قمی و شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و امثال ایشان، نه محی الدین عربی و بایزید بسطامی و امثال آنها. با وجود این که می بینیم که هیچ يك آنها را اعتنائی به احادیث نیست و در صدد حفظ و ضبط آنها نیستند، الا بعض متشابهاات که تأویل آنها را بر مذاق خود ممکن دیده ذکر نموده اند.

هر گاه این جمله را دانستی بر می گردیم بر سر مطلب که هر گاه عالمی را فکر در ضوابط حکما و تأمل در معقولات و اله کند که تأمل در طریقه مستمره امت نکند به جهت آن که اینها عوام کالانعام اند، و هم اعتنائی به فهم حاملان اخبار نکند به جهت آن که آنها هم ملائی بودند مثل ما - بلکه کمتر از ما - بلی حجت کلام معصوم است اما از کجا که مراد معصوم آن باشد که آنها می گویند؟ بلکه این است که ما می گوئیم، و غافل از این که طریق فهمیدن کلام معصوم آن است که حمل بر حقیقت خود کند نه مجاز بدون جهتی، هر گاه این غفلات بدون تقصیر از او سر زده، تخلیه کرده است به قدر طاقت خود ممکن است که بگوئیم ضروری دین بر او شبهه شد - چنان که بر آن شخص اسیر کفار مشتبه می شد به جهت عدم معاشرت مسلمین - و به این سبب که این احتمال راه داشته باشد تکفیر او نکنیم و اورال عن نکنیم. اما تخلیه و مبرا کردن نفس در اینجا بسیار صعب است، چرا که هیچ لذتی در دنیا فوق لذت ادراک نیست و هیچ مایه دنیائی فریبنده تر از علم نیست. از همه چیز زودتر آدمی را

هلاک می کند ، و ادراک هر چه دقیق تر و لطیف تر باشد فریبنده تر است . بسیار مرد بزرگی می خواهد که بعد مجاهده بسیار ، مطلبی را بفهمد و منظم کند و به مجرد این که کلامی از معصوم به او برسد از فکر خود دست بر دارد و به حقیقت کلام معصوم عمل کند. بلکه چون امر او مردد بین المحذورین می شود سعی مالا کلام مبذول دارد که میانه آنها جمع کند ، چون کلام خود را دل نمی گذارد که دست بردارد کلام معصوم را تأویل می کند .

فهم و ذهن و شعور و وقاد مایه امتحانی است به جهت انسان که در هر زمانی دینی می توان به اثبات آورد با ادله تمام ، و سخت شبیه است ذهن وقاد به صوت بسیار خوب که حق تعالی کسی را بسیار خوش صدا کرده باشد و گوید که غنا مکن که حرام است ، پس هر چند افلاطون را به شاگردی قبول نداشته باشی و ابوعلی را خوشه چین خرمن خود ندانی همین که يك حدیث از معصوم به تو رسید ودانی که از معصوم است همان جا بایست ، و بسیار اجتهاد و سعی کن تا تخلیه کامل کنی ، و از خدا بخواه که راهنمایی به حقیقت بکند .

و حق و تحقیق آن است که آن جماعتی که اثبات عقول می کنند و می گویند که همین دین پیغمبر است ، و به احادیثی که در باب عقل و جهل از ائمه روایت شده دلیل خود می کنند ، بسیار دور رفته اند به جهت آن که آن احادیث هیچ دلالتی بر مدعای ایشان ندارد و مراد از عقل در آن اخبار همان مناط تکلیف است نه آن جوهر مجردی که آنها قائل اند . چنان که صریح افهام حاملین آن اخبار هم شاهد آن است .

و اگر گویند که بلی ظاهر آن احادیث آن است که شما می گوید اما باطن آنها این است که ما می گوئیم ، و شارع مقدس ظاهر را از برای شما ظاهر بین ها قرار داده و باطن و رمز و اشاره را از برای ما اهل حقیقت .

گوییم که این نمی‌تواند شد الا از آن راه که شما به دلیل قواعد خود  
مطلبی را فهمیده‌اید و می‌خواهید این احادیث و آیات را به آنها به تأویل بر  
گردانید، نه این که مقصود شارع بالذات بیان این معانی بوده . از کجا می‌توانید  
اثبات کنید که مراد شارع این است؟ و پیش گفتیم که آن اشاراتی که در احادیث  
سابقه مثل حدیث سلمان و اباذر و حکایت کمیل و غیر آنها شده - بر فرض دلالت  
بیش از این اقتضا نمی‌کند که يك امر مخفی باشد ، اما آن این است که شما  
می‌گویید از کجا؟

والحاصل این که هر گاه شبهه در حق مثل ملاصدرا محتمل باشد به جهت  
تشابه ادله و اقتضای رسوخ طریقه حکمت در خاطر ، فهمیدن اخبار به نهج  
مزبور را و به این سبب یقین برای او حاصل نشود که دین پیغمبر منافی آن است  
که فهمیده است ، نمی‌توان حکم به کفر او کرد . و از این جا معلوم شد که  
نسبت شخصی را به مخالفت ضروری دین دادن از مسائل اجتهادیه است . به  
این معنی که چون عالم السرو الخفیات حق تعالی است پس علم هم رساندن  
به این که چیزی که در نزد احدی یقین رسد باید برای دیگری از اهل آن دین  
که در مرتبه او است هم یقین شود ، برمی‌گردد به اجتهاد در این که این مسأله  
چنین مسأله‌ای است که بر مثل چنین کسی مخفی نمی‌ماند . و این نسبت به اشخاص  
و مسائل مختلف می‌شود . و از اینجا است که علما در اکثر ضروریات دین خلاف  
کرده‌اند که آیا ضروری هست یا نه ؟ و معلوم نیست که در این مسأله تقلید جابز  
باشد خصوصاً تقلید میت ، پس حکم کردن آخوند ملا محمد باقر ( ره ) به  
مخالفت کردن ضروری عالمی به این که مخالف ضروری است منشأ ازوم متابعت  
او نمی‌شود - به اعتبار این که این معنی راجع می‌شود به اجتهاد در موضوع  
حکم نه نفس حکم . پس غایت امر این است که هر گاه مجتهد یقین کرد که

فلان چیز از دین پیغمبر است مقلد او باید به آن چیز عمل کند ، نه این که مقلدهم باید یقین کند که از دین پیغمبر است . به جهت آن که امر اعتقاد و حصول یقین امری نیست که در دست مکلف باشد که هر گاه مجتهد یقین کند مقلد هم باید یقین کند ، و همچنین حکم به کفر کسی کردن از مسائل تقلیدی نیست که هر گاه مجتهد حکم به کفر کسی بکند مقلد هم باید حکم کند ، به جهت آن که تکفیر اگر به سبب مخالفت اصول دین است پس در اصول دین تقلید جایز نیست ، و اگر به سبب مخالفت بدیهی دین کردن است - که مستلزم انکار یکی از اصول دین است - پس آن از احکام شرعیه نیست ، و از قبیل این است که بگویند که هر گاه مجتهد یقین کند که زید مرده است باید مقلدهم یقین کند که زید مرده است ، و از اینجا است که خلاف کرده اند که حکم مجتهد به ثبوت رؤیت هلال کافی است به جهت صوم و افطار یا نه ؟ و راه شبهه در آن قوی است ، و قول به عدم قوی است ، لکن اظهر قبول است در آنجا - یعنی در مسائل شرعیه ظنیه - به جهت آن که در معنی عدالت مقلد به او رجوع می کند و همچنین در کفایت شاهدین ، پس در اینجا چرا از او نشنوند ، و همچنین عموم جواز حکم حاکم به علم خود و اینها در مسائل فروع خوب است ، نه در مثل ما نحن فیه . و الحاصل این که در موضوعات فرعیه که معرفت آنها بر می گردد به ظنون اجتهادیه - مثل رؤیت هلال و دخول وقت بامشاهده مجتهد و مقلد هر دو ، و اجتهاد مجتهد در وقت و مثل حکم به ثبوت انبات لحم و شد عظم در رضاع که اینها همه موضوعات ظنیه اند - دور نیست اعتماد در اینها به تقلید مجتهد ، و از این باب است قبول تزکیه عدل واحد ، و استقصای کلام و وظیفه اینجا نیست . و ما نحن فیه از بابت امور مزبوره نیست ، و یقین در او ضرور است ، پس تقلید در آن صورتی ندارد .

وختم می کنیم کلام را به دو کلام از معادن وحی و تنزیل - تیمناً تبرکاً - یکی آن که دال است بر فنای اشیاء باجمعها از روحانی و غیر روحانی و عود آنها با جمعها ، و دیگری بر این که حق تعالی امر خود را محول به عقل فعال نکرده و جمیع خلایق را خود بی کمکی خلق کرده .

اما اول پس آن کلام امیر المؤمنین است - علیه السلام - در نهج البلاغه در خطبة جامعه اصول علم در توحید ، در اواخر آن می فرماید :

والله -- سبحانه -- يعود بعد فناء الدنيا وحده لاشيء معه .  
کما كان قبل ابتدائها ، كذلك يكون بعد فنائها ، بلا وقت ولا  
مكان ، ولا حين ولا زمان . عدمت عند ذلك الاجال والاوقات  
وزالت السنون والساعات . فلا شيء الا الله الواحد القهار ،  
الذى اليه مصير جميع الامور ، بلا قدرة منها كان ابتداء خلقها  
وبغير امتناع منها كان فناؤها .

- الى ان قال -

ثم هو يفنيها بعد تكوينها لالسأم دخل عليه في تصريفها  
وتدبيرها ولا لراحة واصلة اليه . .

- الى ان قال -

ثم يعيدها بعد الفناء من غير حاجة منه اليها ولا لاستعانة  
بشيء منها عليها

الى آخر ما ذكره عليه السلام وان شئت فراجعها<sup>۱</sup> .

واما دویم ، پس آن عبارت صحیفه سجاده است در دعای روز دوشنبه  
می فرماید :

---

۱ . نهج البلاغه ، ص ۳۴۵ .



الحمد لله الذي لم يشهد احداً حين فطر السموات والارض

ولا اتخذ معيناً حين برى السمات<sup>۱</sup>

وبا وجود این مراحل دیگر چه معنی خواهد داشت : « الواحد لا یصدر عنه الا الواحد وهو العقل الاول » ، و چه معنی خواهد داشت که خلق خلایق موکول به عقول است و حق تعالی همان عقل اول را خلق کرد ؟ .  
ختم الله لنا بالخیر وجعل الآخرة خیراً لنا من الاولى .

### المسألة السابعة :

مجتهد جامع الشرائط را در چه مسأله باید تقلید کرد ؟ . آیا در اصول دین می توان تقلید کرد یا نه ؟ و ضروری دین کدام است و مخالف آن کیست ؟

### الجواب :

در اصل اختیار دین از اقرار به صانع و یگانگی و ارسال رسول و تعیین آن و تعیین وصی و جانشین محض تقلید جایز نیست ، بلکه باید مکلف لا اقل به ادله اجمالیة افناعیه - که به آنها مطمئن شود و قطع حاصل کند - تحصیل اعتقاد کند ، و در مسائل فرعیة تقلید از برای غیر مجتهد جایز است . و تفصیل کلام در این مقام محتاج به بسط تمام است . در بعضی تألیفات و رسائل بسط در آن داده ام . و اما سؤال از ضروری دین پس در مسأله سابقه معلوم شد .

### المسألة الثامنة :

روی الكلینی عن احمد بن محسن المیثمی قال :

۱ . صحیفه سجادیه ، ص ۲۲۳ .

كنت عند ابي منصور المتطيب فقال : اخبرني رجل من اصحابي قال : كنت انا وابن ابي العوجاء وعبدالله بن المقفع في المسجد الحرام ، فقال ابن المقفع : ترون هذا الخلق - واومى بيده الى موضع الطواف - ما منهم احد اوجب له اسم الانسان الا ذلك الشيخ الجالس - يعنى ابا عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام - فأما الباقر فرعاع وبهائم ، فقال له ابن ابي العوجاء : وكيف اوجبت هذا الاسم لهذا الشيخ دون هؤلاء ؟ قال : لانى رأيت عنده ما لم اره عندهم . فقال له ابن ابي العوجاء : لابد من اختبار ما قلت فيه منه . قال فقال له ابن المقفع لا تغفل فانى اخاف ان يفسد عليك ما فى يدك ، فقال : ليس ذارأيك ، ولكن تخاف ان يضعف رأيك عندى فى احلالك اياه المحل الذى وصفت ، فقال ابن المقفع : اما اذا توهمت على هذا فقم اليه ، وتحفظ نفسك من الزلل ، ولا تثنى عنانك الى استرسال فيسلمك الى عقاب . . . الحديث <sup>١</sup> .

ملا صدرا اين حديث شريف را تركيبى كه مخالفت دارد با تركيب ساير شراح نموده . حقير را از تركيب ملا صدرا بسيار بدآمدوبه فهم خورد بعضى سخن ها دارم كه عرضش موجب طول است ، آنرا ملاحظه نموده صحت وسقم آنرا بيان نماييد . وملا محمد صالح مازندراني كلمه « اما » را مخفف خوانده وتشديد را رد نموده آيا وجهى دارد ؟ وهمچنين لفظ « وتحفظ » را مضارع مجزوم به « ان » مقدره دانسته ومجزوم شدن مضارع بعد امر در وقتى است كه بدون حرف عطف باشد وسخن ها همه متفق اند در وجود حرف عطف .

١ . اصول كافى ، ج ١ ، ص ٧٤ - ٧٥ .

## الجواب :

در نزد حقیر شرح ملاصدرا نیست و در این بلده نیز وجود ندارد ، و شما هم عبارت و اشکالات خود را نوشته بودید تا ملاحظه شود . و اما عبارت ملا محمد صالح فقال بعد قوله « فقم اليه » :

ای ذاهباً او متوجهاً اليه ، و «اما» بالتخفيف حرف التنبيه ، وهذا اولی من قراءتها بالتشديد على ان يكون للشرط و فعلها محذوف و مجموع الشرط و الجزاء بعدها جواب لذلك الشرط كما زعم - فانه بعيد لفظاً و معنى ، اما لفظاً فلاحتياجه الى التقدير و الاصل عدمه ، و اما معنى فلان «اما» الشرطية للتفصيل باتفاق النحاة ( مثل اما زيدا فذاهب و اما عمرو فمقيم اي مهما يكن من شىء فزيد ذاهب و عمرو مقيم ) و ذكر التفصيل و الاقسام و ان لم يكن واجباً - لجواز ان يذكر قسم واحد و يترك الباقي كما فى قوله تعالى : فأما الذين فى قلوبهم زيغ الاية .. - الا انه و جب ان يكون التفصيل فى نفس المتكلم - كما صرح به ابن الحاجب فى شرح المفصل - و ارادة التفصيل هنا (اي ما اذا لم تتوهم على هذا فمكانك) لا تخلو من بعد ، بل لاوجه لها . و تحفظ ما استطعت من الزلل « تحفظ » مجزوم بالشرط المقدر بعد الامر و « من » متعلق به - اي و ان قمت اليه تحفظ نفسك من الزلل فى المقال - ... الى آخر ما ذكره مما ليس السؤال و الكلام فيه .

اقول : بعد ورود ما اورده عليه الفاضل السائل - من ان انجزام المضارع

بعد الامر بأن المقدره انما هو اذا لم يكن مع العاطف - يرد عليه :

**اما اولاً :** ان كون « اما » مشددة لاغائلة فيه ، سيما مع عدم الحاجة الى التنبيه فى هذا المقام - كما لا يخفى على الفطن البصير - وما ذكره من ان « اما » المشددة مستلزمة للتفصيل ، ففيه : - مع انه قد تكون للاستيناف كما فى لفظ « أما بعد » فى اوائل التأليفات - ان ما ذكره يرد على فرض كونها للتنبيه ايضاً ، فان ما ذكره انه « لا يخلو من بعد بل لوجه له » هو مفهوم الشرطية الثانية ، فما هو الجواب عنه فهو الجواب عن الشرطية الاولى ، مع ان ادوات الشرط قد يستعمل فى غير المعنى المصطلح المعتبر فى مباحث المفاهيم ، ومن جملتها الاشعار بعله الحكم كما فى قوله تعالى : ولاتكرهوا فتياتكم على البغاء ان اردن تحصناً ... ولا تشرب الخمر ان كنت مؤمناً ، فمراد القائل انك اذا توهمت على هذا ، فهذه الجهة وهذه العلة فقم اليه .

**واما ثانياً :** فانجزام المضارع بعد الامر انما يكون اذا كان الاول سبباً للثانى ، مثل اسلم تدخل الجنة ، ولا تكفر تدخل الجنة ، واما اذا لم يقصد التنبيه فلا يجوز الجزم ، بل يرفع اما بالصفة - كقوله تعالى : فهب لى مسن لدنك ولياً يرثنى .. -<sup>٢</sup> او بالحال - كقوله تعالى : فذرهم فى طغيانهم يعمهون<sup>٣</sup> او بالاستيناف - مثل : وقال رائداهم ارشوا زاولها - ولكن فيه لم يعتبر السببية بل الظاهر اما تحفظ مرفوعاً بأن يكون حالاً ، او تحفظ مجزوماً بصيغة الامر من باب التفعّل فانه قد يجىء متعدياً مثل تحقّقته وتبينته .

١ . سورة نور ، آية ٣٣ .

٢ . سورة مريم ، آية ٦ .

٣ . به اين صورت آيه اى در قرآن كريم نيست ( نذرهم فى طغيانهم يعمهون : سورة انعام ، آية ١١٠ . يذرهم . . . : سورة اعراف ، آية ١٨٥ ) گوياء مراد اين آيه بوده است :  
ذرهم فى خوضهم يلعبون - آية ٩١ سورة انعام .

## المسألة التاسعة :

آخوند ملامحمد صالح ( ره ) در شرح این حدیث که  
إذا مات المؤمن بكت عليه الملائكة وبقاع الارض التي  
كان يعبد الله عليها<sup>۱</sup>  
چهار وجه قرار داده ، آن وجوه خوب است یا نه ؟ .

## الجواب :

تممة حدیث این است که :

وابواب السماء التي كان يصعد فيها بأعماله ، وثلم في الاسلام ثلثة لايسدها  
شيء . لان المؤمنين الفقهاء حصون الاسلام كحصن سور المدينة [ لها ]  
احتمالات آخوند بد نیست ، هر چند بعضی از [ آن ] اظهار از بعض دیگر  
هستند . وحقیر را وقت تفصیل در این امور نیست . وبهترین معانی حدیث  
شریف در نظر حقیر این است که : هر گاه مؤمن عالم فقیه بمیرد بر اومی گرید  
ملائکه خصوصاً ملائکه حافظین اعمال او - از کاتبین و صاعدین به آن به محل  
قبول - وهمچنین اماکن منسوبه به مؤمن در محل عبادت او در ارض ، ومحل  
وصعود اعمال او در سماء ، به جهت آن که علت غائی خلق عالم ایمان  
ومعرفت وارشاد عباد است ، وایجاد کسی که اینها به اوقائم باشد . پس عالم با  
فقدان این غایت بی حاصل وبی مراد است . به مقدار قلت و کمی غایت که  
فقدان بعضی از مؤمنین باشد نیز به همان مقدار ناخوشی وبی حاصلی عارض  
او می شود . بلکه بر خود مؤمن ( که از حیثی غایت و از حیث دیگر ذوالغایة

۱ . اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۸ .

است ، به جهت آن که وجود او هم به علت معرفت و عبادت است ( فقدان خودش گران است که این فیض از عالم مفقود می شود .

مراد از گریه در بعض مذکورات معنی مجازی است که مناسب آن باشد ، یا فی الحقیقه حق تعالی به قدرت کامله خود آنها را صاحب گریه حقیقی می کند .  
واشکال کردن از راه این که چرا ملائکه بر او بگریند و عالم بر او گریان شود و حال آن که از زندان مکاره دنیا فارغ می شود و به فیض لقای محبوب حقیقی و دار نعیم فایز می شود . .

مدفوع است به همین که مذکور شد ، به جهت آن که محتمل است که مراد از « بکت علیه » ، « بکت علی فقهه » باشد . پس علت بکاء راجع می شود به حصول نقص و ناخوشی به « باکین » نه به « مبکی علیه » و احتمال این که مراد « بکت علی ما نزل به من حرمانه عن حیوة الدنيا و لذاتها » باشد بسیار بعید است . و محتمل است که مراد « بکت علی ما نزل به من شدائد الموت و سكراته » باشد و اشکال مزبور بر احتمال ثانی وارد است لا غیر .

و از آنچه مذکور شد معلوم می شود وجه کلمات متخالفه که از معصومین صلوات الله عليهم اجمعین وارد شده است ، چنان که جناب امیرالمؤمنین می فرماید :

والله لابن ابی طالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه<sup>۱</sup> و در دیوان می فرماید :

جزی الله عنا الموت خیراً فانه  
ابر بنا من والدینا وارأف  
و دیگر می فرماید :

الا یها الموت الذی هو مدرکی  
ارحنی فقد افنیت کل خلیل

۱ . نهج البلاغه ، ص ۴۸ .

و کلمات دیگر که در ادعیه کثیره مذکور است در طلب طول عمر و عافیت و آن بسیار است . وجه جمع آن است که : چون دardنیا محل استکمال نفس و جای عبادت و ترقی است ، و به هر لمحّه از آن بهشتی می توان تحصیل کرد ، و در آخرت محل پاداش و اخذ اجر است نه جای عمل و استکمال ، پس از این سبب بقای دردنیا مطلوب عرفا است ، هر چند مستلزم مرارات دنیویّه و موجب تحمل شدائد فراق محبوب واقعی و حسرت و وصول به موطن اصلی باشد . چنان که می بینیم که زراع در فصل شتاء تن در محنت زرع می دهند ، و طول آن وقت و زمان مطلوب ایشان است تا زرع کامل کرده باشند . و هر چند زمان برداشتن حاصل و انتفاع بردن و راحت کردن نیز غایت مطلوب ایشان است . لیکن چون این بی آن نمی شود ، آن محنت ها را بر خود مطلوب ترمی دانند . و حدیث فوت شدن مریم صدیقه و جزع کردن حضرت عیسی بر او مشهور و معروف است که جناب اقدس الهی بعد جزع آن حضرت فرمود که : می خواهی محل مادرت را ببینی ؟ نظر کن به سوی آسمان ، پس حضرت عیسی چون نظر کرد دید مادر خود را در انواع نعمت متنعم ، پس خطاب کرد به حضرت عیسی که : « ای فرزند ، مرا به این حالی که مشاهده می کنی آرزو دارم که به دنیا برگردم و دو رکعت نماز بکنم » . و از آنچه گفتیم معلوم می شود احتمال این که گریستن بر مؤمن از این راه باشد - که از تحصیل کمالات متصوره دیگر محروم ماند که از دنیا رفت - هم بسیار دور نیست .

و اما تمهّد حدیث ، پس حاصل آن این است که : هر گاه مؤمن فقیه بمیرد رخنه ای در اسلام می افتد که هیچ چیز او را سد نمی کند . به علت آن که مؤمنین فقها قلعه های اسلام اند ، مثل دیواری که در دور شهر بنا می کنند به جهت محافظت اهل آن . و این حدیث شریف اشاره است به فضیلت علماء ، و افضلیت

ایشان از عباد وزهادی که دائم در مناجات و عبادت و صحبت محبوب حقیقی به سر می‌برند، و این که اشتغال به تحصیل علم و ارشاد افضل است از تخیل به جهت عبادت و دعا و مناجات. و سر آن همین است که بلا تشبیه عابد به منزله ندیم و هم صحبت پادشاه است، و عالم به منزله امناء حراس و کشیکچیان معتمد شجاع صاحب صلابت و دلیر می‌باشند. و شکی نیست که مرتبه کسی که سینه خود را سپر بلا کند، و جان خود را در معرض هلاک بگذارد، و از لذت خورد و خواب و اماند به جهت حراست جان و ملک و سلطنت پادشاه، در نزد پادشاه اعز است از کسی که با او صحبت بدارد و لذت صحبت او را ببرد. همچنین خداوند عالم که محبوب حقیقی علما و عباد است - بلکه محبوبیت اش نسبت به علماء بیشتر است از راه کثرت معرفت - هر گاه عالم با کمال شوق صحبت و خلوت و فراغ بال از جمیع اشغال به جهت نیل وصال از این لذت عظمی دست بر دارد، و در شب و روز در دور حوزه اساس قویم شرع الهی طوف زند، و خورد و خواب را بر خود منغص و ناگوار کند که حفظ نوامیس الهی نموده، شریعت او را به اسلحه افکار ناقبه و انظار ناقبه و مجادلات حسنه و مخاصمات مستحسنة و توکل و اعتماد و استمداد از خالق عباد از شر و شیاطین مکاره و شکوک ملاحظه غداره محافظت نموده آن را بر وجه حسن و طریق مستحسن به گم گشتگان وادی ضلالت و بیچارگان میدان جهالت تعلیم نماید، افضل خواهد بود از کسی که اکتفا کند به لذت نفس خود و خلوت و صحبت را شیوه خود کند، چنان که فرموده اند:

افضل الطاعات احمزها

خصوصاً هر گاه احمزیت از راه جسم و روح هر دو باشد. محنت علما در تحمل افکار و مدافعه شبهات، و تکلف مشاق تدریس و تعلیم، و تخلیه نفس



به جهت فهم مطالب، وسلوك درمیان عباد بر نهج سداد به شیوه تواضع و انقیاد  
و طریقه اخلاص و سداد، و تجنب از حب ریاست و محاسده و مباغضه و عجب  
و کبر و غیر آنها چندان است که به غیر خدا و علما نمی دانند. فطوبی لعالم عمل  
بما علم، و ترقب فی حصول علم مالا یعلم. والله الهادی الی الرشاد.



## فهرست‌ها :

- \* نام‌کسان
- \* نام‌جاها
- \* کتابها و نوشته‌ها



### نام کسان

ابن ابی یغفور ۳۴۸	آرام بن سام بن نوح ۲۹۶
ابن ادريس ۳۵۰	آعجکی ۲۴
ابن بابويه ۳۳۴ ، ۳۶۶	آقا بابا مستوفی آشتیانی ۲۵۲
ابن خلکان ۳۳۴	آقا بزرگ ۲۶۳
ابن شهاب یزدی ۱۳ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۲	آقاخان ، صدر اعظم ۷۶
ابن عربشاه ۱۱ ، ۲۶	آقاخان محلاتی ۷۷
ابن مطهر حلّی ۳۵۳	آیبه سلطان ۴۲
ابن ملجم ۳۳۱	ابراهیم ، امامزاده ۳۶
ابو بصیر ۳۴۹	ابراهیم بن عثمان ۳۵۰
ابو بکر (خلیفه) ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۹ ، ۵۱	ابراهیم ، فخرالدین ۲۶ ، ۲۷ ، ۳۵
۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸	ابراهیم قمی ۱۷ ، ۱۸ ، ۳۴
۵۹ ، ۵۸	ابن ابی عمیر ۳۴۰
ابو بکر بن میران شاه ۲۹	ابن ابی العوجاء ۳۸۸ ، ۳۷۲

اردشير بابکان ۳۰۶  
 ارسطو ، پيش کار کرمانشاه ۱۰۶  
 اسحاق ، عز الدين ۱۵ ، ۱۷ ، ۳۶  
 اسفنديار ۲۸  
 اسکندر ، جلال الدوله ۲۱  
 اسکندر فرزند عمرشېخ ۱۴ ، ۲۷ ، ۲۹  
 ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳  
 اسکندر فيلقوسی ۳۰۵ ، ۳۰۶  
 اسماعيل بن جعفر صادق ۷۷  
 اسماعيل صفوی ، شاه ۶۳ ، ۷۸  
 اسماعيل بن عباد ۷۵  
 اسماعيل بن علی نوبختی ۳۳۴  
 اصیل الدين فرزند علی صفی ۱۴ ، ۱۵  
 ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۳۵  
 اصیل الدين قمی ۲۴ ، ۲۵  
 اعتضاد الدوله ، مهدی خان ۶ ، ۸۷  
 ۲۴۹ ، ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۸۳ ، ۳۱۶  
 افلاطون ۳۶۷  
 اللهيارخان افغان ۲۵۱  
 امير المؤمنين (عليه السلام) ۱۳۹ ، ۳۱۱  
 ۳۴۵ ، ۳۴۷ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، ۳۷۰ ، ۳۷۶

ابو الحسن ( عليه السلام ) ۳۲۸  
 ابو خالد کابلی ۳۳۴  
 ابوذر غفاری ۲۶۴ ، ۳۲۶ ، ۳۴۳ ، ۳۴۴  
 ابوسعید ایلخانی ۱۱ ، ۱۲ ، ۲۰  
 ابو سعید گورکانی ۵۸  
 ابو عبدالله ( عليه السلام ) ۳۴۰ ، ۳۴۸  
 ۳۵۲ ، ۳۷۲  
 ابو علی ( ابن سینا ) ۳۶۷  
 ابوالقاسم اصفهانی ۲۵۹ ، ۲۶۴  
 ابوالقاسم قمی ، صاحب قوانین ۶ ، ۹۵  
 ۱۰۷ ، ۳۱۹ ، ۳۲۱  
 ابومسروق ۳۴۰  
 ابومنصور المتطبب ۳۷۲  
 احمد آق قویونلو ۶۲  
 احمد اردبیلی ۳۲۵ ، ۳۵۳  
 احمد بن قاسم ۱۶ ، ۳۶  
 احمد قمی ۳۰ ، ۳۷  
 احمد نائب الصدر ۲۶۳  
 احمد بن محسن المیثمی ۳۷۱  
 احوص بن مالک اشعری ۷۴ ، ۸۸  
 ارجاسب ، خاقان چین ۲۸۳

۲۸ ، ۲۹ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۹ ، ۷۹  
 جابر جعفی ۳۴۳  
 جعفر (علیه السلام) ۶۳ ، ۳۷۲  
 جعفر طباطبائی تاجر ۲۹۴  
 جعفر بن محمد حسینی ۳۱  
 جعفری ، مؤلف تاریخ کبیر ۲۳  
 جلال الدوله ۲۱  
 جلال الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۳ ، ۳۵  
 جلال الدین خوارزمشاهی ۲۷۶  
 جمال ترابی طباطبائی ۵۷ ، ۶۰ ، ۶۲  
 جواد ، حاجی سید ۱۰۶ ، ۱۳۸  
 جهان شاه ۲۵۹  
 چولیان شاه ۳۰  
 حاجی بن سعادتشاه ۳۴  
 حافظ ابرو ۱۳ ، ۲۴  
 حافظ ، خواجه ۳۰ ، ۱۳  
 حبیب الله گرگانی ، میرزا ۸۳ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱  
 ۱۰۰ ، ۱۱۸ ، ۱۲۶  
 حجاج بن یوسف ۷۴ ، ۸۸  
 حر عاملی ۳۵۳  
 حسن (علیه السلام) ۶۳ ، ۷۷

امین الدوله ۲۷۴ ، ۲۷۵  
 امین الدوله اصفهانی ۱۴۱  
 اوزون حسن ۵۸  
 اولیاء الله آملی ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۱  
 اویس قرنی ۳۴۳  
 اویس میرزا ۲۹  
 ایغور ، امرا ۲۱  
 ایلدرم بایزید ۲۶  
 بابا آشتیانی ، میرزا ۸۹  
 باجی کهره ۳۱۲  
 باقر (علیه السلام) ۳۴۰  
 بایزید ۳۲۵ ، ۳۲۷ ، ۳۲۹ ، ۳۳۱ ، ۳۳۷  
 ۳۶۶  
 بروجردی ، حاج آقا حسین ۷  
 بندک اروم قیا ، امیرزاده ۲۱  
 بیژن فرزند گیوبایر ۷۴ ، ۸۷  
 پیر احمد ساده ۱۳ ، ۲۱  
 ترک بن یافث بن نوح ۷۹  
 تقی خان ، امیر کبیر ۷۶ ، ۹۱  
 تقی لسان الملك ۲۶۴  
 تیمور (گورکانی) ۱۱ ، ۱۳ ، ۲۶ ، ۲۷

خاندان صفی ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۹، ۴۵

خدیجه خاتون ۲۳، ۳۵

خضر «ع» ۱۲۴

خضر تیرگر ۳۰

خلیل میرزا فرزند میران شاه ۱۳، ۲۸

دانیال ۳۰۵

داود بن سرحان ۳۳۹

رستم، سلطان ۶۱

رسول الله (ص) ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۵۰

رشید خان ۱۱۱

رضا، علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

۷۵، ۷۷، ۸۸، ۳۲۸

رکن کرد ۲۱، ۲۲

روملو، مؤلف احسن التواریخ ۲۳، ۳۲

۳۴

زیبده دختر ابوجعفر دوانیقی ۲۴۹

زرقا ۳۳۴

زهره خاتون ۲۵

زین العابدین (علیه السلام) ۲۶۴

زین العابدین تبریزی ۹۱، ۱۲۶، ۱۴۱

زین العابدین فرزند شاه شجاع ۲۴، ۲۵

سجاح ۳۳۴

حسن بابی ۱۰۸

حسن بن بابویه دیلمی، رکن الدوله ۴۱

حسن عسکری (علیه السلام) ۷۷، ۹۶

حسن بن علی (علیه السلام) ۳۴۹، ۳۵۰

حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک

قمی ۳۵

حسن کاتب ۳۴

حسن لازدی، امیر ۲۱

حسن بن محمد بن حسن قمی ۲۶، ۳۴

حسن بن نظر علی کیخی رشتی ۳۲۲

حسن نطنزی، ملا ۲۶۴

حسینین (علیهما السلام) ۳۶۲

حسین (علیه السلام) ۶۳، ۳۳۶

حسین حاجی حسینی ۸۰

حسین بن روح ۳۳۴

حسین مجتهد، سید ۲۶۴

حسین مهاجر ۱۷۰

حسین، میرزاسید ۷۸

حلاج ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۲

حماد بن عثمان ۳۴۰

حماد بن عیسی ۳۵۰

حمران (بن اعین) ۳۳۷



صالح حسن آبادی ۱۶۷  
 صباحی ۲۹۸  
 صدرا ، ملا ۳۵۸ ، ۳۶۸ ، ۳۷۲ ، ۳۷۳  
 صدوق ۳۳۷  
 صفی ، شیخ ۳۴  
 صفی الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۳  
 صفی صفوی ، شاه ۲۷۸  
 ضحاک ۲۸۵  
 طبرسی ۳۴۵  
 طوسی ، شیخ ۲۲۷ ، ۳۳۴ ، ۳۶۶  
 طهماسب صفوی ، اول ۶۴ ، ۶۵  
 طهماسب صفوی ، دوم ۶۵ ، ۶۶  
 عباس بن علی «ع» ۲۵۶  
 عبدالرحمن بن محمد اشعث ۷۴ ، ۸۸  
 عبدالرحیم منشی ، سهیل ۲۶۵  
 عبدالرزاق خان ۲۶۵  
 عبدالصمد ، امیر ۳۰  
 عبدالعظیم ، امامزاده ۱۴۰  
 عبدالله پروانچی ۳۰ ، ۳۲ ، ۳۳  
 عبدالله کوفی ۳۳۴  
 عبدالله بن مالک اشعری ۷۴ ، ۸۸  
 عبدالله بن المقفع ۳۷۲

سراج ، میر ۷۸  
 سربخش ، سید ۲۳  
 سلطان حبیب ۱۵۸  
 سلمان فارسی ۳۴۳ ، ۳۴۴ ، ۳۴۵  
 سلیم ، قیصر روم ۷۸  
 سلیم بن قیس هلالی ۳۵۰  
 سمرقندی ، مؤلف مطلع السعدین ۲۳ ، ۳۲  
 سیدالشهدا (علیه السلام) ۱۳۰  
 شاهرخ فرزند تیمور ۲۸ ، ۲۹ ، ۵۱ ، ۵۲  
 ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۹  
 شاه صاحب ۱۵۸  
 شاه نجف ، علی «ع» ۱۶۹  
 شبانکاره ای ۱۱  
 شبستری ۳۳۳ ، ۳۳۵  
 شجاع مظفری ۴۴  
 شرف ، مهتر ۳۱  
 شکوه السلطنه ۱۳۰  
 شیخ ، طوسی ۳۴۹  
 صاحب الامر (علیه السلام) ۳۳۶  
 صاحب الزمان (علیه السلام) ۳۵۱  
 صادق (علیه السلام) ۳۲۸ ، ۳۳۹ ، ۳۴۸  
 ۳۴۹

۳۵، ۳۳، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۷، ۱۶، ۱۵

۳۷

علی صفی دوم ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۰

علی ، قوام الدین ۱۶، ۱۷

علی کرکی ، شیخ ۷۸

علی مازندرانی ، رکن ۷، ۳۲۵

علی بن محمد ابوشجاع بنا ۳۵

علی بن محمد بن حسن کاتب ۴۱

علی بن محمد باقر، امامزاده ۱۵۸، ۳۱۱

علی النقی (علیه السلام) ۷۸

علی یزدی ، شرف الدین ۲۸

عماد کور ۳۲

عمر (خلیفه) ۴۴، ۴۶، ۴۵، ۴۹، ۵۱

۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸

۵۹، ۳۵۰، ۳۵۱

عمر شیخ فرزند تیمور ۲۸، ۲۹

عیسی بن مریم «ع» ۳۳۰، ۳۷۷

غازان خان ۸۹

غفار خان خلج ۸۴

فاطمه (علیها السلام) ۶۳، ۳۳۶

فاطمه بنت موسی «ع» ۷۵، ۷۷

فتحعلی خان ملک الشعراء ۲۶۵

عبد الملک مروان ۷۴، ۸۸

عبد الواسع منزوی ۲۵۸

عبیده ، امیر ۲۱

عثمان (خلیفه) ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۱

۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹

عقد مکابا ۲۱

علاء الدوله سمنانی ۳۲۹

علاء الدین محمد هندوشاه ۱۴، ۱۵

علامه حلّی ۳۲۵، ۳۲۷

علی (علیه السلام) ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۹

۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸

۵۹، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۶۳، ۳۵۱، ۳۶۲

علی اکبر خلج ۱۶۸

علی پاشا ۲۲

علی ، تاج الدین ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰

۲۳، ۲۴

علی بن جعفر ۱۰۹

علی ، جمال الدین ۱۶

علی دمه سر ۳۲

علی زند ۸۱

علی ، زین الدین ۳۴

علی صفی ، ماضی (علی بن صفی الدین)

محقق حلي ٣٢٧  
 محمد (صلى الله عليه وآله) ٤٤ ، ٤٥  
 ٤٦ ، ٤٩ ، ٥١ ، ٥٢ ، ٥٣ ، ٥٤ ، ٥٥  
 ٥٦ ، ٥٧ ، ٥٨ ، ٥٩ ، ٦٣ ، ٦٤ ، ٦٥ ، ٦٩  
 ٧٠ ، ٣٤٠ ، ٣٥٦ ، ٣٦٢  
 محمد بن احمد صيرفي ٤١  
 محمد باقر (عليه السلام) ٣٣٣  
 محمد باقر حجة الاسلام شفتي ٣٥٤  
 محمد باقر مجلسي ٣٥٩ ، ٣٦٨  
 محمد تاجر ٢٧٩  
 محمد تقى بيك ارباب ٦ ، ١١١ ، ١٧٣  
 محمد حسين خانى ٢٦٤  
 محمد حسين خلیج ٨٤  
 محمد حسين نظام الدوله ٢٥٩  
 محمد بن حكيم ٣٤٠  
 محمد خان امين خلوت ٢٦٤  
 محمد خان قاجار ٨١ ، ٢٥٢  
 محمد الخزاز ٣٤٨  
 محمد رضا عضد الدوله اصفهاني ٢٦٤  
 محمد ، شمس الدين ١٦ ، ١٧ ، ١٨  
 محمد صالح مازندراني ٣٧٢ ، ٣٧٣  
 ٣٧٥

فتحعلى شاه قاجار ٦٦ ، ٦٧ ، ٦٨ ، ٦٩  
 ٨٩ ، ٢٥٢ ، ٢٨٣  
 فخر الدوله ، ملك ٢٢  
 فرخ خان امين الدوله ٢٥٢  
 قائم ، حجة بن الحسن ( عليه السلام )  
 ٧٥  
 قرا يوسف تركمان ٣٠  
 قلقشندى ١٢  
 قيصرى ٣٣٠  
 كاظم ( عليه السلام ) ٣٤٨  
 كاظم ، سيد ٢٥٨  
 كريم خانزند ٧٩ ، ٨٠ ، ١١٨  
 كلب على خان خلیج ٢٥٢  
 كلينى ٣٥٠ ، ٣٥٢ ، ٣٧١  
 كميل بن زياد ٣٤٣ ، ٣٤٦  
 كيخسرو كياني ٧٤ ، ٨٧  
 كيقيباد ٧٤  
 كيكاوس ميرزا ١١٠  
 لطف على بيك آذر ٧٩  
 مالك اشعري ٨٨  
 متوكل عباسى ٧٨  
 محسن فيض كاشانى ٢٦٣ ، ٣٥٣ ، ٣٥٤  
 ٣٥٥ ، ٣٥٨

محمد طاهر قمی ۳۵۳

محمد بن عبدالله خراسانی ۳۲۸

محمد علقمی ۹۳

محمد علی خان ۲۶۵

محمد علی ، میرزا ۱۰۷

محمد فرزند علی صفی ۳۶

محمد بن عمر شیخ ۲۹

محمد ، غیاث الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۳ ، ۲۷

۳۱ ، ۳۲ ، ۳۶

محمد قمی ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰

۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۵۷

محمد کاشی ، ملا ۱۶۳ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰

۲۶۳

محمد مجتهد ۲۶۴

محمد بن مسلم ۳۴۰

محمد نطنزی ، میرزا ۲۶۴

محمد وزیر ۲۶۵

محمد بن یعقوب کلینی ۳۴۸ ، ۳۶۶

محمود فرزند ابراهیم ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۷

۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳

محمود ، عماد الدین ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸

۲۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۲۵۹

محمود قلیجائی ۹۱ ، ۲۵۱

محمود قمی ۲۳ ، ۳۱ ، ۴۵ ، ۴۶

محمود کاشانی ۲۶۴

محمود بن محمد باقر ۳۱۱

محبی الدین عربی ۳۲۵ ، ۳۲۷ ، ۳۲۹

۳۳۰ ، ۳۳۷ ، ۳۴۲ ، ۳۵۵ ، ۳۵۷ ، ۳۶۶

مخدوم ، میرزا ۳۵۳

مراد بیک آق قویونلو ۴۲

مرتضی ، شریف ۳۲۵ ، ۳۲۷ ، ۳۶۶

مستصم عباسی ۹۳

مستوفی الممالک ۱۳۶

مسیح ، عیسی ۳۳۰

مسيلمه کذاب ۳۳۴

مصطفی قلی خان عرب ۱۵۰

مظفر پراهانی ۲۸ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳

معزز عباسی ۴۱

معصومه «ع» ۷۶ ، ۱۰۰ ، ۱۰۳ ، ۱۱۰

معلی بن خنیس ۳۴۸

مفید شیخ ۳۲۵ ، ۳۲۷ ، ۳۳۴ ، ۳۶۶

ملای روم (رومی) ۳۲۵ ، ۳۲۶ ، ۳۲۹

۳۳۱ ، ۳۳۳ ، ۳۴۲ ، ۳۵۱

منجم باشی ۱۴۹

نایب السلطنه ، امیر کبیر ۲۶۵  
نجف خان ۲۵۲  
نصر الله امام جمعه ۲۶۴  
نصر الله صحرائی ۳۲  
نصر الله صدر الممالک ۱۳۹  
نصر الله مستوفی گرگانی ۱۲۵  
نور الله شوشتری ۳۵۷  
هاتف ۲۹۸  
هادی مستوفی ، میرزا ۲۵۲  
هارون الرشید ۷۵ ، ۸۹ ، ۲۴۹ ، ۲۵۱  
۲۸۳  
هبة الله قمی ، بهاء الدین ۳۴  
هلاکوخان ۷۶  
یحیی قمی ۳۴  
یعقوب آق قویونلو ۵۹ ، ۶۰  
یوسف خلیل ۳۰ ، ۳۲  
یونس ۳۴۸ ، ۳۴۹  
یونس بن یعقوب ۳۴۹

منصور حلاج ۳۳۱ ، ۳۳۴  
منصور ، شیخ ۲۶۴  
منصور مظفری ، شاه ۱۳ ، ۲۴ ، ۲۵  
موسی (علیه السلام) ۶۳ ، ۷۷  
موسی جوکار ۲۵  
موسی بن خزر ج اشعری ۷۶  
موسی مبرقع ۷۸  
مهدی پشت مشهدی ۲۷۴  
مهدی ، حاجی آقا بزرگ ۲۵۹  
مهدی خان اعتضاد الدوله ۶  
مهدی مستوفی ، میرزا ۱۴۲  
مهدی نراقی ۲۶۳  
میران شاه ۲۹  
میرزای هندی ۱۵۰  
میرزای قمی - ابوالقاسم قمی  
میرنشانه ، امامزاده ۲۵۸  
نائب الصدر شیرازی ۷  
نادر شاه افشار ۲۵۱  
ناصر الدین شاه قاجار ۷۳

نام جایها و شهرها و دهات

آوه ۲۸	آب شاه ۲۷۹
ابراهیم آباد ۲۸۹ ، ۲۹۱ ، ۲۹۷	آتشکده اردشیر ۳۰۶
ابرجس ۱۴۷	آدم آبادسفای ۳۰۷
ابریستان ۹۷ ، ۹۸ ، ۱۳۹	آدم آباد علیا ۳۰۷
ابریستان رعیتی ۹۸	آدم آباد کوچک ۲۹۴
ابرقوه ۲۹	آذربایجان ۲۹ ، ۳۰
ابرونک ۳۰۷	آرامگاه خواجه اصیل الدین ۳۵
ابوزید آباد ۲۷۴ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹	آرامگاه خواجه علی صفی ۳۵
اتابکی ، مزرعه ۳۰۷	آران ۲۵۵ ، ۲۵۷ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸
احمد آباد ۲۹۱ ، ۲۹۷	آران دشت ۲۹۷
احوص آباد ۱۳۷	آستان شیخ صفی ۳۴
ارباب بیجه ۹۶	آستانه حضرت معصومه ۱۰۰
اردبیل ۷۹	آسیای خونی ۲۸۴
اردهال ۱۵۸ ، ۱۶۳ ، ۳۰۵ ، ۳۱۱	آقا باجی کهره ۳۱۲

بابلان ۷۶	ارمک ۱۶۱
باریکر سف ۳۱۱	ازناوه رود ۳۱۲، ۳۱۳
باغ آقا حسین ۱۰۴	استبف ۲۹۹
باغ ابراهیم تاجر ۱۰۶	استرک ۳۰۹، ۳۱۰
باغ ارغوان ۱۰۹	اسحاق آباد ۲۹۶، ۳۰۷
باغ باجک ۱۰۶	اسدالله، مزرعه ۱۰۳
باغ بالای حاج اصغر خان ۱۰۴	اصفهان ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۷۵
باغ پشم ۱۰۹	۷۸، ۷۹، ۸۸، ۸۹، ۱۴۳، ۲۴۹، ۲۵۱
باغ پنبه ۱۰۷	۲۵۲، ۲۷۵، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۲۳، ۳۲۴
باغ تالار ۳۰۶	افشه جرد ۱۷۰
باغ حاجی اصغر خان ۱۰۶	اکبر آباد ۲۹۱
باغ حمام ۱۰۵	الله آباد ۲۹۳
باغ حیدری ۱۰۸	الیاس، دشت ۳۱۴
باغ خواجه جعفر ۱۰۹	امیر آباد ۱۶۹، ۲۹۲
باغ دراز ۱۰۵	امین آباد ۲۹۱
باغ دراز آقا ابوالقاسم ۱۰۹	انار آباد ۷۴، ۸۷، ۹۰، ۱۴۲، ۱۴۳
باغ دلگشا ۱۱۰	۱۵۶، ۱۶۴
باغ ربک ۱۱۱	اهواز ۷۴
باغ زنبیل آباد ۱۱۱	ایران ۱۱، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۳
باغ زیدان ۱۰۸	۳۵، ۴۲، ۷۸، ۸۹، ۲۵۱، ۲۵۲، ۳۰۰
باغ سلطانم ۱۰۹	۳۰۶، ۳۲۳
باغ سیدان ۱۱۱	ایوب آباد ۲۹۸

باغ محمد تقی بیک اریاب ۱۱۱

باغ منده ۱۰۳

باغ مورچی ۱۱۰

باغ میرزا صفی ۱۱۱

باغ نو حضرت ۱۱۰

بال نو سرو کاج ۱۰۷

باغ وزیر ۱۰۵

باغ هارون آباد ۱۰۶

باغچه قاسم ۱۰۹

باغچه نو ۱۱۰

باقر آباد ۳۰۸

بحر ۲۹۴

بدیع آباد ۲۹۱، ۳۰۷

بدیع آباد مشهد ۲۹۴

بر اوستان ۹۲، ۹۴

بردرد ۳۱۳

برز آباد ۲۹۳

برزک ۳۰۲

برگسین ۳۰۴

بروجرد ۲۸، ۳۲۳

بزم چاه ۳۰۳

بصره ۳۴۰

باغ شاه (کاشان) ۲۸۴

باغ شاه مراد ۱۰۹

باغ شمس آباد ۱۰۷

باغ صفا ۱۱۱

باغ عباسقلی بیک ۱۰۵

باغ علی جانی ۱۷

باغ غیاث آباد ۱۱۱

باغ صاحب آباد ۱۰۸

باغ فخر آباد ۱۰۷

باغ قاسم دباغ ۱۰۵

باغ قاضی ۱۱۰

باغ قلعه مشرف ۱۰۹

باغ قلعه میرزا جان ۱۱۰

باغ قلعه میرعلی نقی ۱۱۰

باغ قهبان ۱۱۰

باغ کرباسی ۱۰۸

باغ کوچه خوزیان ۱۱۰

باغ کیکاوس میرزا ۱۰۵

باغ گاوچاه ۱۰۷

باغ گنبد سبز ۱۵، ۲۰، ۲۳، ۳۷، ۱۰۹

باغ متولی باشی ۱۰۶

باغ محب ۱۰۸



- بقعه سلطان ۱۵ارون ۲۵۶  
 بقعه سید سربخش ۲۳  
 بقعه سید معصوم ۱۱۵  
 بقعه شاپور علی ۱۱۵  
 بقعه شاه ابراهیم ۱۱۴ ، ۱۱۵  
 بقعه شاه اسماعیل ۱۱۵  
 بقعه شاه جعفر ۱۱۴  
 بقعه شاه جمال ۱۱۵  
 بقعه شاه حمزه ۱۱۴  
 بقعه شاه سید علی ۱۱۵  
 بقعه شاه ظہیر ۱۱۴  
 بقعه شیخان ۲۵۸  
 بقعه ضیاء الدین ۲۵۷  
 بقعه طاہر و منصور ۲۵۸  
 بقعه طیب و طاہر ۱۱۵  
 بقعه علی بن بابویہ ۱۱۴  
 بقعه علی بن جعفر ۱۰۹ ، ۱۱۵  
 بقعه مشہد اردہال ۱۱۵  
 بقعه معصومہ ( قاسم آباد ) ۱۱۵  
 بقعه معصومہ کھک ۱۱۵  
 بقعه ملامحسن فیض ۲۵۸  
 بقعه موسویان ۱۱۴  
 بطرید آباد آب شیرین ۲۹۰  
 بطرید آباد بیزدل ۲۸۹  
 بطنی جرد ۱۷۳  
 بغداد ۲۹  
 بقعه ابو اؤلؤ ۲۵۸  
 بقعه احمد بن اسحاق ۱۱۴  
 بقعه احمد بن قاسم ۱۱۶ ، ۱۱۴  
 بقعه امامزادہ ابراهیم ۱۱۵  
 بقعه امام زادہ حسن ۲۵۶  
 بقعه امام زادہ زید ۱۱۵  
 بقعه امام زادہ محسن ۱۱۵  
 بقعه امیر احمد ۲۵۷  
 بقعه بابا افضل ۱۵۸  
 بقعه پشت مشہدی ۲۵۸  
 بقعه جعفر بن زین العابدین ۲۵۷  
 بقعه خاک فرج ۱۱۴  
 بقعه خدیجہ خواتون ۲۳  
 بقعه زید بن حسن ۲۵۷  
 بقعه ساریہ خواتون ۱۱۵  
 بقعه سلطان حبیب ۲۵۷  
 بقعه سلطان عطا بخش ۲۵۷  
 بقعه سلطان محمد شریف ۱۱۴

پیربچه ۳۰۷  
 پی مال ۱۴۸  
 تاج آباد ۲۹۶  
 تبریز ۳۰ ، ۲۹  
 تجرگان ۳۰۷ ، ۲۹۳  
 تخته پل ۲۵۷  
 تستر ، مزرعه ۳۰۴  
 تفرش ۱۴۳ ، ۸۹ ، ۷۵  
 تنه پائین ۱۰۲ ، ۱۰۰  
 توران ۷۴ ، ۲۸  
 تهران ۳۲۲ ، ۴۲  
 چاپلق ۳۲۲  
 جاسب ۱۵۸ ، ۱۵۷ ، ۱۵۶ ، ۱۵۴ ، ۱۵۳  
 جبل خضر ۱۲۴  
 جبل عامل ۷۸  
 جردکان ۱۰۰  
 جز آباد ۳۱۰  
 جزاوند ۳۰۱  
 جزستان ۱۳۶  
 جزه ۳۰۲  
 جعفر آباد ۱۲۸ ، ۱۲۲ ، ۱۰۲ ، ۸۰  
 ۳۰۷ ، ۲۹۴

بقعه میرزا ابوالقاسم قمی (قم) ۱۱۵  
 بقعه میرزا ابوالقاسم مجتهد (کاشان)  
 ۲۵۸  
 بقعه هادی ومهدی ۱۱۵  
 بقعه ملال بن علی ۲۵۷  
 بلالا ۳۰۸  
 بونکری ۳۰۰  
 بیت الله (کعبه) ۳۶۰  
 بیجگان ۱۵۶ ، ۱۵۵  
 بید آباد ۳۰۷  
 بید گل ۲۹۸ ، ۲۵۷ ، ۲۵۴  
 بید هند ۱۴۷ ، ۱۴۶  
 بیست خروار ۱۰۳  
 بیشه ۳۱۳ ، ۳۰۷ ، ۳۰۳  
 پاچنار ۳۰۷  
 پادارو ۳۱۶  
 پریان ۳۱۳ ، ۲۹۴  
 پشت مشهد ۲۶۱ ، ۲۵۷ ، ۲۵۴ ، ۲۵۳  
 ۲۸۲ ، ۲۸۱ ، ۲۸۰ ، ۲۷۸ ، ۲۶۳ ، ۲۶۲  
 پل دلاک ۱۱۹  
 پل کوچک ۱۶۸  
 پنجه شاه ۲۵۹ ، ۲۵۶  
 پیچاره ۳۱۳

چشمه فین ۲۷۸ ، ۲۸۲ ، ۲۸۵ ، ۳۰۶

چشمه قاضی ۳۰۸

چشمه محلات ۳۰۶

چشمه نابر ۲۸۵

چشمه نیاسر ۳۰۶

چم آسیا ۱۷۰

چم آسیا خرابه ۱۶۷

چم استاد حسین ۱۶۶

چم پل کوچک ۱۶۸

چم ترکان ۱۶۶

چم حاجی مراد ۱۶۶

چم حسین آباد ۱۶۶

چم رمضان ۱۶۶

چم سرخه ۱۶۸

چم صالحی ۱۶۷

چم صفر علی ۱۶۶

چم عابدین ۱۶۵

چم لاس آباد ۱۶۶

چم محسن خان ۱۶۷

چم ملا علی ۱۶۸

چم میرزائی ۱۶۷

چم نوروز ۱۶۷

جعفر آباد بزرگ ۲۸۹

جعفر آباد کوچک ۲۹۱

جفت گاو سر ۹۹

جفته ۱۰۳

جلال آباد ۲۹۶

جمال آباد ۲۸۰ ، ۳۱۵

جمالیه ۱۰۳

جمرو سعد آباد ۱۰۱

جمکران ۹۶ ، ۹۷

جنت آباد ۱۲۸

جودان ۱۶۷

جوشقان ۲۷۵ ، ۳۰۹ ، ۳۱۰

جوق رود ۳۱۳

جهانگیر ۳۰۳

جیلان ۲۸۹

چالدران ۷۸

چاله ۲۹۰

چاله باقر ۳۰۳

چشمه اسکندر ۳۰۶

چشمه دنبلی ۲۸۴

چشمه سلیمانی ۲۷۸

چشمه علی ۱۶۵

حکیم شهره ۲۷۹  
 خاتون ، مزرعه ۳۰۷  
 خوار ۷۹  
 خانقاه خواجه علی صفی ۳۷  
 خاوه ۱۶۰ ، ۱۴۹  
 خراسان ۲۵۱ ، ۲۸  
 خرم آباد ۲۹۷  
 خرم دشت ۳۰۰  
 خزاق ۲۸۶  
 خسرو آباد ۳۱۴  
 خلج ۸۹ ، ۷۵  
 خلج آباد ۱۳۲  
 خلف آباد ۲۸۶  
 خلیل آباد ۲۹۸  
 خم آباد ۱۰۰  
 خماریخان ۱۳۲  
 خماریخان سفلی ۱۳۳  
 خنب ۳۰۱  
 خوابق ۲۹۰  
 خواجه شاه محمود ، مزرعه ۲۹۷  
 خوانچه ۳۰۷  
 خواهان سفلی ۳۱۳  
 خواهان علیا ۳۱۳

جم یحیی آباد ۱۶۶  
 چهار باغ (کاشان) ۲۷۹  
 چهار باغ ، مزرعه ۳۰۴  
 چهل حصاران ۷۴ ، ۸۸  
 چیم ۲۹۰  
 چین ۲۸۳  
 حاجی آباد ۱۳۵ ، ۱۳۲ ، ۱۱۹ ، ۸۱  
 ۳۰۴ ، ۱۸۹  
 حاجی آباد لگها ۱۳۰  
 حسکویه ۲۹۰  
 حسن آباد ۲۷۸ ، ۱۷۰ ، ۱۳۶ ، ۱۳۵  
 ۳۰۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۴ ، ۲۸۴ ، ۲۸۳ ، ۲۷۹  
 حسن رود ۳۱۰  
 حسن کان ۳۰۰  
 حسین آباد ۳۱۳ ، ۳۰۹ ، ۲۹۹ ، ۲۹۷  
 حسین آباد بیدگل ۲۹۳  
 حسین آباد دهک ۸۲  
 حسین آباد مبلغ آباد ۲۹۳  
 حسین آباد ، مزرعه ۲۹۱ ، ۱۶۵ ، ۱۳۰  
 ۲۹۲  
 حصار شنه ۱۲۷  
 حصیر آباد ۱۳۶

درب ملك آباد ۲۵۸	خور آباد ۱۵۳
درببچه ۲۹۱	خوزستان ۸۸
در دار ۳۰۷	خومله ۳۰۷
درسور ۳۰۷	خبر آباد ۲۹۸ ، ۳۱۳
درگز ۳۱۳	خبر آباد ازان ۲۹۳
درلا ۳۰۱	خبر آباد سن سن ۲۹۲
درم ۲۹۱	دارالحکومه (کاشان) ۲۶۱
دروازه اصفهان ۲۶۱	دارالضرب قم ۳۴ ، ۳۹ ، ۴۱
دروازه بن گوش ۳۱	دانشگاه (تهران) ۷
دروازه دولت ۲۷۹	دانه جرد ۲۹۰
دروازه عطا ۲۵۷	درباغ ۱۴۶
دروازه فین ۲۶۲	درب اصفهان ۳۷ ، ۲۵۷
دروازه کاشان ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۱۰۸	درب چوقا ۳۰۴
دروازه کنکان ۲۲ ، ۳۳ ، ۳۷	درب حضرت معصومه ۱۰۳
دروازه لتحر ۲۶۱	درب ری ۱۰۳
دروازه معصومه ۱۰۴ ، ۱۰۶	درب زنجیر ۲۶۱
دره ۳۰۱	درب فین ۲۵۸ ، ۲۶۲ ، ۲۷۸ ، ۲۷۹
دستجر ۱۵۱	۲۸۴
دلیجان ۱۶۶	درب قبله ۱۰۳
دو برادران ۱۲۴	درب کاشان ۱۰۳ ، ۱۰۸
دوك ۳۰۷	درب کنکان ۳۷
دولاب ، مزرعه ۲۹۸	درب گله ۳۰۱

روضه فاطمه معصومه ۱۱۴  
روم ۷۹ ، ۳۳۱ ، ۳۳۷  
رویوان ۱۳ ، ۲۰  
رهق ۳۱۳  
ری ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۵ ، ۲۸ ، ۷۶  
زال آباد ۳۰۷  
زالون آباد ۱۳۹  
زر ۱۵۵  
زرقان ۹۷ ، ۱۶۹  
زره ، مزرعه ۳۰۸  
زرین کفش ۳۱۱  
زعفرانی ۱۳۲  
زنگنه ۲۹۳ ، ۳۰۴  
زیر رود ۳۱۳  
سادیان ۳۰۸  
سار ۳۱۴ ، ۳۱۵  
ساروق ۲۸۸  
ساصرم ۲۴  
ساق آباد ۳۰۳  
سامان ۱۱۹  
ساوه ۳۰ ، ۳۲ ، ۷۹ ، ۸۱ ، ۱۲۲ ، ۱۴۳  
۲۵۱

دولت آباد ۱۳۴ ، ۱۳۸ ، ۱۶۶ ، ۲۹۷  
۳۰۷  
دولت آباد حاجی ابوالحسن ۲۸۹  
دولت آباد حاجی اشرف ۲۸۹  
ده زه ۳۱۴  
ده زیرین ۳۰۷  
دیار اسحاق ۷۵ ، ۸۹ ، ۱۴۳  
ذره ، مزرعه ۳۱۳  
راونج ۱۶۹  
راوند ۲۸۵ ، ۳۰۲  
رباط چه ۲۹۴ ، ۲۹۹  
رحمت آباد ۱۴۱ ، ۲۹۱  
رحیم آباد ۲۹۲  
رزبنده ۳۰۷  
رزه ، مزرعه ۳۰۳  
رستم آباد ۱۱۹ ، ۱۳۴  
رستم‌دار ۱۱ ، ۲۶  
رضا آباد ۱۲۹ ، ۲۹۰  
روجرود ۳۰  
رودخانه ساوه ۸۲ ، ۱۱۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱  
رودخانه صفی آباد ۳۶ ، ۳۷ ، ۱۰۳  
رودخانه قراچائی ۸۲  
رودکله ۳۰۸

سیف آباد ۳۰۷	سبزوار ۷۸
سنیقان ۱۶۲	سراجہ ۸۱ ، ۹۰ ، ۱۱۹ ، ۱۲۶ ، ۱۳۳
سیورویہ ۱۴۴	سرسراد ۳۰۵
سیمرہ ۱۴۳	سرنج ۳۰۷
شام ۲۹	سعادت آباد ۲۹۷
شانق ۱۶۳	سعد آباد ۲۹۲
شاہ آباد ۸۴ ، ۱۱۸ ، ۱۳۶ ، ۱۴۲	سعد آباد کبیر ۲۹۰
شاہ سون ۱۱۹	سغد سمرقند ۲۸۳
شاہ علی آباد ۲۹۶	سلخ نو ۳۰۷
شرف آباد ۳۱۶	سلخہ ۳۱۴
شریف آباد ۱۳۸	سلطانیہ ۳۰
شریفہ بیگم ، مزرعہ ۱۰۳	سلمان آباد ۳۰۷
شفیع آباد ۲۹۶	سلوک آباد ۳۰۷
شعب آباد ۲۹۷	سلیم آباد ۲۸۹ ، ۲۹۶
شکراہ ۱۴۰	سمرقند ۲۸
شکرچہ ۳۰۷	سنجاب ۳۱۳
شمس آباد ۹۰ ، ۹۲ ، ۱۱۹ ، ۱۴۱	سنجدہ ۳۰۷
۲۹۳ ، ۲۹۷	سن سن ۲۵۲ ، ۲۹۰
شمس آباد بزرگ ۲۹۰	سواران ۹۸
شمس آباد کوچک ۲۹۰	سور آباد ۳۰۷
شوراب ۲۹۱	سویانہ ۳۱۰
شور آباد ۲۹۸	سہ سوق ۲۵۶ ، ۲۵۸
شورابہ ۲۹۳ ، ۲۹۹	سیاہ کوه ۱۶۹

طیره ۱۴۹  
ظفر آهنگ ۲۹۷  
ظهور آباد ۲۹۰  
عابدین آباد ۲۹۲ ، ۲۹۸  
عالی آباد ۲۹۲  
عباس آباد ۱۳۱  
عبدل آباد ۲۹۶ ، ۲۹۷  
عبدالله آباد ۲۸۸  
عراق ۱۱ ، ۱۳ ، ۱۸ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۴  
۲۶ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۲ ، ۳۴ ، ۴۰ ، ۴۲ ، ۱۶۴  
۲۴۹ ، ۳۰۶  
عراق عجم ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۴  
عراق عرب ۸۸  
عراقین ۷۴ ، ۸۸  
علاقه آباد ۲۹۶  
علوی ، قریه ۳۱۰  
علی آباد ۱۰۳ ، ۱۳۳ ، ۲۹۵ ، ۲۹۷  
۳۰۷ ، ۳۱۲ ، ۳۱۳  
علی آباد اران ۲۹۲  
عنایت بیگ ۱۰۳  
عیسی آباد ۲۸۱  
غزوان ۹۵

شورک آباد ۱۲۸  
شوکت آباد ۲۹۲  
شهاب آباد ۲۸۹ ، ۳۱۳  
شهرستان ۹۳ ، ۹۵  
شهریاری ۲۹۳ ، ۲۹۹  
شهریان ۲۹۹  
شیرین آئین ۳۰۵  
شیر آباد ۲۹۳ ، ۲۹۷  
شیراز ۲۹  
صابر آباد ۲۹۸  
صاحب آباد ۲۹۰  
صالح آباد ، ۹۴ ، ۲۸۰ ، ۳۱۳  
صرم ۱۵۲ ، ۱۵۳  
صفی آباد ۲۷۷  
صید آباد ۱۶۶  
ضرابخانه قم ۴۲  
ظاهر آباد ۲۸۶  
طایقان ۱۱۸ ، ۱۶۴  
طبشقران ۹۵  
طمیجان ۲۹۱  
طوس ۷۵  
طهران ۲۵ ، ۱۴۱ ، ۱۴۳ ، ۱۵۴ ، ۲۶۵



قاسم آباد ۱۱۵ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۲۵۲ ،

۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۹ ، ۳۰۳ ، ۳۱۰

قاسم آباد آقا محمد ۲۹۳

قاصوره ۳۰۳

قالهر ۳۰۴

قبادبزن ۱۵۰

قد مگاہ ( کاشان ) ۳۱۱

قزوین ۱۴۳

قلعہ چم ۸۱ ، ۱۱۸

قلعہ سفید ۲۵

قلولو ۲۹۲

قم ۶ ، ۷ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ،

۱۶ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ،

۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ،

۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ،

۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۹ ،

۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ،

۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۴ ،

۶۵ ، ۶۶ ، ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۷۴ ،

۷۵ ، ۷۶ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ،

۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ،

۹۳ ، ۹۶ ، ۹۹ ، ۱۰۴ ، ۱۰۸ ، ۱۱۷ ،

غوطہ دمشق ۲۸۳

غیاث آباد ۲۸۲ ، ۲۹۶ ، ۳۰۷ ،

غیاث آباد بزرگ ۲۹۷

غیاث آباد کوچک ۲۹۷

فارس ۲۵ ، ۲۹ ، ۳۲ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۴ ،

۱۱۷ ، ۲۵۲

فتح آباد ۱۲۷ ، ۱۴۱ ، ۲۹۷ ، ۳۱۰ ،

فخرہ ، مزرعہ ۲۹۹

فراہہ ودنک ۹۴

فرار سیسان ۳۰۵

فراہان ۷۵ ، ۸۱ ، ۸۹ ، ۱۱۸ ، ۱۲۲ ،

۱۴۳ ، ۳۰۰

فرج آباد ۱۲۹ ، ۱۴۰ ،

فرح آباد ، ۱۳۰ ، ۲۷۵ ، ۲۹۳ ، ۲۹۷ ،

۳۱۰ ، ۳۱۲

فردو ۱۴۸

فردوس ۱۰۰

فرنگک ۲۵۳

فیروز آباد ۲۹۲

فیض آباد ۲۷۹ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸ ،

فین ۱۵۹ ، ۲۷۹ ، ۲۸۲ ، ۲۸۳ ، ۲۸۴ ،

۲۸۵

قندهار ۷۴ ، ۸۸  
 قوام آباد ۲۹۰  
 قوام ویک ۲۹۲  
 قوسین ۲۱ ، ۲۲  
 قو قو، کوه ۳۱۴  
 قه ، قریه ۳۱۵ ، ۳۱۶  
 قهرود ۲۷۵ ، ۲۷۸  
 قهستان ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸  
 ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱  
 قهیمان ۱۰۲  
 کابل ۷۴ ، ۸۸  
 کاخ گلستان ۵  
 کاروانسرای سنگ ۱۱۸  
 کاشان ۶ ، ۲۴ ، ۲۹ ، ۷۹ ، ۸۹ ، ۱۰۴  
 ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۴۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹  
 ۱۶۳ ، ۲۴۷ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲  
 ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸  
 ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۷۴  
 ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ ، ۲۸۳ ، ۲۸۸  
 ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹  
 ۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹  
 ۳۱۲ ، ۳۱۳ ، ۳۱۴ ، ۳۱۵ ، ۳۱۶

۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۴۲  
 ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶  
 ۱۵۸ ، ۱۶۴ ، ۱۶۷ ، ۱۷۳ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰  
 ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۸۸ ، ۳۰۵ ، ۳۱۴ ، ۳۲۳  
 قمرود ۷۴ ، ۸۷ ، ۱۳۷ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲  
 قمصر ۲۷۴ ، ۲۷۵ ، ۲۷۶ ، ۳۰۰ ، ۳۰۱  
 قنات دولت ۲۶۲  
 قنات شب قول ۲۸۲  
 قنات صاحبی ۲۶۱  
 قنات صفی آباد ۲۶۲  
 قنات عبدالرزاق خان کاشی ۲۶۱  
 قنات فین ۲۶۲  
 قنات قبانخانی ۱۴۲  
 قنات محمود آباد ۲۶۱  
 قنات معظم آباد ۲۶۲  
 قنات مهذب آباد ۲۶۲  
 قنات میرباقر ۲۶۲  
 قنات میرزا ابوالقاسم اصفهانی ۱۲۵  
 قنات ناصری ۷۶ ، ۱۰۲ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵  
 قنات نصر آباد ۲۶۲  
 قنات نو ۱۲۸  
 قنبر علی ، مزرعه ۱۴۰

کله جار ۱۶۱	کاوه روز ۳۰۳
کمره ۳۰۵ ، ۲۸۸ ، ۷۵	کبود دره ۳۰۰
کمیدان ۱۰۱ ، ۱۰۰ ، ۸۸	کتابخانه ملک ۳۲۲
کندنان ۳۰۴	کتابخانه وزارت دارائی ۵
کوچه دربند ۲۶۱	کدیش محمدآباد ۲۹۰
کوچه رباط ۲۶۱	کربلا ۲۵۶
کوچه کبابی ها ۲۶۲	کرج ۹۶ ، ۲۱
کوچه گاوچشمان ۲۶۱	کرجار ۳۰۰
کوشک چوپان ۲۸	کرقان سفلی ۳۰۷
کوفه ۳۴۹ ، ۳۳۶ ، ۷۵ ، ۲۹	کرقان علیا ۳۰۷
کول کان ۱۳۱	کرم آباد ۲۹۷ ، ۱۲۷
کوه دختران ۳۱۶ ، ۳۱۵	کرمان ۲۵۱ ، ۲۹
کوه دندان هفت کتل ۲۸۳	کرمانشاهان ۱۲۲ ، ۱۰۶ ، ۸۳ ، ۸۲
کوه سفید ۱۴۲ ، ۸۱	کرمجگان ۱۵۴ ، ۱۴۷ ، ۱۴۶
کوه طور ۳۳۴	کرمهه ۳۰۵ ، ۱۶۱
کوه نمک ۱۲۲	کروکان ۱۵۸ ، ۱۵۷
کوه یزدان ۱۲۳ ، ۸۴	کهرود ۲۸
کویرآباد ۲۹۴	کریم آباد ۳۰۴ ، ۲۹۱ ، ۱۲۶
که (قه) ۳۱۵	کش خرابه ۳۰۸
کهک ۱۴۵ ، ۱۱۵	کفتار کوه ۱۲۰
کهکنویه ۲۹۰	کلاه قاضی ۱۲۳
گدن گلمز ۱۲۲	کله ، قریه ۳۱۱

مؤمن آباد ۸۱ ، ۱۱۹ ، ۱۳۱  
 مبارک آباد ۱۲۹ ، ۱۳۵ ، ۲۹۲  
 مبارکه ۲۹۷  
 میرز آباد ۳۱۲  
 محلات ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱  
 محله پای قبان ۲۶۱  
 محله پای مسجد ۲۶۲  
 محله پشت عمارت حکومت ۲۶۱  
 محله سرسنگ ۲۶۱  
 محله سلطان امیر احمد ۲۵۲  
 محله سی قند ۲۶۱  
 محله ضرابی ها ۱۶۱  
 محمد آباد ۹۳ ، ۱۶۹ ، ۲۸۲ ، ۲۸۹ ،  
 ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۶ ، ۲۹۸ ، ۳۰۴  
 محمد آباد اراک ۲۹۲  
 محمد آباد جدید ۲۹۸  
 محمد آباد قدیم ۲۹۷  
 محمود آباد ۲۹۰ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۳۰۳  
 محمود آباد شهره ۲۹۸  
 مختص آباد ۳۱۰  
 مد آباد ۲۹۵  
 مدرسه آیه الله بروجردی (در نجف) ۷

گرجستان ۲۹ ، ۸۰  
 گرگابی ۹۶  
 گز ، مزرعه ۲۹۹  
 گلابه ۳۱۶  
 گلپایگان ۷۵ ، ۹۰ ، ۲۸۸ ، ۳۰۵  
 گلچین آباد ۲۹۷  
 گلستانه ۳۱۰  
 گلوبند سفلی ۳۰۴  
 گلوبند علیا ۳۰۴  
 گیلان ۱۱ ، ۲۶ ، ۳۲۲  
 گیو ۲۵ ، ۲۸ ، ۳۲  
 لاسفید ۳۰۰  
 لاسون پا ۳۱۵  
 لندر ۲۷۶ ، ۲۷۷ ، ۲۸۳ ، ۲۸۴ ، ۳۰۱  
 لرستان ۳۰  
 لریجان ۱۶۸  
 لنج رود ۱۵۳  
 لنگان ۳۰۷  
 لنگرود ۳۰۴  
 مازکول ۳۰۱  
 مازندران ۲۹  
 مالکانه ۳۱۰

مزرعه ابوالعباس ۲۹۳  
مزرعه استاد زاده ۲۹۷  
مزرعه حاجی عبدالغنی ۲۹۳  
مزرعه حاجی ملا احمد ۲۹۳  
مزرعه خواجه نورالدین ۲۹۲ ، ۲۹۷  
مزرعه خالقی ۱۷۰  
مزرعه خیار ۳۱۰  
مزرعه دنباله ۳۸۸  
مزرعه زیدی ۲۸۰  
مزرعه محمد خان ۱۴۶  
مزرعه مستوفی ۲۹۶  
مزرعه ملاحیب ۲۸۲  
مزرعه ملاقطب ۲۹۷  
مزرعه ملامحمود ۲۹۳  
مزرعه نو ۱۷۰  
مزرعه نیق ۲۸۶  
مزرعه وزیر ۲۹۴  
مزلقان ۷۹ ، ۱۱۹  
مزور ۱۶۹  
مزوش ۱۶۳  
مسجد آقا بزرگ ۲۶۲  
مسجد اقصی ۷۳

مدرسه حاج محمد حسن ترك تبریزی  
۲۶۰  
مدرسه خانبانی ۲۵۹  
مدرسه سلطانی ۲۵۹ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲  
مدرسه فیضیه ۱۱۶  
مدرسه لكها ۱۱۶  
مدرسه محمد مؤمن خان ۱۱۶  
مدرسه ملاصادق ۱۱۶  
مدرسه مهدی قلی خان ۱۱۶  
مدرسه میان چال ۲۶۰  
مدرسه ناصریه ۱۱۶  
مراد آباد ۲۸۱  
مرزبان آباد ۲۹۳  
مرق ۲۵۸ ، ۳۰۸  
مرقد میر نشانه ۲۵۸  
مروارید ۱۳۴  
مروند ۲۸  
مزار احمد بن قاسم ۳۶  
مزار خدیجه خاتون ۳۵  
مزار سید سر بخش ۳۶  
مزار شاهزاده ابراهیم ۳۶  
مزدیجان ۹۹ ، ۱۰۰

ملك آباد ۲۸۸ ، ۲۹۲  
 مندل آباد ۲۹۲  
 منصور آباد ۲۹۲ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷  
 موزه آستانه قم ۴۲ ، ۴۴ ، ۵۷  
 موزه ایران باستان ۵۸ ، ۶۱  
 موسی آباد ۲۹۲  
 مهدی آباد ۲۹۱ ، ۲۹۷  
 مهر آباد ۲۹۸  
 مهر آبیان ۱۰۲  
 مهرویان ۱۰۱ ، ۱۰۲  
 میدان صفی آباد ۳۹  
 میدان کهنه ۲۵۷ ، ۲۵۹  
 میم ۱۵۱  
 مین آباد ۲۹۷  
 نابیر ۳۰۲ ، ۳۰۳  
 ناجی آباد ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸۳  
 ناراج ۸۱ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰  
 نجف آباد ۲۹۱ ، ۲۹۷  
 نجف اشرف ۱۳۹ ، ۱۶۹ ، ۳۲۳  
 نجم آباد ۹۴  
 نخجیروان ۱۷۰ ، ۱۷۱  
 نرداغی ۱۲۳

مسجد امام حسن عسکری ۹۶ ، ۱۱۶  
 مسجد جامع ( قم ) ۱۱۵  
 مسجد جامع ( کاشان ) ۲۵۹ ، ۲۶۴  
 مسجد حاج محمد حسن ترك تبریزی  
 ۲۶۰  
 مسجد حرام ۷۳ ، ۳۷۲  
 مسجد خانابانی ۲۵۹  
 مسجد عشقلی ۱۱۶  
 مسجد عمادی ۲۵۹ ، ۲۶۴  
 مسجد ملا صادق ۱۱۶  
 مسگران ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۲۴  
 مسله گرد ۳۰۳  
 مشكان ۲۸۷  
 مشهد ، قریه ۱۵۹ ، ۱۶۰  
 مشهد شاهزاده محمود ۳۱۱  
 مشهد قالی شوران ۳۱۱  
 مصر ۷۷  
 مصطفی آباد ۲۹۴  
 معظم آباد ۲۹۸  
 معین آباد ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸  
 مغرب ۷۷  
 مکران ۲۹

وارونق ۳۰۷	نشلج ۳۰۴
واریان ۲۱۰	نصر آباد ۲۹۶
واز کروود ۱۵۲	نصر آبادجه ۲۹۷، ۳۱۶
واسان ۱۴۶	نصر آباد جیرویه ۲۹۹
واسط ۲۹	نصر آباد خربزه ۲۸۸
واشان ۳۱۰	نصرت آباد ۱۱۸، ۱۳۹
وچان سفلی ۳۱۳	نصف راه ۲۹۳
وچان علیا ۳۱۳	نصوح آباد ۱۰۳
ورامین ۷۹	نطنز ۱۵۱
ورجان ۱۴۴	نظر آباد ۱۴۰
وردید ۱۴۸	نواب شهره ۲۹۹
ورسوی سار ۲۹۴	نواران ۸۱، ۱۱۹، ۱۳۵
ورم ۳۱۵	نوذر آباد ۲۹۳
ورمال ۳۰۳	نور، مزرعه ۲۹۹
وریج ۱۴۸	نور آباد ۲۹۶، ۲۹۷
وسف ۱۴۸	نوش آباد ۲۵۵، ۲۹۶
وستونقان ۱۵۵، ۱۵۶	نھاوند ۲۹، ۳۰
وشاد ۲۹۷	نیاسر ۳۰۵، ۳۰۶
وشتکان ۱۵۶	نیق ۲۹۰
وشنوه ۱۴۹	نیمور ۹۰، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۱
وفرقان ۷۴	وادقان ۳۱۴
ون، مزرعه ۳۱۳	واران ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷

مجموعه ناصري ٧١ ، ٨٥ ، ٢٤٧

مختار البلاد ٣٢٣

مرآت البلدان ١٣ ، ٣٢١

مستدرک الوسائل ٣٢٢

مصفى المقال ٣٢٣

مطلع السعدين ١٣ ، ٢٣ ، ٣٣

معجم المؤلفين ٣٢٣

معجم المطبوعات ٣٢٣

مکرم الاثار ٣٢٣

منتخب التواريخ ، خراسانى ٣٢٢

منتخب التواريخ ، معينى ٢٨

النجوم الزاهره ١٢

نجوم السماء ٣٢١

نزوة القلوب ١٢

نهج البلاغه ٣٤٤ ، ٣٧٧ ، ٣٧٦

وحيد ، مجله ٣٥

وسائل الشيعة ٣٤١ ، ٣٤٨

هدية الاحباب ٣٢٢

هنر ومردم ٣٥ ، ٤٤

عجائب المقدور ١٢ ، ٢٦

فرهنگک ايران زمين ٥

فهرست دانشگاه تهران ٧

قصص العلماء ٣٢١

قم در قرن نهم ٢٨ ، ٣٤ ، ٤٢

قوانين الاصول ٣١٩ ، ٣٢١

کامل ابن اثير ١٢

کتابچه افضل الملک ٦

کتابشناسی آثار مربوط به قم ٦

کشاورزی و مناسبات ارضی در ايران

عهد مغول ١٤

الکنى والالقباب ٣٢٢

گنج شایگان ٤٢

لفت نامه دهخدا ٣٢٣

مآثر المعاصرين ٣٢١

مؤلفين کتب چاپى ٣٢٣

مجمع الانساب ١١ ، ١٢ ، ١٣ ، ١٤ ، ١٤

٢٠ ، ١٥

مجمل فصیحى ١٣ ، ٢٥ ، ٣٣



کتابها و نوشته‌ها

تاریخ بنا کتی ۱۲	آثار العباد ۱۲
تاریخ جدید یزد ۱۲ ، ۳۴	احتجاج طبرسی ۳۴۵
تاریخ جعفری ۱۲ ، ۱۳ ، ۲۵ ، ۲۷	احسن التواریخ ۲۳ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۴۲
۳۳ ، ۳۲	اصول کافی ۳۲۸ ، ۳۳۳ ، ۳۳۹ ، ۳۴۰
تاریخ دارالایمان قم ۶	۳۴۲ ، ۳۴۸ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، ۳۷۲ ، ۳۷۵
تاریخ رویان ۱۳ ، ۱۷ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲	اعلام زرکلی ۳۲۳
تاریخ طبرستان ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲	ایمان الشیعة ۱۲ ، ۲۶ ، ۳۲۲
تاریخ علما و شعرای گیلان ۳۲۳	انوار المشعشعین ۳۲۳
تاریخ قم ۴۱	البدر التمام ۳۲۲
تاریخ قم ، ناصر الشریعة ۳۲۳	بررسی‌های تاریخی ، مجله ۵ ، ۳۴ ، ۳۵
تاریخ کاشان ۲۹۹	بروکلمن ، تاریخ ۳۲۳
تاریخ کبیر ۲۳	تاریخ آل مظفر ۲۵
تاریخ مبارک غازی ۱۲	تاریخ الفی ۲۶ ، ۳۳

رجال قم ۳۲۳  
 روضات الجنات ۳۲۱  
 الروضة البهية في الطرق الشيعية ۳۲۱  
 روضة الصفا ۱۲ ، ۲۸  
 روضه کافی ۳۵۰  
 روملو ، احسن التواريخ ۳۲  
 رياض الرضا ۳۲۱  
 ریحانة الادب ۳۲۲  
 زند گانی شکفت آور تیمور ۱۲  
 زند گانی میرزای قمی ۳۲۳  
 سرائر ابن ادريس ۳۵۰  
 سفرنامه کارری ۴۲  
 سفینه البحار ۳۲۲  
 سکه های آق قویونلو ۶۰  
 شذرات الذهب ۱۲  
 شرح حال وحید بهبهانی ۳۲۳  
 صبح الاعشى ۱۲  
 صحیفه سجادیه ۳۷۱  
 صریح الملك ۳۴  
 طبقات أعلام الشيعة ۳۲۲  
 ظفرنامه ۲۸  
 العبر ذهبي ۱۲

تبصرة المسافرين ۳۲۲  
 تحفة الاولياء ۳۲۲  
 تذکره دولت شاه سمرقندی ۱۳  
 تربت پاكان ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۱  
 ۲۲ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷  
 ترجمه تاريخ قم ۱۵  
 ترجمه كتاب قم ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۶ ، ۳۵ ،  
 ۳۶  
 تهذيب الاحكام ۳۵۰  
 جامع التواريخ حسنی ۱۴ ، ۱۹ ، ۲۹  
 جهان آرای ۱۳  
 حافظ ابرو ، تاريخ ۱۹ ، ۲۵  
 حبيب السير ۱۲ ، ۱۳ ، ۲۵ ، ۴۲  
 حقائق السياحة ۳۲۱  
 خاندان صفی علی ۵  
 دائرة المعارف جواهر کلام ۳۲۳  
 دیار بکریه ۳۴  
 ذریعه ۳۲۳ ، ۳۲۴  
 ذیل جامع التواريخ رشیدی ۲۵  
 راه حق ، مجله ۳۲۳  
 راهنمای جغرافیای تاریخی قم ۶  
 راهنمای دنشوران ۳۲۳

همزر ۳۱۵  
هنديجان ۹۹  
ياقان ۱۱۹  
يحيى آباد ۲۸۱ ، ۳۱۴  
يحيى آباد بزرگ ۲۹۰  
يحيى آباد جديد ۳۰۸  
يحيى آباد سفلى ۲۹۴  
يحيى آباد كوچك ۲۹۰  
يزد ۲۹  
يزدل ۲۸۷  
يشبك ۳۰۳  
يمن ۸۸  
يوسف آباد ۲۹۴  
يونس آباد ۲۹۱

ون ، قريه ۳۱۴  
ونارج ۱۵۱  
وندجاي ۳۰۳  
ويجن ۲۹۹  
ويدوج ۳۰۳  
ويلمق ۱۰۳  
هاشم آباد ۱۳۶ ، ۲۹۱  
هرات ۲۸  
هراز جان ۱۵۸  
هسمنجان ۳۰۴  
هشند ۳۱۳  
همايونه ۳۰۴  
همدان ۲۹ ، ۳۰ ، ۸۹ ، ۱۴۳